



هیئت معارف جنگ  
شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

# لشکر ۲۱ در آفند و پدافند ۱۳۵۹

لشکر ۲۱ پیاده حمزه در تک (آفند) ۲۳ مهر و پدافند ۹ آبان ۱۳۵۹ در  
غرب کرخه

نویسنده: سرهنگ زرهی ستاد سید یعقوب حسینی

سرشناسه:	حسینی، سیدیعقوب، ۱۳۱۱-۱۳۸۸.
عنوان و نام پدیدآور:	لشکر ۲۱ در آفند و پدافند ۱۳۵۹: لشکر ۲۱ پیاده حمزه در تک (آفند) ۲۳ مهر و پدافند ۹ آبان ۱۳۵۹ در غرب کرخه [کتاب] / نویسنده سیدیعقوب حسینی. تهران: ایران سبز، ۱۳۹۸.
مشخصات نشر:	۲۸۸ ص.: مصور.
مشخصات ظاهری:	۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۵۳-۲
شابک:	فیفا
وضعیت فهرست نویسی:	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- عملیات پل کرخه
موضوع:	Operation Pole Karkheh -- ۱۹۸۸-۱۹۸۰, Iran-Iraq War
موضوع:	ایران. ارتش. نیروی زمینی. لشکر بیست و یک حمزه
موضوع:	DSR ۱۶۰۷
رده بندی کنگره:	۹۵۵/۰۸۴۳
رده بندی دیویی:	۵۷۳۵۴۲۵
شماره کتابشناسی ملی:	

## لشکر ۲۱ در آفند و پدافند ۱۳۵۹

نویسنده: سرهنگ زرهی ستاد سید یعقوب حسینی  
 بررسی نهایی: سرتیپ ستاد ناصر آراسته، سرتیپ ستاد سید حسام هاشمی  
 بررسی تخصصی، پیوست‌ها و ضمائم، آماده‌سازی، نمایه، نشر: سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا  
 حروف نگاری تکمیلی، صفحه آرایی: احسان محرابی  
 طرح جلد: سید حامد هاشمی  
 نوبت / سال چاپ: اول / ۱۳۹۸  
 شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۵۳-۲  
 شمارگان: ۱۰۰۰  
 ناشر: انتشارات ایران سبز  
 قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان  
 مرکز بخش: تلفن ۲۲۴۸۸۷۵۶ نمابر ۲۲۴۸۸۶۵۰

حق چاپ برای هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» محفوظ است.

«از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند.»

«جنگ تحمیلی شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهناور جهان منتشر نمود.»

امام خمینی (ره)

\*\*\*

«می‌خواهم بگویم که این جنگ یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال جنگ، بایستی تاریخ ما را تغذیه کند.»

«دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان خواهی، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی، پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است، روایت آن جهاد نیز مقدس و جهاد است.»

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

## فرازهایی از پیام حضرت امام(ره) در اسفندماه ۱۳۶۷ خطاب به روحانیت سراسر کشور (در رابطه با پذیرش قطعنامه ۵۹۸)

صحیفه امام خمینی(ره)، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۳

- ما هر روز در جنگ برکتی داشتیم که در همه صحنه‌ها بهره جسته‌ایم.
- ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم.
- ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم.
- ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم.
- ما در جنگ دوستان و دشمنان خود را شناخته‌ایم.
- ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.
- ما در جنگ اُبهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم.
- ما در جنگ ریشه‌های پربار انقلاب اسلامی مان را محکم کردیم.
- ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم.
- ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد.
- جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست.
- جنگ ما جنگ فقر و غنا بود.
- جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.
- جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند.
- ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است.
- از همه اینها مهم‌تر، استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ است، همه اینها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، از تلاش مادران، پدران و مردم عزیز در ده سال مبارزه با آمریکا، غرب و شوروی نشأت گرفته است.

● ملت ما تا آن روز که احساس کرد توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود...  
آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه  
خود عمل کرد.

برای مقابلۀ دشمنان با ایتی ما چه ارثی، چه سپاهی و چه پستی یه واحد و قدرت واحد ما شیم.

«شهید سید علی صیاد شیرازی - ۱۳۶۴/۱۱/۲۶»

## معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دستاوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

«هیئت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳ با همت والای امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» شکل گرفت و در سال ۱۳۷۴ با تصویب کریمانه و حمایت‌های مادی و معنوی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله)، مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، به صورت رسمی این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنَّا فَسَبَّوهُمْ فَمَا جَاءُوا بِاللَّهِ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی-فرهنگی- عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

\* شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۸ بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه‌ی نبرد و برداشته‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده است. هیئت معارف جنگ از سال ۱۳۷۸ تا پایان سال ۱۳۹۷ تعداد ۱۶۰ عنوان کتاب مستند درباره وقایع هشت سال دفاع مقدس منتشر نموده است.

\* آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری امام علی (ع) نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای کلیه دانشگاه‌های افسری زمینی، هوایی، دریایی و فراهی ارتش ج.ا.ا به اجرا در آمده و تا پایان سال ۱۳۹۷، تعداد ۳۰۷۵۹ نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش داده است. از سال ۱۳۹۴، آموزش معارف جنگ برای دانشجویان سال سوم دانشگاه قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (ص) نیز به اجرا درآمد.

\* هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۷ آموزش کارکنان وظیفه در مقاطع تحصیلی فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این

عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت شانزده ساعت آموزش معارف جنگ را برابر برنامه آموزشی طی نموده که تا پایان سال ۱۳۹۷، بیش از ۴۲۵۴۳۳ هزار نفر از کارکنان وظیفه که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

\* از سال ۱۳۹۰ افسران دوره‌ی عالی رسته‌ای، در هر دوره به مدت هشت ساعت و تا پایان سال ۱۳۹۷ تعداد ۸۸۰۲ نفر آموزش معارف جنگ را طی نموده‌اند.

\* از بهمن سال ۱۳۹۳ تا پایان سال ۱۳۹۷، تعداد ۴۴۹۳۰۰ سربازان دیپلم و وزیر دیپلم نیز در هر دوره به مدت هشت ساعت تحت آموزش معارف جنگ قرار گرفته‌اند.

**هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»**



## معرفی نویسنده

سرهنگ زرهی ستاد، سید یعقوب حسینی در سال ۱۳۱۱ در خانواده‌ای مذهبی در ابهر به دنیا آمد. تحصیلات خود را در ابهر و سپس در تهران ادامه داد و در سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده افسری و سال ۱۳۳۴ با درجه ستوان دومی فارغ‌التحصیل شد. پس از پایان دوره آموزش رسته زرهی، در لشکر اصفهان مشغول به خدمت شد. در سال ۱۳۴۶، پس از طی دوره دانشکده فرماندهی و ستاد به لشکر ۹۲ اهواز منتقل شد که آن زمان مصادف با آغاز اختلافات مرزی ایران و عراق و صف‌آرایی نظامی طرفین بود. وی به‌عنوان افسر عملیات و طراح طرح‌های عملیاتی مربوطه در لشکر تا سال ۱۳۵۴ در عقد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر فعال بود. از سال ۱۳۵۶، فرماندهی تیپ سوم لشکر ۹۲ زرهی را عهده‌دار گردید و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در مدیریت آمادگی رزمی معاونت عملیات و اطلاعات ستاد نیروی زمینی خدمت کرد. با آغاز جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹، به‌عنوان جانشین عملیاتی نزاجا به خوزستان اعزام شد. در سال ۱۳۶۰ با درخواست شخصی، بازنشسته شد. پس از بازنشستگی در دانشکده فرماندهی و ستاد نیروی زمینی و سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، مشغول تهیه و تنظیم تاریخ جنگ شد. با حمایت فرمانده وقت نزاجا - سرهنگ صیادشیرازی - توانست تعداد قابل توجهی کتاب، درباره عملیات‌های هشت سال جنگ تدوین کند که تاکنون تعدادی از آنها به شرح صفحه بعد در مرحله انتشار قرار گرفته و بقیه نیز در مراکز دانشگاهی و پژوهشی اجا مورد استفاده می‌باشد.

در دی ماه سال ۱۳۸۸ وفات یافت و به دیار ابدی پیوست. روحشان شاد.



عناوین کتاب‌های منتشر شده توسط هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

به قلم: سرهنگ زرهی ستاد سید یعقوب حسینی

(از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۸)

۱۳۸۶	جبهه جنوب در شهریور ۵۹
۱۳۸۷	تاریخ نظامی جنگ تحمیلی جلد ۱ (زمینه‌های بروز جنگ)
۱۳۸۷	تاریخ نظامی جنگ تحمیلی جلد ۲ (برخوردهای مرزی قبل از آغاز جنگ تحمیلی)
۱۳۹۰	عملیات والفجر مقدماتی
۱۳۹۰	نبردهای سال ۱۳۶۲ تا پایان سال ۱۳۶۴
۱۳۹۱	لشکر ۹۲ زرهی در سال اول جنگ تحمیلی
۱۳۹۲	تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی در آغاز جنگ تحمیلی
۱۳۹۲	سیل مصنوعی برای پدافند در خوزستان
۱۳۹۲	تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی در آغاز جنگ تحمیلی
۱۳۹۲	تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی در آغاز جنگ تحمیلی
۱۳۹۲	عملیات کلی سال اول جنگ تحمیلی در خوزستان
۱۳۹۳	عملیات رمضان
۱۳۹۳	عملیات الله‌اکبر
۱۳۹۳	عملیات نصر
۱۳۹۳	عملیات شیاکوه
۱۳۹۴	طرح عملیاتی دفاعی ابوذر
۱۳۹۵	نبردهای منطقه اهواز و سوسنگرد در آغاز جنگ تحمیلی
۱۳۹۵	نبردهای صحنه عملیات غرب
۱۳۹۶	نبردهای منطقه خرمشهر و آبادان در سال اول جنگ تحمیلی
۱۳۹۷	عملیات پدافندی اروند در مهر و آبان ۵۹
۱۳۹۸	تک لشکر ۲۱ پیاده حمزه در غرب کرخه، ۲۳ مهر ۵۹

به علاوه، ده‌ها عناوین دیگر که در مراکز اسناد معتبر اجا موجود و بهره‌برداری می‌گردد.

## پیشگفتار

کتابی که ملاحظه می‌فرمایید از سلسله کتاب‌هایی است که جناب سرهنگ زرهی ستاد سید یعقوب حسینی در سال‌های دفاع مقدس به رشته تحریر درآورد. پس از پایان جنگ تحمیلی تعدادی از این کتاب‌ها با عنوان «ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس» توسط سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، انتشار یافت و در زمره کتاب‌های معتبر دفاع مقدس محسوب و تاکنون مورد استفاده بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران این عرصه قرار گرفته است.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» با استفاده از بایگانی موجود، کتاب حاضر را توسط سرتیپ ۲ صادقی‌گویا، مجدداً بررسی و انجام تصحیحات لازم در مرحله انتشار قرار داد. امید است برای روشن شدن حقایق بخشی از تاریخ نظامی این کشور، اقدامی مفید و ماندگار انجام شده باشد. در ماه‌های پایانی سال ۱۳۸۸، متأسفانه مطلع شدیم که نویسنده محترم در تاریخ ۸۸/۱۰/۱۴ وفات یافته‌اند.

ایشان دوران پر افتخار و زندگی سالم و آبرومندانه را در کسوت نظامی و سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بویژه در ابتدای جنگ تحمیلی، طی نمودند. پس از بازنشستگی نیز، تاریخ نظامی دفاع مقدس را در چند جلد تدوین نمود و خدمت بزرگی در عرصه علمی نظامی کشور از خود به یادگار گذارده‌اند. آرزو داریم خداوند متعال، ایشان را با مجاهدان فی سبیل‌الله محشور و به بازماندگان آن مرحوم نیز سلامتی و سعادت دنیوی و اخروی نصیب فرماید.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

## فهرست

۱	زندگینامه مختصر سرهنگ سید یعقوب حسینی
۹	سخن ویراستار
۱۳	پیشگفتار درباره تهیه مدارک
	<b>بخش اول: تک لشکر ۲۱ پیاده در غرب کرخه ۲۳ مهر ۵۹ به قلم سرهنگ حسینی</b>
۱۷	<b>قسمت یکم: کلیات</b>
۱۸	۱- مشخصات کلی عملیات
۱۹	۲- ماموریت
۱۹	۳- شرح کلی منطقه عملیات
۲۳	۴- سازمان و گسترش نیروهای متجاوز در منطقه عملیات
۲۶	۵- سازمان و گسترش نیروی خودی قبل از اجرای حمله
۲۹	<b>قسمت دوم: برآوردهای ستادی</b>
۳۱	<b>قسمت سوم: طرحها و دستورات عملیاتی</b>
۳۲	دستور جزء به جزء شماره ۱ ق ت نزاچا
۳۴	دستور عملیات شماره ۱ لشکر ۲۱ پیاده
۴۲	دستور عملیات شماره ۱ تیپ ۳ پیاده لشکر ۲۱
۴۵	دستور جزء به جزء شماره ۲ لشکر ۲۱
۴۶	دستور جزء به جزء شماره ۲ تیپ ۳ لشکر ۲۱
۴۷	دستور جزء به جزء شماره ۲ (پدافندی) ق ت نزاچا
۴۹	دستور عملیاتی شماره ۲ لشکر ۲۱
۵۳	دستور جزء به جزء شماره ۵ ق ت نزاچا
۵۵	دستور جزء به جزء شماره ۵ گشت و کمین دستبرد لشکر ۲۱
۵۸	دستور جزء به جزء شماره ۶ لشکر ۲۱
۶۰	دستور جزء به جزء شماره ۶ ق ت نزاچا
۶۳	<b>طرحها و دستورات فرماندهی عملیات دزفول (تیپ ۲ زرهی)</b>
۶۴	دستور عملیات شماره ۲ تیپ ۲ ل ۹۲
۶۶	دستور جزء به جزء شماره ۱ ق ف ع منطقه دزفول
۶۸	دستور جزء به جزء شماره ۳ ق ت نزاچا
۶۹	دستور جزء به جزء شماره ۵ تیپ ۲ ل ۹۲
۷۱	خاطرات سرهنگ زرهی ستاد امرالله شهبازی فرمانده تیپ ۲ ل ۹۲
۷۵	<b>قسمت چهارم: هدایت عملیات</b>

## قسمت پنجم: تجزیه و تحلیل عملیات

- ۱۲۱ ۱- کلیات
- ۱۲۲ ۲- ایمان و اعتقاد و مسائل روحیه در نبرد ۲۳ مهر ۱۳۵۹
- ۱۲۵ ۳- چگونگی رعایت اصول جنگ در این عملیات
- ۱۲۶ ۴- هماهنگی ها
- ۱۳۳ ۵- پشتیبانی های مردم
- ۱۳۵ ۶- مسائل پرسنلی موثر در این عملیات
- ۱۳۵ ۷- مسائل اطلاعاتی موثر در این عملیات
- ۱۳۶ ۸- مسائل عملیاتی موثر در این عملیات
- ۱۴۰ ۹- مسائل مهم لجستیکی
- ۱۵۶ ۱۰- نتیجه کلی عملیات
- ۱۵۸
- بخش دوم: تک (آفند) ۲۳ مهر و پدافند ۹ آبان ۵۹ لشکر ۲۱ پیاده به نقل از منابع مختلف،  
به انتخاب ویراستار
- ۱۶۱ تک لشکر ۲۱ پیاده در ۲۳ مهر ۵۹ به نقل از پایان نامه دافوس سرهنگ ۲ پیاده سید نورالدین مکی و سرگرد توپخانه نجاتعلی صادقی گویا
- ۱۶۲ تک لشکر ۲۱ پیاده در ۲۳ مهر ۵۹ به نقل از کتاب پیشتازان غرب کرخه
- ۱۷۳ پدافند لشکر ۲۱ پیاده در ۹ آبان ۵۹ به نقل از کتاب پیشتازان غرب کرخه
- ۲۰۲ تک لشکر ۲۱ در ۲۳ مهر ۵۹ به نقل از کتاب سلیمانجاه
- ۲۲۵ پدافند لشکر ۲۱ پیاده در ۱۹ آبان ۵۹ به نقل از کتاب سلیمانجاه
- ۲۳۹ تک لشکر ۲۱ پیاده در ۲۳ مهر ۵۹ به نقل از کتاب تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان در سال اول جنگ
- ۲۵۳ پدافند لشکر ۲۱ در ۹ آبان ۵۹ به نقل از کتاب: تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان در سال اول جنگ
- ۲۶۳ قسمتی از مصاحبه روانشاد مرحوم سرتیپ ۲ ستاد سید علی اکبر موسوی قویدل معاون عملیاتی لشکر ۲۱ حمزه
- ۲۶۹ تصاویر ۱: عملیات آفندی پای پل کرخه
- ۲۷۰ تصویر ۲: عملیات آفندی پای پل کرخه
- ۲۷۱ نمایه
- ۲۷۳

نویسنده‌ای گفته است:

«بعد از کتب آسمانی، بهترین راهنمای زندگی انسان‌ها مطالعه شرح حال (بیوگرافی) گذشتگان است.»

## زندگینامه مختصر سرهنگ سید یعقوب حسینی

من بدون اینکه خود در تصمیم‌گیری به وارد شدن به این ماجرا اختیاری داشته باشم، از آغاز زندگی در این مسیر تاریخ قرار گرفته‌ام و در جریان حوادث زندگی، شاهد پیشامدهای این قسمت از تاریخ بوده‌ام که در حقیقت، گوشه‌ای از تاریخ معاصر کشور و ملت ایران می‌باشد.

هدف اصلی این است که برگی از تاریخ معاصر ایران که نمایانگر وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی دوران زندگی من می‌باشد، به آیندگان منتقل شود تا بدانند در نبرد زندگی بر ما چه گذشته است.

دوران کودکی را در شهر ابهر استان زنجان گذراندم. در خانواده‌ای مذهبی در سال ۱۳۱۱ به دنیا آمدم. پدرم حجت‌الاسلام سیوح حسینی بود و اجدادم بعد از برقراری حکومت صفویه در ایران در همین لباس بوده‌اند. مادرم نیز روحانی‌زاده بسیار متدین سنتی بود. پدرم طبق رسوم سنتی مذهبی آن زمان، مبلّغ مذهبی چند روستا واقع در حومه ابهر بود که جزو املاک موروثی ورثه مرحوم حاج حسن امین‌الضرب، اولین واردکننده کارخانه برق به ایران بود. پدرم علاوه بر تبلیغ مسائل مذهبی در آن روستاها به نوعی مباشر مالکین آنها نیز بود.

در آن روزگاران، وضع زندگی ایرانیان، به ویژه در روستاها بسیار محقر و سخت بود. آثار تمدن جدید مانند برق و آب تصفیه‌شده و جاده ارتباطی و تسهیلات زندگی مناسب و مدرسه در آن منطقه وجود نداشت. آموزش علمی منحصر به مکتب‌خانه‌هایی بود که به وسیله مآله‌های مرد و زن اداره می‌شد و آموزش هم منحصر به خواندن قرآن کریم بود. از پنج سالگی در مکتب محله زندگی‌مان مشغول یاد گرفتن خواندن قرآن شدم و قریب به دو سال در آن مکتب، خواندن قرآن را فرا گرفتم. در آن موقع، در شهر یک

---

\*. با توجه به مجموعه آثار تاریخ نظامی ارزشمندی که از نویسنده تاکنون منتشر شده است، بنابراین لازم دانستیم که در این کتاب، زندگینامه نویسنده مرحوم را به قلم خودشان که در سوابق مرکز اسناد «هیئت معارف جنگ» موجود بود درج نماییم. روانشان شاد باد (ویراستار تخصصی، سرتیپ ۲ صادقی گویا).

مدرسه به روش جدید به نام دبستان ابتدایی سپهر تأسیس شده بود؛ لذا بعد از یادگیری قرائت قرآن، در هفت سالگی وارد آن مدرسه شدم.

اولین بار در نه سالگی با مسائل جنگ‌های امروزی مواجه شدم، که شروع جنگ جهانی دوم بود. در یکی از روزهای دهه اول شهریورماه سال ۱۳۲۰، هواپیماهای متجاوز شوروی ایستگاه راه‌آهن خرمدره را که در حاشیه شمالی ابهر بود، بمباران کردند. در آن لحظات بمباران، من در باغ انگورمان در نزدیکی خانه بودم. شعله‌های مهیب بمباران برای اهالی ابهر و همچنین من کاملاً بی‌سابقه بود و وحشت فوق‌العاده‌ای برای همگی ایجاد کرده بود؛ همچنین برای من که به نظرم رسید محله و خانه‌مان آتش گرفته. هراسان به خانه برگشتم و دیدم بیشتر اهالی محل، از جمله خانواده من، به پشت‌بام‌ها رفته و قرآن بر سر گرفته و از خدای بزرگ درخواست کمک می‌کنند. این حادثه اولین ضربه روانی را به من وارد کرد و حالت کینه‌جویی نسبت به بیگانگان متجاوز در من ایجاد شد. روز بعد از این حمله هوایی، هواپیمایی در آسمان ابهر به پرواز درآمد و اعلامیه‌ای پرتاب کرد که مردم شهر - همچنین من - برای به دست آوردن نسخه‌ای از آن تلاش می‌کردیم. من که به نسبت سن خود، خواندن را خوب یاد گرفته بودم، نسخه‌ای را به دست آوردم و توانستم آن را بخوانم.

در اول نامه نوشته بود: «ایرانیان! هزاران آلمانی در کشور شما هستند. یا خود آنها را بیرون کنید، یا ما به هر طریق آنها را بیرون خواهیم کرد.» چند روز بعد قسمتی از قشون شوروی در جاده تبریز، زنجان، ابهر و قزوین به سمت تهران به حرکت درآمدند و در ابهر نیز یک پادگان کوچک تشکیل دادند که تا پایان جنگ جهانی دوم برقرار بود.

در پایان جنگ جهانی دوم که کشورهای متجاوز نیروهای نظامی خود را از مناطق اشغالی خارج می‌کردند، ارتش متجاوز شوروی تمایلی به تخلیه ایران نداشت که بالأخره با دخالت دولت‌های متفقین، نیروهای خود را از قزوین و زنجان و آذربایجان بیرون برد. در مدت اشغال، نیروهای خود فرقه دموکرات آذربایجان را که سال‌ها قبل به هدف تجزیه آذربایجان از ایران سازمان داده بود، در این منطقه به وجود آورد که زادگاه من - ابهر - نیز در اشغال فرقه دموکرات قرار گرفت. این گروه متجاوز تجزیه‌طلب و کمونیست طرفدار شوروی کمونیستی یک سال دوام آورد و در پایان یک سال سیاست کلی جهانی به سرگردگی آمریکا، شوروی را وادار کرد از طمع تجزیه آذربایجان دست بردارد. در نتیجه، عوامل فرقه دموکرات بالاجبار از منطقه اشغالی خارج شدند و اکثراً به شوروی فرار کردند و ارتش ایران از شهر قزوین به سوی غرب ایران حرکت کرد و مناطق پاره‌شده از پیکر کشور عزیزمان ایران به میهن بازگردانده شد.

در کلاس ششم ابتدایی به درسم ادامه دادم. اما برای ادامه تحصیل، بعد از پایان کلاس ششم ابتدایی، دچار مشکل فوق‌العاده‌ای بودیم، زیرا در آن موقع در ابهر دبیرستان تأسیس نشده بود؛ لذا بچه‌ها یا باید از ادامه تحصیل دست می‌کشیدند و یا از ابهر مهاجرت می‌کردند. خوشبختانه آن موقع دبستان ابهر مدیر دلسوزی داشت و با تلاش زیاد از فرهنگ شهر زنجان اجازه تأسیس دبیرستان را گرفت و کلاس هفتم (اول دبیرستان) در همان دبستان دایر شد. مشکل دیگر این بود که برای تشکیل کلاس هفتم بایستی حداقل ده نفر شاگرد نام‌نویسی می‌کردند و اغلب هم کلاسی‌های من که عموماً از طبقه کم‌بضاعت بودند، ترک تحصیل را ترجیح دادند. در نتیجه تعداد ده نفر آماده نام‌نویسی نشدند، اما با تلاش مدیر دبیرستان جدیدالتأسیس، ده نفر شاگرد تکمیل شد که من هم یکی از آنها بودم و در نتیجه، کلاس هفتم را نیز در ابهر گذراندم.

بعد از پایان کلاس هفتم، سرنوشت من برگ دیگری باز کرد. پس از ختم غائله فرقه دموکرات آذربایجان، ارتش حکومت مرکزی ایران سربازگیری جوانان در آن منطقه را فعال کرد و دو برادر من با هم به سربازی برده شدند. یکی از برادرانم که دوره سربازی را در تهران می‌گذراندم، با یک موتورسوار تصادف کرد و بازوی راستش شکست. در آن موقع، مهم‌ترین بیمارستان در تهران، بیمارستان هزار تخت‌خوابی (بیمارستان امام خمینی کنونی) بود. برادرم در آن بیمارستان بستری شد. پزشکان بیمارستان تصمیم به قطع بازوی او داشتند. اتفاقاً در همان موقع، شاه برای بازدید به آن بیمارستان رفت و به حکم قضا و قدر از تخت برادرم نیز بازدید کرده بود. برادرم با گریه و زاری تقاضا کرده بود که دستور دهد دست او را نبرند. شاه به پزشکان دستور اکید داده بود که به خواست برادرم توجه کنند، در نتیجه دست برادرم را نبریدند و مداوا کردند. این حادثه به خانواده‌ام اطلاع داده شد و پدر و مادرم از ابهر به تهران رفتند تا از فرزند خود عیادت کنند. همین موضوع سبب مهاجرت خانواده‌ام از ابهر به تهران شد.

از کلاس هشتم، تحصیلات خود را در تهران ادامه دادم که برایم چندان ساده نبود، زیرا من یک نوجوان شهرستانی آذری‌زبان و از طبقه کم‌بضاعت جامعه آن روز بودم و با نوجوانان تهرانی فارسی‌زبان که عموماً از طبقه مرفه جامعه بودند، هم‌کلاس شدم. ولی از نظر درسی برتر از آنها بودم و در آن کلاس شاگرد اول شدم. مدیر و ناظم آن دبیرستان که افرادی مسن و مذهبی بودند، به خاطر معمم بودن پدرم از من حمایت می‌کردند. سال هشتم و نهم را در دبیرستان خرد گذراندم و برای کلاس دهم، که آن موقع سیکل دوم دبیرستان بود، تصمیم گرفتم وارد دبیرستان نظام شوم تا باری از هزینه زندگی خانواده بردارم، ولی به علت ضعف جسمی در دبیرستان نظام پذیرفته نشدم؛ لذا سال دهم را در دبیرستان دیگری به نام محمد

قزوینی به تحصیل پرداختم، ولی بالأخره سرنوشت کار خود را کرد و در کلاس یازدهم وارد دبیرستان نظام شدم و مرا به آن احساس دفاع از کشور که از دوران کودکی و مشاهده بمباران بیگانگان به زادگاهم در من ایجاد شده بود، کشاند.

در آن سال‌ها، نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران به رهبری دکتر محمد مصدق شروع شده بود. من هم به خاطر تأثیرات حوادث دوران کودکی که سبب ایجاد احساس روح ناسیونالیستی نسبتاً قوی در من شده بود، گرایش به جبهه ملی پیدا کرده بودم و با وجود اینکه وارد سازمان ارتش شده بودم، ولی باطنم چیزی دیگری را به من نهیب می‌زد و آن مخالفت با روش حکومت سلطنتی بود. اتفاقاً در دانشکده افسری که بودم، چون زبان فرانسه می‌خواندم، روزی کتابی از کتابفروشی کنار خیابان ناصرخسرو خریدم که قطعات ادبی بود. در این کتاب، قطعه‌ای از ژان ژاک روسو تحت عنوان «استبداد» بود که در آن، از روش حکومت سلطنتی به شدت انتقاد شده بود و من به شدت تحت تأثیر آن قطعه ادبی قرار گرفتم و بعد از آن کتاب، قرارداد اجتماعی روسو را تهیه کردم که شرح بیشتری درباره روش حکومت مرکزی سلطنتی ارائه شده بود. در نتیجه، احساس ضدسلطنتی در من تقویت شد. بعد از پایان دوره دبیرستان نظام، در مهرماه سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده افسری شدم. در همان سال اول دانشکده افسری، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به وقوع پیوست و گروهان ما مسئول حفاظت از محل استقرار سپهبد زاهدی، رئیس کودتا شد که در ساختمان باشگاه افسران تهران (غرب ساختمان وزارت خارجه) مستقر بود. بعد از کودتای ۲۸ مرداد، تصفیه ارتش از وجود عناصر مخالف سلطنت، به ویژه کمونیست‌ها آغاز شد که تعدادی از افسران و دانشجویان دانشکده افسری نیز دستگیر و تعدادی از آنها اعدام و تعدادی هم اخراج یا زندانی شدند، اما از افرادی که گرایشات ملی داشتند و من هم یکی از آنها بودم، صرف‌نظر کردند.

دوره سه ساله دانشکده افسری را در شهریور ۱۳۳۴ به پایان رساندم و طبق مقررات ارتش باید انتخاب رسته خدمتی افسری می‌کردم. بنا به توصیه رئیس شاخه نظامی نهضت مقاومت ملی، سرهنگ جهانگیر ایروانی، که من هم جزو آن شاخه بودم، رسته زرهی را انتخاب کردم و از اول مهرماه ۱۳۳۴ با درجه ستوان دومی وارد خدمت در واحدهای زرهی ارتش شدم.

از ابتدای خدمت در ارتش تلاش کردم افسر شایسته‌ای باشم و در انجام وظیفه‌ام که به خاطر آن از مال مملکت به من حقوق پرداخت می‌شد، حقوقم حلال باشد. به همین دلیل، در تمام درجات نظامی مورد توجه فرماندهان بالاتر قرار می‌گرفتم. در دوران افسری دو بار در آمریکا، دو بار در انگلستان و یک بار در آلمان غربی دوره نظامی را طی کردم. در سال ۱۳۳۷ که در لشکر اصفهان خدمت می‌کردم، به نوعی درگیر مسائل کشور عراق شدم، زیرا در آن سال، ارتش عراق به رهبری ژنرال عبدالکریم قاسم



علیه حکومت سلطنتی آن کشور کودتا کرد و ارتش ایران به منظور جلوگیری از سرایت آن کودتا به ایران، مأموریت یافت مرزهای غربی را تقویت نماید. من جزو لشکر زرهی اصفهان به مراغه منتقل شدم؛ لذا از همان زمان در تمام مدت خدمت نظامی‌ام به نوعی با مسائل عراق درگیر شدم. در سال ۱۳۴۶، بعد از طی دوره دانشکده فرماندهی و ستاد به خوزستان و لشکر ۹۲ زرهی منتقل شدم که مصادف با شروع اختلافات سیاسی و نظامی ایران با حکومت جمهوری عراق بود.

در پاییز سال ۱۳۴۶، در خوزستان و منطقه استحفاظی لشکر ۹۲ زرهی، نیروهای مسلح ایران یک تمرین پاسگاه فرماندهی اجرا کردند که من به عنوان افسر عملیات آن پاسگاه تعیین شدم. راهنمای طرح‌ریزی این پاسگاه بر اساس مقابله با تجاوزات احتمالی ارتش عراق و حامیانش به خوزستان بود. این تمرین اولین اقدام عملی برای آمادگی مقابله با تجاوز احتمالی ارتش عراق به ایران بود که بالأخره تا سال ۱۳۶۷ به انواع مختلف ادامه یافت و من در این مدت ۲۰ ساله به نوعی با این مسئله درگیر شدم که به اختصار جریان این مبارزه ۲۰ ساله را به عنوان یک شاهد بیان می‌کنم.

بعد از کودتای ژنرال عبدالکریم قاسم در عراق، اختلافات مرزی ایران و عراق، به خصوص در مسئله آبراه اروندرود به شدت به وسیله حکومت کودتای عراق مطرح شد. در سال ۱۳۴۷، یک هیئت سیاسی و نظامی برای مذاکره درباره اختلافات از ایران به عراق اعزام شد که هیئت نظامی آن به ریاست ارتشبد بهرام آریانا رئیس ستاد ارتش بود. این هیئت نظامی پس از قطع مذاکرات که به نتیجه‌ای نرسیده بود، از مسیر بغداد، کوت العماره، بصره، خرمشهر، اهواز به ایران مراجعت کرد. در اهواز، ارتشبد آریانا سخنرانی کوتاهی برای افسران لشکر ۹۲ زرهی ایراد نمود که من هم در آن سخنرانی شرکت داشتم. خلاصه سخنرانی ایشان این بود که کشور ما ایران از جانب سه نیروی مخالف مورد تهدید قرار گرفته است که عبارتند از: نیروی سرخ (کمونیست‌ها) به رهبری شوروی، نیروی سیاه (اعراب) به رهبری عراق و نیروی سبز (مخالفین داخلی).

بعد از رفتن این هیئت از اهواز، یک سیل مصنوعی با باز کردن دریچه‌های سدّ دز در منطقه جنوب‌غربی اهواز و شرق مرز ایران و عراق به وسیله ایران ایجاد شد که تمام اراضی مسطح منطقه در طرفین جاده اهواز - خرمشهر تا اروندرود در جنوب به زیر آب فرورفت و من به عنوان افسر مبارزه با سیل منطقه تعیین شدم و بالأخره در سال ۱۳۴۸، دامنه اختلافات مرزی شدت یافت و ستاد ارتش به لشکر ۹۲ زرهی دستور داد یک ستاد عملیاتی به نام اروندرود به اختصار «عمّا» تشکیل دهند و یک هیئت نظامی شامل چند امیر برای این منظور به اهواز آمد. فرمانده لشکر، سرلشکر رضا زاهدی، به من دستور داد طرح مقابله با ارتش عراق را در منطقه غرب

و جنوب خوزستان تهیه کنم. من طرح مورد نظر را به نام طرح عملیاتی شهباز تهیه کردم که سپهبد کریملو، رئیس اداره سوم ارتش، آن را با هواپیمای اختصاصی نیروی هوایی به تهران برد تا به شاه ارائه دهد. شاه با آن طرح که بر اساس پیشدستی حمله ارتش ایران تا کرانه شرقی رودخانه دجله بود، موافقت نکرده بود و دستور داده بود ارتش ایران در حوالی مرز دفاع کند. در نتیجه، یک حالت نه جنگ و نه صلح در مرزهای ایران و عراق برقرار شد که شش سال ادامه داشت و من در این مدت افسر عملیات و جزو گردانندگان مسائل نظامی منطقه جنوب غربی ایران بودم. این مرحله از اختلافات با فراز و نشیب‌هایی در اسفند سال ۱۳۵۳ و با عقد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بین شاه ایران و صدام حسین تسکین پیدا کرد.

پس از پایان ظاهری منازعات، قرارگاه عَمّا منحل شد و من طبق مقررات برای ارتقاء به درجه سرهنگی به هفتگل خوزستان که یک تأسیسات متروکه شرکت ملی نفت ایران بود و یک تیپ زرهی که از مراغه به خوزستان منتقل شده و در آن تأسیسات مستقر گشته بود، منتقل شدم. این تیپ در سال ۱۳۵۵ از هفتگل به پادگان جدیدالتأسیس دشت میشان در غرب اهواز تغییر مکان داده شد که در سال ۱۳۵۶ من به عنوان فرمانده این تیپ تعیین شدم. این زمان مصادف بود با شروع عملیات براندازی انقلاب اسلامی در ایران که در این شرایط، روزگار بر من بسیار سخت بود، زیرا از طرفی از دوران کودکی و نوجوانی و جوانی آرزوی این حرکت انقلابی را داشتم و از طرف دیگر به هر حال من فرمانده یک تیپ زرهی بودم که تعدادی از افراد آن به نوعی وابسته به رژیم سلطنتی بودند. ضمن اینکه افراد وظیفه عموماً طرفدار انقلاب اسلامی بودند. به علاوه، عده‌ای هم طرفدار عقاید کمونیستی و چپ‌گرا بودند و من احساس مسئولیت می‌کردم که هم پرسنل تحت فرماندهی و هم اموال تیپ را که بالأخره اموال ملی ایران بود، محافظت نمایم.

به هر حال، انقلاب در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ پیروز شد و من به تهران منتقل شدم و در مدیریت آمادگی رزمی معاونت عملیات و اطلاعات ستاد نیروی زمینی مشغول به کار شدم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، صدام حسین رهبر عراق که خود قرارداد متارکه منازعه مرزی با ایران را در ۱۹۷۵ در الجزایر امضا کرده بود، با اطلاع دقیق از تضعیف ارتش و نیروهای مسلح دیگر ایران، آن قرارداد را ملغی شده اعلام کرد و آماده حمله به ایران شد و جنگ تحمیلی بسیار نابرابر بین نیروهای مسلح ایران و عراق را در آخر شهریورماه ۱۳۵۹ آغاز نمود. من به عنوان جانشین عملیاتی فرمانده نزاجا و رئیس ستاد نیروهای ایران در خوزستان به آن منطقه اعزام شدم و سال اول جنگ هشت ساله را در آن منطقه انجام وظیفه کردم. بعد از سال اول جنگ، به دلایل ناهماهنگی با روش هدایت عملیات، درخواست بازنشستگی کردم و به تهران

برگشتم. در تهران در دانشکده فرماندهی و ستاد نیروی زمینی مشغول تهیه و تنظیم تاریخ آن جنگ تحمیلی شدم. در آن موقع، فرماندهی نیروی زمینی که سرتیپ ظهیرنژاد بود، تغییر شغل پیدا کرد و سرهنگ علی صیادشیرازی به فرماندهی نیروی زمینی منصوب شد.

سرهنگ صیادشیرازی علاقه مفروطی به تهیه تاریخ جنگ داشت؛ لذا به ستاد نیروی زمینی دستور داد کلیه اسناد و مدارک مربوط به جنگ، که در بایگانی بود را بدون هیچ محدودیتی در اختیار من بگذارند. من ابتدا رونوشتی از کلیه اسناد و مدارک موجود در بایگانی نیروی زمینی تهیه کردم که در ۲۳ جلد در دانشکده فرماندهی و ستاد نگهداری می‌شد. این فعالیت من حدود دو سال طول کشید و بعد از خاتمه این مأموریت بازنشسته شدم. در سال ۱۳۶۴ از طرف ستاد مشترک (سازمان عقیدتی سیاسی) از من دعوت شد به تهیه تاریخ جنگ ادامه دهم و من در آن سازمان مشغول به کار شدم و تا سال ۱۳۶۷ با استفاده از مدارکی که قبلاً تهیه کرده بودم و در اختیارم قرار دادند، تاریخ این جنگ را که به نام «دفاع مقدس» نامگذاری شده بود، در هفت جلد تهیه کردم و به سازمان عقیدتی سیاسی ارتش تحویل دادم و درخواست معافیت از ادامه این فعالیت را کردم. در همان زمان، موضوع موافقت ایران با قطعنامه شماره ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح بود. یکی از افرادی که با شورای عالی دفاع ارتباط داشت و قبلاً همکار من بود از من خواست که آخرین وضعیت توان رزمی نیروهای ایران و عراق را با استفاده از اسناد و مدارکی که در دسترسم بود تهیه کنم تا در اختیار شورای عالی دفاع قرار دهد و من این کار را کردم که شاید در علل قبول قطعنامه ۵۹۸ مؤثر واقع شد و جنگ تحمیلی هشت‌ساله به پایان رسید. من که اکنون دهه هفتاد عمر خود را می‌گذرانم، خلاصه بسیار موجزی از این زندگی هفتادساله را در این چند برگ، که جزئی از تاریخ کهنسال کشور عزیزم ایران می‌باشد، بیان کردم و با این دو بیت که در وصف پاییز گفته شده، در پاییز عمر خود این نوشته را به پایان می‌برم.

دفتر خاطرات عمر من است برگ‌هایی که می‌رود بر باد

روح در مانده و اسیر من است آبخاری که می‌کشد فریاد

به دستور قرآن مجید «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ» (روم: ۴۲)

سرهنگ بازنشسته سید یعقوب حسینی

تیرماه ۱۳۸۴



## سخن ویراستار

در مرکز اسناد هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» کپی نسخه‌ای از این کتاب را در کنار سایر کتاب‌هایی که به قلم نویسنده محترم آن، مرحوم جناب سرهنگ سید یعقوب حسینی در زمان خود تهیه شده است، مشاهده، مطالعه و بررسی نمودم. با مطالعه و بررسی مطالب این کتاب و دیگر کتاب‌ها به قلم ایشان، متوجه شدم که چه کار بزرگ و بی‌نظیری توسط نویسنده، در زمان جنگ انجام گرفته است. شاید اگر چنین همت عالی از سوی نویسنده و حمایت از طرف فرمانده وقت نزاجا، دافوس و رئیس عقیدتی سیاسی آجا که از سال ۶۱ به بعد به اجرا درآمد، وجود نداشت، امروز با نیرویی چند برابر آن زمان، هرگز به چنین مدارک و نگارش نمی‌توانستیم دست یابیم. بدین ترتیب، تاریخ نظامی این کشور از چگونگی رویدادها، درگیری‌ها، محدودیت‌ها، عملیات‌ها و اقدامات محروم می‌ماند. همین کمبودها سبب دور شدن از بیان واقعیت‌ها و تحریف‌ها می‌گردید. همچنان که بسیاری از حوادث جنگ تحمیلی، به سبب آنکه از جزئیات و اطلاعات کمی و کیفی آن، مدارکی باقی نمانده و یا به موقع در اختیار پژوهشگران قرار داده نشده است، امکان تدوین و تحلیل دقیق آن وجود ندارد. یادم می‌آید در سال ۱۳۶۲ که مشغول طی دوره دافوس بودم، در یکی از روزها که فرمانده وقت نزاجا - جناب سرهنگ صیاد شیرازی - جهت سخنرانی برای دانشجویان و اساتید به سالن اجتماعات دانشکده تشریف آورده بودند، در مسیر خروج ایشان از سالن، جناب سرهنگ حسینی که در آن زمان بازنشسته و با لباس شخصی بودند و در آن جمع به غیر از فرمانده وقت دافوس - جناب سرهنگ فاضل - که هم‌دوره ایشان نیز بودند و از همه مسن‌تر بودند، تعدادی از کتاب‌های مجلد شده را درباره دفاع مقدس در روی میزی به صورت تایپ شده، به حضور فرمانده نیروی زمینی ارائه و توضیح دادند. از آن صحبت‌ها، این طور یادم می‌آید که این دیدار و اقدامات، سابقه قبلی داشته و قبلاً فرمانده نیرو دستوراتی درباره پشتیبانی از اقدام ایشان و در اختیار گذاردن مدارک و نیروی انسانی مورد نیاز صادر نموده بودند. در آن جلسه، در پی گزارش جناب سرهنگ حسینی، دستورات تکمیلی دیگری به فرمانده دافوس و همراهان ابلاغ نمودند.

سال‌ها از زمان این خاطره گذشت، تا آنکه ۲۲ سال بعد، در سال ۱۳۸۴ به واسطه مسئولیت مدیریتی که در مجموعه هیئت معارف جنگ داشتم، با ملاحظه نسخه‌های کتاب‌های تایپ شده موجود به قلم ایشان در مرکز اسناد و نیز به سبب آنکه مأموریت

تهیه، تنظیم و انتشارات کتاب‌های مورد نظر هیئت معارف جنگ را داشتم، درصدم برآمدم که با ایشان تماس گرفته و راجع به انتشار این کتاب‌ها، نظرشان را جویا شوم. بالأخره بعد از مدتی جستجو، موفق به تماس تلفنی شده و درخواست نمودم که به هیئت معارف جنگ تشریف بیاورند و حضوری مذاکره نمائیم. محبت نمودند و در روز تعیین شده - ۸۴/۴/۲۱ - از کرج به تهران تشریف آوردند. خلاصه نظرشان این بود که «من هر چه در توانم بود، در زمان خود به نگارش درآوردم و در اختیار دافوس و عقیدتی سیاسی اجا قرار دادم، اکنون دیگر توان ادامه و اقدامات تکمیلی در مورد این موضوعات ندارم. شما آنچه که به صلاح و مفید برای تاریخ نظامی این کشور می‌دانید انجام دهید» یک جلسه دیگر نیز برای مصاحبه - ۸۴/۵/۱۸ - همراه یکی از همکاران افتخاری به منزل جناب سرهنگ حسینی رفتیم. ای کاش این مصاحبه‌ها ادامه می‌یافت، که متأسفانه از طرف آن همکار محترم، چنین امکانی حاصل نشد.

بعد از آن جلسه، هیئت معارف جنگ توانست سه عنوان کتاب «تاریخ نظامی جنگ تحمیلی ج ۱ و ۲ و جبهه جنوب در شهریور ۵۹» به قلم ایشان منتشر و تعدادی به منزل نویسنده محترم ارسال نماید. احتمالاً آنها را ملاحظه کردند. تا آنکه در سال ۱۳۸۸، خبر ناگوار فوت ایشان دریافت شد.

ریاست محترم هیئت معارف جنگ، امیر سرتیپ آراسته، همیشه اصرار دارند تا فرصت‌ها از دست نرفته و پیشکسوتان دفاع مقدس در حیات هستند، کلیه مطالب و مدارک جمع‌آوری شده، تنظیم، تدوین و انتشار یابند، تا نسل کنونی و آیندگان بتوانند از مجموعه افتخارات دفاعی کشور خود بهره‌برداری نمایند.

بر اساس این تدبیر، تاکنون - سال ۹۸ - بیش از ۱۶۰ عنوان کتاب‌های مستند درباره دفاع مقدس توسط این هیئت انتشار یافته و در فهرست منابع بسیاری از کتاب‌های مستند درباره جنگ تحمیلی قرار گرفته‌اند. مسلماً اگر حمایت و تشویق ریاست هیئت نبود، چنین دستاوردی حاصل نمی‌شد. بر خود لازم می‌دانم به این جهت سپاسگزاری خود را از ایشان اعلام نمایم.

همان‌طور که خوانندگان محترم ملاحظه می‌فرمایند، مدارک، مکاتبات، خاطرات و اظهارنظرهایی که در کتاب‌های این نویسنده محترم آمده است، بیانگر چگونگی بخش مهمی از فعالیت‌ها، اقدامات ستادی، اجرایی یگان‌های نظامی میدان رزم، در آن زمان است که از بایگانی‌های غیرقابل دسترس دیگران خارج گشته و به ملت ایران برای ماندگاری در تاریخ و بهره‌برداری‌های متنوع ارائه شده است. مسلماً اگر آن روز این کار انجام نمی‌شد، امروز دیگر به هیچ وجه، چنین مدارکی یافت نمی‌شد.

در مرحله آماده سازی هر کدام از این کتاب‌ها، مشاهده می‌شد که در نسخه موجود، در مرکز اسناد هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» یک یا چند صفحه از آن وجود ندارد. به ناچار به مرکز اسناد سازمان عقیدتی سیاسی ارتش و یا معاونت پژوهش و تولید علم دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش (دافوس اجا) مراجعه کرده و از روی نسخه موجود در آن قسمت‌ها، صفحات مورد نظر را یافته و مورد استفاده قرار دادم. بر خود لازم می‌دانم از همکاران محترم این دو مجموعه علمی، نظامی، و فرهنگی پُرازش که اینجانب را یاری فرمودند، سپاسگزاری نمایم.

انتظار نیست که این نوع کتاب‌ها که صرفاً بیان رسمی و نظامی دارند، مورد استفاده و علاقه عموم قرار گیرند. بلکه این کتاب‌ها با هدف‌های پژوهشی، تاریخی، نظامی برای پژوهشگران، علاقمندان، کارشناسان، افسران، مدیران مراکز و دانشگاه‌های نظامی تدوین و انتشار می‌یابند. این نوع کتاب‌ها تعریف و کاربرد خاص خود را دارند و نگارش آنها نیز فقط از صاحبان دانش و تخصص نظامی که استعداد قلم‌نگاری هم داشته باشند برمی‌آید. انصافاً، نویسندگان این کتاب که از بزرگان این فن بودند، به خوبی از عهده این تعریف‌ها و هدف‌های خاص مورد نظر برآمده‌اند. نکته قابل توجه دیگر آن است که کلیه پیام‌ها و اسناد آورده شده در این کتاب جای توضیح، تفسیر، بحث و اظهار نظر کارشناسی دارد. برای دریافت نکات آموزشی، تاریخی، نظامی و بالأخره درس‌هایی که از این حوادث و تجارب برای حال و آینده می‌توان کسب نمود، جای چنین مباحثی خالی است.

در این مرحله از تدوین و تنظیم و نشر کتاب، تصمیم گرفته شد وقت و توان خود را بیشتر صرف انتشار آثار باقی مانده با شکل موجود نمائیم تا در حدی که خداوند توفیق زندگی دنیوی به ما می‌دهد، این خدمت را انجام دهیم و این آثار و اسناد تاریخی نظامی کشور را از قفسه‌های بایگانی خارج نمائیم و با انتشار آنها به شکل مناسب، در انظار و دسترس عموم قرار دهیم.

اقدامات تکمیلی و بهره‌برداری کارشناسانه از این کتاب‌ها را، اگر ما هم فرصت نیابیم، مسلماً دیگران با در اختیار داشتن این کتاب‌ها انجام خواهند داد. آن قسمت از خواسته‌نهایی ما نیز به این ترتیب به خواست خداوند برآورده خواهد شد.

ضمناً باید توجه داشت که با توجه به اهمیت و حیاتی بودن موضوع مورد نگرارش، نویسندگان محترم آنچه که به نظرش مثبت و یا منفی رسیده، بیان نموده است. با همین نگرش، اسناد منفی نیز ارائه گردیده است. اما متأسفانه مشکلی که افراد بشر دارند، آن است که ذهن آنان قادر به اندازه‌گیری دقیق از دیده‌ها و شنیده‌ها که

به‌طور نمونه ارائه می‌شوند، نمی‌باشد. ممکن است با دیدن، شنیدن و خواندن یک نمونه از موضوعی، آن نمونه را خارج از اندازه واقعی در کل موضوع تعریف و نتیجه‌گیری مثبت یا منفی نمایند، در حالی که هیچ وقت این نوع قضاوت و نتیجه‌گیری درست نیست. قضاوتی می‌تواند درست باشد که دقیقاً تمام جزئیات و ابعاد کمی و کیفی و شرایط زمان، مکان و اوضاع و احوال اجتماعی آن مشخص باشد.

درباره این بحث، هرکس مثال‌های زیادی در ذهن خود دارد. مثلاً چقدر شنیدید که همه این‌طورند، یا همه چنین‌اند و یا گوینده با محور قرار دادن یک نمونه، آن را به کل موضوع تطبیق می‌دهد.

با توجه به چنین آسیبی که مطالب یا اسناد منفی در خوانندگان ایجاد می‌کنند، معمولاً در کتاب‌ها از ارائه آنها خودداری می‌کنند.

رسانه‌ها هم در دنیای امروز، وقتی نظر خاصی را می‌خواهند به مخاطبان خود به غلط یا درست باور دهند، با استفاده از همین ضعف اندازه‌گیری ذهنی افراد بشر، با ارائه چند نمونه محدود مثبت یا منفی، نتیجه‌گیری مثبت یا منفی را به مخاطبان القاء می‌کنند. این توضیحات به جهت آن بود که خوانندگان محترم با مطالعه اسناد و مطالب مثبت یا منفی این کتاب، از نتیجه‌گیری غلط اجتناب نمایند و یا با برداشت ناقص از متن کتاب به بیراهه کشانده نشوند.

ما نیز همان‌طور که نویسنده محترم ارائه داده، امانتداری نموده و در کتاب آوردیم. هرچند که ممکن است بعضی از مباحث ارائه شده نیاز به نقد کارشناسان و اهل فن دیگری هم باشد. این برداشت نیز طبیعی و منطقی است. نویسنده محترم نیز خود به این نکته توجه و در پایان مقدمه کتاب‌های خود به آن اشاره نموده‌اند.

نکته آموزنده دیگری که مسلماً خوانندگان محترم توجه خواهند نمود، آن است که در آن شرایط و زمان سخت، چگونه یگان‌ها و رده‌های مختلف فرماندهی، با بالادست و زیردست خود، صادقانه و مؤدبانه، مکاتبه کرده و به دور از رعایت ملاحظات خوشایندی و یا ناخوشایندی رده‌ها، به بیان واقعیت‌های موجود و مدیریت بحران پرداخته‌اند.

امید است که در جهت ادامه راه شهدا و شرح بخشی از حماسه تاریخی ملت بزرگ ایران در دفاع مقدس موفق بوده باشیم. ثواب این کار را نیز برای نویسنده محترم اهدا می‌نمائیم.

با سلام و احترام

سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی‌گویا



قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِ

بگو! در روی زمین بگردید و ببینید پایان کار پیشینیان چگونه بوده است.

(سوره روم آیه ۴۲)

## پیشگفتار درباره تهیه مدارک

### یادآوری مهم

از بررسی کنندگان، خوانندگان و استفاده کنندگان این مدارک درخواست می‌شود قبل از بررسی به نکات زیر توجه فرمایند:

### ۱. دستورالعمل تهیه مدارک

این مدارک در اجرای امریه ۶۰/۰۲/۱/۸۵ - ۶۱/۴/۳۰ معاونت آموزشی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران گردآوری، تنظیم و تدوین شده است.

### ۲. هدف‌های اصلی

هدف‌های اصلی تهیه این مدارک طبق دستورالعمل یادشده بالا به شرح زیر بوده است:  
الف) تجزیه و تحلیل هریک از نبردهای عمده و بررسی علل پیروزی یا شکست آنها.  
ب) ایجاد زمینه مطلوب برای تهیه مسائل آموزشی مراکز فرهنگی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران.  
ج) بهره‌برداری آموزشی از تجربیات به دست آمده از جنگ تحمیلی.

### ۳. اسناد اصلی بهره‌برداری شده برای تهیه این مدارک

الف) برآوردهای ستادی، طرح‌ها و دستورالعمل‌های عملیاتی تهیه شده در ستاد مشترک نیروی زمینی، لشکرها و تیپ‌های اجراکننده عملیات که در پرونده‌های عملیاتی و اطلاعاتی نیروی زمینی و رده‌های پایین‌تر ثبت شده بود.  
ب) پیام‌ها، دستورات و گزارش‌های مبادله شده بین قرارگاه‌ها، شامل ستاد مشترک، نیروی زمینی، لشکرها و تیپ‌های اجراکننده عملیات که در پرونده‌های عملیاتی و اطلاعاتی این قرارگاه‌ها ثبت شده بود.

ج) خاطرات شخصی معدودی از فرماندهان و افسران ستاد که شخصاً در طرح‌ریزی و هدایت عملیات شرکت یا حضور داشتند.

د) مدارک مورد نظر تا رده قرارگاه، لشکرها و تیپ‌های مستقل بوده است و پیام‌ها و دستوراتی که بین قرارگاه تیپ‌ها، گردان‌ها و رده‌های پایین‌تر مبادله شده در بیشتر این مدارک منظور نشده است.

#### ۴. درخواست اسناد از سازمان‌های خارج از نزاچا

از سازمان‌های خارج از رده نیروی زمینی درخواست شد برای تکمیل این مدارک، اسناد و مدارک عملیاتی مربوط به نبردهای جنگ تحمیلی را در اختیار نیروی زمینی قرار دهند، ولی تا تکمیل این مجموعه، مدارک خواسته شده را ارسال نکردند. این سازمان‌ها عبارتند از:

الف) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران که نقش فعال و سهمی بسیار در عملیات داشتند.

ب) ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران که در طرح‌ریزی و هدایت جنبه‌های سیاسی و اقتصادی جنگ تحمیلی نقش اصلی را داشته است.

ج) ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران که قسمت عمده یگان‌های آن دوش به دوش برادران سرباز خود در یگان‌های نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در نبردها شرکت داشتند.

د) نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران که در پشتیبانی نزدیک هوایی و ترابری یگان‌های نیروی زمینی عامل مهمی بود.

ه) نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران که در منطقه آبادان و خرمشهر قسمتی از تلاش‌های پدافندی و آفندی در این منطقه را عهده‌دار بود.

توجه: به تهیه‌کنندگان تاریخ کامل جنگ تحمیلی توصیه می‌شود ضمن بررسی این مجموعه، همکاری سازمان‌های یادشده بالا را نیز درخواست کنند و مدارک عملیاتی آن سازمان‌ها را دریافت و در جریان حوادث جنگ تحمیلی منظور کنند.

#### ۵. روش گردآوری مدارک مورد نیاز

الف) عین پرونده‌های عملیاتی و دستورات و طرح‌های عملیاتی قرارگاه‌های شرکت‌کننده در عملیات درخواست و دریافت شد و تمام برگ‌های این اسناد و مدارک مورد بررسی قرار گرفت.

ب) از کلیه طرح‌ها و دستورات عملیاتی و برآوردهای ستادی و دستورات جزء به جزء نسخه‌برداری شد و عیناً در کتاب مربوطه آورده شد.

ج) پرونده‌های ستادی معاونت عملیات و اطلاعات نیروی زمینی، قرارگاه مقدم نیروی زمینی در جنوب و لشکرهای ۱۶ و ۲۱ و ۷۷ و ۹۲ و تیپ‌های ۵۵ هوابرد و ۸۴ پیاده که در اختیار گروه بررسی قرار گرفت، همگی مطالعه شد و پیام‌ها و دستوراتی که بین قرارگاه‌های شرکت‌کننده در عملیات (تا رده تیپ داخل) مبادله شده بود و تأثیر قابل ملاحظه‌ای در هدایت نبردها داشت، عیناً نسخه‌برداری شد و در کتاب‌ها آورده شد. ذکر این نکته لازم است که فقط پیام‌هایی نسخه‌برداری شد که از نظر افسر بررسی‌کننده حائز اهمیت تشخیص داده شد و ممکن است پیام‌هایی وجود داشته باشند که از نظر افسران دیگر مهم بوده‌اند، ولی در کتاب منظور نشده‌اند.

د) طی امریه‌ای از طریق ستاد نیروی زمینی، از کلیه افسران، درجه‌داران، سربازان و غیرنظامیان شرکت‌کننده در جنگ تحمیلی درخواست شد خاطرات خود را بنویسند و برای گروه بررسی ارسال کنند تا به نام خود آنان ثبت شود، ولی پاسخ مثبتی به این خواسته گروه بررسی داده نشد.

## ۶. نکته قابل توجه خوانندگان

نکته مهمی که لازم است مورد توجه قرار گیرد، مطالب مربوط به استنباط و نظریات و مشاهدات و خاطرات شخصی افسر بررسی‌کننده از جریان حوادث با توجه به مدارک گردآوری شده و ارتباط دادن حوادث با یکدیگر است. از این‌رو، به صورت یک نتیجه قطعی و کامل نباید تلقی شود. بلکه ممکن است بررسی‌کنندگان بعدی مدارک دیگری از هر عملیات به دست آورند یا شخصاً در عملیاتی حضور داشته‌اند و شاهد عینی جریان حوادث نبردها بوده‌اند که در ارتباط با حوادث، نتیجه‌گیری دیگری از هر عملیات بکنند و نظریات کامل‌تری ارائه کنند. مسلماً مدارک گردآوری شده در این کتاب، ثبت و ضبط همه جریانات نیست و چه بسا اسناد و مدارک عملیاتی در پرونده‌های عملیاتی تیپ‌ها، گردان‌ها، گروهان‌ها و سایر سازمان‌ها وجود داشته باشند که می‌تواند جریان وقایع را روشن‌تر ارائه کند. این‌گونه مدارک در هنگام تدوین این کتاب در اختیار افسر بررسی‌کننده نبود. امید است در آینده بررسی‌کنندگان و محققان دیگر تاریخ جنگ تحمیلی برای تکمیل این مدرک گردآوری شده اقدام کنند، تا تاریخ نظامی و در صورت امکان، تاریخ سیاسی

این جنگ تحمیلی که قسمتی از تاریخ میهن اسلامی ما برای نسل‌های آینده ملت ایران عزیز خواهد بود، هر چه کامل‌تر تهیه و تدوین شود.  
غرض نقشی است که ما باز ماند      که هستی را نمی‌بینم بقایایی

افسرت‌هیه کننده

سرهنگ زرهی ستاد سید یعقوب حسینی

فروردین سال ۱۳۶۲

# قسمت اول

## کلیات

## عملیات آفندی لشکر ۲۱ پیاده در پای پل کرخه در ۲۳ مهر ماه ۱۳۵۹

### قسمت یکم عملیات

#### ۱- مشخصات کلی عملیات

##### الف- عنوان

(۱) قرارگاه مقدم نزاچا: دستور جزء به جزء شماره ۱ مهر ۵۹

(۲) لشکر ۲۱ پیاده حمزه: دستور عملیاتی شماره ۱ لشکر ۲۱ حمزه

ب- منطقه عمومی: غرب رودخانه کرخه در منطقه پای پل و محور عین خوش

تا تپه‌های ابوصلیبی خات در حدود ۳۰ کیلومتری جنوب و تپه علی‌گره‌زد در ۱۵

کیلومتری غرب پل کرخه

پ- تاریخ اجرا: ۱۳۵۹/۷/۲۳

ت- نوع عملیات: آفندی

ث- قرارگاه کنترل کننده:

قرارگاه مقدم نیروی زمینی در جنوب

ج- یگان‌های شرکت کننده:

(۱) لشکر ۲۱ پیاده شامل:

- تیپ ۱ پیاده - تیپ ۲ پیاده - گردان‌های تانک چیفتن لشکر ۲۱ پیاده

- گروه رزمی ۲۹۱ تانک لشکر ۷۷ پیاده

(۲) تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی:

- گردان ۲۸۳ سوار زرهی (-)

- گردان ۱۰۵ مکانیزه

- گروه رزمی ۳۷ شیراز

(۳) گروه ۵۵ توپخانه

(۴) یگان هوانیروز

(۵) نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران

### چ- یگانهای عمده متجاوز:

(۱) لشکر ۱ پیاده مکانیزه

(۲) لشکر ۱۰ زرهی

(۳) تیپ ۶۰ پیاده

### ۲- مأموریت

#### الف- قرارگاه مقدم نیروی زمینی:

یگانهای نیروی زمینی مستقر در منطقه پل کرخه آفند میکنند و تپه‌های علی‌گره‌زد و ابوصلیبی‌خات را تصرف می‌نماید.

ب- لشکر ۲۱ پیاده در ساعت ۳ روز (ر) از خط پدافندی تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی عبور می‌کند و به سمت غرب و جنوب تک می‌نماید و ارتفاعات علی‌گره‌زد و ایستگاه رادار را تصرف و تامین نموده و آماده می‌شوند بنا به دستور تک را به منظور تصرف و تامین ارتفاعات تپه دوسلک و عین خوش ادامه میدهد.

پ- تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی:

تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی عبور عناصر لشکر ۲۱ پیاده را از منطقه سرپل هماهنگ و پشتیبانی مینماید.

ت- لشکر ۱۶ زرهی:

با یگانهای سازمان یافته مواضع پدافندی در شرق رودخانه در منطقه پای پل را اشغال میکند و خط دوم پدافندی را برقرار می‌سازد آماده می‌شود بنا به دستور لشکر ۲۱ را دنبال نماید.

### ۳- شرح کلی منطقه عملیات

الف- جو: در مهرماه معمولاً هوای خوزستان گرم و خشک و صاف است در روز حمله لشکر ۲۱ که در ۲۳ مهرماه انجام گرفت هوا صاف و دید بسیار خوب بود گرما هم چندان زیاد نبود و وضعیت جوی محدودیتی برای عملیات ایجاد نمی‌کرد.

ب- زمین:

(۱) عوارض طبیعی

(الف) برجستگیها: به طور کلی منطقه این عملیات یک منطقه تپه ماهور است که جاده اندیمشک دهلران از مرکز منطقه عبور میکند طرفین جاده از دامنه جنوبی تپه‌های غربی پل تا تپه‌های علی‌گره‌زد

در منطقه‌ای به طول ۸ کیلومتر و به عرض حدود ۶ کیلومتر زمین باز با شیب ملایم قسمت شمال و جنوب است بقیه منطقه تپه ماهور است که ادامه آن تا ارتفاعات تینه در عین خوش و دوسلک امتداد دارد و دشت عباس که بزرگترین دشت آن منطقه است بعد از ارتفاعات علی‌گره‌زد قرار دارد تپه‌های اسکندر و خندان و سپتون در شمال جاده دهلران در بعضی قسمت‌ها شیب تند دارد و برای خودروها و زرهی مانعی محسوب نمی‌گردد.

(ب) رودخانه‌ها و آبروها: رودخانه کرخه در منطقه غیرقابل عبور است و حرکات به طرفین آن مستلزم احداث پل می‌باشد که یک پل ثابت ۴۰ تنی در محل موسوم به پای احداث شده و تنها محل عبور از رودخانه می‌باشد ولی برای عملیات یک پل شناور ۶۰ تنی احداث شده بود. غیر از رودخانه یک مسیل بنام رفیه یا رفائیه در محور رادار وجود دارد که معمولاً بی آب است.

(پ) باطلاقتها و آبگرفتگی: این منطقه فاقد باطلاق می‌باشد.

(ت) جنس زمین: بطور کلی جنس زمین بجز در مزارع کشاورزی سخت و محکم است و مانع حرکت خودروها نمی‌باشد ولی در طرفین جاده تا سه راهی رادار زمین‌های کشاورزی وجود دارد که در مواقع بارندگی یا آبیاری غیرقابل عبور می‌شود که در موقع اجرای عملیات لشکر ۲۱ خشک بود.

(ث) روئیدنیها: روئیدنی طبیعی قابل ملاحظه در منطقه وجود ندارد.

#### (۲) عوارض مصنوعی زمین:

(الف) شهرها و کوت‌کاپن: در منطقه این عملیات هیچگونه شهر و آبادی بزرگی وجود ندارد و چند آبادی کوچک در کنار رودخانه کرخه وجود دارند به نام سرخه نادری، سرخه فیلیه و سرخه صالح که چندان حائز اهمیت نمی‌باشد. ایستگاه رادار پایگاه هوایی دزفول مهم‌ترین تاسیسات ساخته شده در این منطقه بود که البته در طول عملیات در اثر گلوله باران نیروهای خودی و دشمن به کلی منهدم گردید.

(ب) کانالهای آبیاری: در غرب کوت‌کاپن سرخه فیلیه و سرخه صالح کانال آبیاری احداث شده بود که در اشغال دشمن بود و دشمن از این کانالها به عنوان مواضع سد کننده استفاده می‌کرد.

(پ) زمین‌های کشاورزی: قسمتی از دامنه جنوبی تپه‌های غربی پل و اطراف کوت‌کاپن کنار رودخانه کرخه زمین کشاورزی بود که در زمان اجرای حمله لشکر ۲۱ پیاده کشت نشده بود بقیه منطقه اصولاً کشتزار نبود.



(ت) جاده‌ها: دو جاده اصلی در این منطقه عملیات وجود داشت که عبارت بودند از جاده اصلی شرقی غربی اندیمشک و دهلران مهران و جاده فرعی رادار که در سه راهی تپه کوت کاپن در مسیر شمالی جنوبی به ایستگاه رادار و تپه ابوصلیبی خات منتهی می‌گردد. جاده‌های فرعی قابل استفاده نیز در منطقه وجود داشت و بطور کلی منطقه عملیات از لحاظ تحرک خودروها محدودیت قابل ملاحظه‌ای نداشت.

(ث) خاکریزها: با توجه به اینکه این عملیات ۲۳ روز بعد از آغاز تجاوز عمومی ارتش عراق به منطقه، خوزستان انجام می‌شد هنوز احداث خاکریز به وسیله نیروهای خودی و دشمن عمومیت پیدا نکرده بود، لذا در منطقه عملیات، فقط در خاکریزهای موجود، دشمن موفق شد بزرگترین تلفات را به نیروهای زرهی لشکر ۲۱ پیاده وارد آورد.

پ- جنبه های نظامی زمین:

(۱) عوارض حساس: به ترتیب از شرق رودخانه تا غرب و جنوب غرب ارتفاعات زیر وجود دارد که تصرف هر یک از آنها در تأمین منطقه اهمیت شایانی دارد. تپه‌های کمانه در شرق رودخانه پل فلزی - تپه‌های اسکندر خندان و تپه چشمه و تپه‌های سیتون در غرب رودخانه تپه کوت کاپن در سه راهی و بالاخره تپه‌های علی‌گره‌زد و شاوریه در غرب منطقه و تپه‌های رادار و ابوصلیبی خات در جنوب منطقه مهم‌ترین عوارض طبیعی هستند.

(۲) معابر وصولی: برای هر یک از هدفهای تعیین شده، جهت لشکر ۲۱ پیاده که تپه‌های علی‌گره‌زد در غرب و تپه‌های ابوصلیبی خات در جنوب بود یک محور اصلی که همان جاده‌های آسفالتی اصلی بود وجود داشت ولی برای وصول به هر یک از هدفهای یادشده، مسیرهای فرعی نیز قابل استفاده بود به این ترتیب که برای وصول به تپه علی‌گره‌زد در غرب سه مسیر می‌توانست مورد استفاده قرار گیرد یک مسیر از دامنه کم شیب تپه‌های شمال جاده دهلران یک مسیر خود جاده و زمین‌های هموار از اطراف آن و یک مسیر از تپه کوت کاپن و زمین‌های تپه ماهور جنوب جاده دهلران به تپه‌های جنوبی علی‌گره‌زد منتهی می‌شد و برای وصول به تپه ابوصلیبی خات نیز سه معبر وجود داشت که عبارت بودند از: زمین‌های تپه ماهور کنار رودخانه کرخه (غرب کرخه) محور اصلی رادار و تپه‌های غربی جاده رادار.

(۳) اختفاء و پوشش: مرکز منطقه عملیات که زمین‌های مسطح طرفین جاده دهلران بود، فاقد هر گونه پوشش و اختفاء بود، ولی زمین‌های تپه ماهور شمال و جنوب جاده تا حدودی اختفاء و پوشش ایجاد می‌کرد. بطور خلاصه می‌توان گفت که زمین منطقه عملیات فاقد اختفاء و پوشش قابل ملاحظه بود.

(۴) میدان دید و تیر: به علت باز بودن نسبی منطقه میدان دید و تیر خوبی به دشت مرکزی داشتند و در دست داشتن هر تپه و یا خاکریز سبب کنترل زمین‌های مقابل می‌شد.

(۵) موانع: تنها مانع قابل ملاحظه ارتفاعات بلند شمال جاده دهلران بود که برای حرکت خودروهای شنی دار و چرخدار محدودیت ایجاد می‌کرد، لذا غیر از رودخانه کرخه مانع مهمی در منطقه نبود و پس از عبور از رودخانه کرخه و به دست گرفتن کنترل قسمت سه راهی رادار هیچگونه مانعی در سر راه عناصر لشکر ۲۱ پیاده وجود نداشت. ت- اثرات مشخصات منطقه در عملیات دشمن.

(۱) اثر بر تک دشمن - چنانچه دشمن به پیشروی خود به سمت شمال شرق ادامه میداد و تپه‌های غربی رودخانه کرخه در پای پل را تصرف می‌کرد می‌توانست کنترل جاده اهواز اندیمشک و کنترل منطقه شمال شرقی رودخانه را به دست بگیرد و در صورتی که پل ثابت را تصرف می‌کرد و سرپل در شرق پل را تامین می‌نمود می‌توانست تهدید جدی برای تصرف گلوگاه شمال اندیمشک و قطع ارتباط بین خوزستان و مرکز ایران را ایجاد کند.

(۲) اثر بر پدافند دشمن: چنانچه دشمن موفق به حفظ مواضع موجود خود در جنوب تپه‌های اسکندرخندان سه راهی رادار می‌شد می‌توانست از توسعه سرپل نیروهای ما جلوگیری کند (همینطور هم شد). (۳) اثر بر عقب‌نشینی دشمن: چنانچه دشمن مواضع مقدم خود را که در خط تماس سرپل نیروهای ما قرار داشت از دست می‌داد مجبور می‌شد در سمت غرب تا ارتفاعات شاوریه و علی‌گره‌زد و در جنوب تا ارتفاعات ابوصلیبی‌خات عقب‌نشینی کند.

(۴) اثر بر کاربرد نیروی هوایی دشمن: به علت باز بودن منطقه محدودیتی برای کاربرد هوایی دشمن وجود نداشت و در صورتی که دشمن برتری هوایی به دست می‌آورد می‌توانست ضربات سنگین به نیروهای ما وارد سازد.

ت- اثرات مشخصات منطقه در عملیات خودی:

(۱) اثر بر تک خودی - با توجه به اینکه نیروهای ما سرپل در غرب رودخانه را در اختیار داشتند و عملاً تمام ارتفاعات کرانه غربی و جنوب غربی رودخانه کرخه در اختیار نیروهای ما بود، توسعه سرپل سبب تسهیل پیشروی نیروهای ما به سمت غرب و جنوب غرب در این منطقه می‌شد و در صورت تصرف تپه‌های علی‌گزه‌زد در غرب و ابوصلیبی‌خات در جنوب منطقه نیروهای ما می‌توانستند در فرصت مناسب تک خود را به سمت معابر اصلی عین خوش و دوسلک ادامه دهند و نیروهای دشمن را حداقل به ارتفاعات مرزی حمیرین عقب برانند و خطر جدی را از خوزستان دور نمایند.

(۲) اثر بر پدافند خودی: در صورت حفظ سرپل، کنترل تپه‌های غربی و جنوبی کرانه رودخانه کرخه در دست نیروهای ما باقی می‌ماند و تهدیدی برای نیروهای دشمن ایجاد می‌کرد و حداقل امتیاز این بود که دشمن مجبور می‌شد یک نیروی قابل ملاحظه برای مقابله با تهدید احتمالی نیروهای ما در این منطقه درگیر سازد و همین‌گونه هم شد و پس از شکست حمله لشکر ۲۱ پیاده، دشمن مجبور شد یک لشکر زرهی و یک لشکر مکانیزه خود را تا خاتمه عملیات فتح‌المبین که منجر به انهدام کامل این لشکرها شد در این منطقه نگهدارد.

(۳) اثر بر عقب نشینی واحدهای خودی: در صورتی که نیروهای ما از سرپل شرق رودخانه عقب‌نشینی می‌کردند مجبور می‌شدند در تپه‌های شرقی و شمال شرقی پل که میدان دید و تیرچندانی به سمت غرب ندارد دفاع کند و دشمن می‌توانست با نیروی کم در کرانه غربی رودخانه دفاع کند و بقیه ۲ لشکر مستقر در این منطقه را در جبهه‌های دیگر وارد عمل سازد و در حقیقت بهترین صرفه جوئی برای دشمن ایجاد گردد.

(۴) اثر در کاربرد نیروی هوایی خودی: زمین منطقه عملیات در کاربرد نیروی هوایی اثرات مخصوص نداشت و همانگونه که در قسمت مربوط به دشمن گفته شد اثرات تک‌های هوایی بستگی به دست آوردن برتری هوایی بود.

#### ۴- سازمان و گسترش نیروهای متجاوز در منطقه عملیات

بر مبنای اطلاعات کلی به دست آمده از مدارک موجود، نیروهای متجاوز عراق در شروع عملیات با لشکرهای ۱ پیاده مکانیزه و ۱۰ زرهی و یک تیپ ۶۰ پیاده

در منطقه عملیات دزفول شوش حمله خود را آغاز نمود ولی درباره جزئیات سازمان و گسترش عناصر یگانهای یاد شده متجاوز در هنگام درگیری لشکر ۲۱ مدرکی در دسترس نبوده و لذا برای بررسی استعداد این یگانها از کتاب ترتیب نیروی کشور عراق استفاده شده است که احتمالاً کلیه یا قسمت عمده این یگانها در منطقه عملیات غرب رودخانه کرخه گسترش داشتند. به محض به دست آوردن اطلاعات دقیق، تغییرات لازم داده شد.

#### الف- سازمان رزمی لشکر پیاده مکانیزه:

(۱) تیپ ۱ مکانیزه:

گردان ۱ تانک

گردان ۱ مکانیزه

گردان ۲ مکانیزه

گردان ۳ مکانیزه

(۲) تیپ ۲۷ مکانیزه:

گردان ۸ تانک

گردان ۱ مکانیزه

گردان ۲ مکانیزه

گردان ۳ مکانیزه

(۳) تیپ ۳۴ زرهی:

گردان ۸ مکانیزه

گردان تانک آندلس

گردان تانک قرطبه

گردان تانک اشبیله

(۴) تیپ ۵۱ زرهی:

گردان ۲۹ تانک

گردان تانک ابوعمیده

گردان ۳ مکانیزه

گردان ۱۵ مکانیزه

(۵) گردان شناسائی قدس

(۶) توپخانه لشکری لشکر ۱ مکانیزه:

گردان ۱ توپخانه ۱۲۲ م م

- گردان ۲۶ توپخانه ۱۳۰ م م
- گردان ۸ توپخانه ۱۲۲ م م
- گردان ۲۸ توپخانه ۱۵۲ م م
- گردان ۲۳ ضدهوایی
- گردان ۱۴۳ ضدهوایی
- گردان ۴ ضد تانک
- گروهان شیمیائی
- آتشبار ۱ سبک خمپاره
- آتشبار ۲ سبک خمپاره
- آتشبار ۱۱ سبک خمپاره
- (۷) گردان ۲۰ دفاع الواجبات
- (۸) گردان ۱ مهندس
- (۹) گردان ۱ مخابرات
- (۱۰) سررشته داری لشکر
- (۱۱) بهداری لشکر
- (۱۲) گردان ۸ دفاع الواجبات
- (۱۳) یگان کماندو و قادسیه لشکر ۱ که شامل ۵ یگان تقریباً با استعداد گروهان بوده است.

**ب- لشکر ۱۰ زرهی:**

- (۱) تیپ ۴۲ زرهی:
  - گردان تانک یافا
  - گردان تانک صدام
  - گردان تانک البعث
  - گردان ۹ مکانیزه
- (۲) تیپ ۱۷ زرهی:
  - گردان تانک ۳۰ تموز
  - گردان تانک ۱۷
  - گردان تانک حماد شهاب
  - گردان ۶ مکانیزه
- (۳) تیپ ۲۴ مکانیزه:
  - گردان ۱ مکانیزه

گردان ۲ مکانیزه

گردان ۳ مکانیزه

گردان تانک حزیران

(۴) قرارگاه کماندو لشکر

(۵) گروهان شیمیائی

(۶) گروهان شناسائی النصر

(۷) گردان دفاع الواجبات

(۸) توپخانه لشکری لشکر ۱۰:

گردان ۱۹ توپخانه خود کششی

گردان ۴۹ توپخانه ۱۲۲ م م

گردان ۵۱ توپخانه ۱۳۰ م م

گردان ۵۳ ضد هوائی خود کششی

گردان ۳۹ ضد تانک

آتشبار ۳ مستقل ضد هوائی

آتشبار ۲۰ سبک (خمپاره)

گردان ۳۹ توپخانه ۱۳۰ م م

گردان ۱۸۹ موشکی

آتشبار موشکی مستقل ۱۲۹

آتشبار ۶۴ ضد هوائی متوسطه مستقل

(۹) گردان ۱۰ مهندس

(۱۰) گردان ۱۰ مخابرات

(۱۱) سررشته دارای لشکر

(۱۲) بهداری لشکر

پ- تیپ ۶۰ پیاده:

گردان ۱ پیاده

گردان ۲ پیاده

گردان ۳ پیاده

۵- سازمان و گسترش نیروی خودی قبل از اجرای حمله

الف- سازمان رزمی لشکر ۲۱:

تیپ ۱ پیاده:

گردان ۲۴۲ تانک  
گردان ۱۳۱ پیاده  
گردان ۱۶۹ پیاده  
گردان ۳۵۰ توپخانه ۱۵۵ م م خ ک (ک م)  
تیپ ۳ پیاده:  
گردان ۱۴۴ پیاده  
گردان ۱۷۱ پیاده  
گردان ۱۷۴ پیاده  
گردان ۳۲۷ توپخانه ۱۰۵ م م کششی (ک م)  
گروه رزمی ۲۹۱ تانک:  
گردان ۲۹۱ تانک (-) لشکر ۷۷  
یک گروهان پیاده  
گردان ۳۲۳ توپخانه ۱۵۵ م م خ ک (ک م)  
توپخانه لشکری:  
ارکان و آتشبار ارکان  
گردان ۳۹۷ توپخانه ۲۰۳ م م  
گردان ۳۴۷ توپخانه ۱۳۰ م م  
گردان ۳۵۳ توپخانه ۲۳ م م  
گردان ۳۱۳ توپخانه ۱۵۵ م م کششی  
عده های لشکری:  
قرارگاه لشکر  
گردان ۱۳۸ پیاده مستقر در شوش  
گردان ۱۴۱ پیاده مستقر در شوش  
گردان ۲۴۷ سوار زرهی (-)  
گردان ۴۵۵ مهندس  
گردان ۴۶۵ مخابرات  
فرماندهی پشتیبانی:  
گردان نگهداری  
گردان آماد و ترابری  
گردان بهداری

**ب- تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ زرهی**

قرارگاه تیپ ۲ زرهی

گردان ۲۰۷ تانک

گردان ۲۵۶ تانک

گردان ۲۸۳ سوار زرهی (-)

گردان ۱۰۵ مکانیزه

گروه رزمی ۳۷ زرهی

**پ- لشکر ۱۶ زرهی**

عناصری از یگانهای لشکر ۱۶ زرهی وارد منطقه شده بودند که هنوز سازمان متشکل پیدا نکرده بودند. چون از هر یگان قسمتی وارد شده و باقیمانده یگانها یا در حال تغییر مکان بودند یا هنوز در پادگانهای مربوطه باقی مانده بودند، سازمان لشکر هنوز مشخص نشده بود.

**پ- گسترش**

(۱) قبل از اجرای حمله در ۲۳ مهرماه ۵۹، تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی که بخشی از توان زرهی خود را در نبرد ۲۳ روز گذشته از دست داده بود در غرب رودخانه کرخه در منطقه سرپل مستقر بود و پدافند می کرد.

(۲) گردانهای ۱۳۸ و ۱۴۱ پیاده لشکر ۲۱ پیاده که بخش عمده ای از توان رزمی خود را در نبرد ۲۳ روز گذشته از دست داده بودند. زیر امر قرارگاه عملیاتی دزفول (تشکیل شده از لشکر ۹۲ زرهی) در منطقه شوش در شرق رودخانه کرخه پدافند می کرد.

(۳) عناصر لشکر ۲۱ پیاده که در حال تغییر مکان از تهران به دزفول بودند به ترتیب ورود به خوزستان در منطقه تجمع شرق دزفول در دامنه ارتفاعات مستقر می شدند و آماده برای شرکت در عملیات می گردیدند.

(۴) یک قرارگاه عملیاتی موقت از لشکر ۹۲ زرهی در پادگان دزفول مستقر بود که عملیات یگانهای منطقه دزفول و شوش را هماهنگ می کرد.

(۵) قرارگاه مقدم نیروی زمینی در جنوب از ۱۵ مهر در دزفول مستقر شده بود و هدایت عملیات منطقه عملیاتی دزفول و شوش را به عهده گرفته بود.

(۶) عناصر لشکر ۱۶ زرهی در منطقه تجمع شمال شرقی اندیمشک در دامنه ارتفاعات مستقر گردید.



# قسمت دوم

## برآوردهای ستادی

\*\* با توجه به شرایط خاص و عدم فرصت کافی ، کلیه برآوردهای ستادی در رده لشکر ۲۱ حمزه یا انجام نگرفته و یا به صورت شفاهی تهیه و ارائه گردیده که در دسترس نمی باشد.



**قسمت سوم**

**طرحها و دستورات عملیاتی**

بسمه تعالی

(بدون تغییر در دستورات شفاهی)

نسخه..... از....

قرارگاه تاکتیکی نزاچا درخوزستان دزفول

۲۰ مهرماه ۱۳۵۹

د خ - ۱۷

**دستور جزء به جزء شماره ۱**

مدرک : نقشه ۲۵۰۰۰۰: ۱ دزفول - عین خوش

**۱- وضعیت :** پیوست الف (کالک عملیاتی مراجعه شود)

**الف - دشمن:** عناصر دشمن در منطقه دزفول متوقف شده و در خط سرپل تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی با یگانهای خودی در تماس است.

**ب - نیروهای خودی:** عناصر تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی در خط سرپل موفق شده است پیشروی دشمن را متوقف سازد. یگانهای نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران مستقر در منطقه دزفول در ساعت (س) روز (ر) از خط سرپل عبور می کنند و نیروهای دشمن را در منطقه (کالک عملیات) نابود می سازند.

**۲ - وظائف**

**الف - لشکر ۲۱ پیاده:**

(۱) با عناصر موجود آن لشکر در منطقه دزفول از خط سرپل تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی عبور کنید و هدفهای الف و ب را تصرف نمایید.

(۲) در صورت عدم مقاومت جدی دشمن، تک را به سمت غرب ادامه دهید. ترتیب تقدم ابتدا هدف (پ) بعد هدف (ت) را تامین و تصرف نمایید.

(۳) ترجیحاً یگانهای پیاده رادرسمت راست پیشروی و ارتفاعات شمال محور دهلران و یگانهای زرهی را در سمت چپ در محور دوسلک بکار ببرید.

(۴) گردانهای ۱۳۸ و ۱۴۱ پیاده سازمانی را از ۰۷۰۰ روز ۵۹/۷/۲۱ زیر امر بگیرید.

**ب - لشکر ۱۶ زرهی:**

(۱) کلیه عناصر آن لشکر را که به منطقه دزفول وارد شده اند، سازمان رزم بدهید.

(۲) آماده باشید به عنوان احتیاط نیرو در منطقه دزفول بنا به دستور عناصر لشکر ۲۱ پیاده را دنبال کنید.

(۳) آماده باشید پس از عبور یگانهای لشکر ۲۱ پیاده از رودخانه یک گروه رزمی گردانی در شرق رودخانه کرخه در منطقه پای پل مستقر سازید.

**پ - فرماندهی عملیات دزفول:**

- (۱) عبور یگانهای لشکر ۲۱ پیاده را از خط سرپل پشتیبانی کنید.
- (۲) آماده باشید پس از عبور لشکر ۲۱ پیاده در خط سرپل بنا به دستور زیر امر لشکر ۲۱ پیاده و در محور دوسلک عناصر لشکر ۲۱ پیاده را دنبال نمایید.
- (۳) آماده باشید بنا به دستور پس از تصرف هدفهای الف و ب به وسیله لشکر ۲۱ پیاده به شرق رودخانه کرخه تغییر مکان داده و در احتیاط نزاجا قرار گیرید.

#### ت - گروه ۵۵ توپخانه:

آتش توپخانه لشکر ۲۱ را تقویت کنید.

#### ث - یگان هوانیروز در منطقه دز فول:

- (۱) شناسائی هوایی مداوم در منطقه انجام دهید و اطلاعات از محل تمرکز نقاط تدارکاتی محل استقرار یگانهای مانوری و توپخانه و پاسگاه فرماندهی را گزارش نمایید.
- (۲) با دیدبانی هوایی هدفهای مورد نیاز توپخانه را مشخص نمایید (با همکاری گروه ۵۵)
- (۴) با هلیکوپترهای رزمی، عملیات لشکر ۲۱ ترابری هوایی را برای پیاده کردن عناصر شکارچی تانک دیده بانان مقدم توپخانه و تخلیه مجروحین در حدود مقررات فراهم سازید.

#### ج - پشتیبانی هوایی:

پایگاه هوایی مصدق در حدود مقدرات، پشتیبانی هوایی نزدیک را برای لشکر ۲۱ پیاده اجرا می نماید.

#### چ - دستورات هماهنگی:

- (۱) ساعت (س) روز (ر) بنا به دستور و در حدود زمان خواهد بود که شفاهاً ابلاغ شده است.
- (۲) شناسائی ها و طرح ریزی ها تارده دسته در حد اقل مدت زمان به عمل آید.
- (۳) منظور اصلی از این عملیات، انهدام نیروهای دشمن موجود در منطقه است و کلیه پرسنل و یگانها باید از هر گلوله خود برای از بین بردن دشمن حداکثر استفاده را به عمل آورند و از فرار دشمن جلوگیری نمایند.
- (۴) هماهنگی آتش و حرکت و همکاری تانک و پیاده در نقاط تپه ماهور تاکید می گردد.
- (۵) مانور نشان داده شده در کالک به عنوان راهنمایی است. فرمانده لشکر در انتخاب راه کار آزاد است.

ف نزاجا - سر تیپ ظهیر نژاد در دستورات شفاهی تغییری داده نشده است.

دستور عملیاتی شماره ۱ لشکر ۲۱ پیاده  
مدرک: نقشه ۵۰۰۰: ۱ دزفول - عین خوش

سازمان رزمی:

تیپ ۱ پیاده:

گردان ۲۴۲ تانک

گردان ۱۳۱ پیاده

گردان ۳۵۰ توپخانه ۱۵۵ م م خ ک (ک م)

تیپ ۳ پیاده:

گردان ۱۴۴ پیاده

گردان ۱۷۱ پیاده

گردان ۱۷۴ پیاده

گردان ۳۲۷ توپخانه ۱۰۵ م م (ک م)

گروه رزمی ۲۹۱ تانک:

گردان ۲۹۱ تانک (-)

یک گروهان پیاده

گردان ۳۲۳ توپخانه ۱۵۵ م م خ ک (ک م)

توپخانه لشکری:

ارکان و آتشبار توپخانه

گردان ۳۹۷ توپخانه

گردان ۳۴۷ توپخانه

گردان ۳۵۳ توپخانه

گردان ۳۱۳ - ۱۵۵ م م کششی

عده های لشکری:

قرارگاه لشکر

گردان ۱۳۸ پیاده

گردان ۱۴۱ پیاده

گردان ۲۴۷ سوار زرهی (-)

گردان ۴۵۵ مهندسی

گردان ۴۶۵ مخابرات

فرماندهی پشتیبانی:

گردان نگهداری

گردان آماد و ترابری

گردان بهداری

دزفول ۸۶ - ۵۳  
۲۱۰۸۰۰ مهرماه ۵۹  
دز ۵۱

## ۱- وضعیت

الف - نیروهای دشمن : پیوست الف (اطلاعات)

ب - نیروهای خودی:

(۱) عناصر تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی در خط سرپل موفق شده است پیشروی دشمن را متوقف سازد، یگانهای نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران مستقر در منطقه دزفول ضمن اینکه تاکنون حرکت دشمن را در منطقه شوش متوقف نموده در ساعت (س) روز(ر) از خط سرپل عبور می کنند و نیروهای دشمن را در منطقه نابود می سازند.

(۲) کلیه عناصر لشکر ۱۶ زرهی که به منطقه دزفول وارد شده اند، لشکر ۲۱ را دنبال و

پشتیبانی می نمایند.

(۳) فرماندهی عملیات دزفول عبوریگانهای لشکر ۲۱ را از خط سرپل پشتیبانی می نمایند.

(۴) عناصر نیروی هوایی تاکتیکی، لشکر ۲۱ را پشتیبانی می نمایند.

(۵) گروه ۵۵ توپخانه، توپخانه لشکر ۲۱ را تقویت می نمایند.

## ۲- ماموریت

لشکر ۲۱ ماموریت دارد در ساعت (س) روز(ر) تک نموده، ارتفاعات علی گره زد- ایستگاه رادار را تصرف و تامین نموده و آماده می باشد بنا به دستور تک را به منظور تصرف و تامین ارتفاعات عین خوش و تپه دوسلک ادامه دهد.

## ۳- اجرا

الف - تدبیر عملیات : پیوست ب (کالک عملیات)

(۱) مانور: لشکر در منطقه با تیپ ۳ در شمال (راست) و تیپ ۱ در مرکز تلاش اصلی و گروه رزمی ۲۹۱ تانک در جنوب تک نموده به ترتیب هدفهای شیر و پلنگ و ببر را تصرف و تامین نموده آماده می شود بنا به دستور تک را به منظور تصرف هدفهای سگ و گربه ادامه دهد.

گردان ۲۴۷ سوار زرهی (-) جناح جنوبی لشکر را حفاظت می نماید.

(۲) آتش: یک آتش تهیه به مدت ۳۰ دقیقه از (۲۰-س) تا (۱۰+س) روز(ر) اجراء می شود. تقدم آتش توپخانه و پشتیبانی نزدیک هوایی با تیپ ۱ خواهد بود.

پیوست ب (آتش پشتیبانی)

ب - تیپ ۱ پیاده:

(۱) تک نموده و هدف پلنگ را تصرف و تامین نمائید.

(۲) آماده باشید بنا به دستور تک را به منظور تصرف سگ ادامه دهید.

(۳) احتیاط خود را بنا به دستور به کاربرید.

پ - تیپ ۳ پیاده:

(۱) تک نموده و پهلو شمالی لشکر را پوشش کنید.

(۲) هدف شیر را تصرف و تامین نمائید.

(۳) آماده باشید یک گردان را به صورت متحرک هوایی به حوالی هدف شیر اعزام نمایید.

#### ت - گروه رزمی ۲۹۱ تانک:

- (۱) تک نموده و هدف ببر را تصرف و تامین نمایید.
  - (۲) آماده باشید بنا به دستور تک را به منظور تصرف و تامین هدف گربه ادامه دهید.
  - (۳) آماده باشید گردانهای ۱۳۸ و ۱۴۲ پیاده را در سه راهی رادار یا در دوسلک زیر امر بگیرید.
- ث - گردان ۲۴۷ سوار زرهی (-)
- پهلوی جنوبی لشکر را حفاظت کنید.

#### ج - توپخانه :

- (۱) توپخانه صحرائی:
  - (الف) گردان ۳۲۷ توپخانه ۱۰۵ م ک م تیپ ۳
  - (ب) گردان ۳۱۳ توپخانه ۱۵۵ م - ع ک تقویت گردان ۳۵۰
  - (پ) گردان ۳۵۰ توپخانه ۱۵۵ م م خ ک - ک م تیپ ۱
  - (ت) گردان ۳۴۷ توپخانه ۱۳۰ م م - عمل کلی.
  - (ث) گردان ۳۹۷ توپخانه ۲۰۳ م - ع ک ت گردان ۳۲۷ توپخانه.
  - (ج) گردان ۳۲۳ توپخانه ۱۵۵ م م خ ک - ک م گروه رزمی ۲۹۱ تانک.
  - (چ) گروه ۵۵ توپخانه - عمل کلی.

(۲) توپخانه پدافند هوایی: به ترتیب تقدم گردانهای توپخانه و قرارگاه لشکر را حفاظت نمایید.

(۳) پیوست پ (آتش پشتیبانی)

#### چ - گردان ۱۳۸ و ۱۴۱ پیاده

- (۱) در منطقه فعلی به پدافند خود ادامه دهید.
- (۲) آماده باشید بنا به دستور در سه راهی رادار یا در دوسلک زیر امر گروه رزمی ۲۹۱ قرار بگیرید.

#### ح - احتیاط:

- (۱) تیپ ۲ احتیاط لشکر خواهد بود
- (۲) دستورات هماهنگی:
  - (۱) ساعت (س) روز (ر) بنا به دستور خواهد بود.
  - (۲) سازمان رزمی از روز (۱-ر) قابل اجراء خواهد بود.
  - (۳) شناسائی ها و طرحریزی ها تا رده دسته در حداقل مدت زمان به عمل آید.
  - (۴) منظور اصلی از این عملیات، انهدام نیروهای دشمن موجود در منطقه است و کلیه پرسنل و یگانها باید از هر گلوله خود برای از بین بردن دشمن حداکثر استفاده را به عمل آورند و از فرار دشمن جلوگیری نمایند.
  - (۵) هماهنگی آتش و حرکت و همکاری تانک و پیاده در نقاط مختلف تاکید می گردد.
  - (۶) از دست زدن به وسایل دشمن از هر نوع خودداری شود.



(۷) رسیدن به نقاط حساس و تامین هدف گزارش گردد.

(۸) فرماندهان، خودروها و پرسنل موردنیاز را برای مراجعت از رودخانه کرخه جهت حمل مهمات مشخص نمائید و این خودروها و پرسنل کارت عبور مجاز همراه داشته باشند در غیر اینصورت به عنوان فراری در پای پل تیر باران خواهند شد.

۴- پشتیبانی خدمات: پیوست (ت) دستورات اداری متعاقباً ارسال می‌گردد.

#### ۵- فرماندهی و مخابرات

الف - مخابرات: دستور کار ثابت مخابرات پیوست (ج) متعاقباً ارسال می‌گردد.

#### ب - فرماندهی

(۱) پاسگاه فرماندهی در محل فعلی درمختصات ۵۳-۸۶ خواهد بود. تغییر مکان آن متعاقباً ابلاغ می‌گردد.

(۲) گروه فرماندهی به دنبال تیپ ۱ خواهد بود

(۳) محل پاسگاه فرماندهی خود را در تمام مراحل عملیات گزارش دهید.

ف ل ۲۱ حمزه: سرهنگ ستاد ورشوساز

رسید اطلاع دهید

معتبر است

رئیس رکن سوم لشکر: سرهنگ ۲ ستاد حشمت الله زمانی

پیوستها:

الف - اطلاعات

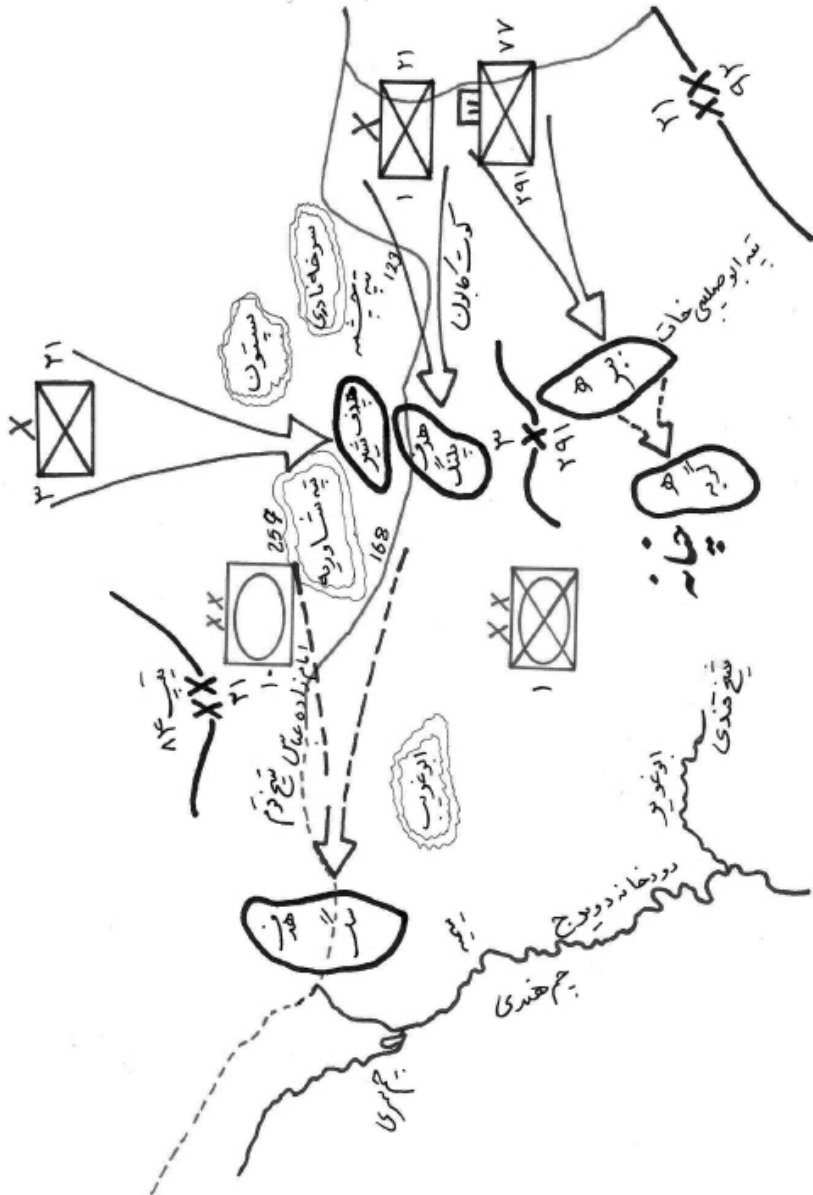
ب - کالک عملیات

پ - آتش پشتیبانی

ت - دستور اداری لجستیکی

ج - مخابرات

کالک تک روز ۲۳ مه ۱۳۵۹ لشکر ۲۱ بر علیه عراق



پیوست ب دستور عملیاتی شماره ۱۰ لشکر ۲۱ پیاده حمزه - کالک عملیات

پیوست [اداری لجستیکی] مربوط به دستور عملیاتی شماره ۱  
مدرک : نقشه ۵۰۰۰۰ : ۱ دزفول عین خوش  
ل ۲۱ پیاده  
دزفول ۸۶-۵۳  
۲۱۰۸۰۰ مهرماه  
دز ۵۱

۱- وضعیت

۲- ماموریت

۳- کلیات

۴- وسایل و خدمات

الف- آمادهها

(۱) آماد طبقه ۱

(الف) یگانهای شرکت کننده در عملیات ۷۲ ساعت جیره عملیاتی همراه داشت باشند.  
(ب) رسد آماد مقدم در تاریخ ۵۹/۷/۱۵ برابر کالک ضمیمه الف تشکیل و یگانها برابر روش جاری آماد طبقه را درخواست نمایند.

(پ) فاسد شدنی مصرف روزانه ۲۴ ساعت قبل وسیله آمادهها تخلیه شود. نقاط آمادی برابر دستورالعملهای صادره نگهداری می گردد تا کلیه اقدامات بهداشتی برای جلوگیری از فاسد شدن اقلام مزبور مراعات گردد.

(ت) پشتیبانی لشکر ترتیب حمل نان از تهران به منطقه عملیات را طوری بدهد تا هم زمان با تحویل خواروبار در اختیار یگانها گذارده شود.

(۲) آماد طبقه ۲

(الف) یگانها برابر جدول سازمانی و تجهیزات، وسایل زیست انفرادی و سازمانی را همراه داشته باشند.

(۳) آماد طبقه ۳

(الف) کلیه خودروها قبل از شروع عملیات باک پر باشند.

(ب) نقطه آماد طبقه ۳ در محوطه پشتیبانی لشکر از تاریخ ۵۹/۷/۱۵ فعال می باشد.

برابر کالک بندالف

(پ) یگانها جهت سوخت رسانی به موقع، از تانکرهای سوخت همراهی استفاده نماید.

(ت) سوخت تانکرهای ۷۰۰۰ لیتری یگانها قبل از حرکت با هماهنگی پش ل باتوجه به

ظرفیت آنها تشکیل و پر گردد.

(۴) آماد طبقه ۴

آماد طبقه ۴ برابر روش جاری صورت خواهد گرفت.

(۵) آماد طبقه ۵

(الف) کلیه مهمات بارمبناء یگانها با رعایت کلیه اقدامات تأمینی به وسیله دفتر مهمات

لشکر تأمین و همراه برده شود.

(ب) از سوارشدن پرسنل بر روی خودروهای حامل مهمات خودداری شود

(پ) تامین کسری مهمات مصرف شده یگانها به وسیله دفتر مهمات لشکر صورت خواهد گرفت (برابر کالک ضمیمه الف)

**۶) آماد طبقه ۶**

پیش بینی لازم به منظور در دسترس قرار گرفتن نیازمندیهای شخصی پرسنل از طریق ف پیش ل با هماهنگی ستاد بسیج دزفول انجام خواهد شد.

**۷) آماد طبقه ۷**

(الف) یگانهای شرکت کننده در عملیات اقلام سازمانی و وسایل مورد لزوم را همراه داشته باشند.

(ب) یگانها پس از استقرار در مناطق مورد نظر اقلام مورد نیاز را از پیش ل درخواست نمایند.

**۸) آماد طبقه ۸**

(الف) دارو و وسایل کمکهای اولیه بوسیله بهداری در اختیار یگانها گذارده شود.

(ب) گردان بهداری جهت تشکیل پست امدادی و ایستگاه تخلیه یگانها آمبولانس و

پزشکیار اعزام نمایند.

**۹) آماد طبقه ۹**

(الف) گردانهای شرکت کننده در عملیات شاوریه انبار اولیه قطعات یدکی و مورد نیاز خود را درخواست

و دریافت نمایند.

(ب) پیش لشکر پیش بینی چند دستگاه آتلیه قطعات یدکی تعمیراتی خودروئی یگانهای محمول نماید.

**۱۰) آماد طبقه ۱۰**

(الف) یگانها بوسیله تانکرهای واگذار شده آب مورد نیاز را از منابع آب شهر دزفول تامین نمایند.

(ب) پرسنل یگانها از شرب آبهای شناخته نشده خودداری نمایند.

(پ) نقشه مورد نیاز یگانها بوسیله رکن ۲ لشکر تامین خواهد شد.

**ب- ترابری**

(۱) کلیه یگانها از خودروهای سازمانی موجود جهت اجرای ماموریت استفاده نمایند.

(۲) چنانچه خودروئی در حین عملیات دچار نقص فنی گردید با رعایت اختفاء در محل باقی مانده تا در اولین فرصت بوسیله تعمیرکاران رده ۲ و ۳ حاضر بکار گردد.

(۳) کنترل عبور و مرور مناطق اشغال شده بوسیله دژبان تامین خواهد شد.

(۴) گروهان آماد خدمات گردان ترابری نقطه باز یافتی وسایل به دست آمده از دشمن برابر

کالک تشکیل دهید.

**پ - خدمات**

(۱) پرسنلی که در حین عملیات به درجه رفیع شهادت نائل می گردند، توسط تیمهای تخلیه

مجروحین جمع آوری و سپس از منطقه عملیات تخلیه می گردند.

(۲) کارگر: استفاده از غیر نظامیان و زندانیان جنگی بنا به دستور خواهد بود.

(۳) نگهداری: محل تسهیلات نگهداری و نقاط جمع آوری متعاقباً ابلاغ خواهد شد.

**۵ - تخلیه و بستری کردن بیماران**

الف - کلیه بیماران به وسیله گردان بهداری به ایستگاه تخلیه لشکر در محوطه پیش ل تخلیه

#### قسمت سوم : طرحها و دستورات عملیاتی ♦ ۴۱

تا به وسیله خودروها هواپیما به بیمارستان پیش م تخلیه گردند.

#### ۶- پرسنل

الف - از تاریخ ۵۹/۷/۲۰ خلاصه وضعیت پرسنل راطوری تنظیم و ارسال نمایند که تا ساعت ۰۹۰۰ هر روز به این قرارگاه رسیده باشد.

#### ب - زندانیان جنگی:

- (۱) زندانیان و اسرای جنگی را پس از دستگیری به نقطه جمع آوری تیپ برابر کالک ضمیمه تخلیه نمایند.
- (۲) دژبان لشکر نسبت به تخلیه و اسکورت زندانیان و اسرای جنگی از نقطه جمع آوری تیپها به نقطه جمع آوری لشکر و همچنین نگهداری آنان اقدام نمایند (برابر ضمیمه ب)
- (۳) در صورت عدم وجود امکانات، زندانیان را به صورت پیاده با اسکورت لازم تخلیه نمایند.

#### پ - خدمات مخصوص:

- (۱) تیپ ۳ حتی المقدور با استفاده از ترابری هوایی نسبت به تخلیه شهدا اقدام نمایند.
- (۲) شهدا توسط یگانهای در خط بلافاصله به نقاط جمع آوری تیپ تخلیه می گردد (برابر ضمیمه ب)
- (۳) پیش ل نسبت به تخلیه شهدا به نقاط جمع آوری لشکر اقدام نماید. (برابر کالک).
- (۴) بهداری لشکر حتی المقدور با استفاده از وسایل موجود نسبت به حمل شهدا به موطن آنان اقدام نماید.

- (۵) در صورت نبودن امکانات لازم برای حمل، ضمن هماهنگی با گردان مهندسی نسبت به دفن شهدا در محل مخصوص گورستان دزفول اقدام گردد.

#### ت - حفظ انضباط و قوانین

- (۱) نسبت به ثبت و ارسال گزارش در مورد اقدامات برجسته اقدام گردد.
- (۲) در مورد افراد خاطی برابر مقررات زمان جنگ ضمن ارسال گزارش از حداکثر اختیارات استفاده و به هیچ وجه مورد اغماض قرار نگیرد.

#### ۷- هماهنگی امور مربوط به ارتش و مردم

- الف - با افراد مناطق محلی پس گرفته شده با نهایت رافت و مهربانی رفتار شود.
- ب - با توجه به آلودگی منطقه از عناصر دشمن از دریافت غذا و آب از مردم خودداری شود.

#### ۸ - متفرقه

- الف - خطوط برابر کالک ضمیمه
- ب - حفاظت تاسیسات یگانهای پیش خدمات رزمی به عهده خود یگانهاست.
- پ - کلیه یگانها جهت تامین منابع آمادی باید از کارت عبور خودروئی استفاده نمایند تا در امور رفت و آمد خودروها در مناطق عملیاتی و اشغال شده بی نظمی به وجود نیاید.
- ت - دژبان با برقراری تامین در معابر منتهی به آرا و خود آرا نهایت دقت در رفت و آمد و کنترل را مبذول دارد.
- ث - محور اصلی آماد راه اصلی (آرا) برابر کالک ضمیمه الف.

ف ل ۲۱: سرهنگ ورشوساز

در دستورات شفاهی تغییر داده نشده است

نسخه از نسخه

تیپ ۳ لشکر ۲۱

دزفول ( )

۲۱۱۴۰۰ مهرماه ۹۵

شماره وصول

### دستور عملیاتی شماره ۱ تیپ ۳

مدرک: نقشه ۱:۵۰۰۰۰ عین خوش

سازمان رزمی

۱- گردان ۱۴۴ پیاده

۲- گردان ۱۷۴ پیاده

۳- گردان ۱۷۱ پیاده

۴- گردان ۳۲۷ توپخانه ۱۰۵ م.م. ک.م

#### ۱- وضعیت

الف- نیروهای دشمن: پیوست الف (اطلاعات)

ب- نیروهای خودی

(۱) لشکر ۲۱ ماموریت دارد در ساعت (س) روز (ر) تک نموده، ارتفاعات علی گره زد، ایستگاه رادار را تصرف و تامین نموده و آماده باشد بنا به دستور تک را به منظور تصرف و تامین ارتفاعات تپه دوسلک و عین خوش ادامه دهد.

پ- زیر امر و جدا شده

به سازمان رزمی مراجعه شود.

#### ۲- ماموریت

تیپ ۳ ماموریت دارد در ساعت (س) روز (ر) تامین ارتفاعات مشرف به هدف را اشغال و سپس در ساعت (س) روز (ر) تک نموده ارتفاعات علی گره زد را تصرف و تامین نموده و آماده باشد بنا به دستور تک را به منظور تصرف و تامین ارتفاعات عین خوش ادامه بدهد.

#### ۳- اجرا

الف- تدبیر عملیات

(۱) مانور: تیپ ۳ با به کار بردن گردان ۱۴۴ به راست مانور، تلاش اصلی و تامین هدف کبک را برقرار سپس تک را به منظور تامین هدف شاهین ادامه می دهد و گردان ۱۷۴ به چپ مانور، تلاش پشتیبانی و تامین هدف کبوتر را برقرار سپس تک را به منظور تامین هدف عقرب ادامه می دهد.

گردان ۱۷۱ در احتیاط و بنا به دستور تک اصلی را دنبال می نماید.

(۲) آتش: یک آتش تهیه به مدت ۳۰ دقیقه از (۲۰-س) تا (۱۰+س) روز (ر) اجرا می شود.

ب- گردان ۱۴۴

- (۱) هدف کبک را تامین نمائید.
- (۲) تک را جهت تامین هدف شاهین ادامه دهید.
- (۳) احتیاط خود را بنا به دستور به کار ببرید.
- (۴) پهلوئی شمالی تیپ را پوشش کنید.

#### پ-گردان ۱۷۴

- (۱) هدف کبوتر را تامین نمائید.
- (۲) تک را جهت تامین هدف عقاب ادامه دهید.
- (۳) احتیاط خود را بنا به دستور به کار برید.

#### ت-گردان ۱۷۱

- (۱) احتیاط تیپ را تشکیل دهید.
- (۲) آماده باشید بنا به دستور تک گروهان سبک ضد تانک جهت عمیات هوا برد به کار برید.
- (۳) بنا به دستور تک اصلی را دنبال نمائید.
- (۴) آماده باشید بنا به دستور در منطقه هریک از گردانه‌های در خط به کار برید.
- (۵) آماده باشید بنا به دستور وبه منظور تدارکات آمادگی گردانه‌های در خط وارد عمل شوید.
- (۶) آماده باشید بنا به دستور یک گروهان، زیر امر گردان ۱۷۴ قرار دهید.

#### ث-دستورات هماهنگی

- (۱) ساعت (س) روز (ر) بنا به دستور خواهد بود.
- (۲) سازمان رزمی از روز (ر-۱) قابل اجرا می باشد.
- (۳) شناسائی ها و طرح ریزی ها تا رده دسته در حداقل زمان به عمل آید.
- (۴) منظور اصلی از این عملیات انهدام نیروهای دشمن موجود در منطقه است و کلیه پرسنل و یگانها باید از هر گلوله خود برای از بین بردن دشمن حداکثر استفاده را به عمل آورند و از فرار دشمن جلوگیری نمایند.
- (۵) از دست زدن به وسائل دشمن از هر نوع خودداری گردد.
- (۶) رسیدن به نقاط حساس و تامین هدف را گزارش نمائید.
- (۷) فرماندهان خودروها و پرسنل مورد نیاز را برای مراجعت از رودخانه کرخه جهت حمل آماده مشخص کنند و این خودروها و پرسنل کارت عبور مجاز همراه داشته باشند و در غیر این صورت به عنوان فراری در پای پل تیرباران خواهند شد.
- (۸) گردان ۳۲۷ توپخانه دیدبانان خود را آماده و به گردان تک ور اعزام خواهد نمود.

#### ۴- پشتیبانی و خدمات

- الف- یگانها جیره ۷۲ ساعته خود را همراه داشته باشند.
- ب- دستورات اداری متعاقباً ارسال می گردد.

۵ - فرماندهی و مخابرات

الف - دستور کار مخابرات متعاقباً ارسال می‌گردد.

ب - فرماندهی:

(۱) پاسگاه فرماندهی تیپ در مختصات ( ) خواهد بود تغییر مکان آن متعاقباً ابلاغ خواهد شد.

(۲) محل پاسگاه فرمانده خود را در تمام مراحل تک گزارش نمائید.

فرمانده تیپ ۳: سرهنگ ۲ ستاد آشناسان



۲۰/۶۰۲/۰۲/۱۶

۵۹/۷/۲۱

دستور جزء به جزء شماره ۲

مدرك: نقشه ۵۰/۰۰۰ : ۱ دزفول - عین خوش

۱- در سازمان رزمی تغییر داده نشده است

۲- وضعیت: دستور عملیاتی شماره ۱

۳- ماموریت دستور عملیاتی شماره ۱

۴- تیپ ۳

الف- در ساعت ۲۰۰۰ روز (۱-س) عناصر تک ور و گردان پیاده را با وسایل ضد تانک کافی از روی پل فلزی کرخه عبور داده در سمت عمومی ارتفاعات اسکندر خندان علی گره زد از سرپل در شمال جاده حرکت داده بطوریکه تا ساعت ۰۴۰۰ روز (ر) تا عمق ۵ کیلومتر از تیپ ۲ دزفول در ارتفاعات پیشروی نموده باشید که بتوانید در ساعت (س) روز (ر) تک تیپ از منطقه مربوطه با استقرار عناصر ضد تانک در نقاط حساس مشرف به محور پیشروی تیپ ۱ برقرار نمائید (پیوست الف کالک عملیات)

ب- پس از عبور عناصر تیپ ۱ با استفاده از خودروهای سازمانی یگانهای تابعه را بصورت محمول به تپه های علی گره زد ترابری کنید.

پ- آماده باشید بنا به دستور در علی گره زد پدافند نموده ویا تیپ ۱ را دنبال نمائید.

ت- یگان متحرک هوائی آن تیپ در حوالی هدف شیر پیاده خواهد شد.

۵- در ماموریت سایر یگانها تغییری داده نشده است.

فال ۲۱: سرهنگ ستاد ورشوساز

رسید اطلاع دهید.

معتبر است / ۵۳۰ ۲۱ حمزه

دستور جزء به جزء شماره ۲ تیپ ۳ لشکر ۲۱ پیاده حمزه  
مدرك: نقشه ۵۰/۰۰۰: ۱ دزفول-عين خوش

۱- در سازمان رزمی تغییری داده نشده است.

۲- وضعیت: دستور عملیاتی شماره ۱

۳- ماموریت: دستور عملیاتی شماره ۱

۴- اجراء

تیپ در ساعت ۲۰۰۰ روز (۱-ر) عناصر تک ور (دوگروهان پیاده را با وسایل ضد تانک کافی) از روی پل فلزی کرخه عبور داده و در سمت عمومی ارتفاعات اسکندر خندان و علی گره زد حرکت نماید (از سرپل در شمال جاده حرکت کرده بطوریکه تا ساعت (۰۴۰۰) روز (ر) تا عمق ۵ کیلومتر از تیپ دزفول در ارتفاعات پیشروی نموده و بتواند در ساعت (س) روز (ر) تک تیپ را در پهلوی شمالی با مراقبت از دشت متقابل با عناصر ضد تانک شناسائی و حفاظت تیپ را از منطقه مربوطه با استقرار عناصر ضد تانک در نقاط حساس مشرف به محور پیشروی تیپ ۱ برقرار نماید.

عناصر محمول و خودروهای تیپ پس از عبور عناصر تیپ از طریق جاده دهلران به نزدیکی ارتفاعات علی گره زد حرکت می نمایند سپس در منطقه پدافند نموده یا تیپ را دنبال می نماید.

گردان ۱۷۴

عناصر تک ور خود را با وسایل ضد تانک کافی طوری بساحل رودخانه غربی رودخانه حرکت دهید که در ساعت ۰۴۰۰ روز (ر) در محل مستقر شده باشید (با دستور شفاهی و شناسائی)

گردان ۱۷۱

عناصر تک ور خود را در پس از عبور گردان ۱۷۴ با وسایل ضد تانک کافی از روی پل عبور نمایید که در ساعت ۰۴۰۰ روز (س) در محل مستقر شده باشند.

گردان ۱۴۴

آماده باشید موضع فعلی گردان ۱۷۴ را بنا به دستور اشغال نمایید و یک واحد به استعداد ۸۰ نفر جهت هلی برن آماده نمایید.

۵- در ماموریت سایر قسمتها تغییری داده نشده است.

ف تیپ ۳: سرهنگ ستاد آبشناسان

نسخه از نسخه  
قرارگاه تاکتیکی نزاچا در جنوب  
دزفول  
۲۶ مهرماه ۱۳۵۹  
ق خ ۲۷

### دستور جزء بجزء شماره ۲ (پدافندی)

مدرک: نقشه ۲۵۰۰۰۰: ۱ دزفول اهواز عین خوش

#### ۱- وضعیت

الف- دشمن. عناصر دشمن در عملیات گذشته به کشور جمهوری اسلامی ایران تجاوز کرده و در منطقه دزفول تا حوالی غرب رودخانه کرخه را اشغال نموده است.

ب- خودی. یگانهای لشکر ۲۱ پیاده و تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ در خط سرپل پای پل کرخه و کرانه شرقی رودخانه کرخه (کالک عملیاتی) پدافند می کنند و عناصر لشکر ۱۶ زرهی مستقر در منطقه دزفول در این مرحله از عملیات احتیاط قرارگاه تاکتیکی می باشند.

#### ۲- وظایف:

##### الف- لشکر ۲۱ پیاده

(۱) در منطقه مربوطه (کالک عملیاتی) پدافند کنید.

(۲) با برقراری نیروی مراقبت و پوشش در کرانه شرقی رودخانه دیدبانی مداوم بر کرانه غربی اجراء و هرگونه حرکات دشمن را سریعاً گزارش نمائید.

##### ب- تیپ ۲ زرهی ل ۹۲

(۱) در خط سرپل پدافند کنید.

(۲) با هدایت دید بانهای توپخانه به نقاط دیدبانی مناسب، آتش توپخانه پشتیبانی را موثر سازید.

(۳) با استفاده از یگانهای زیر امر، سرپل را به نحوی توسعه دهید که ضمن ایجاد تفرقه لازم برای یگانهای خودی، حداکثر منطقه دشمن، زیر دیده بانی و آتش خودی قرارگیرد.

(۴) برای ایجاد میدان مین و موانع در جلو خط سرپل اقدام و نیازمندی مهندسی را درخواست نمائید.

(۵) چنانچه توسعه سرپل، مناسب و یا امکان پذیر نباشد یگانهای اضافی را گزارش کنید.

##### ب- لشکر ۱۶ زرهی

(۱) در منطقه تجمع فعلی به نحوی گسترش یابید که با حداکثر تفرقه و استتار امکان حرکت سریع به

پای پل کرخه وجود داشته باشد.

(۲) آماده باشید رخنه احتمالی دشمن به کرانه شرقی رودخانه کرخه را دریای پل خنثی سازید.

### ۳- دستورات هماهنگی

الف- خط سرپل و کرانه شرقی رودخانه کرخه از شوش تا پای پل بهر ترتیب باید مراقبت و دید بانسی و نگهداری شود.

ب- رعایت اصول دفاع بویژه استفاده صحیح از زمین- دفاع در عمق- آرایش صحیح رده های دفاعی دقیقاً رعایت گردد.

پ- تفرقه و استتار و امکان وارد عمل شدن سریع احتیاط کلیه رده ها مورد توجه مخصوص باشد.

ف- نذاجا- سرتیپ ظهیر نژاد

معتبر است سرهنگ ستاد حسینی

نسخه از نسخه  
لشکر ۲۱ پیاده  
(۱۶۰-۸۱۷)  
۲۷ مهرماه ۵۹  
ح ز ۱۸

در دستورات شفاهی تغییری داده نشده است

### دستور عملیاتی شماره ۲

مدرک: نقشه ۱:۵۰۰۰۰ دزفول-شوش

#### سازمان رزمی:

##### تیپ ۱ پیاده

گردان ۱۳۱ پیاده

گردان ۱۶۹ پیاده

گردان ۲۴۲ تانک (-)

گردان ۳۵۰ توپخانه ۱۵۵ م م (-) کمک مستقیم

یک دسته از گردان ۴۵۵ مهندس (پ م)

##### تیپ ۲ پیاده

گردان ۱۳۸ پیاده

گردان ۱۴۱ پیاده

گردان ۳۱۳ توپخانه ۱۵۵ م م (-) کمک مستقیم

یک دسته از گردان ۴۵۵ مهندس (پ م)

##### تیپ ۳ پیاده

گردان ۱۷۱ پیاده

گردان ۱۷۴ پیاده

گردان ۳۲۷ توپخانه ۱۰۵ م م (-) کمک مستقیم

گردان ۲۴۷ سوار زرهی (-)

یک دسته مهندس رزمی (پ م)

##### توپخانه لشکر

گردان ۳۲۷ توپخانه ۱۰۵ م م (-)

گردان ۳۱۳ توپخانه ۱۵۵ م م (-)

گردان ۳۵۰ توپخانه ۱۵۵ م م خودکشی (-)

گردان ۳۹۷ توپخانه ۲۰۳ م م (-)

گردان ۳۴۷ توپخانه ۱۳۰ م م (-)

گردان ۳۵۳ توپخانه ۲۳ م م پدافند هوایی

عده های لشکر

قرارگاه و گروهان قرارگاه لشکر

گروهان دژبان

گردان ۴۵۵ مهندس

گردان ۴۶۵ مخابرات

فرماندهی پشتیبانی لشکر

گروهان ارکان

گردان بهداری

گردان نگهداری

گردان آماد و ترابری

**۱- وضعیت:**

**الف- دشمن:** عناصر دشمن در عملیات گذشته به کشور جمهوری اسلامی ایران تجاوز کرده و در منطقه دزفول تا حوالی غرب رودخانه را اشغال نموده است.

**ب- خودی:** یگانهای لشکر ۲۱ پیاده و تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ در خط سرپل کرخه و کرانه شرقی رودخانه کرخه پدافند می کنند و عناصر لشکر ۱۶ زرهی مستقر در منطقه دزفول در این مرحله از این عملیات احتیاط قرارگاه تاکتیکی نزا جامی باشد.

**پ- زیر امر و جدا شده:**

(۱) زیر امر ندارد

(۲) جدا شده: گردان ۱۴۴ پیاده و گردان ۲۹۱ تانک

**۲- مأموریت**

لشکر ۲۱ پیاده از ساعت ۲۴۰۰ روز ۲۷ مهر ماه ۵۹ در ساحل شرقی رودخانه کرخه از مختصات (۷۹۷-۱۵۶) تا مختصات (۷۳-۴۰) به منظور متوقف نمودن پیشروی دشمن تا شروع عملیات بعدی در منطقه مربوطه پدافند می نماید.

**۳- اجراء**

**الف- تدبیر عملیات: پیوست ب کالک عملیات**

(۱) مانور: لشکر ۲۱ پیاده با سه تیپ در خط بترتیب تیپ ۳ در شمال، تیپ ۱ در مرکز و تیپ ۲ در جنوب پدافند می نمایند، گردان سوار زرهی با ایجاد پرده پوشش منطقه جنوبی لشکر را حفاظت می نماید.  
(۲) آتش: تقدم آتش به ترتیب با تیپهای ۲ و ۳ و ۱ خواهد بود. پیوست پ آتش پشتیبانی.

**ب- تیپ ۱ پیاده:**

(۱) در منطقه پدافند نمائید

(۲) احتیاط مناسبی با ترکیب یگان تانک و پیاده مکانیزه تشکیل دهید.

(۳) احتیاط خود را بنا به دستور به کار ببرید.

**پ- تیپ ۲ پیاده:** در منطقه پدافند نمائید.

**ت- تیپ ۳ پیاده:** در منطقه پدافند نمائید.

## قسمت سوم : طرحها و دستورات عملیاتی ♦ ۵۱

ث- گردان ۲۴۷ سوار زرهی (-) با ایجاد پرده پوشش در منطقه جنوبی لشکر هرگونه حرکات دشمن را سریعاً گزارش نماید.

ج- گردان ۴۵۵ مهندس:

(۱) یک دسته مهندس در پشتیبانی مستقیم هر یک از تیپهای ۱ و ۲ و گد سوار زرهی قرار دهید.

(۲) در مناطق احتمالی پیشروی دشمن، میدانهای مین و سد و موانع برقرار نماید.

(پیوست ت طرح سد و موانع)

چ- توپخانه لشکری:

(۱) توپخانه صحرایی:

(الف) گردان ۳۵۰ توپخانه ۱۵۵ م م خودکشی (-) (ک م) تیپ ۱

(ب) گردان ۳۱۳ توپخانه ۱۵۵ م م کشی (-) (ک م) تیپ ۲

(پ) گردان ۳۲۷ توپخانه ۱۰۵ م م کشی (-) (ک م) تیپ ۳

(ت) گردان ۳۹۷ توپخانه ۲۰۳ م م کشی (-) (ک م) عمل کلی

(ث) گردان ۳۴۷ توپخانه ۱۳۰ م م (-) عمل کلی.

(۲) توپخانه پدافند هوایی

گردان ۳۵۳ توپخانه پدافند هوایی به ترتیب یگانهای توپخانه قرارگاه لشکر را حفاظت نماید.

ح- احتیاط:

(۱) احتیاط تیپ ۱، احتیاط لشکر خواهد بود.

(۲) آماده باشید به ترتیب در مناطق هر یک از تیپهای ۲ و ۱ و ۳ به کار روید.

خ- دستورات هماهنگی

(۱) کرانه شرقی رودخانه کرخه از ۵ کیلومتری جنوب شوش تا ۵ کیلومتری جنوب پل به هر ترتیب باید نگهداری و از ۵ کیلومتری شوش تا ۳۵ کیلومتری اهواز مراقبت و دیده بانی شود و در صورت لزوم نگهداری گردد.

(۲) رعایت اصول دفاع بویژه استفاده صحیح از زمین-دفاع در عمق- آرایش صحیح رده های دفاعی دقیقاً رعایت گردد.

(۳) تفرقه و استتار و امکان وارد عمل شدن سریع احتیاط مورد توجه مخصوص باشد.

(۴) به منظور متوقف کردن و یا کند نمودن پیشروی دشمن حداکثر تلاش در ایجاد موانع خندقهای ضد

تانک- میادین مین و سد و موانع به عمل آید.

(۵) بمنظور به حداقل رسانیدن آسیب پذیری پرسنل و وسائل، سنگرهای مناسب در تمام رده ها تهیه گردد.

(۶) در آرایش مواضع پدافندی از ساحل شرقی رودخانه به عقب به ترتیب استقرار،

پستهای دیده بانی، جنگ افزارهای ضد تانک آرپی جی ۷- موشکهای دراگون- تفنگ ۱۰۶- موشک تاو و تانکها مورد توجه قرار گیرد.

(۷) تیپهای در خط به منظور وارد نمودن حداکثر تلفات و ضایعات بدشمن گشتی های رزمی با استعداد

مناسب (۱۰ تا ۲۰ نفر) سازمان داده و در مناطق مربوطه وارد عمل نمایند. (پیوست ت دستور روی کالک

گشت زنی)

۴- خدمات و پشتیبانی: پیوست ج دستور اداری

۵- فرماندهی و مخابرات

الف- دستور کار و ثابت مخابرات پیوست ج مخابرات

ب- فرماندهی

(۱) پاسگاه فرماندهی لشکر در مختصات (۸۱۷-۱۶۰) بوده و تغییر مکان آن ابلاغ خواهد شد.

(۲) مختصات پاسگاه فرماندهی خود را گزارش نمائید.

فرمانده لشکر ۲۱ حمزه: سرهنگ ستاد ورشوساز

رسید اطلاع دهید.

پیوستها:

الف- اطلاعات

ب- کالک عملیات

پ- آتش پشتیبانی

ت- طرح سد و موانع

ث- کالک گشت زنی

ج- دستور اداری

چ- مخابرات



نسخه از نسخه

قرارگاه تاکتیکی نزاچا در جنوب دزفول

۲۹ مهر ماه ۱۳۵۹

ق-خ-۴۷

دستور جزء به جزء شماره ۵

مدرک: نقشه ۱:۲۵۰۰۰۰ دزفول

دستور جزء به جزء شماره ۲

#### ۱- وضعیت

الف: به دستور جزء به جزء شماره ۲ و ۴ مراجعه شود.

ب: کلیه یگانها در حال حاضر بحالت توقف در منطقه هستند، لذا بایستی برابر اصول عملیات رزمی هر یک در هر محلی که مستقر است حالت پدافندی بگیرد و آماده پدافند بر علیه تهدیدات زمینی و هوایی و هوابرد و هلی برد دشمن باشد.

#### ۲- شرح وظایف

##### الف- لشکر ۲۱ پیاده

(۱) برابر دستور جزء به جزء شماره ۲ در منطقه پدافند کنید.

(۲) معابر نفوذی و گذارهای موجود در کرانه شرقی رودخانه رامین گذاری کنید.

(۳) مواضع سد کننده مناسب در منطقه بین شوش تا سه راهی دهلران شناسائی و انتخاب و به ترتیب تقدمی که لشکر تعیین می کند اشغال نمایید.

(۴) مواضع سد کننده در عمق را شناسائی کنید و یگان اشغال کننده آن را مشخص سازید.

(۵) احتیاط لشکر را از یگانهای متحرک به نحوی سازمان دهید که بتواند در حداقل مدت زمان ممکن عکس العمل مناسب در مقابل رخنه احتمالی دشمن نشان دهد.

##### ب- تیپ ۲ زرهی

(۱) اقدامات بند الف بالا را در منطقه مربوطه انجام دهید.

(۲) مواضع کنونی در سرپل را به نحوی سازمان دهید که پیش روی احتمالی دشمن در همین مواضع سد شود.

(۳) مواضع سد کننده فرعی در کرانه غربی و شرقی در رودخانه شناسائی و انتخاب و آرایش دهید ولی اشغال آن فقط بنا به دستور این قرارگاه خواهد بود.

(۴) با همکاری یگان مهندسی زیر امر پیش بینی های لازم برای نگهداری و ترمیم پل فلزی و پل شناور و همچنین تخریب پل فلزی و جمع آوری پل (در صورت لزوم و صدور دستور) به عمل آورید.

##### پ- لشکر ۱۶ زرهی

(۱) تیپ ۳ زرهی آن لشکر مواضع سد کننده مناسب در طرفین سه راهی دهلران اندیمشک شناسائی، انتخاب و حداقل دو تیم گروهانی اشغال نماید.

(۲) آماده باشید با تیپ ۱ و ۲ زرهی، منطقه رخنه احتمالی دشمن را در حوالی پای پل کرخه سد نمائید.

(۳) آماده باشید با تیپ ۱ و ۲ زرهی به منطقه رخنه احتمالی پاتک کنید و نیروهای متجاوز را به عقب برانید و کرانه شرقی رودخانه را ترمیم نمائید.

(۴) آماده باشید با کلیه عناصر لشکر از خط تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ زرهی عبور کنید و نیروهای دشمن را در منطقه سه راهی دهلران رادار نابود سازید.

#### ت- گروه ۵۵ توپخانه

(۱) کلیه یگانهای توپخانه با آرایش آتشباری طوری گسترش یابند که در تمام جبهه منطقه دزفول آتش پشتیبانی کافی برای لشکر ۲۱ و تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی منظور شده باشد.  
(۲) تقدم پشتیبانی آتش، ابتدا برای تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی، لشکر ۲۱ پیاده، سپس تیپ ۳ لشکر ۱۶ زرهی در صورت وارد عمل شدن آن لشکر.

#### ۳- دستورات هماهنگی

در آرایش مواضع پدافندی به نکات زیر ضمن رعایت کلیه اصول دفاع توجه شود.

الف- گسترش یگانها بر مبنای برد جنگ افزارهای در دسترس طوری سازمان یابند که هر جنگ افزار قادر باشد در حداکثر برد خود دشمن را زیر آتش بگیرد.

ب- جنگ افزارهای ضد تانک طوری گسترش یابند که به صورت تار عنکبوتی عناصر زرهی دشمن را به دام اندازند و از دو یا سه طرف با جنگ افزارهای ضد تانک آنها را نابود سازد.

پ- اصول دفاع در عمق دفاع دورادور- استفاده صحیح از زمین مورد توجه خاص باشد.

ت- برای کلیه عناصر زیر امر حتی آشپزها و آشپزخانه ها تکلیف مشخص گردد که در کجا باید مستقر بشوند، چگونه باید حفاظت جویند و در صورتیکه دشمن موفق به پیشروی شد، به کجا باید تغییر مکان کنند.

ث- در آرایش دفاعی یگانهای رزمی و پشتیبانی رزمی در جلو و یگانهای لجستیکی و قرارگاههای غیرفعال در عقب باشند. هیچ خودرو و غیررزمی در منطقه مقدم دفاعی نباشد مگر کامیونهای حامل مهمات که آنها هم حداقل از برد توپخانه متوسط دشمن دور باشند.

ج- انتخاب موضع دفاعی هر یگان و هر جنگ افزار به ویژه ضد تانک و تیربار و حتی نفر حساب شده و بررسی شده باشد، مأموریت مشخص باشد، مواضع اصلی و فرعی و یدکی و راه ارتباط مهمات رسانی و تغذیه و آب و تغییر موضع به عقب و محل بعدی کاملاً مشخص باشد.

چ- صرفه جوئی در مصرف مهمات و انضباط و کنترل آتش آموزش داده شود.

ح- روح سلحشوری و مقاومت و دفاع از حیثیت ملی و فردی در مقابل دشمن تجاوز کار تقویت شود به نحوی که هر نفر تا آخرین حد توانائی خود از مواضع خود دفاع کند و فقط بنا به دستور فرمانده مستقیم خود موضع خود را به هر محلی که دستور داده می شود تغییر دهد.

فرمانده نزااجا- سرتیپ ظهیرنژاد

معتبر است سرهنگ پور موسی

لشکر ۲۱ حمزه (رکن ۳)

دزفول (۱۶۰-۸۱۷)

۳۰ مهرماه ۱۳۵۹

ح ز ۲۳

دستور جزء به جزء شماره ۵ گشت زنی وکمین ودستبرد

مدرک:

(۱) دستور جزء به جزء شماره ۴ عملیات گشت زنی وکمین ودستبرد نزاجا.

(۲) نقشه: ۵۰۰۰۰: ۱ دزفول اندیمشک.

### ۱- وضعیت

الف- دشمن: نیروهای متجاوز بعثی عراق به کشور عزیز ما ایران تجاوز کرده ودر منطقه دزفول تا کرانه غربی رودخانه کرخه پیشروی نموده است ودر حال حاضر عناصر مقدم دشمن شامل یگانهایی در حدود گروهان و گردان و آتشبار توپخانه از کرانه غربی رودخانه تا تپه علی گره زد واز حوالی شوش و تا شمال جاده دهلران مهران به طور پراکنده گسترش دارند و مواضع اصلی دشمن در تپه های علی گره زد و شاوریه و ابوصیپی خات ودر خط بعدی در تپه های عین خوش و دوسلک قرار دارد.

### ب- نیروهای خودی:

(۱) عناصر نیروی زمینی جمهوری اسلامی ایران مستقر در دزفول و شوش عملیات گشتی و شناسائی و با رزم و دستبرد و کمین را در مناطق اشغالی دشمن در غرب رودخانه کرخه اجراء و حداکثر تلفات را به دشمن وارد می کنند و با از بین بردن امنیت منطقه اشغالی برای دشمن او را وادار می کنند که خود را از خط رودخانه عقب بکشاند و وضعیت را برای اجرای حمله متقابل یگانهای خودی آماده می سازند.

(۲) لشکر ۱۶ زرهی ماموریت دارد در منطقه محوله برابر کالک عملیاتی نزاجا گشت زنی نماید.

(۳) تیپ ۲ دزفول: منطقه سرپل را به نحوی آرایش دهد که از مقدمات کلیه جنگ افزارها در حداکثر برد دشمن استفاده شده و با عناصر گشتی لشکر ۲۱ همکاری و هماهنگی نماید.

(۴) زیر امر و جدا شده: برابر سازمان رزمی دستور عملیاتی شماره ۲

### ۲- ماموریت

لشکر ۲۱ حمزه ماموریت دارد ضمن پدافند در منطقه شرق رودخانه، با اعزام عناصر گشتی، عملیات شناسائی با رزم و دستبرد و کمین در مناطق اشغالی در غرب رودخانه کرخه اجراء نماید.

### ۳- اجراء

الف- تدبیر عملیات: (کالک عملیات برابر پیوست ث دستور عملیاتی شماره ۲)

عملیات گشت زنی و شناسائی با رزم و کمین و دستبرد در تیپ های ۱ و ۲ و ۳ به ترتیب، طرح ریزی و اجراء گردد که ضمن حفظ آمادگی عملیاتی یگانها برابر اجرای ماموریت اصلی اطلاعات کافی از وضعیت - استعداد - گسترش - ترکیبات - روحیه - آموزش - نکات برجسته - نکات ضعف دشمن را به دست آورده و در حدود مقدمات عناصر گشتی و کمین و دستبرد، تلفات پرسنلی و لجستیکی به دشمن وارد کرده و اثرات روانی نامناسب برای افراد دشمن به وجود آید.

**ب- تیپ ۱ پیاده:**

- (۱) در منطقه مربوطه در کرانه شرقی رودخانه پسته‌های دیده بانی در روز و شناسائی در شب به نحوی مستقر سازید که تمام منطقه تحت پوشش مراقبتی قرار گیرد.
  - (۲) با اعزام گشتیهای مراقبتی در شرق رودخانه مسافت بین پسته‌های دیده بانی را پوشش کنید.
  - (۳) با اعزام گشتیهای رزمی به کرانه غربی رودخانه، در منطقه محوله تاحد جلویی وضعیت دشمن را مشخص نمایید.
  - (۴) با سازمان دادن تیمهای کمین و دستبرد به ستونهای تدارکاتی و خودروهای انفرادی و نفرات پراکنده در منطقه گشت زنی، منطقه را برای عملیات دشمن نا امن سازید.
  - (۵) با استفاده از عناصر مهندسی محلهای مناسب برای عبور رودخانه را (محل پل زدن و گذار) شناسائی کنید.
- پ- تیپ ۲ پیاده:** در منطقه گشت زنی مربوطه مفاد بند ب را اجراء کنید.
- ت- تیپ پیاده:** در منطقه گشت زنی مربوطه مفاد بند ب را اجراء نمایید.
- ث- گردان ۲۴۷ سوار زرهی:** در منطقه محوله در کرانه شرقی رودخانه کرخه گشت زنی نموده محلهای پل زدن و گذار را تعیین و گزارش نمایید.
- ج- توپخانه لشکری:** افسران دیده بان گردانهای توپخانه را با عناصر گشتی تپیهای در خط جهت تعیین هدفهای مورد نظر به جلو اعزام دارید.
- چ- دستورات هماهنگی:**

- (۱) در این ماموریت گشت زنی و شناسائی بارزم و کمین و دستبرد نکات زیر را مورد توجه قرار دهید.
- (الف) شناسائی و تعیین محل دقیق مواضع دشمن و استعداد و گسترش و ترکیبات یگانهای دشمن.
- (ب) کشتن، اسیر کردن و از منطقه نبرد خارج کردن افراد دشمن.
- (۲) افراد گشتی ضمن تلاش برای اجرای ماموریت نباید بیش از حد مقدمات خود با دشمن درگیری ایجاد کنند.
- (۳) مسیر رفت و برگشت گشتیها به نحوی انجام شود که گشتیها از برد آتش پشتیبانی خودی خارج نشوند.
- (۴) تیمهای گشتی مجهز به جنگ افزار خودکار و ضد تانک باشند و تا حداکثر برد موثر جنگ افزار همراه، به دشمن نزدیک شوند.
- (۵) بی سیم پی آر سی ۷۷ همراه تیمهای گشتی باشد و در تمام مدت ارتباط با یگان اعزام کننده (با رعایت تأمین و استفاده از کد) حفظ شود.
- (۶) آب و جیره اضطراری ۲۴ ساعته همراه گشتیها باشد.
- (۷) قبل از اعزام هر تیم توجیه کامل به وسیله فرمانده اعزام کننده بعمل آید. در این توجیه ماموریت اصلی (اطلاعات یا دستبرد) مسیر حرکت - مسیر مراجعت - زمان حرکت و مراجعت شبکه ارتباط - اطلاعات از دشمن و زمین در حدی که در دسترس است، روش عکس العمل در برخورد با دشمن، هماهنگی با یگانهای خودی عبور شونده از خط آنها بطور روشن تشریح گردد.
- (۸) گشتی شبانه فقط به مواضع شناخته شده دشمن برای دستبرد اعزام گردد و گشتیها مجهز به دوربین دید در شب (حتی المقدور) باشند.

ح- لجستیک و اداری:

- (۱) تدارکات همراه گشتی ها شامل مهمات - غذا - برای ۲۴ ساعت. کافی باشد.
- (۲) از حمل وسایل صدادار و سنگین غیر ضروری خودداری شود.

۴- فرماندهی و مخابرات

- الف- مخابرات: همراه هر تیم بی سیم باشد و شبکه ارتباطی بایگان هماهنگ گردد
- ب- فرماندهی: برای هم تیم فرمانده و معاون معین گردد و مسئولیت هدایت گشتی به آنان واگذار گردد.
- فل ۲۱ حمزه: سرهنگ ستاد ورشوساز

گیرندگان:

- ۱- ستاد عملیاتی نزاچا مستقر در خوزستان جهت استحضار.
- ۲- تی ۱- تی ۲- تی ۳- توپخانه- گد ۲۴۷ سوار زرهی - گده ۴۵۵ مهندس.

بسمه تعالی

نسخه ۱ از ۱۵ نسخه  
لشکر ۲۱ حمزه رکن سوم  
دزفول (۱۶۰-۸۱۷)  
۳۰ مهرماه ۱۳۵۹  
ح-ز-۲۵

دستور جزء بجزء شماره ۶

مدرک - نقشه: ۱:۵۰۰۰۰ دزفول - اندیمشک

- دستور جزء به جزء شماره ۵ نزا جا

- دستور عملیاتی شماره ۲

۱ - وضعیت

الف - به دستور عملیاتی شماره ۲ مراجعه شود.

۲ - شرح وظائف

الف - تیپ ۱ پیاده:

- (۱) برابر دستور عملیاتی شماره ۲ در منطقه محوله پدافند کنید.
- (۲) معابر نفوذی و گذارهای موجود در کرانه شرقی رودخانه را مین گذاری کنید.
- (۳) مواضع سدکننده مناسب در منطقه محوله را مشخص و ضمن اشغال به لشکر گزارش نمایید.
- (۴) مواضع سدکننده در عمق را شناسائی و یگان اشغال کننده آن را مشخص سازید.
- (۵) احتیاط تیپ را از یگانهای متحرک به نحوی سازمان دهید که بتواند در حداقل مدت زمان ممکن عکس العمل مناسب در مقابل رخنه احتمالی دشمن در منطقه لشکر نشان داده و نفوذ دشمن را از بین برده و یا سد نماید.
- (۶) احتیاط خود را بنا به دستور به کار ببرید.

ب - تیپ ۲ پیاده:

- (۱) اقدامات بند الف پاراگراف ۱ تا ۴ را در منطقه مربوطه انجام دهید.

ب - تیپ ۳ پیاده:

- (۱) اقدامات بند الف پاراگراف ۱ تا ۴ را در منطقه مربوطه انجام دهید.

ت - گردان ۲۴۷ سوار زرهی:

در منطقه محوله پرده پوشش ایجاد نموده و محل گذارها و پیل زدن روی رودخانه کرخه را تعیین و سریعاً گزارش نمایید.

ث - توپخانه لشکری:

- (۱) سازمان رزمی برابر دستور عملیاتی شماره ۲ و دستور جزء به جزء شماره ۴ قابل اجراست.
- (۲) کلیه یگانهای توپخانه با آرایش آتشباری طوری گسترش یابند که در تمام جبهه منطقه لشکر آتش پشتیبانی کافی منظور شده باشند.

### ج-گردان ۴۵۵ مهندس:

- (۱) وظائف محوله برابر دستورعملیاتی شماره ۲ قابل اجراء است.
- (۲) عقب نشینی های لازم را برای همکاری و هماهنگی با یگانهای مهندسی موجود در منطقه به عمل آورید.
- (۳) محل گذارها یا احیاناً محل نصب پل ها را مین گذاری نمائید.

### چ-احتیاط:

- (۱) احتیاط تیپ ۱ احتیاط لشکرمی باشد.
  - (۲) آماده باشید در حداقل مدت زمان ممکن عکس العمل مناسب در نقاط رخنه احتمالی دشمن بترتیب در مناطق تیپ ۲ و ۱ و ۳ نشان دهید
- ح-دستورات هماهنگی: در آرایش مواضع پدافندی به نکات زیر ضمن رعایت کلیه اصول دفاع توجه شود.
- (۱) گسترش یگانها بر مبنای برد جنگ افزارهای در دسترس طوری سازمان یابد که هر جنگ افزار قادر باشد در حد اکثر برد خود دشمن را زیر آتش بگیرد.
  - (۲) جنگ افزارهای ضد تانک طوری گسترش یابد که به صورت تار عنکبوتی عناصر زرهی دشمن را بدام اندازد و از ۲ تا ۳ طرف با جنگ افزارهای ضد تانک آنها را نابود سازد.
  - (۳) اصول دفاع در عمق - دفاع دورادور - استفاده صحیح از زمین مورد توجه خاص باشد.
  - (۴) برای کلیه عناصر زیر امر حتی آشپزخانه ها تکلیف مشخص گردد که در کجا باید مستقر بشوند، چگونه باید حفاظت جویند و در صورتی که دشمن موفق به پیشروی شده به کجا باید تغییر مکان کنند.
  - (۵) در آرایش دفاعی یگانهای رزمی و پشتیبانی رزمی در جلو و یگانهای لجستیکی و قرارگاههای غیر فعال در عقب باشند. هیچ خودرو غیر رزمی در منطقه مقدم دفاعی نباشند مگر کامیونهای حامل مهمات که آنها هم حداقل از برد توپخانه متوسط دشمن دور باشد.
  - (۶) انتخاب موضع دفاعی هریگان هر جنگ افزار بویژه ضد تانک و تیربار و حتی نفر حساب شده و بررسی شده باشد، ماموریت مشخص باشد، مواضع اصلی و فرعی ویدکی و راه ارتباط مهمات رسانی و تغذیه و آب و تغییر موضع به عقب و محل بعدی کاملاً مشخص باشد.
  - (۷) صرفه جویی در مصرف مهمات و انضباط کنترل آتش آموزش داده شود.
  - (۸) روح سلحشوری و مقاومت و دفاع از حیثیت ملی و فردی در مقابل دشمن تجاوز کار تقویت شود، به نحوی که هر نفر تا آخرین حد توانائی خود از مواضع خود دفاع کند و فقط بنا به دستور فرمانده مستقیم خود موضع خود را به هر محلی که دستور داده می شود تغییر دهد.

نسخه از نسخه

قرارگاه تاکتیکی نزاچا در جنوب دزفول

سوم آبانماه ۱۳۵۹

ق- الف- ۱۴

دستور جزء ب جزء شماره ۶

مدرک: نقشه ۲۵۰۰۰: ۱ دزفول

دستور جزء ب جزء شماره ۲ ق- خ- ۲۷

### ۱- وضعیت

الف- در وضعیت نیروهای خودی و دشمن نسبت به زمان صدور دستور جزء ب جزء شماره ۲ تغییرات محسوس ایجاد نشده است.

### ۲- ماموریت

قرارگاه تاکتیکی نزاچا در جنوب در منطقه دزفول با لشکر ۲۱ پیاده در خط (کالک عملیاتی) پدافند می کنند. الف- تدبیر عملیاتی پیوست الف کالک عملیاتی.

(۱) مانور- قرارگاه تاکتیکی نزاچا در منطقه دزفول با لشکر ۲۱ پیاده در کرانه شرقی رودخانه کرخه و قسمت سرپل اشغال شده در کرانه غربی دریای پل پدافند می کنند. عناصر فرماندهی عملیاتی دزفول با عناصر لشکر ۲۱ پیاده تعویض می گردد و برای تجدید سازمان به منطقه تجمع عقب تغییر مکان می کند. لشکر ۱۶ زرهی احتیاط قرارگاه آماده می شود هرگونه رخنه دشمن را در خط دفاعی لشکر ۲۱ پیاده خنثی سازد و بنا به دستور به سمت غرب رودخانه آفند نماید.

### ب- لشکر ۲۱ پیاده

(۱) مسئولیت پدافند منطقه فرماندهی عملیاتی دزفول را از ساعت ۰۵۲۱۰۰ آبانماه جاری را بعهده بگیرید و کلیه عناصر آن فرماندهی منهای گردان ۲۹۱ تانک را رها سازید.

(۲) با زیر امر گرفتن گردان ۲۹۱ تانک در موضع سرپل آرایش پدافندی لازم بگیرید و عناصر تقویت لازم را برای سرپل از یگانهای لشکر تامین نمایید.

(۳) منطقه دفاعی را به نحوی سازمان و آرایش دهید که ضمن برقراری پوشش مراقبتی در تمام منطقه از ایجاد رخنه به وسیله دشمن در خط سرپل جلوگیری نمایند.

(۴) آماده باشید حملات دشمن را به منطقه سرپل با احتیاط لشکر خنثی سازید.

### ب- فرماندهی عملیات دزفول (تیپ ۲ زرهی با یگانهای زیر امر)

(۱) یگانهای آن فرماندهی را با عناصر لشکر ۲۱ پیاده تعویض کنید و مسئولیت پدافند منطقه سرپل را از ۰۴۲۱۰۰ به لشکر ۲۱ واگذار کنید.

(۲) عناصر یگانهای تعویض شونده به صورت نفوذی (تانک به تانک و گروه به گروه و قبضه به قبضه) با اختفاء و پوشش کامل به شرق رودخانه عقب بیاورید و به منطقه تجمع (کالک عملیاتی) تغییر مکان دهید.

(۳) در منطقه تجمع عقب یگانهای زیر امر را تجدید سازمان دهید و آماده برای اجرای ماموریت های بعدی باشید.

(۴) کلیه عناصر مستقر در پادگان دزفول نیز به منطقه تجمع عقب تغییر مکان کنند و یکپارچگی یگانها برقرار شود.



#### ت - گروه ۵۵ توپخانه

(۱) در سازمان رزمی توپخانه تغییری داده نشود.

(۲) تقدم کلیه پشتیبانی های آتش به وسیله لشکر ۲۱ پیاده سپس لشکر ۱۶ زرهی در صورت وارد عمل شدن آن لشکر.

#### ث - لشکر ۱۶ زرهی (احتیاط قرارگاه تاکتیکی)

(۱) به ماموریت های واگذار شده قبلی ادامه دهید.

(۲) آماده باشید در صورت رخنه وسیله دشمن در خط پدافندی لشکر ۲۱ پیاده، رخنه را سد نمائید و به منظور رخنه پاتک کنید و خط لجمن را ترمیم نمائید.

(۳) تامین منطقه عقب را در محدوده منطقه گسترش برقرار سازید.

#### ۳ - دستورات هماهنگی

**الف - عمل تعویض در ارتفاع و پوشش کامل و جزء به جزء اجرا شود به نحوی که دشمن متوجه تغییر وضعیت در منطقه سرپل نشود.**

**ب - به محض دریافت این دستورات اقدامات هماهنگی و طرح ریزی و اجرای تعویض بین یگان های تعویض کننده و تعویض شونده برقرار شود.**

**پ - نسبت به وضعیت زمین، خط سرپل در جلو و پهلوها توسعه یابد، به ویژه دیده بانی در پهلو ی راست سرپل در تپه های اسکندر خندان و تپه سپتون تا شمال تپه های شاوریه گسترش یابد.**  
**ت - در صورت نیاز به هماهنگی های بیشتر حضوراً با قرارگاه مذاکره شود.**

#### ۴ - اداری و لجستیک

طبق روش جاری موجود.

#### ۵ - فرماندهی و مخابرات

##### الف - مخابرات

طبق روش های جاری

##### ب - فرماندهی

فرماندهی عملیات در خط سرپل تا ساعت ۰۵۲۱۰۰ آبان ماه با فرمانده تیپ ۲ زرهی دزفول (سرهنگ زرهی ستاد شهبازی) خواهد بود و از آن به بعد به عهده فرمانده لشکر ۲۱ پیاده محول می گردد.

فرمانده نزا جا - سرتیپ ظهیرنژاد

از طرف سرهنگ ستاد حسینی

پیوست الف - کالک عملیاتی



**طرحها و دستورات  
فرماندهی عملیات  
دزفول (تپ ۲)**

بسمه تعالی

نسخه ۱ از ۷ نسخه  
دزفول - ایران  
۱۶ مهرماه ۱۳۵۹  
تیپ ۲ زرهی  
پ / ۱۷

دستور عملیاتی شماره ۲  
مدرک: نقشه ۱/۵۰۰۰۰  
سازمان رزمی تیپ ۲ زرهی

تیم ۱۰۵ پیاده مکانیزه  
تیم ۲۰۷ تانک  
تیم ۲۵۶ تانک  
عده های تحت کنترل  
آتشبار ۱۵۵ م م (کمک مستقیم)  
دو آتشبار ۱۳۰ م م  
گروهان مهندس رزمی (-)  
یکدسته هواپرد  
گد ۲۸۳ سوار زرهی  
یک آتشبار ۱۷۵ م م عمل کلی.  
یک آتشبار کاتیوشا از ۱۷۵ م م عمل کلی  
دسته مخابرات جلوئی  
گروهان بهداری  
گردان پاسدار و عناصر تقویتی  
گروهان ۲ نگهداری.

۱- وضعیت

الف- نیروهای دشمن

ب- نیروهای خودی

- (۱) لشکر ۹۲ زرهی ماموریت دارد پیشروی نیروی متجاوز در داخل خاک ایران را سد نموده و حداکثر تلفات را به دشمن وارد و دشمن را مجبور به عقب نشینی کرده و مرز بین المللی را ترمیم نماید.  
(۲) ستاد عملیات جنوب ماموریت دارد پیشروی نیروی متجاوز را سد و حد اکثر تلفات را به دشمن وارد و دشمن را مجبور به عقب نشینی کرده و مرز بین المللی را ترمیم نماید.  
(۳) گروه رزمی ۳۷ ماموریت دارد در محل استقرار فعلی پدافند و آماده عملیات آفندی شود.  
پ- زیر امر وجداشده - برابر سازمان رزمی.

۲- ماموریت

تیپ ۲ زرهی دزفول ماموریت دارد در محل استقرار فعلی پدافند نماید و آماده عملیات آفندی شود.

۳- اجرا

الف- تدبیر عملیات پیوست ب کالک عملیاتی.

- (۱) مانور یگانهای رزمی تیپ در منطقه مربوطه به ترتیب از شمال تیم ۱۰۵، وسط تیم ۲۵۶ و جنوب تیم ۲۰۷ گروهان دژبان در احتیاط تیم خواهد بود.  
(۲) آتش

تقدم آتش ابتدا با تیم ۲۰۷ تانک سپس با تیم ۲۵۶ و تیم ۱۰۵ مکانیزه خواهد بود.

#### ب- تیم ۱۰۵ مکانیزه

(۱) در مواضع اشغالی فعلی پدافند نموده و بنا بدستور تک نماید.

(۲) یک دسته هوابرد را زیر امر خود بگیرد.

(۳) موضع تاخیر ۱ و ۲ را آماده نمائید.

#### پ- تیم ۲۰۷ تانک

(۱) در مواضع اشغالی فعلی پدافند نموده و بنا به دستور تک نمائید.

(۲) موضع تاخیری ۳ و ۴ را آماده نمائید.

#### ت- تیم ۲۵۶ تانک

(۱) در مواضع اشغالی فعلی پدافند نموده و بنا بدستور تک نمائید.

(۲) موضع تاخیری ۳ و ۴ را آماده نمائید.

گد ۲۸۳ - سوار زرهی جناح راست تیپ ۲ زرهی را بیوشاند.

ث- گد ۱۵۵ م م ۳۲۰ توپخانه کمک مستقیم تیپ.

ج- آتشبار ۱۳۰ م م نقویت تیپ.

چ- آتشبار کاتیوشا عمل کلی.

ح- گروهان مهندسی پشتیبانی مستقیم تیپ.

خ- گروهان دژبان

(۱) در احتیاط تیپ بوده و آماده باشید ماموریت هریک از یگانهای درخط را به عهده بگیرد.

#### ۴ - دستورات هماهنگی

(۱) مواضع پدافندی خود را تهیه و مستحکم نمائید.

(۲) هیچ یگانی مجاز به ترک مواضع خود نمی باشد.

(۳) هرگونه فعالیت و تردد از دشمن را سریعاً گزارش نمائید.

#### ۵ - اداری و لجستیکی: پیوست اداری طرح عملیات حر

#### ۶ - فرماندهی و مخابرات

الف - مخابرات (پیوست ج مخابرات مراجعه شود).

#### ب - فرماندهی

(۱) پاسگاه فرماندهی درمختصات ( ) و تغییرات بعدی ابلاغ خواهد شد.

(۲) یگانها محل پاسگاه فرماندهی فعلی و آتی را در صورت تغییر مکان گزارش نمایند.

(۳) محل پاسگاه فرماندهی یگانها تارده گردان داخل، درطرحها تعیین شود.

ف تی ۲ زرهی - سرهنگ شهبازی

رسید اطلاع دهید.

گیرندگان:

۱ - ف عملیات جنوب جهت استحضار.

۲ - تیم ۱۰۵ مکانیزه

۳ - تیم ۲۰۷ تانک

۴ - تیم ۲۵۶ تانک

۵ - تیم ۲۸۳ سوار زرهی.

بکلی سری  
بسمه تعالی

قرارگاه فرماندهی عملیاتی دزفول  
۲۰ مهرماه ۱۳۵۹  
دزفول  
ع-م-۲۵

دستور جزء به جزء شماره ۱  
مدرک: نقشه ۲۵۰۰۰۰: ۱

### ۱- وضعیت - پیوست الف (کالک عملیاتی مراجعه شود.)

الف- دشمن- عناصر دشمن در منطقه دزفول متوقف شده و در خط سرپل تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی با یگانهای خودی در تماس است.

#### ب- نیروهای خودی

عناصر فرماندهی عملیاتی دزفول در خط سرپل موفق شده پیشروی دشمن را متوقف سازد. یگانهای نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران مستقر در منطقه دزفول در ساعت (س) روز (ر) از خط سرپل عبور می کنند و نیروهای دشمن را در منطقه (کالک عملیات) نابود می سازند.

### ۲- شرح وظایف

#### الف- تیپ ۲ دزفول

- (۱) عبور یگانهای لشکر ۲۱ پیاده را از خط سرپل پشتیبانی کنید.
- (۲) آماده باشید پس از عبور لشکر ۲۱ پیاد در خط سرپل بنا به دستور زیرامر لشکر ۲۱ پیاده قرار بگیرید و در محور دوسلک عناصر لشکر ۲۱ پیاده را دنبال کنید.
- (۳) آماده باشید بنا به دستور پس از تصرف هدفهای الف و ب به وسیله لشکر ۲۱ پیاده به شرق رودخانه کرخه تغییر مکان دهید و در احتیاط نزا جا قرار بگیرید.
- (۴) دسته تانک مامور به گروه رزمی را از ساعت ۰۷۰۰ روز ۵۹/۷/۲۱ زیرامر بگیرید.

#### ب- گروه رزمی ۳۷

- (۱) عبور یگانهای لشکر ۲۱ پیاده را از خط سرپل پشتیبانی کنید.
- (۲) آماده باشید پس از عبور لشکر ۲۱ پیاده در خط سر پل بنا به دستور زیرامر لشکر ۲۱ پیاده قرار بگیرید و در محور دوسلک عناصر لشکر ۲۱ پیاده را دنبال کنید.
- (۳) آماده باشید بنا به دستور پس از تصرف هدف های الف و ب بوسیله لشکر ۲۱ پیاده به شرق رودخانه کرخه تغییر مکان دهید و در احتیاط نزا جا قرار بگیرید.

#### پ- گردانهای ۱۳۸ و ۱۴۱ پیاده.

(۱) از ساعت ۰۷۰۰ روز ۵۹/۷/۲۱ زیرامر لشکر قرار بگیرید.

(۲) آتشبار ۱۵۵ م م و دسته تانک را رها سازید.

#### ج- گردان ۲۸۳ سوار زرهی.

تامین منطقه عقب تیپ را برقرار سازید.

#### چ- گردان ۲۸۳ سوار زرهی.

(۱) آتشبار ۱۵۵ م م کمک مستقیم گروه رزمی ۱۴۱ را از ساعت ۰۷۰۰ روز ۵۹/۷/۲۱ زیرامر بگیرید.

#### ح- دستورات هماهنگی:

(۱) ساعت (س) روز (ر) بعداً ابلاغ خواهد شد.

طرحها و دستورات فرماندهی عملیات دزفول (تیپ ۲) ♦ ۶۷

- (۲) شناسائی ها و طرح ریزی ها تارده دسته در حداقل مدت زمان به عمل آید.
  - (۳) منظور اصلی از این عملیات انهدام نیروهای دشمن موجود در منطقه است و کلیه پرسنل و یگانها باید از هر گلوله خود برای از بین بردن دشمن حداکثر استفاده را به عمل آورند و از فرار دشمن جلوگیری به عمل آورند.
  - (۴) هماهنگی آتش و حرکت و همکاری تانک و پیاده در نقاط تپه ماهور تاکید می گردد.
  - (۵) هماهنگیهای لازم را قبل از عبور از خط بایگانهای عبور کننده انجام دهید.
- ف.ع منطقه دزفول - سرهنگ ملک نژاد

نسخه ۱ از ۲ نسخه  
قرارگاه تاکتیکی نزا در جنوب دزفول  
۲۷ مهرماه ۱۳۵۹  
ق خ ۳۷

### دستور جزء ب جزء شماره ۳

مدرک: نقشه ۲۵۰۰۰۰: ۱ دزفول، عین خوش و دستور جزء ب جزء شماره ۲  
کلیات: هریگان در منطقه مسئولیت مربوطه عملیات شناسائی و گشت زنی و عملیات دستبرد و کمین را  
برنامه ریزی و اجراء کند.

#### لشکر ۲۱ پیاده

الف- در منطقه مربوطه عملیات گشت زنی و شناسائی و دستبرد و کمین را تا حداقل سه کیلومتر رودخانه  
کرخه را از ۳۳۸۶ تا ۲۶۳۰ ۴۸ (کانال توانا) اجرا نمائید.

ب- با هماهنگی دیده بانان توپخانه، آتش توپخانه خودی را به مواضع دشمن هدایت نمائید.

#### لشکر ۱۶ زرهی

الف- عملیات شناسائی و گشت زنی و دستبرد و کمین را در کرانه جنوب غربی رودخانه کرخه از پل (۳۳۹۲)  
تا تپه های شاوریه (۶۰۷۷) طرح ریزی و اجراء نمائید.

ب- طرح های لازم برای تامین منطقه عقب از شمال رودخانه کرخه ۵۹۰۲۳۲ تا پل بالا رود (۶۴۳۲) (پل  
حسینیه و سد دز ۱۱۶۲۱) تهیه و اجراء نمائید.

پ- یک یگان عکس العمل سریع (حد اقل حدود یک گروه رزمی گردانی) بنحوی سازمان دهید که  
در کمتر از دو ساعت در منطقه ل ۲۱ پیاده یا تیپ ۲ زرهی وارد عمل گردد.

#### منطقه عملیات دزفول

الف- در منطقه مربوطه عملیات گشتی دیده بانی و دستبرد را تا برد جنگ افزارهای سازمانی ابلاغ نمائید.

ب- در معابر نفوذی به منطقه سرپل میدان مین ایجاد نمائید.

#### دستورات هماهنگی

الف- هرگونه عملیات گشت زنی و دستبرد بایستی با روح تهجمی تا نزدیک شدن به دشمن و ضربت زدن  
به آن اجراء گردد.

ب- نابود کردن مواضع موشکی و توپخانه دشمن با آتش خمپاره انداز و سلاح ضد تانک سبک در طرحها  
منظور شود.

عملیات قرارگاه تاکتیکی نزا در جنوب- سرهنگ ستاد حسینی



نسخه ۱ از ۸ نسخه

تیپ ۲ زرهی

۲۹ مهرماه ۱۳۹۵

ق خ ۴۷

دستور جزء به جزء شماره ۵

مدرک: نقشه ۱/۵۰۰۰۰ دزفول عین خوش

۱- وضعیت

الف- به دستور جزء به جزء شماره ۴ و ۲ مراجعه شود.

ب- کلیه یگانها در حال حاضر به حالت توقف در منطقه هستند، لذا بایستی برابر اصول عملیات، هر یگان در هر محلی که مستقر است حالت پدافندی بگیرد و آماده پدافند علیه تهدیدات زمینی و هوایی و هوابرد و هلی برد دشمن باشد.

۲- شرح وظایف

الف- گردان ۱۰۵ پیاده مکانیزه

(۱) برابر دستور جزء به جزء شماره ۲ در منطقه پدافند کنید.

(۲) مواضع سد کننده مناسب در منطقه مربوط را شناسایی و انتخاب و به ترتیب تقدمی که تیپ پیش بینی می کند اشغال نمایید.

(۳) مواضع کنونی در سر پل را به نحوی سازمان دهید که پیشروی احتمالی دشمن در همین مواضع سد شود.

(۴) مواضع سد کننده فرعی در کرانه غربی و شرقی رودخانه شناسایی و انتخاب و آرایش دهید ولی اشغال آن فقط بنا به دستور این قرارگاه خواهد بود.

ب- گردان ۲۰۷ تانک

اقدامات بند الف بالا را در منطقه مربوطه انجام دهید.

پ- گردان ۲۵۶ تانک

اقدامات بند الف بالا در منطقه مربوطه انجام دهید.

ت- گردان ۲۹۱ تانک

اقدامات بند الف بالا را در منطقه انجام دهید.

ث- گروه رزمی تیپ ۳۷ شیراز

اقدامات بند الف بالا را در منطقه انجام دهید.

۳- دستورات هماهنگی

در آرایش مواضع پدافندی به نکات زیر ضمن رعایت کلیه اصول دفاع توجه شود.

الف- گسترش یگان بر مبنای برد جنگ افزارهای در دسترس طوری سازمان یابد که هر جنگ افزار قادر باشد در حداکثر برد خود، دشمن را زیر آتش بگیرد.

ب- جنگ افزارهای ضد تانک طوری گسترش یابد که به صورت تار عنکبوتی عناصر زرهی دشمن را به دام اندازد و از ۲ و ۳ طرف با جنگ افزارهای ضد تانک آنها را نابود سازد.

پ- اصول دفاع در عمق، دفاع دورادور، استفاده صحیح از زمین مورد توجه خاص باشد.

ت- برای کلیه عناصر زیرامر حتی آشپزها و آشپزخانه ها تکلیف مشخص گردد که در کجا باید مستقر بشوند چگونه باید حفاظت جویند و در صورتیکه دشمن موفق به پیشروی شد به کجا باید تغییر مکان کنند.

ث- در آرایش دفاعی یگانهای رزمی و پشتیبانی رزمی در جلو و یگانهای لجستیکی و قرارگاههای غیرفعال در عقب باشند، هیچ خودرو غیررزمی در منطقه مقدم دفاعی نباشد مگر کامیونهای حامل مهمات که آنها هم از برد توپخانه متوسط دشمن دور باشند.

ج- انتخاب موضع دفاعی هر یگان و هر جنگ افزار بویژه ضدتانک و تیربار حتی نفر، حساب شده باشد ماموریت مشخص باشد و مواضع اصلی و فرعی و بدکی و راه ارتباط مهمات رسانی و تغذیه و آب و تغییر موضع به عقب و محل بعدی کاملاً مشخص باشد.

چ- صرفه جویی در مصرف مهمات و انضباط و کنترل آتش آموزش داده شود.

ح- روح سلحشوری و مقاومت و دفاع از حیثیت ملی و فردی در مقابل دشمن تجاوز کار تقویت شود به نحویکه هر نفر تا آخرین حد توانایی خود از موضع خود دفاع کند و فقط بنا به دستور فرمانده مستقیم خود موضع خود را به هر محلی که دستور داده می شود تغییر دهد.

فرمانده تیپ ۲ زرهی: سرهنگ شهبازی

### خاطرات سرهنگ زرهی ستاد امرالله شهبازی فرمانده تیپ ۲ لشکر ۹۲ در آغاز جنگ تحمیلی

من قبل از شروع حمله ارتش مزدور بعث عراق در معاونت عملیات و اطلاعات نیروی زمینی در شغل رئیس دایره جنگهای نامنظم مشغول انجام وظیفه بودم.

در تاریخ ۵۹/۷/۳ به من ابلاغ شد، همراه تعدادی از افسران زرهی نیروی زمینی از تهران به اهواز (لشکر ۹۲ زرهی) حرکت و خود را به فرمانده آن لشکر سرهنگ غلامرضا قاسمی نو معرفی نمایم. فرمانده لشکر پس از ملاقات با ما، من را به عنوان فرمانده تیپ ۲ زرهی دزفول که در منطقه دزفول مستقر بود و ماموریت داشت پیشروی دشمن را به سمت دزفول سد نماید، تعیین و سرهنگ ۲ زرهی ستاد ناصر قندی را به عنوان معاون تیپ ۲ انتخاب نمود. من به همراه سرهنگ ۲ قندی از اهواز حرکت و در روز ۵۹/۷/۵ در حوالی غرب رودخانه کرخه با تیپ ۲ دزفول که در حال عقب نشینی به سمت دزفول بود برخورد نمودیم. من توانستم تیپ ۲ دزفول را در سمت شرق رودخانه متوقف و خود را به عنوان فرمانده تیپ به پرسنل و فرماندهان یگانهای تیپ معرفی نمایم.

پس از بررسی منطقه عملیات، وضعیت دشمن و وضعیت خودی متوجه شدم که استعداد دشمن یک لشکر و استعداد زرهی و استعداد نیروی خودی (تیپ ۲ دزفول) پس از سؤال از فرماندهان و گرفتن آمار، در حدود ۵ دستگاه تانک چیفتن، سه دستگاه موشک تاو، سه دستگاه تفنگ ۱۰۶ م، سه دستگاه تانک شناسایی اسکورپیون و ۵ دستگاه توپ خود کشی ۱۵۵ م م و سلاحهای اجتماعی و انفرادی پرسنل بود. یگانهای تیپ را که استعداد آن در حدود یک گروهان نمی شد در شرق رودخانه کرخه سازمان و مستقر نمودم. ضمناً یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ مرکز زرهی بنام گروه رزمی ۳۷ و یک گروهان از گردان ۱۹۱ پیاده مرکز پیاده همراه تیپ ۲ دزفول بود و دو گردان پیاده از لشکر ۲۱ به نامهای ۱۴۱ و ۱۳۸ نیز در منطقه شوش وارد عمل شده بود. از تاریخ ۵۹/۷/۹ تا تاریخ ۵۹/۷/۱۱ با تعداد محدود وسایل و وسایطی که در بالا ذکر شد در حد ایثار و از جان گذشتگی در مقابل نیروهای متجاوز عراقی به استعداد یک لشکر ایستادگی کردیم و پیشروی دشمن را که هدفش رسیدن به شهر دزفول و بستن جاده دزفول اهواز و در نتیجه قطع ارتباط تهران به خوزستان بود سد نمودیم. این امر حائز اهمیت حیاتی بود، زیرا اگر دشمن در این عملیات موفق می شد، خوزستان در خطر جدی سقوط قرار می گرفت. تیپ ۲ مانع این خطر شد و هر گونه تک دشمن را به سمت پل نادری دفع و تا حدودی تلفات و ضایعات قابل توجهی به نیروهای دشمن وارد نمود.

در این مدت فرمانده نیروی زمینی و رئیس ستاد مشترک و مسئولین مملکتی در محل حاضر شدند و تمام تلاشهای خود را به کار گرفتند تا تانکهای تعمیراتی تیپ را آماده به کار نمایند و تا تاریخ ۵۹/۷/۱۱ آمار موجود تانکهای تیپ به ۲۰ دستگاه رسید.

عناصری از تیپ ۳۷ زرهی شیراز که همزمان با پدافند تیپ ۲ دزفول در منطقه علی گره زد در حوالی دوسلک پیشروی دشمن را سد کرده و در آن منطقه پدافند می کرد، با عقب نشینی تیپ ۲ دزفول از تپه های علی گره زد، یگان مزبور نیز از دو سلک عقب نشینی و از پل کرخه عبور نمود و در حوالی سه راهی دهلران مستقر شد. ابتدا من تلاش نمودم باقی مانده گروه رزمی ۳۷ را آماده نمایم و به شرق رودخانه کرخه اعزام دارم تا با تیپ ۲ دزفول در شرق رودخانه کرخه جلوی پیشروی دشمن را سد نمایند، ولی موفق به اعزام یگان مزبور نشدم. تا

آنکه پس از سه روز یگان مزبور توسط فرمانده نیرو اعزام و زیر امر تیپ ۲ دزفول قرار گرفت. استعداد یگان مزبور، ۱۱ دستگاه تانک چیفتن، ام ۶۰-ا و ام ۴۷ نوسازی شده با خدمه مربوطه و تعدادی افسر به عنوان ستاد یگان مزبور و فاقد یگان پیاده بود که فرماندهی این گروه رزمی بعهد سرگرد اسدزاده بود.

در این مدت قرارگاهی در دزفول به منظور کنترل عملیات یگانهای شرق رودخانه کرخه در پیادگان دزفول تشکیل شد که فرماندهی آن به عهده سرهنگ ملک نژاد معاون لشکر ۹۲ زرهی بود، ولی این قرارگاه عملاً کار موثری برای یگانهای مستقر در سرپل انجام نمی‌داد، چنانچه پس از مدتی این قرارگاه منحل شد. عمده عملیات‌هایی که تیپ ۲ زرهی دزفول بطور فعال در آن شرکت داشت بطور مختصر بیان می‌گردد.

۱- عملیات تصرف سرپل در غرب رودخانه کرخه در محور پای پل عین خوش در مورخه ۵۹/۷/۱۰ توسط فرمانده نیروی زمینی ماموریت حمله به غرب رودخانه کرخه و گرفتن سرپل در غرب رودخانه به تیپ ۲ واگذار شد. موفقیت این ماموریت که از نظر محاسبات کلاسیک استعداد رزمی دشمن بیش از ۲۰ برابر استعداد رزمی تیپ زرهی بود، قابل تصور نبود. ولی تیپ با همین نیروی کم توانست سرپلی به عمق یک کیلومتر و طول ۱۰ کیلومتر در قسمت غرب رودخانه کرخه تصرف و تامین نماید. تصرف این سرپل کمکهای موثری در عملیات آینده نمود، چنانچه راهگشایی برای حملات بعدی یگانهای خودی گشت و نیروی زمینی با در دست داشتن این سرپل طرح‌ریزی برای عملیات بعدی را نمود.

حمله لشکر ۲۱ حمزه نیز از همین سرپل شروع گردید. تصور من بر این است که گرفتن این پل بقای خوزستان را تضمین نمود و روحیه پرسنل ارتش جمهوری اسلامی ایران را که تا آن مدت به علت شکست‌های مکرر ضعیف شده بود، به طور محسوس بالا برد و توخالی بودن و ضعیف بودن ارتش مزدور عراق را با تمام تبلیغاتی که می‌نمود فاش گرداند. تیپ با تلاش فراوان از سرپل تصرفی پدافند نمود و تلاش دشمن را که برای پس گرفتن سرپل مرتباً پاتک می‌کرد خنثی نمود.

۲- حمله لشکر ۲۱ پیاده در سرپل و عبور از تیپ ۲ زرهی

لشکر ۲۱ پیاده در مورخه ۵۹/۷/۲۳ با استفاده از سرپل غرب رودخانه کرخه که توسط تیپ ۲ دزفول تصرف و تامین گردیده بود، از خط یگانهای تیپ ۲ دزفول عبور و حمله خود را به ارتش مزدور عراق آغاز کرد. لشکر ۲۱ قبل از حمله به علت اینکه وقت کافی برای شناسایی نداشت، نتوانست شناسایی کاملی از منطقه عملیات به عمل آورد. حتی این شناسایی تا رده فرماندهان گردان به طور کامل انجام نشد، در نتیجه لشکر آمادگی کامل برای این حمله نداشت. من قبل از شروع حمله، وضعیت منطقه دشمن را تا رده فرماندهان گردان آن لشکر تشریح کردم و نکات حساسی که بایستی به آن توجه کامل شود و من در این مدت عملیات به آن برخورد نموده بودم و تجربه ارزنده‌ای از آن بدست آورده بودم یادآوری نمودم.

بایستی یادآور شوم که در منطقه سرپل نادری در روی رودخانه کرخه دو دستگاه پل نصب شده بود. یک پل فلزی که مخصوص عبور خودروهای چرخدار و نفررها و اصولاً خودروهای شنی دار سبک و یک پل پی-ام-پی مخصوص عبور تانکهای لشکر در حدود ۱۰۰ دستگاه تانک داشت که بایستی از پل عبور نماید. با توجه به مراتب فوق عبور ۱۰۰ دستگاه تانک از یک پل آن هم در تاریکی شب نیاز به تنظیم زمان بندی دقیق جهت عبور و دقت و کنترل زیاد داشت

که من این مسئله را در موقع توجیه، به فرماندهان تذکر دادم. ولی متأسفانه زمانبندی لازم تا قبل از شروع حمله برای عبور از پل پیش بینی نشده بود و اگر هم شده بود رعایت نشد. تانکها با یک بی نظمی و دیرتر از زمان تعیین شده از پل عبور نمودند. در نتیجه پس از عبور، در مسیرهایی که تعیین شده بود تانکهای چپفتن از مسیر سمت راست و تانکهای ام ۴۷ از مسیر سمت چپ عبور نمودند و تعداد زیادی تانک از مسیری که من قبلاً توجه داده بودم که به علت وجود سلاحهای ضدتانک از آن عبور نمایند، عبور کردند و مورد اصابت سلاحهای ضدتانک دشمن قرار گرفتند، و این عمل باعث شد در پرسنل لشکر ترس و وحشت به وجود آید. چنانچه تعدادی خدمه، تانکهای خود را رها و فرار نمودند. حفاظت اصولاً رعایت نمی شد، به طوری که زمان حمله لشکر ۲۱ حمزه را علاوه بر اینکه کلیه پرسنل نظامی و غیرنظامی منطقه می دانستند، ارتش مزدور عراق نیز کاملاً اطلاع داشت. چنانچه به منظور بر هم زدن این حمله در روز ۵۹/۷/۲۲ در ساعت ۱۶:۰۰ حمله شدیدی به منطقه تیپ ۲ دزفول نمود و این حمله تا ساعت ۲۰:۳۰ همان روز ادامه داشت و یگانهای تیپ با کمال شجاعت و شهامت با تعداد محدود تانکها و سلاحهای موجود توانستند این حمله را دفع نمایند ولی تانکهای تیپ به علت تیراندازی زیاد به خط قرمز رسیده بودند چنانچه پس از دفع حمله دشمن و تثبیت منطقه پدافندی فقط (سه) دستگاه تانک تیپ در خط پدافندی قادر به تیراندازی بود) ارتش مزدور عراق پس از اینکه نتوانست با حمله خود منطقه را به خطر بیندازد و مانع حمله لشکر ۲۱ حمزه شود، لذا کلیه اقدامات لازم را برای خنثی نمودن حمله لشکر ۲۱ حمزه نمود. چنانچه کلیه سلاحهای ضد تانک خود را در نقاط حساس مستقر نموده بود و منجمله در اطراف جاده آسفالته که از دزفول به طرف عین خوش می رفت. همان جاده ای که من قبل از حمله به خطر آن توجه داده بودم که تانکها از آن عبور نکنند. این سلاحهای ضد تانک در ساعات اولیه حمله ضربات زیادی به تانکهای لشکر ۲۱ وارد آورد ضمناً باعث ایجاد وحشت و هراس بین پرسنل گردیدند، چنانچه تعداد زیادی از پرسنل پس از اصابت تانکها روحیه خود را از دست دادند و تانکها را در محل گذاشته و فرار نمودند. عملیات لشکر شاید به علل بالا که در عملیات بی اثر نبود و یا علل دیگر که من از آن اطلاعی ندارم ناموفق بود. چنانچه عملیات که از ساعت ۰۵:۰۰ روز ۵۹/۷/۲۳ شروع شده بود در ساعت ۱۰:۰۰ همان روز با شکست خاتمه یافت و در نتیجه پدافند منطقه عملیات مجدداً به تیپ ۲ دزفول واگذار شد. البته بایستی در نظر داشت لشکر ۲۱ حمزه اولین عملیات جنگی خود را آغاز می نمود و هنوز پرسنل لشکر تجربه جنگی کافی به دست نیاورده بودند و حتی گوش آنها به صدای تیراندازی و چشم آنها به شهید دادن و آتش گرفتن تانکها عادت نکرده بود. تیپ ۲ تا تاریخ ۵۹/۸/۷ در منطقه غرب رودخانه کرخه (سرپل ذکر شده) پدافند نمود. در این مدت به علت نداشتن لودر و بولدوزر حتی نتوانست مواضع مناسبی برای تانکها و سلاحها و پرسنل تهیه نماید. البته یک بولدوزر از بروجرد اعزام و در اختیار تیپ قرار گرفت، ولی به علت سنگینی و سفت بودن زمین منطقه، مرتباً خراب می شد و کارآیی مناسبی نداشت. با توجه به مراتب بالا، تیپ متحمل تلفات و ضایعات زیادی شده بود، ولی با وجود این مشکلات منطقه پدافندی را حفظ نمود و اجازه نداد دشمن به خط پدافندی نزدیک و یا اینکه آن را بشکافد. تا بالاخره نیروی زمینی تصمیم گرفت منطقه تیپ را به یک تیپ لشکر ۲۱ حمزه واگذار کند و این عمل در تاریخ ۵۹/۸/۷ اجرا شد و تیپ به منطقه عقب رفت و در منطقه تجمع دو کوهه مستقر گردید.



# قسمت چهارم هدایت عملیات

خیلی محرمانه - آئی

از: فل ۲۱ شماره: ۱۳-۶۰۲-۰۲-۱۰

به: ف قرارگاه تاکتیکی نزاچا در جنوب تاریخ: ۵۹/۷/۲۲

موضوع: [آمادگی کلیه یگانها]

به کلیه گیرندگان، آگهی ستاد عملیاتی نزاچا

۱- دستورفرمائید سریعاً کلیه یگانها به منظور بکاررفتن آئی در سرپل آماده باشند.

۲- تیپ ۳ عناصر تکاور را برای کمک به تیپ ۲ دزفول از رودخانه عبور دهد.

فل ۲۱: سرهنگ ستاد ورشوساز



از: ابوذر (قرارگاه جنوب) شماره:

به: عقاب (تیپ ۲) تاریخ: ۵۹/۷/۲۲

موضوع: [وضعیت حمله دشمن]

تیپ ۲ وضعیت حمله دشمن را گزارش و تا آخرین نفس از سرپل دفاع کنید هیچ عذری پذیرفته نیست.

سرتیپ ظهیر نژاد



خیلی محرمانه - آئی - حضوری

از: ستاد عملیاتی منطقه دزفول شماره: ۲۰۱-۸۴-۴۱۹

به: ف گروه رزمی ۳۷ تاریخ: ۵۹/۷/۲۲

موضوع: [هماهنگی لازم بالشکر ۲۱]

بازگشت: بازگشت به ۳۹ سیار- ۵۹/۷/۲۲

باتوجه به درخط گرفتن یگانهای لشکر ۲۱ و رودر رو شدن آنها با دشمن خود بخود فشار دشمن بر روی یگانهای شما تقلیل خواهد یافت دستور دهید هماهنگی لازم را با عناصر لشکر ۲۱ به عمل آورید.

ف ع منطقه دزفول: سرهنگ ملک نژاد

گیرندگان:

۱- ف قرارگاه تاکتیکی نزاچا، برابر گزارش گروه رزمی ۳۷ از جلو تیپ ۲ از طرف جناح راست به جاده

تجاوز شده تقاضای کمک فوری نموده است. مراتب جهت استحضار و هرگونه اقدام به عرض برسد.

۲- فل ۹۲ جهت آگهی و هرگونه اقدام.

۳- ف تی ۲ جهت آگهی.



از: عقاب (تیپ ۲ زرهی) ساعت ۱ بامداد شماره:

به: ابوذر (قرارگاه جنوب) تاریخ: ۷/۲۳۰۷۳۰

موضوع: [ زیر آتش حملات ]

همانطور ما زیر آتش دشمن هستیم و حملات همچنان ادامه دارد و زیادتر می شود. تمام.

عقاب - افسر عملیات



بکلی سری - اقدام سریع

از: ل ۲۱ حمزه (۳) شماره: ۲۰/۶۰۲/۰۲/۱۸

به: گیرندگان مراجعه شود. تاریخ: ۵۹/۷/۲۲

موضوع: ترتیب تقدم عبور یگانها از رودخانه

یک نسخه در یک برگ ترتیب تقدم عبور از یگانها از رودخانه به پیوست ارسال دستور فرمائید مراتب دقیقاً به مورد اجراء گذارده شود. ضمناً توجه فرماندهان را به مسائل زیرین معطوف می دارد:

۱- ارتباط اف ام تا پایان آتش تهیه (۱۰+ س) روز (ر) مجاز نمی باشد. و فرماندهان بایستی به دقت نظارت نمایند که مسئولین بی سیم آموزش کافی ببینند.

۲- کلیه شبکه هافقط به گوش باشند.

۳- هرگونه تاخیر و یا تعلل در عبور باعث از هم گسیختگی عملیات خواهد شد.

۴- فرماندهان توجه کافی داشته باشند با هماهنگی لازم با یگان قبل و بعد از خود ترتیب کارطوری داده شود که از تراکم پرسنل، خودروها قبل از عبور، در حین عبور قویاً جلوگیری شود.

۵- از راهنماییهای تیپ ۲ دزفول حداکثر استفاده بشود

۶- یگان سوار زرهی برای استقرار در محل تیپ ۳۷ هماهنگی لازم را بعمل آورد.

ل ۲۱ - سرهنگ ستاد ورشوساز



از: ل ۲۱ شماره: ۴/۶۰۲/۰۲/۳  
به: ف ش ۳، قرارگاه تاکتیکی نزا جا در جنوب تاریخ: ۵۹/۷/۲۲  
موضوع: [ آتش توپخانه ]  
بازگشت به ۱ - سیار - ۵۹/۷/۲۲  
بفرموده به حرکت خود ادامه دهید آتش توپخانه به شما تخصیص داده شده است.

ف ل ۲۱ سرهنگ ستاد ورشوساز



بکلی سری

از: ف ل ۲۱ شماره: ۲-۶/۲/۱۹  
به: فرماندهی تاکتیکی نزا جا در جنوب تاریخ: ۵۹/۷/۲۱  
موضوع: [ ساعت (س) روز (ر) ]  
پیرو دستور شماره یک اعلام وصول در ۵۱ ساعت (س)، روز (ر) ساعت ۰۶۰۰ صبح روز ۵۹/۷/۲۳ خواهد بود.

ل ۲۱



خیلی محرمانه-آنی

از: م- عملیات و اطلاعات نزا جا شماره: ۱۶۲۳۴  
به: قرارگاه تاکتیکی نزا جا در جنوب تاریخ: ۵۹/۷/۲۱  
موضوع: [ شهر سوسنگرد در زیر آتش ]  
برابر اعلام سما جا ۳ مرکز فرماندهی در ساعت ۰۷۳۰ روز ۷/۲۱ جاری شهر سوسنگرد زیر آتش توپخانه دشمن قرار گرفته و احتمالاً از سمت هویزه بین سوسنگرد و اهواز و دیگری از سمت ۷ کیلومتری سوسنگرد به طرف خرمشهر بوده و همچنین از سوی کنار رودخانه کرخه نیز تیراندازی توپخانه شروع شده است. پاسداران و ژاندار مری در سنگرها مشغول درگیری با دشمن می باشند. دستور دهید مختصات استقرار توپخانه های دشمن و خط بین دشمن را حدودی تعیین و سریعاً گزارش تا پشتیبانی هوایی نزدیک به عمل آید.

معاونت عملیات و اطلاعات نزا جا



محرمانه

از - ف نزاجا  
به - قرارگاه تاکتیکی نزاجا در دزفول  
موضوع: [ ورود یک آتشبار از ل ۷۷ ]  
بازگشت بشماره ۱۵۵۴۷-۱۷/۷/۵۹  
برابر آخرین هماهنگی یک آتشبار ۱۰۵ م ازل ۷۷ در ساعت ۰۶۰۰ روز ۲۰/۷/ جاری با هواپیما  
به اهواز وارد و زیر امر ل ۹۲ قرار گرفت.

ف نزاجا

\*\*\*

از - قرارگاه تاکتیکی نزاجا منطقه خوزستان  
به - فرماندهی منطقه عملیاتی دزفول  
موضوع: [ حفظ سر پل کرخه ]  
دستور دهید به یگانهای مستقر در منطقه ابلاغ شود به هر قیمتی سر پل کرخه را نگهداری و تا  
آخرین نفر در این مورد دفاع نمایند و وضعیت را لحظه به لحظه گزارش نمایند.  
ج عملیات قرارگاه تاکتیکی نزاجا در منطقه خوزستان : سرهنگ ستاد حسینی

\*\*\*

خیلی محرمانه - آنی

از - مد اطلاعات  
به - فل ۹۲ - قرارگاه تاکتیکی نزاجا  
موضوع: [ محاصره خرمشهر و آبادان ]  
برابر اعلام نزاجا از خرمشهر پیش بینی می شود که تقریباً خرمشهر و آبادان محاصره می شود. دستور  
فرماید پیش بینی های لازم معمول و در صورت نیاز با مختصات از دسک مربوطه درخواست پشتیبانی  
هوایی بنمایند.

\*\*\*

از- ستاد عملیاتی منطقه دزفول شماره: ۳۸۱-۸۴-۲۰۱  
به- ف تی ۲ گروه رزمی، ۳۷، گروه ۵۵ توپخانه، گردان  
تاریخ: ۵۹/۷/۲۲  
۲۸۳ سوار زرهی  
موضوع: [ قصد عبور دشمن از عبدالخان ]

برابر گزارش ناحیه زاندارمری خوزستان مستند به اعلام لشکر و اطلاع تیپ ۳ زرهی و اطلاعات نیروی هوایی نیروهای دشمن از سمت دزفول به طرف بستان در حرکت هستند. ممکن است نیروهایی که روبروی شوش می باشند قصد عبور از عبدالخان را داشته باشند. دستور دهید پیش بینی های لازم را در این مورد بنمایند.

ف ع منطقه دزفول سرهنگ ملک نژاد



خیلی محرمانه - آنی

از- تهران، معاونت عملیات و اطلاعات شماره: ۱۶۶۵۴  
به- ۷۷ مشهد، ۹۲ اهواز، قرارگاه تاکتیکی تاریخ: ۹۵/۷/۲۲  
موضوع: [ اعزام گردان ۱۵۳ ازل ۷۷ ]  
دستور فرماید سریعاً گردان ۱۵۳ پیاده و یک آتشبار ۱۰۵ م م توپخانه و باقیمانده گردان ۲۴۶ تانک را جهت اجرای ماموریت به اهواز اعزام دارند. /

معاونت عملیات اطلاعات



از- ل ۲۱ شماره:  
به- ستاد عملیات نزاچادر خوزستان تاریخ: ۵۹/۷/۲۲  
موضوع: [ عملیات عبور ]  
پیرو شماره ۲۰/۶۰۲/۰۲/۱۸  
دستور فرماید یگانها عملیات عبور را برابر نامه ارسالی طی شماره پیروی بالا به مورد اجرا گذارند.  
فل ۲۱: سرهنگ ستاد ورشوساز



خیلی محرمانه - آنی

شماره: ۲/۶۰۲/۰۲/۱۲

از - ل ۲۱

تاریخ: ۵۹/۷/۲۳

به - قرارگاه تاکتیکی منطقه عملیات

موضوع: [عبور از کرخه]

آگهی به - ف گردان ۱۳۸

بازگشت بشماره ۵۹/۷/۲۲/۲۱۷/۳۲/۳۹

با وسیله موجود و در دسترس از رود کرخه عبور نمایید.

فل: سرهنگ ستاد و رشوساز

خیلی محرمانه

شماره: ۳۰۰۱-۱۷

از - قرارگاه تاکتیکی نزا جا در منطقه خوزستان

تاریخ: ۵۹/۷/۲۳

به - سماجا ۳ (مرکز فرماندهی)

موضوع: [گزارش نوبه ای عملیاتی]

فعالیت های عمده عملیاتی یگانهای تابعه قرارگاه عملیاتی در جنوب از تاریخ ۵۹/۷/۱۶ الی

۵۹/۷/۲۲ به شرح زیر بعرض می رسد:

در حمله هوایی مورخه ۵۹/۷/۱۶ به قرارگاه ۵۵ توپخانه اصفهان ۲ فروند میگ ۲۳ مورد هدف جنگ افزارهای ضد هوایی گروه مزبور قرار گرفته و سرنگون گردید - یک جعبه مخصوص مخابرات و یک مسلسل با فشنگ مربوطه از لاشه هواپیماها جمع آوری گردید.

با نفوذ تیم عملیاتی نیرو مخصوص به منطقه شوش و با همکاری رئیس سپاه پاسداران شوش و چندین تن از اهالی بومی منطقه تعدادی از سربازان عراقی که در رودخانه مشغول آب تنی بوده اند با تیر به هلاکت رسیده اند. ضمناً با اعزام گشتی نسبت به انهدام ضد هوایی دشمن در کرانه دور رودخانه اقدام و ضد هوایی دشمن مستقر در کرانه رود منهدم شده است.

با اعزام تیم عملیاتی نیرو مخصوص به شوش در تاریخ ۵۹/۷/۲۰ تیم مزبور با استفاده از طناب از رودخانه عبور و در مواضع دشمن نفوذ و ضمن دیده بانی صحیح با اجرای آتش توپخانه و خمپاره انداز خودی ضایعات و تلفاتی به دشمن وارد و در نتیجه تانکهای دشمن از مواضع خود واقع در آبادی محل استقرار بنام زعن عقب نشینی و دو تانک منهدم گردیده است.

با اعزام گشتی رزمی از یگانهای مستقر در شوش گشتی مزبور موفق به انهدام ۲ دستگاه نفربر دشمن با آرپی جی ۷ شده و به سلامت به قرارگاه خود بازگشته اند.



گشتی رزمی اعزامی از یگانهای مستقر در شوش با کمک سپاه پاسداران شوش و عناصر موثر و مسلمان انقلابی محلی با نیروهای دشمن درگیر و با ابراز رشادت و از خودگذشتگی موفق به وارد کردن تلفاتی بدشمن شده و ۲ دستگاه خودرو و ۶ دستگاه تانک دشمن را منهدم و سالم به قرارگاه خود مراجعت می نمایند.

تیم های عملیاتی اعزامی بکرانه دو رودخانه در شوش با اجرای عملیات گشت زنی و اعزام گشت بکاو و بکش موفق به ایجاد رعب و وحشت در دشمن شده و ضمن برآورد تقریبی استعداد نیروهای دشمن در منطقه باعث شده اند دشمن وادار به تخلیه تانکهای آن سوی رودخانه کند. تیم های مزبور در عملیات بعدی خود موفق به از کار انداختن سه عراده تانک و انهدام ۲ خودرو حامل مهمات و خواربار شده اند.

خلبانان گروه هوانیروز مستقر در دزفول با اجرای پروازهای شناسایی-هدف یابی- درگیری با دشمن دیده بانای هوایی-تخلیه مجروحین و شهدا و فعالیت آماد رسانی موفق شده اند با ۲۶۰ ساعت پرواز در ۳۳۰ سورتی خسارات زیر را به دشمن وارد نمایند.

تانک منهدم شده	۴۲ دستگاه
خودروهای مختلف منهدم شده	۲۴ دستگاه
توپ منهدم شده	۳ قبضه
نفربر منهدم شده	۶ دستگاه
خودروهای حمل سوخت منهدم شده	۸ دستگاه
موضع مستحکم دشمن	۴ موضع

ضمناً یک دستگاه خودرو مخصوص حمل موشک زمین به زمین با بی سیم کامل توسط گروه مزبور از دشمن به غنیمت گرفته شده و سالم به پایگاه هوایی حمل و تحویل گردیده است. جانشین ف نزا جا در عملیات جنوب (دزفول) سرهنگ ستاد حسینی

گیرندگان:

عملیات نزا جا جهت استحضار

ل ۹۲ جهت آگهی و گزارش اقدامات انجام شده

ل ۲۱ جهت آگهی و گزارش اقدامات انجام شده

گروه ۵۵ ت اصفهان (دزفول) جهت آگهی و گزارش شرح اقدامات انجام شده

ف ع منطقه دزفول (دزفول) جهت آگهی و گزارش شرح اقدامات انجام شده

تی ۸۴ پیاده خرم آباد (دزفول) جهت آگهی و گزارش شرح اقدامات انجام شده

ف مقدم نزا جا در کرمانشاه (دزفول) جهت آگهی و گزارش شرح اقدامات انجام شده



خیلی محرمانه

از: عقاب (تیپ ۳)  
به: ابوذر (قرارگاه جنوب)  
موضوع: [استقرار در منطقه تجمع اولیه]  
حمله دشمنان همچنان ادامه دارد.  
حمله ای تا این ساعت در کار نبوده است.

تیمسار ظهیرنژاد برابر اوامر فرماندهی دستورات زیرین به یگانها ابلاغ شده: کلبه تانکهای موجود گردانهای ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۵۰ (گردان تانک چیفتن) به سرپرستی سرگرد جابری پور و تانکهای گردان ۲۹۱ به سرپرستی سرگرد توکلی در سر پل زیر امر تیپ ۲ دزفول (سرهنگ شهبازی) قرار داده شده. گروه ضربت فوراً حرکت و زیر امر تیپ ۲ دزفول قرار گیرد. سایر یگانها بغیر از توپخانه ها با استفاده از تاریکی شب در منطقه تجمع اولیه مستقر شدند و به محض استقرار در منطقه تجمع اولیه گزارش نمایند. توپخانه ها در مناطق مربوطه اجرای آتش نمایند.

سرهنگ وورشوساز



خیلی محرمانه - آنی

از- عقاب (تی ۲ لشکر ۲۱)  
به- ابوذر (ستاد عملیات)  
موضوع: [اجرای آتش دشمن]  
شماره:  
تاریخ: ۵۹/۷/۲۳  
ساعت ۷:۵۵

دشمن در کانال سمت چپ قهوه خانه در ۶ کیلومتری پاسگاه ژاندارمری سالار برای ناصر اجرای آتش می کنند.  
به ناصر بگو دشمن را با آتش سالارها از آن کانال بیرون کند.



خیلی محرمانه - آنی

از- قرارگاه تاکتیکی نزاجا در منطقه خوزستان  
به- فل ۹۲  
موضوع: [مقاومت عناصر لشکر ۹۲]  
شماره: ۳۰۰۱-۶  
تاریخ: ۵۹/۷/۲۳

پیرو شماره ۱۶۷۲۴-۵۹/۷/۲۳ نزاجا تهران  
با توجه به طرحهایی که در منطقه دزفول اجرا می شود، عناصر لشکر ۹۲ زرهی در منطقه اهواز و خرمشهر حداقل باید ۷۲ ساعت با عناصر موجود در منطقه پایداری کنند تا نیروهای مورد نیاز به منطقه وارد گردند./

ف نزاجا- سرتیپ ظهیرنژاد  
از طرف سرهنگ ستاد حسینی



خیلی محرمانه - رمز - آنی

از - قرارگاه تاکتیکی نزاچا در منطقه خوزستان  
شماره: ۳۰۰۱/۲۲  
به - تی ۸۴ پیاده دهلران  
تاریخ: ۵۹/۷/۲۲  
موضوع: [ گسترش یگان ]

دستور دهید عناصر مستقر در منطقه دهلران آبدانان به نحوی گسترش یابند که در محور مور مور عین خوش و آبدانان دهلران به سمت جنوب حرکت کنید و با عملیات ایذائی عناصر دشمن را در محور عین خوش دهلران زیر آتش قرار دهید. عناصر مسلح محلی تحریک شوند با عملیات نفوذی حداکثر ناراحتی و ناامنی را برای ستونهای تدارکاتی دشمن در محور یاد شده به وجود آورند. مواضع پدافندی در ارتفاعات شمالی جاده دهلران طوری انتخاب شود که میدان دید و تیر محور عین خوش دهلران داشته باشد.

ج عملیات قرارگاه تاکتیکی نزاچا در منطقه جنوب: سرهنگ ستاد حسینی

\*\*\*

از - عقاب (تیپ ۲ زرهی)  
شماره:  
به - ابوذر (قرارگاه جنوب)  
تاریخ: ۵۹/۷/۲۲  
موضوع: [ ادامه حمله دشمن ]  
حمله دشمن همچنان ادامه دارد

\*\*\*

از - عقاب  
شماره:  
به - ابوذر  
تاریخ: ۵۹/۷/۲۲  
موضوع: [ ادامه درگیری ]  
ساعت ۰۸:۵۵  
فعلاً ببر کاملاً اشغال شده برای اشغال شیر و پلنگ و گریه درگیری ادامه دارد.

سرگردمراذیان

\*\*\*

خیلی محرمانه - آنی

از - قرارگاه تاکتیکی نزاچا در منطقه خوزستان  
شماره: ۳۰۰۱/۲۲  
به - نزاچا معاونت عمیات و اطلاعات  
تاریخ: ۵۹/۷/۲۳  
موضوع: [ اعزام نیروی کمکی ]

تا وصول قسمت قابل ملاحظه ای از عناصر لشکر ۱۶ زرهی به جنوب امکان تقویت اهواز و خرمشهر وجود ندارد. پس از مشخص شدن نتیجه عملیات روز جاری در منطقه امکان اعزام نیروی کمکی وجود دارد اقدام کنید.

ف قرارگاه تاکتیکی نزاچا - سرتیپ ظهیر نژاد  
از طرف سرهنگ ستاد حسینی

\*\*\*



خیلی محرمانه

شماره: ۳۰۰۱-۱۸

تاریخ: ۵۹/۷/۲۳

از-ق. ع ت نزا جا

به: فل ۱۶

موضوع: [گروه رزمی تانک و گرسوار زرهی]

فوراً گروه رزمی تانک و گدسوار زرهی حرکت درحوالی غرب شهرک آزادی (بابک سابق) مستقر و نتیجه را گزارش نمایند.

ج عملیات: سرهنگ ستاد حسینی



شماره: ۳/۶۰۲/۰۲/۱۲

تاریخ: ۵۹/۷/۲۲

از-ل ۲۱

به-قراگاه تاکتیکی نزا جا- ف تی ۱ و ۳

موضوع: [آمادگی برای حمله متقابل]

بازگشت بشماره ۵۹/۷/۲۲-۷۰۰

دستور فرمائید سریعاً هر یک از دو تیپ یاد شده بالا دو گروهان برای حمله متقابل درمنطقه سرپل آماده نموده ودر دسترس داشته باشد.

فل ۲۱- سرهنگ ستاد ورشوساز



شماره:

تاریخ:

از- ابوذر

به- ناصر

موضوع: ترمیم رخنه

بازگشت پیامهای ارسالی، برابر هماهنگی هائی که فرمانده ناصر با پور موسی کرده است و حضوراً هماهنگی شده است اقدام وتلاش کنید رخنه ایجاد شده را خنثی سازید.

ابوذر



از- ابوذر شماره: ۶۰۲/۰۲/۱۵  
به- ناصر تاریخ: ۵۹/۷/۲۳  
موضوع: [شکست محاصره]

خط محاصره را بهر ترتیبی هست بشکنید و به قسمت ارتفاعات شمال جاده دهلران عقب نشینی کنید و مواضع دفاعی رادرشمال جاده تارودخانه کرخه درغرب کرخه اشغال نمائید. گد سوار زرهی به سمت شمال یا شرق عقب نشینی کنید و خود را از محاصره نجات دهید. جانشین عملیات: سرهنگ حسینی



از- ل ۲۱ شماره: ۲/۶۰۲/۰۲/۱۵  
به- قرارگاه تاکتیکی نزا جادر جنوب تاریخ: ۵۹/۷/۲۳  
موضوع: [گردان سوار زرهی در محاصره]

ابرا بر اطلاع واصله تیپ ۱ و گردان سوار زرهی این لشکر در محاصره قرار گرفته و رو به انهدام می باشند. مراتب جهت استحضار و هرگونه اقدام به عرض میرسد. فرمانده لشکر ۲۱ سرهنگ ستاد ورشوساز

از- ابوذر شماره: ۳۰۱-۴۹  
به- ناصر تاریخ: ۵۹/۷/۲۳  
موضوع: [عقب نشینی به مواضع مناسب]

با پشتیبانی آتش به مواضع مناسب عقب نشینی کنید و مواضع مناسب را از خطوط سرپل کرخه اشغال نمائید. حتی المقدور سه راهی رادار- دهلران حفظ شود. جانشین عملیات- سرهنگ حسینی



از- ناصر شماره:  
به- ابوذر تاریخ:  
موضوع: [محاصره دو یگان]

زمین های فعلی که یگانها مستقر هستند، به هیچ وجه برای پدافند مناسب نیست. لذا هر دو یگان ما مقاومت می کنند این دو یگان را می توان به وسیله آتش یکسان توپخانه به عقب آورد در غیر اینصورت در محاصره هستند.

ناصر



شماره: ۲۰۱-۸۴-۴۴۰

تاریخ: ۵۹/۷/۲۳

از-ستاد عملیاتی منطقه دزفول

به- ف قرارگاه تاکتیکی نزاچا

موضوع: [ وضع وخیم نیروهای مجبورکننده از خط ]

برابر گزارش گروه رزمی ۳۷ وضع نیروهای عبور کننده از خط رضایت بخش نیست و برعکس وضعیت نیروهای دشمن کاملاً تقویت یافته می باشد و به نظر میرسد که نیروی عبور از خط، قدرت رزمی خود را تقریباً از دست داده است.

ف ع منطقه دزفول - سرهنگ ملک نژاد



شماره:

تاریخ:

از-عقاب

به- ابوذر

موضوع: [ تخلیه وسایل ]

وسایلی از اقبال (لشکر ۱۶) در جلواست که می شود تخلیه کرد و قابل استفاده است.

عقاب



شماره: ۳۰۰۱/۴۲

تاریخ: ۵۹/۷/۲۳

از- ابوذر

به- ناصر

موضوع: [ حفظ خط سرپل ]

۱- عقاب خط سرپل اولیه را حفظ کنید.

۲- ناصر با یگانهای پیاده که احتیاط است مواضع مناسب در سه راهی دهلران رادار اشغال کنید و با

یگانهای زرهی به تک ادامه دهید.

۳- اقبال سریعاً در شرق رودخانه گسترش یابند.

ابوذر



شماره: ۱ سیار

از-ل ۲۱ حمزه

تاریخ: ۵۹/۷/۲۳

به-ستادنزاجا در منطقه خوزستان

موضوع: [ آخرین وضعیت یگانها ]

آخرین وضعیت یگانها بشرح زیر است:

۱- تیپ ۱ در شمال جاده علی گره زد که در فاصله ۴ کیلومتر مانده به سه راهی رادار می باشد و ۳/۴ پرسنل و کلیه سلاحهای اجتماعی و تانکهای خود را با خدمه مربوطه از دست داده است و در حال محاصره شدن می باشد.

۲- گردان تانک مشهد در فاصله سه کیلومتری سه راهی رادار بین جاده و رودخانه در داخل شیار عمیق که توسط دشمن کنده شده بود مستقر می باشد و امکان محاصره آنها می باشد.

۳- گروهان سوار زرهی در نزدیکی گردان تانک بیشتر وسایل خود را از دست داده است.

۴- تعدادی از خدمه تانک زخمی و تانکهای آنان که حدود هفت دستگاه می باشد در نقاط مختلف منطقه رها شده است.

فرمانده ل ۲۱ حمزه: سرهنگ ورشوساز



شماره: ۳۰۰۱/۱۴

از-قرارگاه تاکتیکی جنوب (دزفول)

تاریخ: ۵۹/۷/۲۴

به-ل ۹۲ اهواز

موضوع: [ وضعیت خرمشهر و آبادان ]

برابراعلام سماجا - طبق اطلاع واصله از خرمشهر:

۱- در محوطه گمرک، نیروهای عراقی با بولدوزر و چراغ مشغول تهیه پناهگاه برای نیروهای زرهی میباشند.

۲- یک ناوچه عراقی در اسکله گمرک پهلو گرفته و تعدادی از مردم اسیر کرده و به طرف عراق حرکت نموده و صدای شیون و فریاد مردم به گوش می رسد.

۳- نیروهای عراقی در قسمت شمال آبادان در دوراهی بهمن شیر مستقر و در حال حاضر شهر را بمباران مینمایند. دستور فرمائید موارد بالا را بررسی و تأیید و یا تکذیب آنرا بازگشت بشماره ۱۷۰۵۴- ۵۹/۷/۲۴ نزاجا و به این قرارگاه اعلام نمایند.

جانشین عملیات سرهنگ حسینی



شماره:

تاریخ: ۵۹/۷/۲۳

از-تی ۲

به- ستاد عملیاتی تاکتیکی جنوب

موضوع: [ درخواست آتش هوایی ]

یگانهای لشکر ۲۱ که در سمت چپ منطقه هستند در سه کیلومتری راست با دشمن مواجه و دشمن آنها را به عقب زده اند دشمن به منطقه عقاب نزدیک می شود. درخواست پشتیبانی آتش هوایی دارند.

سرگرد مرادیان



شماره:

تاریخ:

از-ناصر

به- ابوذر

موضوع: [ فرمانده لشکر در خط مقدم ]

در مسیر اصلی گره زد و مسیر رادار حدود زیادی از نیروها از بین رفته، سوار زرهی خوب است. دستور داده شد تا آخرین نفر شهید شوند. اگر دستور دیگری هست بگوئید، من خودم در خط مقدم هستم

ناصر



خیلی محرمانه

شماره: ۳۰۰۱/۳۸

تاریخ: ۵۹/۷/۲۳

از- ابوذر

به- ناصر

موضوع: [ اجرای پشتیبانی هوایی ]

پشتیبانی شدید هوایی در حال اجرا می باشد، آرایش خود را به هم نزنید، به پیشروی ادامه دهید.

جانشین عملیات: سرهنگ حسینی



خیلی محرمانه

شماره: ۱۱۶

از-ل ۱۶

تاریخ: ۵۹/۷/۲۳

به-ف قرارگاه تاکتیکی نزاچا مستقر در دزفول.

موضوع: [ حرکت اولین ستون ]

اولین ستون ساعت ۱۲۰۰ روز جاری به طرف منطقه تعیین شده به غرب شهر بابک حرکت نمود.

ل ۱۶

\*\*\*

شماره: ۲۰۷/۳۲/۴۶/۳۴

از-ل ۹۲ زرهی اهواز

تاریخ: ۵۹/۷/۲۱

به-ف قرارگاه تاکتیکی نزاچا در جنوب

موضوع: [ تیم تخریب ]

ایستگاه مخابراتی سلیمانیه در دست دشمن بوده و اعزام تیم های تخریب به محل مورد نظر مقدور نمی باشد.

ل ۹۲ اهواز

\*\*\*

شماره: ۲۰۱/۸۴/۴۳۶

از-ستاد عملیاتی منطقه دزفول

تاریخ: ۵۹/۷/۲۳

به-ف قرارگاه تاکتیکی نزاچا

موضوع: [ گزارش تیپ ۲ ]

پیرو شماره ۵۹/۷/۲۳-۲۰۱/۸۴/۴۳۴

برابر گزارش تیپ ۲ هم اکنون دشمن در ۶ الی ۱۰ کیلومتری کرخه می باشد. و تیپ مذکور در محل قبلی مستقر و زیر آتش شدید توپخانه دشمن می باشد. ضمناً یادآوری نموده که لشکر ۲ مرکز وارد عمل گردید.

ف.ع منطقه دزفول: سرهنگ ملک نژاد

\*\*\*

شماره: ۳۰۰۱-۷۱

از-قرارگاه تاکتیکی نزاچا در جنوب

تاریخ: ۵۹/۷/۲۳

به-معاونت عملیات و اطلاعات

موضوع: [ هماهنگی لازم ]

بنا به گزارش تیپ ۸۴ دوقبضه توپ ۱۳۰ م بدون افسر و بدون وسیله کشنده مناسب به آبدانان حمل گردیده و قادر به کار بردن جنگ افزارهای مورد بحث نیست. دستور فرمائید به مسئولین ستاد در نزاچا ابلاغ نمایند کار را بطور صحیح انجام دهند و با تیپ خرم آباد هماهنگی لازم را بنمایند.

سرهنگ حسینی

\*\*\*

از-تی ۲  
به-ستاد عملیات تاکتیکی جنوب  
موضوع: [ برگشت یگانها به عقب ]  
تعداد زیادی از یگانهای عبورکننده می خواهند به عقب برگردند و روحیه تی ۲ را خراب کرده اند.  
دستور دهید آنها را به جای خود برگردانند.  
سرگردمردان



از-ناصر (ل ۲۱)  
به-ابوذر  
موضوع: [ توقف حرکت ]  
ناصر تقاضای پشتیبانی هوائی کرده بود و حرکت متوقف شده است اقدام ونتیجه را گزارش کنید.  
سرگردمردان



از-جمشید(۴۱۴ اهواز)  
به-ابوذر  
موضوع: وضعیت یگان  
ما در چهارراه صفی آباد به طرف شوشتر می باشیم.  
ضمناً عقاب به طرف سه راهی رادار در حرکت است که در همانجا مستقر شوید.  
سرگردمردان

سرگردمردان



خیلی محرمانه-فوری  
از-ستاد عملیات قرارگاه تاکتیکی نزااجا جنوب  
به-ف تیپ ۲ زرهی  
موضوع: [ عقب نشینی ]  
بازگشت بشماره ۵۹/۷/۲۳-۲۰۷/۰۱/۸/۴۶۳  
تیمسار فرماندهی نزااجا به فرماندهی لشکر ۲۱ دستور داده اند در صورتی که آن لشکر نتواند منطقه را  
حفظ کند، یک گروهان تانک در محل زیر امر تیپ ۲ زرهی بماند. بقیه عناصر لشکر به شرق  
رودخانه کرخه عقب نشینی کند.  
جانشین عملیات-سرهنگ ستاد حسینی



از-تیپ ۲ زرهی شماره: ۲۰۷-۰۱-۸-۴۶۳  
به-قرارگاه تاکتیکی نزا جادر منطقه خوزستان تاریخ: ۵۹/۷/۲۳  
موضوع: [نیاز به نیروی تقویتی]  
بازگشت به امریه مورخه ۱۸۴۰ ۵۹/۷/۲۲

سرپیل کرخه به هر قیمتی نگهداری ولی در اثر تک دشمن به تعدادی از تانکهای خودی خسارات وارد و تعدادی پرسنل مجروح و اکنون این یگان جهت نگهداری سرپیل احتیاج مبرمی به نیروی تقویتی دارد که کماکان بتواند از سرپیل نگهداری نماید.  
ف تی ۲ زرهی: سرهنگ شهبازی



از-قرارگاه تاکتیکی نزا جادر منطقه خوزستان شماره: ۳۰۰۱/۵۶  
به-سرپرست گروه ۰۱ مستقر در قرارگاه تاریخ: ۵۹/۷/۲۳  
موضوع: [شبکه مخابرات]

دستور دهید دوپست مشروحه زیر را در شبکه اف-ام فرماندهی اضافه نمایند.  
۱-گردان تانک و توپخانه لشکری لشکر ۱۶ با معرف بهمن  
۲-گردان سوار زرهی لشکر ۱۶ زرهی با معرف گودرز  
جانشین عملیاتی قرارگاه تاکتیکی نزا جادر جنوب: سرهنگ ستاد حسینی



رمز آئی-خیلی محرمانه

از-ابوذر شماره: ۳۰۰۱-۵۵  
به-عقاب تاریخ: ۵۹/۷/۲۳  
موضوع: [اعزام دو نفر افسر برای بررسی]

سرهنگ شهبلائی و سرهنگ حشمت به منطقه اعزام و حضوراً بررسی خواهند کرد.

جانشین عملیات: سرهنگ حسینی





خیلی محرمانه-آنی

از-مد عملیات  
به-قزارگاه تاکتیکی نزاچا در جنوب-فل ۹۲  
موضوع: [وضعیت خرمشهر]  
شماره: ۱۶۳۸۰  
تاریخ: ۵۹/۷/۲۱

برابر اعلام سماجا مستند به گزارش نزاچا در ساعت ۰۶۳۰ روز جاری دشمن از هر دو محور پیش رفته و مرز شدیداً بحرانی است. ایستگاه ۷ تا نزدیکی منطقه ایران کار تا ۸۰۰ متری شهر رسیده اند. وضعیت خرمشهر به استناد اعلام فرمانده ژاندارمری منطقه دشمن جلو آمده و محاصره تنگ می باشد و تماس با خرمشهر از آبادان ممکن نیست مراتب جهت اطلاع و اقدام لازم اعلام می گردد. مد عملیات



خیلی فوری

از-مد عملیات اطلاعات نزاچا  
به-قزارگاه تاکتیکی در جنوب-فل ۹۲  
موضوع: [اعزام توپخانه تقویتی]  
شماره: ۱۶۳۸۰  
تاریخ: ۵۹/۷/۲۱

یگانهای مشروحه زیر بمنظور تقویت آتش توپخانه به منطقه عزیمت خواهند نمود ۲ آتشبار ۱۳۰ م م و دو رسد کاتیوشا زیر امر گروه ۲۲ اهواز و ۲ آتشبار ۱۳۰ م م از گروه ۳۳ زیر امر گروه ۵۵ در دزفول.

مد عملیات اطلاعات نزاچا



از-ناصر  
به-ابوذر  
موضوع: [فاصله دو یگان تک ور]  
شماره:  
تاریخ:  
رخنه ای در کار نیست فاصله دو یگان تک ور حدود ۱۰ کیلومتر می باشد.

ناصر



از-ناصر  
به-ابوذر  
موضوع: [نیاز به تجدید سازمان]  
شماره:  
تاریخ:  
ساعت: ۱۸:۲۰

به نظرم نبرد نیروی جدید با استعداد کم در منطقه به صلاح نیست و باعث نابودی آنان خواهد شد. من فکر می کنم این عملیات همین طور که قبلاً گفته شده بود نیاز به تجدید سازمان اصولی دارد ضمناً دشمن هیچگونه آسیب قابل ملاحظه ای ندیده است. مساله خیلی جدی تر از آن است که تصور می نمایند. احتمالاً در شب جاری دشمن تک شدیدی را اجراء خواهد نمود. تمام



خ م- خیلی فوری

از-ج عملیات و اطلاعات نزاچا  
به-قرارگاه تاکتیکی نزاچا در جنوب  
موضوع: [شهر دهلران]  
شماره: ۱۷۲۴۰  
تاریخ: ۵۹/۷/۲۴  
برابر گزارش قرارگاه مقدم نزاچا:

۱- شهر دهلران تاکنون توسط نیروهای دشمن اشغال نگردیده و در حال حاضر به وسیله عناصر ژاندارمری نگهداری می شود. به منظور تقویت عناصر مذکور تعدادی از نیروها به شرح زیر به ایلام اعزام گردیدند. ضمناً ۱۴۸ نفر سربازان خدمت منقضی در ایلام تجهیز و به طرف مورموری اعزام تا از آن طریق در عملیات تامینی شهر شرکت نمایند.  
۲- با جابجائی و ارسال تجهیزات جدید یک تیم تقویت شده به ارتفاعات شمالی دهلران اعزام خواهد گردید.

مدعملیات اطلاعات



سری

از-قرارگاه تاکتیکی نزاچا در منطقه خوزستان  
به-ف نزاچا (معاونت عملیات اطلاعات)  
موضوع: [برآورد نیروهای دشمن]  
شماره: ۲۰۰۱/۱/۲  
تاریخ: ۵۹/۷/۱۶

برابر آخرین تجزیه و تحلیلی که به عمل آمد، تا ساعت ۵۹/۷/۲۶ ۰۸۳۰ گسترش یگانهای دشمن بعمق حدود ۲۵ کیلومتری به عرض ۱۶ تا ۲۰ کیلومتر شمال دامنه های جنوبی ارتفاعات خرولی و اسکندر خندان و غرباً در تپه های شاوریه و علی گره زد و جنوباً از غرب تپه رادار تا حوالی مغرب شوش و شرقاً حدود دو تا سه کیلومتر غرب رودخانه کرخه شامل سه گردان تانک دو گردان پیاده مکانیزه (یک تیپ تقویت شده) برآورد می شود.

ج اطلاعات قرارگاه تاکتیکی نزاچا در جنوب-سرهنگ ستاد امین

خیلی محرمانه

از - گودرز (گردان سوار زرهی ۱۶) شماره: ۴ سیار  
به - ابوذر تاریخ: ۵۹/۷/۲۴  
موضوع: [ گلوله دشمن تا شهرک آزادی ] ساعت ۱۵/۴۵  
گلوله تا دشمن به حوالی شهرک آزادی اصابت نموده، یگان در دو کیلومتری شهرک قرار دارد  
اوامر خود را ابلاغ نمایند.

امضاء گردان سوار زرهی لشکر ۱۶



از - ابوذر شماره: ۳۳-۳۰۰۱  
به - گودرز تاریخ: ۵۹/۷/۲۴  
موضوع: [ تفرقه و حفاظت ]  
این نوع گلوله ها مداوم به منطقه ریخته می شود، تفرقه و حفاظ و جان پناه اتخاذ شود.

ج عملیات قرارگاه تاکتیکی در منطقه جنوب: سرهنگ ستاد حسینی



خیلی محرمانه - خیلی فوری  
از - قرارگاه عملیاتی جنوب (دزفول) شماره: ۳۰۰۱/۲۷  
به - ل ۲۱ حمزه تاریخ: ۵۹/۷/۲۴  
موضوع: [ شرکت در کمیسیون ]  
دستور فرماید سرهنگ ورشوساز فوراً به قرارگاه عملیاتی حرکت و در کمیسیون متشکله در حضور  
تیمسار فرماندهی شرکت نماید.%

جانشین عملیات سرهنگ حسینی  
از طرف سرهنگ پورموسی



از - ناصر شماره:  
به - ابوذر تاریخ:  
موضوع: [ حرکت تانکهای مشکوک ]  
برابر گزارش دیدبانان توپخانه در منطقه تعدادی از خودروها احتمالاً تانکهای خودی در حرکت  
دید شده. مراتب به عرض می رسد. اقدام مبذول دارید. در منطقه عملیات ساحل رودخانه.



خیلی محرمانه - خیلی فوری

از - دیروز شماره: ۱۹-۳۰۰۱

به - ناصر تاریخ: ۵۹/۷/۲۴

موضوع: [ افسر ناظر مقدم هوایی ]

طی تماسی که با هوانیروز گرفته شد، اظهار داشتند که ساعت ۶ صبح روز جاری افسر ناظر مقدم هوانیروز به اتفاق افسر ناظر مقدم نیروی هوایی رفته اند تا در اختیار فرمانده لشکر باشند. جانشین عملیات: سرهنگ حسینی



از - ناصر ل ۲۱ شماره:

به - ابوذر تاریخ:

موضوع: [ عدم اطلاع از افسر ناظر مقدم ]

اطلاع از افسر ناظر مقدم نداریم، کجا هستند (از سالار)



خیلی محرمانه - آنی

از - قرارگاه عملیاتی جنوب (دزفول) شماره: ۱۲-۳۰۰۱

به - ل ۹۲ تاریخ: ۵۹/۷/۲۴

موضوع: [ تامین پرواز نیروهای اعزامی ]

برابر اعلام نزاجا تعداد ۸ فروند هواپیمای سی - ۱۳۰ تعداد ۶۰۰ نفر از پرسنل ژاندارمری را با تجهیزات کامل در ساعت ۱۵۳۰ روز ۵۹/۷/۲۳ از تهران به اهواز حمل خواهند کرد. ۲۰۰ نفر دیگر نیز از تهران به اهواز (ساعت حرکت بعداً اعلام می شود) حمل خواهند شد. دستور فرمایید جهت تامین پرواز آنها به یگانهای پدافند هوایی دستورات مقتضی صادر نمایند. جانشین عملیات: سرهنگ حسینی



از - عقاب شماره:

به - ابوذر تاریخ:

موضوع: [ امانتی عقاب ]

ناصر هنوز امانتی عقاب را نداده است. یک نفر اعزام کنید و وضع را روشن نمایید.

عقاب



خیلی محرمانه

از - قرارگاه تاکتیکی ابودر  
به - ناصر  
موضوع: [ آب و آذوقه ]  
شماره: ۵-۳۰۰۱  
تاریخ: ۵۹/۷/۲۴  
تعدادی از پرسنل آن لشکر حوالی تپه چشمه (۳۲۲۵ درجه شمالی و ۴۸۰۵ شرقی) آب و آذوقه ندارند و منتظر کمک می باشند به آنها کمک کنید و آب و آذوقه برسانید.  
جانشین عملیات: سرهنگ حسینی



از - معاونت عملیات و اطلاعات نزاجا  
به - قرارگاه تاکتیکی نزاجا در جنوب  
موضوع: [ گروهان اعزامی تی ۵۵ ]  
شماره: ۱۷۲۳۴  
تاریخ: ۵۹/۷/۲۴  
برابر گزارش تی ۵۵ هوابرد گروهان اعزامی که زیر امر تیپ ۲، تیپ ۳۷ می باشد به علت ضایعات وارده پرسنلی و لجستیکی و نارسائیهای موجود در کاربرد یگان و عدم پشتیبانی و پایین آمدن روحیه لازم توانایی رزمی خود را از دست داده است. لذا دستور فرمایید به هر نحو ممکن لشکر صلاح می داند نسبت به پشتیبانی و ترمیم یگان مزبور اقدام و نتیجه را گزارش نمایند.  
معاونت عملیات و اطلاعات نزاجا



خیلی محرمانه - خیلی فوری

از - م ع ت نزاجا  
به - ف منطقه عملیات درفول  
موضوع: [ فرمانده گروهان تیپ ۵۵ ]  
شماره: ۳۰۰۱/۸  
تاریخ: ۵۹/۷/۲۶  
ساعت: ۰۸:۱۵  
دستور فرمایید فرمانده گروهان اعزامی از تیپ ۵۵ هوابرد مامور به گروه رزمی ۳۷ زرهی فوراً خود را در مرکز عملیات تاکتیکی معرفی تا به حضور ت ف نزاجا برسد.

سرهنگ ستاد حسینی

از- قرارگاه تاکتیکی نزا جا در منطقه خوزستان شماره:  
 به- ف گروه ۵۵ توپخانه تاریخ:  
 موضوع: [ توپ پدافند هوایی ]

برابر ابلاغ قرارگاه نزا جا در تهران دستور فرمایید از ۱۰ قبضه توپ ۲۳ م م پدافندی هوایی آن گروه تعداد چهار قبضه رابه مسجد سلیمان پایگاه هوانیروز اختصاص و شش قبضه باقیمانده را در اختیار داشته باشند.

ج عملیاتی قرارگاه تاکتیکی نزا جا در جنوب- سرهنگ ستاد حسینی



رمز-آنی

از- قرارگاه تاکتیکی نزا جا در منطقه خوزستان شماره: ۵-۳۰۰۱  
 به- ل ۲۱ تاریخ: ۵۹/۷/۲۵  
 موضوع: [ جمع آوری شهدا و وسایل ]

برابر اطلاع یکی از افسران تیپ ۲ (سرکار ستوان ۱ زرهی محمد طاهری) مقداری از وسایل سلاح ذقیمت و تعدادی تانک سالم و سلاح ضد هوایی در منطقه باقیمانده است. حتی تعدادی خیلی زیاد در منطقه تیپ ۲ (بین دیده بانان تیپ در سه راهی قهوه خانه و خط مقدم تیپ) موجود می باشد و همچنین برابر اطلاع تعدادی از اجساد شهداء نیز در محل باقیمانده است. دستور فرمایید سریعاً نسبت به جمع آوری سلاح و وسایل و تانک ها و اجساد شهدا اقدام سریع معمول فرمایند. ف نزا جا- سرتیپ ظهیر نژاد از طرف سرهنگ ستاد حسینی



خیلی فوری

از- قرارگاه تاکتیکی نزا جا در جنوب (دزفول) شماره: ۳۰۰۱/۳۷  
 به- سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) تاریخ: ۵۹/۷/۲۵  
 موضوع: [ پدافند هوایی برای پل زالی ]

آگهی به- نزا جا (مد عملیات)

برابر گزارش استانداری خوزستان مستند به گزارش وزارت کشور پل زالی واقع در محور خرم آباد اندیمشک فاقد پدافند هوایی می باشد و احتمال دارد مورد حمله هوایی قرار گیرد و درخواست شده این قرارگاه در این مورد اقدام نماید. با توجه به اینکه حفاظت پلها به عهده ژاندارمری و سازمان بسیج گذارده شده دستور فرمایید از طریق آن سازمانها برای حفاظت نقاط حساس و حیاتی داخل کشور از جمله محور راه آهن استفاده شود.

جانشین عملیات- سرهنگ ستاد حسینی

از-مد اطلاعات عملیات نزا جا  
به-قرارگاه تاکتیکی نزا جا در جنوب  
موضوع: [پشتیبانی هوایی]

با توجه به اینکه سه راهی آبادان و خرمشهر به شدت در محاصره و نفوذ قوای زرهی و مکانیزه دشمن می باشد و امکان دارد ستاد عملیات جنوب ول ۹۲ نتواند بموقع از سورتی های واگذاری و پشتیبانی هوایی بهره مند گردند لذا به نیروی هوایی دستور داده تا نسبت به انهدام مهاجم اقدام تا فشار دشمن که تا ترتیب اعزام یگان کمکی داده شود دستور فرماید در جهت هدایت. استفاده از پشتیبانی هوایی اقدام لازم معمول نمایند.



از: عقاب تی ۲  
به: ابوذر  
موضوع: [نیاز به تقویت]

بازگشت به امریه ابلاغی با توجه به اینکه حمله احتمالی ستون زرهی و مکانیزه دشمن از دشت عباس می باشد، عقاب با موجودیت فعلی احتیاج به تقویت یک رده دوم دارد. دستور فرماید ناصر در رده دوم آمادگی تقویت عقاب را داشته باشد.

عقاب



از: ل ۹۲  
به: قرارگاه تاکتیکی نزا جا در جنوب  
موضوع: [نبرد در آبادان]

برابر اعلام سماجا ۳ چون تعداد زخمی ها و تیر خورده ها به علت مقاومت خیابانی در آبادان زیاد اعلام شده است و در ۳ کیلومتری پل بهمینشیر جنگ تانک و توپخانه ادامه دارد و رفت و آمد از روی پل امکان ندارد. دستور فرماید بشرح زیر اقدام نمایند:  
۱- در صورت امکان با توپخانه برد بلند آبادان را پشتیبانی نمایند.  
۲- در روشنایی روز هلی کوپترها تا آخرین حد ممکن به کمک مدافعین اعزام شوند.



از- قرارگاه تاکتیکی نزاچا در منطقه خوزستان

شماره: ۳۰۰۱-۵

تاریخ: ۵۹/۷/۲۵

به- ل- ۲۱

موضوع: [جمع آوری شهدا و سلاح]

برابر اطلاع یکی از افسران تیپ ۲ (سرکار ستوان ۱ زرهی محمد طاهری) مقداری از وسایل سلاح ذقیمت و تعدادی تانک سالم و سلاح ضد هوایی در منطقه باقیمانده است. حتی تعداد خیلی زیادی در منطقه تیپ ۲ (بین دیدبان تیپ در سه راهی قهوه خانه و خط مقدم تیپ) موجود می باشد و همچنین برابر اطلاع تعدادی از اجساد شهدا نیز در محل باقیمانده است. دستور فرمایید سریعاً نسبت به جمع آوری سلاح و وسایل و تانک ها و توپ ها و اجساد شهدا اقدام سریع معمول فرمایند.

ف نزاچا: سرتیپ ظهیرنژاد



شماره: ۲۰۱-۸۴-۴۹۳

تاریخ: ۵۹/۷/۲۵

از- ستاد عملیاتی منطقه دزفول

به- ف. قرارگاه تاکتیکی نزاچا

موضوع: [نیاز به تعویض]

به استحضار می رساند یگانهای رزمی مستقر در سرپل کرخه (تیپ ۲ و گروه رزمی ۳۷) به علت درگیری جدی با دشمن به مدت طولانی از شش ماه قبل تاکنون نیاز مبرمی به تجدید سازمان دارند. مستدعی است مقرر فرمایند به یکی از یگانهای موجود در منطقه ماموریت نگهداری سرپل را واگذار تا تیپ ۲ زرهی و گروه رزمی ۳۷ بتوانند به عقب آمده و پس از تجدید سازمان مجدداً آماده اجرایی ماموریتهای بعدی گردند.

ف-ع منطقه دزفول سرهنگ ملک نژاد

گیرندگان:

۱- ف تی ۲ زرهی جهت آگهی

۲- ف گروه رزمی ۳۷ جهت اطلاع



شماره: ۳۰۰۱-۳۲

تاریخ: ۵۹/۷/۲۵

از: ابودر

به: عقاب

موضوع: [سد دشمن]

یگانهای دشمن به پیشه های علی گره زد رسیده اند هلیکوپترها و هواپیماهای خودی به دشمن حمله می کنند آماده باشید پیشروی دشمن را در منطقه سد نمایید.

جانشین عملیات ابودر





شماره: ۳۱-۳۰۰۱

از: ابوذر

تاریخ: ۵۹/۷/۲۵

به: عقاب-سالار-ناصر-اقبال

موضوع: [حرکت ستون های دشمن]

برابر گزارش خلبان شناسایی هوایی ستونی از عناصر زرهی و مکانیزه دشمن در دشت عباس بسمت علی گره زد در حال حرکت بوده است. فوراً آماده مقابله احتمالی با هر گونه تجاوز احتمالی دشمن باشید.

ابوذر



شماره: ۷-۳۰۰۱

از: قرارگاه تاکتیکی نزاچا در منطقه خوزستان

تاریخ: ۵۹/۷/۲۵

به: مسجد سلیمان فرماندهی هوانیروز

موضوع: [پشتیبانی آتش هلیکوپتر]

آگهی به: ل ۹۲ زرهی بازگشت به ۱۷۳۶۰-۵۹/۷/۲۵

دستور دهید ظرف روز جاری حداکثر تقدم پشتیبانی آتش هلی کوپترها را در پشتیبانی عملیات لشکر ۹۲ زرهی در خرمشهر و آبادان و اهواز قرار دهند.

ف نزاچا: سر تیپ ظهیرنژاد



شماره: ۱۰/۶۰۲/۰۲/۶

از: ل ۲۱

تاریخ: ۵۹/۷/۲۵

به: قرارگاه تاکتیکی نزاچا در جنوب

موضوع: [اعزام تانک و وسایل به منطقه تجمع]

از ل ۲۱ به گروه رزمی ۲۹۱ تانک ۰ آگهی به فرماندهی عملیات تاکتیکی نزاچا جهت استحضار دستور فرمایید. یک گروهان به استعداد هفت تانک در محل زیر امر تیپ ۲ دزفول قرار داده و بقیه تانکها و وسایل را به منطقه تجمع اولیه اعزام و نتیجه را و اجرای آن با آمار تلفات و ضایعات سریعاً به لشکر گزارش نمایند.

ف ل: سرهنگ ستاد ورشوساز

از: م ع ت نزا (عملیات)

شماره: ۳۰۰۱/۲

به: فل ۱۶

تاریخ: ۵۹/۷/۲۵

موضوع: [ مواضع در شرق کرخه ]

با توجه به توجیه حضوری دستور فرمایید موارد زیر را بمرور اجرا بگذارند:

۱- با گردانهای تانک و سوار زرهی مستقر در حوالی شهرک بابک مواضع دفاعی مناسب در شرق رود کرخه انتخاب تا در صورت رخنه دشمن بشرق رودخانه بتوانند عکس العمل مناسب جهت انهدام دشمن نشان دهند.

الف- مواضع دفاعی حداکثر در سه کیلومتری شرق رودخانه کرخه انتخاب شوند.

ب- دفاع را در عمق و مواضع مناسب سازمان دهند.

پ- حداکثر استفاده از آتش توپخانه گد ک.م بعمل آید.

ت- حداکثر منطقه را در عرض ببوشانند.

۲- از توقف به صورت اردوگاهی و منطقه تجمع قویاً خودداری نمایند.

۳- دفاع را طوری سازمان دهند که همواره در هر دسته لااقل نصف عده ها آماده مقابله بوده و عکس العمل مناسب نشان دهند.

۴- آماده باشید در صورتیکه عناصر دشمن از محور شوش بسمت اندیمشک حرکت کند دشمن را در بین رودخانه کرخه و در متوقف کرده و نیروهای دشمن را نابود کنید.

سرهنگ ستاد یعقوب حسینی



از: قرارگاه تاکتیکی نزا (در فول)

شماره: ۳۰۰۱-۲۳

به: ف نزا (معاونت عملیات و اطلاعات) مد عملیات

تاریخ:

موضوع: [ استعداد دشمن در خرمشهر و آبادان ]

برابر گزارش ل ۹۲ زرهی:

برابر گفته یکی از اسراء استعداد دشمن در منطقه خرمشهر لشکر ۹ عراق که با یگانهایی از نیروی مخصوص تقویت شده اند می باشد. در محور اهواز آبادان یک تی زرهی که از پلهای شناور منطقه سلیمانیه عبور داده شده مستقر می باشند و عناصر جلوبی آنها در ۵ کیلومتری آبادان می باشند و بقیه در طول راه مستقر می باشند.

فعالیت توپخانه دشمن در روزهای ۲۳ و ۲۴ در منطقه آبادان کمتر شده و به نظر می رسد کمبود گلوله توپخانه آن مورد تایید می باشد.

جانشین عملیات: سرهنگ ستاد حسینی



از: ل ۲۱  
به: قرارگاه تاکتیکی نزاجا در جنوب  
موضوع: [حرکت گردان ۱۴۴]  
در اجرای اوامر شفاهی کد ۱۴۴ پیاده در ساعت ۱۶۳۰ روز ۵۹/۷/۲۵ به طرف محل ماموریت حرکت نمود.  
فل ۲۱: سرهنگ ورشوساز



از: معاونت عملیات و اطلاعات  
به: ف ت ع کرمانشاه - قرارگاه تاکتیکی نزاجا - ل ۹۲  
موضوع:  
برابر اعلام نهاجا پشتیبانی نزدیک هوایی به یگانهای لشکر انجام می گردد دستور فرماید در مورد بهره برداری از پروازهای واگذاری اقدام لازم به عمل آید. ل ۶۴ - هشت صورتی از پایگاه دوم = ل ۸۱ - چهار صورتی از پایگاه سه‌م؛ ل ۹۲ - ده صورتی از پایگاه سوم و هیجده صورتی از پایگاه ششم.  
ف نزاجا



از: قرارگاه تاکتیکی نزاجا در منطقه خوزستان  
به: لشکر ۲۱ پیاده  
موضوع: تامین کسری وسایل گردان ۱۴۴  
برابر ابلاغ تیمسار فلاحی گردان اعزامی به اهواز فاقد وسایل سازمانی ضد تانک و بی سیم می باشد. دستور دهید به محض وصول، کلیه وسایل سازمانی گردان اعزامی را جمع آوری و به اهواز اعزام دارند. کمبودهای مهم شامل جنگ افزار ضد تانک و بی سیم از سایر یگانهای آن لشکر تامین شود.



از: قرارگاه تاکتیکی نزاجا در منطقه خوزستان  
به: فل ۲۱ حمزه  
موضوع: [تخلیه شهدا در منطقه]  
برابر گزارش تیپ ۲ در فلول تعدادی شهید در منطقه عبور قبلی به جای مانده است دستور فرماید نسبت به تخلیه آنها اقدام سریع معمول نمایند.

شماره: ۳۰۰۱-۶۱

تاریخ: ۵۹/۷/۲۶

از: قرارگاه عملیاتی نزا جا در جنوب (دزفول)

به: ف نزا جا (معاونت عملیات و اطلاعات) مد عملیات

موضوع: [ گزارش هوانیروز ]

برابر گزارش هوانیروز نزا جا در پایگاه چهارم دزفول یگان مزبور در مورخه ۵۹/۷/۲۳ موفق به انجام عملیاتی به شرح زیر گردیده است.

۱- ۵۲ سورتی پرواز در ۶۲ ساعت

۲- شناسائی و کشف مواضع دشمن در جنوب غربی شوش و جنوب تپه دوسلک سه راهی دهلران، تپه علی گره زد و شاوریه.

۳- تلفات وارده به دشمن بیش از یکصد نفر.

۴- خسارات وارده به دشمن (۱۰ دستگاه تانک - حدود ۵۰ دستگاه خودرو سنگین و سبک پنج قبضه توپ کالیبر کوچک و ۲ قبضه توپ کالیبر بزرگ پدافند هوائی یک دستگاه توپ شیلیکا.

جانشین عملیات: سرهنگ ستاد حسینی



شماره: ۳۰۰۱-۵۷

تاریخ: ۵۹/۷/۲۶

از: قرارگاه عملیاتی نزا جا در جنوب (دزفول)

به: ف نزا جا (معاونت عملیات و اطلاعات)

موضوع: [ اقدامات هوانیروز ]

یگان هوانیروز نزا جا مستقر در پایگاه چهارم دزفول در مورخه ۵۹/۷/۲۴ اقداماتی به شرح زیر انجام داده است:

۱- تعداد ۳۲ سورتی پرواز ۵۱ ساعت.

۲- کشف مواضع دشمن در حوالی غرب شوش تا تپه رادار حوالی تپه رادار حوالی تپه ۱۹۵ انجام شناسائی مسیر دزفول رودخانه کرخه تا حاج عبدالله.

۳- تلفات وارده به دشمن حدود ۶۰ نفر.

۴- ضایعات وارده به دشمن ۷ قبضه توپ کالیبر بزرگ و کوچک.

در این عملیات یک فروند هلی کوپتر کبری شماره ۴۸۸۸- بر اثر آتشهای دشمن در تپه علی گره زد دچار سانحه گردید و دونفر خلبانان آن به نام های ستوانیار براتعلی نمایان و سلطانعلی سلاح لو در ساعت ۱۰۰۰ به درجه شهادت نائل آمدند.

جانشین عملیات: سرهنگ حسینی

از: ابوذر  
به: اقبال، بهمن  
موضوع: [ ابلاغ ماموریت ]  
شماره: ۳۰۰۱-۴۰  
تاریخ: ۵۹/۷/۲۶  
بهمین آماده باشد بمحض ابلاغ به منطقه عقاب حرکت کند و ماموریت عقاب را تکمیل نماید.  
سرعت آمادگی برای حرکت مورد توجه باشد.  
جانشین عملیات فرارگاه تاکتیکی نزاچاد در منطقه: سرهنگ ستاد حسینی



از: فرارگاه عملیاتی نزاچا (در جنوب) دزفول  
به: تی ۲ دزفول  
موضوع: گردان ۲۹۱ تانک  
شماره: ۳۰۰۱-۳۶  
تاریخ: ۵۹/۷/۲۶  
آگهی به: ل ۲۱ تهران و گد ۲۹۱ تانک  
دستور فرمائید گد ۲۹۱ تانک (ل) ۷۷ را زیر امر گرفته و نتیجه را گزارش نمایند گد مزبور از تاریخ  
۵۹/۷/۲۶ از زیر امر ل ۲۱ خارج می شود.  
جانشین عملیات - سرهنگ ستاد حسینی



از: م.ع.ت نزاچا  
به: ل ۲۱ پ  
موضوع: [ گردان ۲۹۱ تانک زیر امر ]  
شماره: ۳۰۰۱-۲۹  
تاریخ: ۵۹/۷/۲۵  
آگهی به: ف تی ۲ زه - ف منطقه دزفول.  
دستور فرمائید همه گردان زیر امر فرماندهی عملیات دزفول (تیپ ۲ زرهی) باقی بماند.  
جانشین عملیات: سرهنگ حسینی



از: عقاب (تیپ ۲) زرهی  
به: ابوذر  
موضوع: [ تخلیه شهدای به جا مانده ]  
شماره:  
تاریخ:  
از واحد عبورکننده تعدادی شهید به جا مانده نسبت به تخلیه آنها اقدام کنید.  
امضاء عقاب تیپ ۲ زرهی



از: قرارگاه عملیاتی نزاجا در جنوب (دزفول)

شماره: ۳۰۰۱-۴۶

به: ل: ۹۲

تاریخ: ۵۹/۷/۲۶-۱۵۲۵

موضوع: [گروه رزمی ۱۵۳ پیاده]

گروه رزمی ۱۵۳ پیاده از ل ۷۷ در سریالهای مختلف در اهواز پیاده خواهند شد. دستور فرمائید پس از سازمان دادن به شرح زیر از کاربرد آن استفاده نمایند.

۱- هیچگونه برداشتی از این ستون ننمایند و آنرا یکجا به کار برند.

۲- باراهنمائی یک افسر ورزیده این گروه را به کمک مدافعین در خرمشهر و آبادان اعزام نمایند.

۳- در موقع ورود به جزیره آبادان ترتیب پشتیبانی هوائی کامل وی را بدهید.

جانشین عملیات: سرهنگ ستاد حسینی



خیلی محرمانه

از: ل: ۲۱

شماره: ۱۰/۶/۰۲/۰۲/۸

به: قرارگاه تاکتیکی در جنوب

تاریخ: ۵۹/۷/۲۶

موضوع: [گردان ۲۹۱ تانک]

آگهی به: ف گد ۲۹۱ تانک

بازگشت به شماره ۵۹/۷/۲۶/۹۹۴

در اجرای اوامر صادره دستور داده شد که گردان ۲۹۱ تانک کلاً از زیر امر لشکر خارج و زیر امر تیپ دزفول قرار گیرد. مراتب مورخه ۵۹/۷/۲۴ به مورد اجرا گذاشته شد. ده است.

فل: سرهنگ ورشوساز



از: قرارگاه عملیاتی نزاجا در جنوب (دزفول)

شماره: ۳۰۰۱/۲۶

به: نزاجا معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات)

تاریخ: ۵۹/۷/۲۷

موضوع: [سوسنگرد زیر آتش]

۱- برابر گزارش ل ۹۲ از ساعت ۱۶۰۰ مورخه ۵۹/۷/۲۶ شهر سوسنگرد از سمت کرخه کور زیر آتش موشک و توپخانه قرار گرفته است.

جانشین عملیات: سرهنگ حسینی



شماره: ۲۰۱/۴۸/۱۲۶

تاریخ: ۵۹/۷/۲۵

از: ل ۹۲

به: ق ت ع نزاچا در دزفول

موضوع: آتش بر مواضع دشمن

مقام عالی را آگاه می سازیم :

۱- با آتش توپخانه و خمپاره مواضع دشمن در هم کوبیده شد.

۲- بطور کلی تلفات سنگین به دشمن وارد ۸ دستگاه تانک منهدم گردید.



خیلی محرمانه

شماره: ۲۳

تاریخ: ۵۹/۷/۲۷

از: معاونت عملیات و اطلاعات نزاچا

به: قرارگاه تاکتیکی نزاچا در جنوب

موضوع: [ وضعیت وخیم خرمشهر و آبادان ]

به عرض تیمسار فرماندهی نزاچا برسد ل ۹۲ زرهی برابر اعلام سماجا ۳ مرکز فرماندهی مستند

به گزارش نیروی دریایی وضعیت منطقه جنوب به شرح زیر می باشد:

۱- خرمشهر زیر آتش شدید خمپاره دشمن قرار دارد.

۲- تدارکات مهمات با توجه به وضعیت محاصره منطقه به سختی انجام می شود و روحیه جنگی پایین بوده و تعدادی از پرسنل نظامی در حال ترک مواضع هستند.

۳- در آبادان وضعیت تغییری نکرده و شهر در محاصره کامل بوده و در خارج شهر درگیری ادامه

دارد و شهر زیر آتش شدید دشمن قرار دارد و با توجه به وضعیت وخیم منطقه خرمشهر و آبادان

اعزام نیروی رزمی مناسب که کرارا تقاضا شده برای شکستن محاصره و نجات این دو شهر امری

حیاتی است. مقرر فرمایید در این مورد اقدام مقتضی به عمل آید.

معاونت عملیات و اطلاعات



از: ل ۲۱

شماره: ۱۱/۶۰۲-۰۲-۴

تاریخ: ۵۹/۷/۲۷

به: قرارگاه تاکتیکی عملیات نزاچا

موضوع: [درخواست هلیکوپتر شناسایی]

آگهی به: ف گر ۲۴۷ سوار زرهی

نظر به اینکه به گر ۲۴۷ سوار زرهی در منطقه ۳۵ کیلومتر در ساحل شرقی رودخانه کرخه واگذار شده که ماموریت شناسایی و پوششش را معمول دارد، یگان مزبور با مقدمات موجود قادر به تامین منطقه فوق نیست. لذا استدعا دارد مقرر فرمایید ۱ فروند هلی کوپتر شناسایی جهت تکمیل ماموریت فوق در اختیار این لشکر گذارده شود.

فل: سرهنگ ستاد ورشوساز

از: مد اطلاعات و عملیات

شماره:

به: ق ت نزاچا در جنوب

تاریخ:

موضوع: [پشتیبانی هوایی از لشکرها]

برابر اعلام سماجا ۳ مرکز فرماندهی سورت‌های واگذاری نهاجا برای مورخه ۵۹/۷/۲۷ جاری به شرح زیر می‌باشد دستور فرمایید به منظور جلوگیری از هر گونه اشتباهات خلبانان درخواست های تنظیمی خط بمب و خط لجمن را توسط یگانهای درخواست کننده با هماهنگی کامل و ناظرین مقدم مشخص نمایید.

۱- پشتیبانی از ل ۶۴ ارومیه ۱۲ سورتی از پایگاه دوم شکاری.

۲- پشتیبانی از ل ۸۱ کرمانشاه ۱۰ سورتی از پایگاه سوم شکاری.

۳- پشتیبانی از ل ۹۲ اهواز ۴۴ سورتی از پایگاه ششم شکاری.

۴- پشتیبانی نزدیک هوایی بنا به درخواست مرکز عملیات پشتیبانی نزدیک مستقر در لشکرها و

افسران ناظر مقدم انجام خواهد شد.





از: قرارگاه عملیاتی نزاچاد در جنوب (دزفول)

شماره: ۴۱-۳۰۰۱

تاریخ: ۵۹/۷/۲۷

به: تی ۸۴ پیاده خرم آباد

موضوع: [قطع خطوط تدارکاتی دشمن]

آگهی به: قرارگاه مقدم نزاچاد در کرمانشاه

۱- هر اقدامی را که بین عین خوش و مهران که برای آزاد کردن مناطق اشغالی لازم است و بخصوص هر اقدامی که منجر به قطع خطوط تدارکاتی دشمن در بین عین خوش و دهلران بشود به عمل آورید.

۲- در کلیه اقدامات برای پاک کردن منطقه و قطع خطوط ارتباطی مشاورت آقای ابراهیمی استاندار ایلام را بپذیرید.

ف نزاچاد: سرتیپ ظهیرنژاد



از: قرارگاه تاکتیکی نزاچاد در منطقه خوزستان

شماره: ۳۰۰۱-۸۰

تاریخ: ۵۹/۷/۲۷

به: ل ۲۱-ل ۱۶

موضوع: [پیشروی دشمن در سوسنگرد]

۱- دشمن از ۵ کیلومتری بستان در امتداد جاده آسفالته در حال پیشروی به سوسنگرد است.

۲- در فنیخیه به روی کرخه پل زده اند و ۱۵ تانک در فنیخیه مستقرنموده اند.

۳- دشمن از سابله تا دهلران را زیر آتش توپخانه قرار داده است.



از: قرارگاه عملیاتی نزاچاد در جنوب (دزفول)

شماره: ۳۰۰۱/۳۶

تاریخ: ۵۹/۷/۲۷

به: معاونت عملیات و اطلاعات نزاچاد عملیات

موضوع: [تانکهای به جامانده دشمن]

برابر گزارش تیم های مخصوص عملیات ویژه در شناسایی انجام شده در تاریخ ۵۹/۷/۲۳ از منطقه دشمن در اثر حمله توپخانه ایران تعداد زیادی از تانکها و خودروهای ارتش عراق در حال سوختن مشاهده گردیده اند. تعدادی از تانکها سالم که خدمه آن را ترک کرده بودند محل شناسایی شده بود در انتهای پل کرخه و تا رودخانه حدود ۱۵ کیلومتر و از فاصله ۵ تا ۱۰ کیلومتری قهوه خانه سرخه فیلیه و سرخه صالح بوده است.

جانشین عملیات: سرهنگ حسینی



از: فرمانده تیم عملیاتی نیروی مخصوص شماره:  
به: فرماندهی محترم عملیات منطقه دزفول تاریخ:  
موضوع: بسیج عشایر

بدین وسیله به عرض می‌رساند بنا به دستور سرهنگ میرانی فرمانده عملیات جنگهای نامنظم تیم عملیاتی نیروی مخصوص از تاریخ ۵۹/۷/۲۴ ماموریت دارد تعداد ۱۲۰ نفر از بسیج عشایر در آبادی حور ریاحی آموزش داده و بعد از آموزش های لازم آنها را به گروهان مختلف تقسیم نموده و مثل تیمهای عملیاتی نیروی مخصوص در منطقه نفوذ داده و عملیات ویژه خود را اجرا نمایند.  
فرمانده تیم عملیاتی مخصوص: ستوانیکم جواد حقیقی



خیلی محرمانه

از: م ع ت ن ز ا ج ا (عملیات) شماره: ۳۰۰۱-۷۲  
به: فل ۲۱ پ (۳) تاریخ: ۵۹/۷/۲۷

موضوع: [ عودت سلاح های اضافی ]

بازگشت به ۵۹/۷/۲۷-۳/۶۰۲/۰۲/۳۷

دستور فرمایید هر یگانی از سلاح سازمانی خود استفاده نموده و سلاحهای اضافی به یگان اولیه برگردانده شوند و هر گونه کمبودی را از مبادی لجستیکی اقدام نمایند.

ج عملیات م ع ت ن ز ا ج ا: سرهنگ حسینی



از: ل ۲۱ حمزه ۳ شماره: م/۶۰۲/۰۲/۳۷  
به: ستاد عملیات ن ز ا ج ا مستقر در دزفول تاریخ: ۵۹/۷/۲۷  
موضوع: یگان تک ور

۱- در اجرای اوامر صادره یگان تک ور در تیپ ۳ این لشکر به سرپرستی سرگرد هاشمی از تاریخ ۵۹/۷/۲۴ زیر امر تیپ ۲ دزفول قرار گرفته است.

۲- برابر گزارش تیپ ۳ تعداد ۱۴ قبضه آرپی جی ۷، ۵ قبضه دراگون و دو قبضه موشک تاواز یگانهای موجود تیپ تحویل یگان تک ور گردیده، لذا تیپ با کمبود جنگ افزار ضد تانک مواجه می باشد.

۳- با توجه به مراتب فوق که با اعزام یگان مذکور قدرت رزمی تیپ ۳ به طور قابل ملاحظه ای کاسته شده است. در صورت تصویب مقرر فرمایید که یگان تک ور مجدداً زیر امر لشکر قرار گیرد.  
فل ۲۱ حمزه: سرهنگ ستاد ورشوساز

محرمانه

شماره: ۹۱۱/۲۰۷/۰۳/۳۸

تاریخ: ۵۹/۷/۲۷

از: ستاد عملیات منطقه دزفول

به: قرارگاه تاکتیکی نزاچا در منطقه خوزستان

موضوع: تانک

پنج دستگاه تانک ام ۴۷ مربوط به تیپ خرم آباد که به علت بسته بودن راه دهلران نتوانست به آن منطقه رود و زیر امر تیپ ۲ قرار گرفت. هم اکنون تیپ ۸۴ تقاضای رها ساختن پنج دستگاه تانک در مورد الحاق آن را به تیپ مربوطه نموده است. مقرر فرمایید اوامر عالی در مورد رها ساختن امر به ابلاغ گردد که آیا تانکهای مزبور رها شوند یا خیر.

ف عملیات منطقه دزفول - سرهنگ ملک نژاد

\*\*\*

رمز - خیلی محرمانه

شماره: ۷۶-۳۰۰۱

تاریخ: ۵۹/۷/۲۷

از: قرارگاه تاکتیکی نزاچا

به: ف تی ۸۴

موضوع: [ تانکهای تیپ ۸۴ ]

بازگشت به شماره ۵۸۸ ۵۹/۷/۲۵

با توجه به موقعیت فعلی دستور داده شد تانکهای مزبور کماکان زیر امر تی ۲ باقی بماند.

سرهنگ حسینی

\*\*\*

سری

شماره: ۱-۲۰۰۱-۲۹

تاریخ: ۵۹/۷/۳۰

نسخه ۱۸ از ۲۰ نسخه

قرارگاه تاکتیکی نزاچا در جنوب

مهر ۱۳۵۹

ری-۲۳

قرارگاه تاکتیکی نزاچا در جنوب

موضوع: [ خلاصه اطلاعات ]

خلاصه اطلاعاتی شماره ۵ از ۱۲۰۰ روز ۵۹/۷/۲۸

پایان دوره ساعت ۱۲۰۰ ۵۹/۷/۲۹

۱- وضعیت دشمن در مدت دوره:

الف- تیپ ۲۶ که از رودخانه کارون عبور نموده بود ۷۵٪ وسایل و نفرات خود را از دست داده و دشمن تصمیم گرفته است که تیپ ۶ را از تیپ ۲۶ عبور از خط داده و داخل عمل نماید.

ب- در بقیه موارد به خلاصه اطلاعاتی شماره ۴ مراجعه شود.

۲- فعالیتهای دشمن:

الف- زمینی.

(۱) زرهی.

(الف) در ۵ کیلومتری شرق قیضریه ۱۴ تانک و در ۵ کیلومتری جنوب شرقی قیضریه در جنوب کرخه کور ۲۵۰ تانک دشمن وجود دارد که یگان خودی را زیر آتش قرار داده است.

(ب) تعدادی از تانکهای مهاجم در نزدیکی ۱۵ کیلومتری سوسنگرد قصد مسدود کردن جاده سوسنگرد اهواز را دارد.

(پ) نیروهای دشمن بین ارتفاعات الله اکبر و رودخانه کرخه از مسیر پل سابله عبور و به سرعت زیاد و آتش توپخانه به سمت سوسنگرد در حال پیشروی است.

(ت) قرار است در تاریخ ۵۹/۸/۳ چندین دستگاه تانک به وسیله قطار از بغداد به بصره جهت تیپ ۲۶ زرهی ارسال گردد.

(الف) در تاریخ ۵۹/۷/۲۶ بیمارستان آبادان مورد هدف توپخانه دشمن قرار گرفت که ۳ الی ۴ پزشک شهید شدند.

(سری) (ب) توپخانه دشمن از ساعت ۰۶۳۰ روز ۵۹/۷/۲۷ سوسنگرد و هویزه را به توپ بسته که در هویزه تعدادی شهید و زخمی شدند.

(۳) مهندسی. اطلاعی نرسیده.

(۴) هوابرد. عراقیها در صدد پیاده کردن چتر باز در پشت خطوط جبهه ایران می باشند.

ب- هوایی.

(۱) در ساعت ۰۹۳۰ ۵۹/۷/۲۸ چند فروند میگ مناطق نفتی در ۲۰ کیلومتری شمال اهواز مورد حمله قرار دادند.

(۲) تیپ ۶ زرهی که از تیپ ۲۶ عبور از خط نموده مسلح به سام ۸ می باشد که زیر ۶ هزار یا موثر نیست. ضمناً افراد تیپ ۶ جوان و آموزش کافی ندارند. ۳- لجستیک:

الف- لشکر ۵ عراق به کلیه یگانهای تحت امر خود دستور داده است که کلیه مهمات خود را از انبار مهمات شعبیه دریافت نمایند.

ب- در ساعت ۰۸۲۰ ۵۹/۷/۲۴ تعداد ۳ دستگاه کامیون حامل مهمات از انبار مهمات جولا و کربلا و تعداد دو دستگاه خودرو حامل مهمات از پایگاه هوایی حبانیه به بصره اعزام گردید.

۴- ضایعات لجستیکی:

الف- یک آتشبار کامل ۱۲۰ م م

ب- هشت دستگاه تانک

پ- خودرو مهمات ۲ دستگاه

ت- خودرو سوخت دو دستگاه

ث- توپ ۳ دستگاه

ج- خودروهای سبک و سنگین ۱۵ دستگاه

۵- تلفات پرسنلی: در حدود ۱۵۰ نفر

۶- روحیه: تغییری نکرده

۷- نتیجه گیری: به خلاصه اطلاعاتی شماره ۴ مراجعه شود.

ج اطلاعات قرارگاه تاکتیکی نزا در جنوب: سرهنگ ستاد امین

خیلی محرمانه - خیلی فوری

از: قرارگاه عملیات نزا جا در جنوب (دزفول) شماره:

به: نزا جا (معاونت عملیات و اطلاعات) مد عملیات تاریخ: ۵۹/۷/۲۷  
موضوع: [ اقدامات هوانیروز ]

برابر گزارش ف گروه هوانیروز مستقر در دزفول گروه مزبور در مورخه ۵۹/۷/۲۶ اقداماتی به شرح زیر در منطقه انجام داده است:

۱- تعداد ۲۵ سورتی پرواز در ۳۵ ساعت.

۲- شناسایی و کشف مواضع دشمن و اجرای آتش به وسیله هلی کوپتر کبری.

۳- ضایعات لجستیکی دشمن: انهدام ۱۰ دستگاه تانک و ۳۵ دستگاه خودرو سبک و سنگین توسط موشک تاو و راکت و ۲ دستگاه توپ کالیبر بزرگ.

۴- تلفات دشمن در حدود ۲۰۰ نفر.

جانشین عملیات - سرهنگ ستاد حسینی



خیلی محرمانه

از: قرارگاه تاکتیکی نزا جا در منطقه خوزستان شماره:

به: ف لشکر ۲۱ حمزه تاریخ: ۵۹/۷/۲۷  
موضوع: [ قدرت آتش بردهای نزدیک ]

گروه ۵۵ توپخانه گزارش نموده است توپخانه صحرائی روی بردهای نزدیک قدرت آتش موثر ندارد و پیشنهاد نموده است یگان خمپاره انداز در حاشیه رودخانه مستقر گردد. دستور فرماید:  
۱- یگانهای توپخانه ۱۵۵ م و ۱۰۵ م آن لشکر که امکان تیر قائم دارند روی هدفهای نزدیک و شیارهای عمیق اجرای تیر قائم نمایند.

۲- از کلیه خمپاره اندازهای لشکر برای آتش نزدیک حداکثر استفاده به عمل آید.

۳- آمادگی لازم را برای تحویل و استقرار حدود ۲۵ خمپاره انداز ۴/۲ که در آمادگاه دزفول موجود است فراهم نمایند.

ج عملیات قرارگاه تاکتیکی نزا جا در جنوب: سرهنگ ستاد حسینی



از: تیم عملیاتی نیروی مخصوص اعزامی به دزفول شماره:

به: فرماندهی محترم عملیات دزفول تاریخ: ۵۹/۷/۲۷

موضوع: [فعالیت تیم نیروی مخصوص در منطقه عملیات پل کرخه]

بدینوسیله به عرض می‌رساند، در تاریخ ۵۹/۷/۲۱ تعداد ۳ نفر از درجه داران نیروی مخصوص به اسامی گ ۱ آریاپور و گ ۱ عراقی و گ ۲ رضا محمدی نژاد و ۱۰ نفر از سربازان واحد پشتیبانی منطقه ۳ به منطقه جنگی رودخانه کرخه پل نادری اعزام کردیم، روز ۷/۲۱ استقرار در محل انجام شد. روز ۷/۲۲ از مسیر رودخانه سمت چپ از مختصات ۷۹۰ و ۱۶۵ نقشه ۱/۵۰۰۰۰ دزفول اندیمشک که حدود ۲ کیلومتر بالاتر از دیدبان مقدم توپخانه خودی بود شناسایی به عمل آمد که طرح ضربت زدن به نیروهای توپخانه دشمن ریخته شد که به علت عدم موافقت سرهنگ حسینی انجام نشد.

در تاریخ ۷/۲۲ شب ۲۳ نیروهای خودی حدود ۱۵ کیلومتر توپخانه خود را به جلو برده ولی از عقب نشینی دشمن چیزی مشاهده نشد.

در تاریخ ۷/۲۳ شناسایی از منطقه دیگر دشمن به عمل آمد که بعلت حمله توپخانه ایران تعداد زیادی از تانکها و خودروهای ارتش عراق در آتش می‌سوختند و تعدادی سالم و تعداد منهدم شده بودند و فاصله آنها تا رودخانه حدود ۱۵ کیلومتر در راستای پل و حدود ۵ تا ۱۰ کیلومتر در راستای قهوه خانه سرخه فیله و سرخه صالح بود.

در ۷/۲۴ در زمان شناسایی در منطقه یک قبضه نارنجک انداز آر پی جی ۷ و یک موشک و سه خرج پرتاب که با توجه به مارک و علامات آن نشان میداد که از نیروهای خودی بجای مانده بود و هم اکنون در اختیار نیروی مخصوص می‌باشد. مراتب جهت آگاهی و هر گونه اقدام بایسته به عرض می‌رسد.

ف تیم عملیاتی نیروی مخصوص: ستوانیکم جواد حقیقی



خیلی محرمانه - خیلی فوری

از: قرارگاه تاکتیکی نزا جادر منطقه خوزستان شماره:

به: ف گروه ۵۵ ت تاریخ: ۵۹/۷/۲۷

آگهی به: ل ۲۱-۱۶-۹۲-گروه ۲۲ مستقر در اهواز

موضوع: [رعایت قوانین تیر توپخانه]

به طوری که مشاهده می گردد در بعضی از یگانها قوانین تیر توپخانه و سیستم دیدبانی صحیح مراعات نمی گردد و در نتیجه تیراندازی این قبیل یگانها نه تنها بدون تاثیر است بلکه سبب کشف مواضع خودی می گردد، دستور فرمایید یگانهای عمده مستقر در منطقه این مسئله اساسی را دقیقاً مراعات نموده و از تلف شدن مهمات که با هزینه زیاد و زحمت بسیار تهیه جلوگیری شود. بدیهی است چنانچه در بازدیدها مشاهده شود قوانین تیر توپخانه رعایت نمی گردد، مسئولین شدیداً تنبیه و به دادگاه زمان جنگ معرفی می گردند.

ج عملیات قرارگاه تاکتیکی نزا جادر جنوب: سرهنگ ستاد حسینی



از: قرارگاه تاکتیکی نزا جادر منطقه خوزستان شماره:

به: ف تی ۸۴ خرم آباد تاریخ: ۵۹/۷/۲۸

موضوع: [گردان ۳۲۰ توپخانه]

برابر گزارش لشکر ۹۲ زرهی دو قبضه هویتزر گردان ۳۲۰ که جهت تقویت پاسگاه مرزی چیلات اعزام شده بود، تجهیزات گردان مورد بحث را جمع آوری و به نزدیک ترین یگان هدایت نمایند. جانشین عملیات قرارگاه تاکتیکی نزا جادر منطقه خوزستان سرهنگ ستاد حسینی



از: قرارگاه تاکتیکی نزا جادر خوزستان شماره:

به: عملیات و اطلاعات تهران تاریخ: ۵۹/۷/۲۸

موضوع: [گردان ۱۳۵ پیاده هوارد]

بازگشت به شماره ۱۳-۱۹-۰۳-۱۰۶۲۰-۵۹/۷/۲۷

گردان ۱۳۵ پیاده هوارد اعزامی از شیراز به آبدانان زیر امر تیپ ۸۴ پیاده قرار می گیرد ولی کاربرد تاکتیکی آن بنا به دستور قرارگاه نزا جادر جنوب خواهد بود.

ف نزا جادر - سرتیپ ظهیرنژاد



شماره: ۹۲  
تاریخ: ۵۹/۷/۲۸

از: گروه رزمی ۳۷ زرهی  
به: ف - عملیاتی دزفول  
موضوع: [ درخواست تعویض یگان ]  
مقام عالی را آگاه می سازد.

- ۱- پرسنل این گروه رزمی از تاریخ ۵۹/۲/۶ در ماموریت خوزستان انجام وظیفه می نموده است.
- ۲- از تاریخ ۵۹/۶/۲۶ با عناصر دشمن درگیری قطعی حاصل نموده است و تا به امروز ادامه دارد.
- ۳- باقیمانده تی ۳۷ در گروه رزمی ۳۸ در منطقه اهواز و خرمشهر انجام وظیفه می نماید.
- ۴- این گروه با مراجعه پی در پی پرسنل مبنی بر طولانی بودن مدت ماموریت (۶ ماه) است.
- ۵- به علت تلفات روزانه پرسنلی و دوری از خانواده مایه پایین آمدن آمادگی رزمی است.

سرباز	درجه دار	افسر	
۴۰۶	۳۲۱	۴۰	۶- استعداد پرسنل قبل از درگیری
۲۶۹	۲۵۱	۲۸	۷- استعداد پرسنل در حال حاضر
۵	۱۴	۲	۸- ضایعات پرسنل شهید
۶۰	۴۷	۷	۹- ضایعات پرسنل زخمی
۵۳	۷	۳	۱۰- = = گمشده
۱۹	۲	-	۱۱- = = غایب

۱۲- پیشنهاد:

با توجه به مراتب بالا و پایین آمدن کارآیی رزمی یگان این گروه پیشنهاد می نماید که یک یگان با استعداد این گروه رزمی از بین یگانهای نزاجا مامور به این منطقه تعیین و گروه نامبرده را تعویض نماید.

ف گروه رزمی: سرگرد زرهی اسدزاده



از: ستون عملیات فارس

شماره: ۸۶۲۲

به: ف نزا معاونت عملیات س نزا

تاریخ: ۵۹/۷/۲۹

موضوع: [تعویض گروهان پیاده]

آگهی به فرمانده عملیات آمادگاه

برابر گزارش ف گروه رزمی تی ۳۷ گروهان دوم گردان ۱۹۱ مرکز پیاده آن یگان در حدود ۵۰ درصد ضایعات پرسنلی داشته و بقیه پرسنل تا حدی فرسوده شده اند. فرمانده مرکز پیاده تقاضا دارد که گروهان مزبور را با یک گروهان دیگر از مرکز پیاده تعویض و گروهان تعویض شونده جهت آمادگی مجدد برای رزم، مدتی در پادگان دزفول به حالت تجدید سازمان و استراحت درآید. مقرر فرمایید اوامر عالی را ابلاغ تا اقدام گردد.

ف ستون عملیاتی فارس



پیوست ب: دستور جزء بجزء شماره ۲ (پدافندی) شماره:

موضوع: [سازمان برای رزم] تاریخ: ۵۹/۷/۲۹

الف- توپخانه لشکری لشکر ۲۱

ب- گروه ۵۵ توپخانه

(۱) گردان ۳۲۳ و ۳۲۰ (جمعاً ۱۲ توپ) کمک مستقیم تیپ ۲ و گروه رزمی ۳۷

(۲) گردان ۳۴۲ توپخانه ۱۳۰ م م (جمعاً ۱۲ توپ) عمل کلی و تقویت گردان ۳۲۳ و ۳۲۰

(۳) آتشبار ۱۷۵ م م (۴ توپ) عمل کلی

(۴) آتشبار کاتیوشا ۱۲۲ م م (۴ قبضه) عمل کلی

۲- دستورات تکمیلی

الف- گردان ۳۲۳ و ۳۲۰ جمعاً تبدیل به یک گردان ۳۲۳ گردیده وزیر امر گروه ۵۵ قرار میگیرد.

ب- ارتباط و ربط برابر آئین نامه برقرار می گردد. از تقویت کننده و تقویت شونده پشتیبانی شوند از بالا

دست بزر دست.

پ- دیدبانه‌های گردانهای کمک مستقیم درخواست آتش از یگان کمک مستقیم می نماید اگر هدف در

برد توپخانه کمک مستقیم نبود توسط افسر رابط توپخانه عمل کلی تقویت که در گردان کمک مستقیم

موجود است درخواست آتش از تقویت کننده می شود. چنانچه هدف از برد تقویت کننده خارج بود، از

طریق گروه توپخانه ماموریت به یگان عمل کلی واگذار می شود.

فرمانده تیپ ۲ رزمی: سرهنگ شهبازی

از: قرارگاه تاکتیکی نزاجادر منطقه خوزستان  
شماره: ۳۰۰۱-۷۷  
به: ف گروه رزمی ۳۷  
موضوع: [ ادامه ماموریت ]  
بازگشت به شماره: ۲۸-۹۲

مراتب به عرض ت ف نزار رسید پی نویس فرمودند، این یگان فعلاً بایستی مواضع خود را حفظ نماید. دستور فرمایید با توجه به حساسیت موضوع و اینکه دفاع از آب و خاک نهایت ضرورت را دارد و پرسنل آن یگان که با ایشار و فداکاری موفقیت خود را حفظ نموده اند ابلاغ که استقلال میهن نیاز به فداکاری بیشتر آنان دارد.

ج عملیات م ع ت: سرهنگ حسینی

گیرندگان:

ل ۲۱ - ف منطقه عملیات دزفول - ف گروه تی ۳۷ مستقر در اهواز پیرو شماره بازگشتی جهت آگهی.



از: قرارگاه تاکتیکی نزاجادر منطقه جنوب (خوزستان)  
شماره: ۳۰۰۱-۷۵  
به: تیپ ۸۴ خرم آباد  
موضوع: [ عملیات کمین و دستبرد ]  
بازگشت به شماره ۵۹/۷/۲۸-۶۸۴

عملیات کمین و دستبرد را به هر ترتیب مقدور به نحوی طرح ریزی و اجرا نمایید که با حداقل نفرات و تجهیزات حداکثر ناامنی برای منطقه عقب دشمن اجرا گردد. کشتن حتی یک نفر از افراد و نابودی یک دستگاه خودرو دشمن ما را برای رسیدن به هدف نهایی یاری خواهد کرد.  
ج عملیات قرارگاه تاکتیکی نزاجادر منطقه خوزستان: سرهنگ ستاد حسینی



خیلی محرمانه - خیلی فوری

از: ل ۲۱ حمزه (۳- عملیات)

شماره: ۳-۶۰۲-۰۲-۱۹

تاریخ: ۱۳۵۹/۷/۳۰

به: ف ت ل ۲۱

موضوع: آتش بر مواضع دشمن

آگهی به: ستاد عملیاتی نزا جا مستقر در منطقه صالح داود

طی شناسائی که به وسیله سروان محمودیان و عوامل محلی از منطقه تیپ ۲ این لشکر به عمل آمده است، مشاهده گردیده که تعدادی در حدود ۲۰۰۰ نفر از پرسنل متجاوز عراق به صورت تجمع در باغی واقع در جنوب دهکده صالح داود مستقر گردیده و مشغول تهیه مواضع می باشند دستور فرمائید با آتش توپخانه نسبت به درهم کوبیدن منطقه ذکر شده اقدامات لازم معمول دارند.

سرگرد افتخاری سرهنگ ۲ ستاد پور صدیقی

قریه صالح داود در برد جنگ افزار خمپاره انداز می باشد، تیپ باید این هدف را زده باشد از لشکر سؤال شود آیا تیپ به این هدف تیراندازی کرده یانه؟

ف ل ۲۱ حمزه - سرهنگ ستاد و روشوساز



خ - م فوری

شماره: ۲۴۱

از: ل ۱۶

تاریخ: ۵۹/۷/۳۰

به: ف ت ع نزا جا در جنوب

موضوع: [ آتش توپخانه دشمن ]

برابر گزارش تیپ ۳ و گروه رزمی ۲۵۲ مستقر در اطرف شهرک بابک از ساعت ۱۶۰۰ روز ۵۹/۷/۲۹ زیر تمرکز آنی توپخانه دشمن قرار گرفته است، در صورت تصویب مقرر فرمائید در مورد تغییر موضع یگانهای مورد بحث اقدام گردد.

ل ۱۶



خیلی محرمانه - خیلی فوری

شماره: ۳۰۰۱-۲۳

از: قرارگاه تاکتیکی نزا جا در دزفول

تاریخ: ۵۹/۷/۳۰

به: ل ۱۶

موضوع: [ رعایت تفرقه ]

بازگشت بشماره ۵۹/۳۰۷-۲۴۱

تیپ ۳ در همین مواضع باقی بمانند و تفرقه را رعایت کنند. نفرات به هیچ وجه جمع نشوند بخصوص هنگام تقسیم غذا.

سرهنگ ستاد حسینی

خیلی محرمانه- خیلی فوری

از: قرارگاه تاکتیکی نزا جادر جنوب (دزفول)  
به: ف نزا جادر، مدعملیات معاونت عملیات و اطلاعات  
موضوع: [ فعالیت گروه هوانیروز ]

فعالیت گروه هوانیروز در تاریخ ۵۹/۷/۲۹ به شرح زیر می باشد:

- ۱- تعداد ۱۵ سورتی پرواز در ۲۷ ساعت.
- ۲- شناسائی و کشف مواضع توپخانه و موشک سام و مواضع تانک دشمن.
- ۳- هدایت هلی کوپترهای جنگی کبری بر روی مواضع تانک دشمن.
- ۴- ضایعات دشمن: ۷ دستگاه توپ - ۵ دستگاه تانک - و حدود ۴۰ نفر از پرسنل.
- ۵- مقدار بار حمل شده ۱۲۳۰۰ پوند
- ۶- تعداد نفر حمل شده ۱۵ نفر
- ۷- تعداد مجروح حمل شده ۲ نفر

سرهنگ ستاد حسینی



# قسمت پنجم تجزیه و تحلیل عملیات

بسمه تعالی

قرارگاه نزاچا در جنوب

عملیات آفندی لشکر ۲۱ پیاده در ۲۳ مهرماه ۱۳۵۹

## تجزیه و تحلیل و بررسی و نتیجه گیری کلی از عملیات

### ۱- کلیات

قبل از تجزیه و تحلیل چگونگی طرح ریزی و اجرای این عملیات لازم است وضعیت کلی جنگ تحمیلی ارتش بعث عراق بر علیه ایران و حوادثی که در منطقه عملیات دزفول، شوش از آغاز جنگ در ۳۱ شهریورماه تا زمان اجرای این عملیات در ۲۳ مهرماه اتفاق افتاد، به طور اختصار بیان شود تا زمینه لازم علل تصمیم گیری برای این نبرد روشن گردد.

تعرض عمومی ارتش متجاوز عراق در جبهه جنوب غرب ایران در ۳۱ شهریورماه ۵۹ در سه محور عمومی اصلی آغاز شد که عبارت بود از:

(۱) محور عمومی عماره عین خوش پای پل کرخه دزفول.

(۲) محور عمومی بصره، تنومه، خرمشهر آبادان.

که البته ۲ محور فرعی شامل محور خلفائیه بستان سوسنگرد و محور القرنه نشوه طلایه جفیر اهواز نیز قرار می گیرد.

محور پیشروی ارتش متجاوز بعث عراق در منطقه دزفول شوش از شهر عماره و علی غربی در خاک عراق شروع می شد و به دو شاخه می گردید. یک محور از مسیر علی غربی، معبر ربوط در ارتفاعات مرزی حمیرین مقابل آبادی چم سری معبر عین خوش در غرب دشت عباس و معبر علی گره زد در شرق دشت عباس و بالاخره پل فلزی نادری در روی رودخانه کرخه و اندیمشک دزفول به گلوگاه شمال اندیمشک ختم می شد که با وصول به هدف نهائی یعنی تصرف پل در ۱۰ کیلومتری شمال اندیمشک و ارتفاعات اطراف، سبب سقوط کامل خوزستان و قطع ارتباط آن با مرکز ایران می شد و محور دیگر از عماره عراق به سمت معبر سمیده در ارتفاعات مرزی حمیرین و فکه و معبر دوسلک و ایستگاه رادار پایگاه هوائی دزفول بالاخره شهر شوش منتهی می گردد و جاده اصلی ارتباطی به تهران خرم آباد اندیمشک اهواز را قطع می کرد.

لشکر ۹۲ زرهی که در خوزستان مستقر بود، برابر طرح های عملیاتی

پیش‌بینی‌شده از قبل از شروع جنگ، یگان‌هایی را در حدود مقدرات موجود خود به منطقه عملیاتی دزفول اختصاص داده بود البته با احساس تهدید جدی ارتش متجاوز عراق در اوایل سال ۱۳۵۹ عناصر تقویتی به منطقه لشکر ۹۲ زرهی یعنی خوزستان اعزام‌شده بود که عبارت بود از تیپ ۳۷ زرهی مرکز زرهی گردانهای ۱۳۸ و ۱۴۱ پیاده از لشکر ۲۱ پیاده، عناصری از گروه ۵۵ توپخانه، گروه رزمی ۱۴۸ پیاده شامل گردان ۱۴۸ پیاده تقویت‌شده با یک گروهان تانک ام ۴۷ از لشکر ۷۷ پیاده.

لشکر ۹۲ زرهی با توجه به سه معبر وصولی دشمن یگان‌هایی که برای دفاع از هر محور اختصاص داده بود. برای محور عمومی عماره عین خوش دزفول، تیپ ۲ زرهی دزفول، یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ مرکز زرهی و ۲ گردان پیاده لشکر ۲۱ پیاده منظور شده بود. این یگان‌ها در منطقه عمومی عین خوش فکه بدین ترتیب مستقر شده بود. عناصر تیپ ۲ زرهی در عین خوش و گروه رزمی ۳۷ و گردانهای ۱۳۸ و ۱۴۱ پیاده در فکه در دوسلک. ضمناً تعداد محدودی افراد بسیج مردمی و سپاه پاسداران نیز در نقاط مختلف این منطقه عملیات مستقر شد. بودند و پوشش مناطق مرزی به عهده پاسگاه‌های ژاندارمری محول شده بود.

هنگام تهاجم ارتش متجاوز بعث عراق به خوزستان، یگان‌های مستقر در منطقه عملیات عین خوش فکه و دوسلک موفق نشدند حمله ارتش متجاوز را که با لشکر ۱۰ زرهی و لشکر امکان‌پذیر هدایت می‌شد، در معابر اصلی پدافندی عین خوش و دوسلک متوقف سازند و حتی نتوانستند به نحو مؤثری عملیات تأخیری اجرا کنند و به حالت عقب‌نشینی سریع به سمت شوش و پای پل کرخه عقب‌نشینی کردند. بدین ترتیب که عناصر تیپ ۲ زرهی و گروه رزمی ۳۷ زرهی به سمت پل نادری در محوطه اندیمشک دهلران عقب‌نشینی کرد و در شرق کرخه متوقف گردید. گردان‌های ۱۳۸ و ۱۴۱ پیاده در محور دوسلک ایستگاه رادار در تپه ابو صلیبی خات رودخانه کرخه عقب‌نشینی نمود و با وضع نامطلوبی از رودخانه گذشت و در شرق رودخانه و غرب شوش متوقف گردید. عناصر دشمن با سرعت یگان‌های ما را تا غرب رودخانه تعقیب کرد و در غرب رودخانه متوقف شدند. این حرکات تعقیب در ۶ مهرماه تمام شد. در این روز تمام قسمت غرب رودخانه کرخه در منطقه دزفول شوش به اشغال نیروهای متجاوز درآمد و رودخانه کرخه خط تماس بین نیروهای ما و دشمن قرار گرفت.

فرمانده نیروی زمینی (سرتیپ ظهیرنژاد) که در این موقع در خوزستان بود، عناصر شکست‌خورده محور دزفول و شوش را تا حدودی جمع‌آوری کرد، تا در شرق رودخانه کرخه جلو پیشروی دشمن را بگیرند. باید تذکر داده شود که قبل از تجاوز ارتش بعث عراق به ایران، استعداد رزمی این یگان‌ها در حد خیلی پائین

بود. در این عملیات نیز قسمت عمده توان رزمی این یگان‌ها از بین رفت و جمع کل باقیمانده این عناصر بااستعداد یک گروه رزمی نبود. ضمن اینکه تیپ ۲ زرهی فرمانده تیپ نداشت و یک سرگرد مخابرات تیپ را سرپرستی می‌کرد.

در تاریخ پنجم مهرماه سرهنگ زرهی ستاد امرالله شهبازی به‌عنوان سرپرست تیپ در منطقه نبرد خود را به تیپ معرفی کرد. لشکر ۹۲ زرهی برای هدایت یگان‌های منطقه دزفول شوش یک فرماندهی عملیات موقت به سرپرستی سرهنگ زرهی ستاد ملک نژاد معاون لشکر تشکیل داده بود، ولی این فرماندهی عملاً نتوانسته بود به یگان‌های زیر امر خود اعمال فرماندهی کند.

پس از متوقف شدن پیشروی دشمن در غرب رودخانه کرخه، تیپ ۲ زرهی توانسته بود تعدادی از وسایل تعمیراتی باقیمانده در پادگان دزفول را تعمیر و وارد صحنه نبرد کند و فرمانده نیروی زمینی در تاریخ دهم مهرماه به تیپ ۲ زرهی دستور داده بود در پل کرخه حمله مقابله کند و عناصر دشمن را از ارتفاعات مشرف به پل عقب براند که این حمله در ۱۱ مهرماه انجام و موفقیت نسبی نیز حاصل شده بود و تیپ توانسته بود یک سر پل را به عمق حدود یک تا ۳ کیلومتر و عرض ۵ کیلومتر تصرف و دشمن را از تپه‌های غربی مشرف به پل عقب براند و سرپل را تأمین نماید. مشروح جریان این مرحله از عملیات منطقه دزفول و شوش در قسمت جداگانه‌ای بررسی می‌گردد.

در طول این مدت ۱۰ روز عناصر لشکر ۲۱ پیاده از تهران جمع‌آوری و به‌مرور به منطقه دزفول تغییر مکان داده می‌شدند و لشکر ۱۶ زرهی نیز آماده می‌شد از منطقه کردستان و پادگان‌های قزوین و زنجان و همدان جمع‌آوری و به منطقه دزفول تغییر مکان نماید.

عملیات موفقیت‌آمیز و غیرمنتظره تیپ ۲ زرهی در منطقه پل کرخه (پای پل) سبب اعجاب کلیه فرماندهان، از جمله فرمانده نیروی زمینی و جانشین رئیس ستاد مشترک و فرمانده کل قوای وقت شده بود که چگونه یک یگان شکست‌خورده بعد از ۴ روز توانست به دشمن ده‌ها برابر خود حمله کند و موفق هم بشود.

این موفقیت موجب گردید که در برآورد وضعیت‌ها کارائی رزمی پرسنل ارتش مزدور عراق روبه زوال تصور شود و چنین نتیجه گرفته شود که چنانچه قبل از تحکیم مواضع ارتش عراق، با نیروی نسبتاً قابل ملاحظه‌ای به نیروهای دشمن حمله متقابله شود، دشمن احتمالاً یارای مقاومت نداشته باشد و سریعاً به سمت غرب عقب‌نشینی کند بنابراین فرمانده نیروی زمینی (سرتیپ ظهیرنژاد) در نظر گرفته بود به محض مستقر شدن یک یگان قابل ملاحظه از عناصر لشکر ۲۱ پیاده یا ۱۶ زرهی در منطقه اندیمشک تعرض متقابله را در منطقه پل کرخه اجرا نماید. این موضوع انگیزه اساسی طرح ریزی و اجرای حمله لشکر ۲۱ پیاده در تاریخ ۲۳ مهرماه ۱۳۵۹ گردید.



نکته دیگر لازم است قبل از تشریح حمله لشکر ۲۱ یادآوری شود که بر مبنای تصمیم فرمانده نیروی زمینی از تاریخ ۱۳ مهرماه ۵۹ یک قرارگاه مقدم نیرو در دزفول تشکیل گردید و چهار افسر به عنوان جانشین پرسنلی، عملیاتی، اطلاعاتی، و لجستیکی فرمانده نیرو در این قرارگاه تعیین شد که من (سرهنک حسینی، تهیه کننده این مدارک) به عنوان جانشین عملیاتی و رئیس ستاد قرارگاه مقدم نزا جا در طرح ریزی و فعالیت ستادی مسئولیت داشتم در نبودن فرمانده نیرو هدایت عملیات منطقه دزفول شوش به این قرارگاه محول شد. ولی فرماندهی عملیات منطقه دزفول و شوش را فرمانده نیروی زمینی شخصاً عهده دار گردید و در غیاب ایشان من (سرهنک حسینی) عملیات یگان های منطقه دزفول و شوش را هدایت می کردم. اولین عملیات بعد از تشکیل قرارگاه مقدم جنوب، حمله لشکر ۲۱ پیاده بود که در این صفحات بررسی می گردد.

## ۲- ایمان و اعتقاد و مسائل روحیه در نبرد ۲۳ مهرماه ۱۳۵۹

این نبرد با عدم موفقیت مواجه شد و عناصر لشکر ۲۱ پیاده با دادن تلفات و ضایعات زیادی مجبور به عقب نشینی به شرق رودخانه کرخه گردیدند. این عدم موفقیت، انگیزه های زیادی دارد که قسمتی از آنها در مطالب آینده بیان می شود مسلماً یکی از علل این عدم موفقیت، ضعف روحیه و ضعف توان پرسنلی افراد لشکر بود. اما باید یادآور شد که همین افراد ۱۲ روز بعد از این شکست یعنی در نهم آبان ماه که در منطقه سرپل مستقر شده بودند در مقابل حمله تک لشکر مکانیزه دشمن شجاعانه پایداری کردند و چنان ضربتی به نیروهای حمله ور دشمن وارد نمودند که تازمان بیرون راندن نیروهای متجاوز از این منطقه در عملیات فتح المبین یعنی در حدود ۱۸ ماه دشمن با وجود استقرار دو لشکر زرهی و مکانیزه، جرات حمله به سرپل را نکرد و به مرور قسمتی از مواضع خود را در منطقه غرب رودخانه از دست داد که جریان این عملیات در بحث های دیگر بیان می شود. گرچه قضاوت کردن درباره عملیات یگان هائی که موفق نبودند، خیلی مشکل است.

در تمام جنگ ها اصولاً به حق، یا ناحق برای هریگان پیروز ده ها محاسن و برای هریگان شکست خورده برعکس ده ها معایب ذکر می شود و بنا به ضرب المثل طنز آلود عربی الحق لمن غلب حق از آن کسی است که پیروز است. همیشه در جنگ ها به واحد برنده جنگ امتیازات زیادی نسبت داده می شود ولی برای قضاوت صحیح و عادلانه لازم است کلیه علل و انگیزه های فیزیکی و مادی و روانی دقیقاً بررسی شود تا نسل های آینده که تاریخ میهن خود را بررسی می کنند، دچار اشتباه در قضاوت نشوند. به هر حال بررسی این مسئله در نبرد ۲۳ مهرماه

نیز مستلزم بررسی های جانبی دقیق تری است که بایستی بادر نظر گرفتن کلیه عوامل به وسیله اشخاص صاحب نظر بررسی شود.

### ۳- چگونگی رعایت اصول جنگ در این عملیات.

**الف - اصل هدف:** بر اساس دستور جزء به جزء قرارگاه مقدم جنوب، مأموریت لشکر ۲۱ پیاده در حمله ۲۳ مهرماه، تصرف تپه های علی گره زد در محور پل کرخه، عین خوش، دهلران و تپه ابو صلیبی خات (ایستگاه رادار پایگاه دزفول) در محور پل کرخه ایستگاه رادار ودوسلک بود. لذا دو هدف تاکتیکی برای لشکر پیش بینی شده بود که تپه علی گره زد و تپه ابو صلیبی خات بودند. تصرف این دو هدف سبب شد که منطقه سرپل به عمق حدود ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر و عرض ۲۰ کیلومتر گسترش یابد و تهدید جدی عبور عناصر دشمن به شرق رودخانه کرخه از بین برود و شهر دزفول از برد توپخانه سنگین دشمن خارج گردد و امتداد تپه های علی گره زد، ابو صلیبی خات که بلندترین ارتفاعات غرب و رودخانه کرخه می باشد، به تصرف نیروهای ما درآید. در صورت موفقیت این عملیات و تصرف هدف های پیش بینی شده، ادامه عملیات برای تصرف معبر عین خوش و دوسلک تسهیل گردند. بنابراین هدف های انتخاب شده کاملاً منطقی و مناسب با توان رزمی یک لشکر پیاده با دو گردان تانک بود. اما نکته ای که در اصل هدف به نحو مطلوب رعایت نشده بود، عدم تعیین هدف های واسطه مناسب با امکانات واحدهای لشکر بخصوص تیپ ها و گردان های پیاده بود، عمق منطقه حمله تیپ ۱ پیاده که در تلاش اصلی بود حدود ۱۵ کیلومتر بود (از پل کرخه تا دامنه غربی تپه علی گره زد). در این ۱۵ کیلومتر، هیچ گونه هدف واسطه ای برای عناصر تیپ در نظر گرفته نشده بود، فقط یک هدف واسطه در سه راهی رادار در تپه کوتکاپن برای گروه رزمی ۲۹۱ تانک در نظر گرفته شده بود. این امر سبب شد که رعایت اصل مانور و آتش و حرکت نادیده گرفته شود. هنگامی که یگان های لشکر با مقاومت شدید ضد تانک دشمن مواجه شدند، نتوانستند واسطه ای را اشغال و دفاع نمایند. این موضوع در اصل مانور بند (پ) نیز مشروح تر بیان شده است.

### ب - اصل وحدت فرماندهی:

نظر باینکه در این عملیات لشکر ۲۱ پیاده حمله می کرد، دو یگان عمده دیگر نیروی زمینی یعنی لشکر ۱۶، زرهی تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی که در این منطقه عملیات مستقر بودند، در مرحله اصلی عملیات تعرضی نقش فعالی نداشتند. طرح کلی عملیات به وسیله قرارگاه مقدم نیرو در جنوب تهیه و صادر

گردید. ولی برای مرحله اجرای حمله، فرماندهی عملیات به فرمانده لشکر ۲ پیاده محول شد. باوجوداینکه فرمانده کل قوا و جانشین رئیس ستاد مشترک و فرماندهی نیروی زمینی در دزفول بودند و در مراحل طرح‌ریزی، نظریات کلی به فرمانده لشکر ۲۱ پیاده می‌دادند، ولی برای مراحل اجرایی هیچ‌گونه دخالتی در امر فرماندهی لشکر نکردند. حتی برای طرح کلی عملیات نیز نظر فرمانده نیرو این بود که فقط یک دستور مأموریتی مختصر به لشکر ابلاغ شود و صدور دستور مشروح‌تر جزء به جزء نیز ضروری نمی‌باشد. ولی این دستور، برخلاف نظر فرمانده نیرو تهیه و صادر شد. البته ایشان امضاء کرد. زیرا نظر فرمانده نیرو این بود که در این عملیات اختیارات تام به فرمانده لشکر ۲۱ داده شود، فقط هدف‌های موردنظر به وسیله قرارگاه جنوب تعیین و ابلاغ گردد تا فرمانده لشکر آزادی کامل در طرح‌ریزی و هدایت عملیات داشته باشد.

در زمان اجرای حمله در روز ۲۳ مهر کلیه فرماندهان یادشده بالا در تپه‌های مشرف به پل مستقر بودند و جریان عملیات را نظاره می‌کردند، ولی دخالتی در هدایت عملیات نمی‌نمودند. بنابراین وحدت فرماندهی در رده نیرو و لشکر رعایت می‌شد. ولی در رده‌های تیپ و گردان و یگان‌های کوچک‌تر این وحدت کمال مطلوب نبود و عملاً فرماندهان قادر به اعمال فرماندهی به نحو مطلوب نبودند. همین ضعف اساسی سبب شد، به محض اینکه یگان‌ها به مقاومت شدید دشمن برخورد کردند، سازمان بیشتر یگان‌ها و فرماندهان نتوانستند تصمیمات مناسب اتخاذ و به مورد اجرا بگذارند، زیرا بعضی از افراد و خدمه جنگ‌افزارها بدون کسب دستور از فرمانده عقب‌نشینی کردند.

نکته‌ای که لازم است ذکر شود این است که معمولاً در هر نبردی هنگامی که فشار نیروی مقابل بیش از حد تحمل و توان یگان رزمنده باشد. احتمال بروز چنین اختلال و از هم گسستگی سازمان واحدها خیلی زیاد می‌شود، ولی چنانچه سلسله‌مراتب فرماندهی قادر به فرماندهی و کنترل نسبت به یگان خود باشد تلفات و ضایعات به حداقل کاهش می‌یابد و اتخاذ تصمیم و اعمال فرماندهی برای فرماندهان امکان‌پذیرتر می‌گردد. فرماندهان می‌توانند واحدهای خود را با اجرای عملیات تأخیری عقب بکشند و در مواضع مناسب پدافند نمایند. در این عملیات به علت از هم گسیختگی فرماندهی و کنترل یگانهای لشکر نتوانستند حداقل در تپه‌های غرب رودخانه که کاملاً به دشت جنوبی مسلط بود مواضع پدافندی اشغال کنند لذا به شرق رودخانه عقب‌نشینی کردند. چنانچه تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی مواضع قبلی خود را در سر پل ترک کرده بود تمام منطقه غرب رودخانه به دست دشمن می‌افتاد.

## پ- اصل مانور.

تدبیر نیروی زمینی در این عملیات این بود که لشکر ۲۱ پیاده را از خط سرپل تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی در غرب رودخانه کرخه عبور دهد و تپه‌های علی‌گره‌زد و ابوصلیبی خات را تصرف و تامین نماید. در نظر گرفته شده بود چنانچه مراحل اولیه عملیات لشکر ۲۱ پیاده باموفقیت اجرا گردد، برای استفاده از موفقیت از عناصر لشکر ۱۶ زرهی که به‌تازگی به منطقه دزفول وارد شده بودند و همچنین از تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ زرهی استفاده شود. ضمناً به لشکر ۲۱ پیاده توصیه شده بود که از دو گردان تانک و یک گردان سوار زرهی زیر امر خود به نحو مطلوب استفاده نماید و برای تامین آتش پشتیبانی موردنیاز لشکر، گروه ۵۵ توپخانه و توپخانه سازمانی لشکر ۲۱ و تیپ ۲ زرهی و همچنین نیروی هوایی و هلیکوپتر کافی منظور شده بود، لذا اصل آتش و حرکت (مانور) رعایت شده بود. لشکر ۲۱ پیاده نیز در دستور عملیاتی خود از نظر کلی اصل مانور را رعایت کرده بود، ولی نوع مانور لشکر بخصوص در رده تیپ‌ها و گروه رزمی ۲۹۱ مناسب نبود و حوادث غیر موافق در آن منظور نشده بود. لذا عملاً حمله لشکر به‌صورت حمله جبهه‌ای و یا رخنه‌ای درآمده بود. البته لشکر برای حمله احاطه‌ای از جناح راست (شمال) پیاده را منظور کرده بود، ولی هماهنگی کافی بین تلاش اصلی که تیپ ۱ بود با تیپ ۳ به عمل نیامده بود. در نتیجه از نظر کلی نوع مانور لشکر و تیپ‌ها مناسب با وضعیت زمین و دشمن نبود. با توجه به وضعیت زمین و دشمن در این عملیات بایستی حداقل در مراحل اول عملیات و تا زمان از جا کندن و عقب راندن نیروهای مقدم دشمن یا تجزیه کردن و محاصره کردن آنها در هدف‌های جزئی‌تر مانور احاطه‌ای یک‌طرفه یا دوطرفه انجام می‌شد. به نظر می‌رسد اجرای مانور احاطه‌ای به‌خصوص در واحدهای پیاده و در مراحل اولیه عملیات کاملاً ضروری می‌باشد و مانور رخنه‌ای و جبهه‌ای در شرایطی مناسب است که عرض و عمق منطقه عملیات کم و قدرت رزمی دشمن در تمام عرض جبهه به‌طور نسبی یکسان باشد. اجرای اصل مهم آتش و حرکت بخصوص در رده‌های کوچک‌تر به نظر می‌رسد که در این عملیات به نحو مطلوب رعایت نشده بود. چنانچه بررسی پیام‌ها و حوادث اتفاق افتاده نشان می‌دهد تیپ ۱ پیاده و گروه رزمی ۲۹۱ تانک و حتی گردان سوار زرهی در مراحل یکم پیشروی و در برخورد به مواضع مقدم دشمن در خطر تهدید محاصره شدن قرار می‌گیرد. مثلاً تیپ ۱ گردان‌های زیر امر خود را با آرایش پله یا مثلث وارد عمل می‌کرد، در هر موضع دشمن که با مقاومت شدید برخورد می‌نمود می‌توانست در آن موضوع بایگان کوچک‌تر، دشمن را درگیر سازد و با بقیه عناصر به پیشروی ادامه دهد. این نکته برای نظامیان یادآوری می‌شود که منظور از مانور احاطه‌ای در اینجا

بحث آن نیست که نیروهای حمله‌ور موضع دشمن را از یک طرف یا دو طرف دور بزنند و به اصطلاح دشمن را احاطه کنند. بلکه منظور این است نیروهای حمله‌ور با حرکات متناوب از یک یا دو طرف به مواضع دشمن نزدیک شوند و خط حمله همواره یک عنصر از ۳ عنصر معمولی حمله قرار گیرد و دو عنصر دیگر به صورت دنبال و پشتیبانی باشند. به محض اینکه عنصر مقدم با دشمن برخورد کرد، عنصر دوم از پهلو از آن مقاومت دشمن عبور کند و حرکت را به سمت مقاومت بعدی ادامه دهد یا از پهلو به مواضع دشمن فشار وارد سازد در حالی که یگان اول نیز از جبهه به مقاومت دشمن فشار وارد می‌کند.

### ت- اصل سادگی

این اصل در مرحله طرح‌ریزی، بیش از حد مناسب رعایت شده بود. در نتیجه دو عامل دیگر از خصوصیات دستورات نظامی که کامل بودن و روشن بودن می‌باشد، به نحو مطلوب رعایت نشده بود. در دستور عملیاتی لشکر همان هدف‌هایی که نیروی زمینی برای لشکر تعیین کرده بود، عیناً برای تیپ ۱ و گروه رزمی ۲۹۱ که دو عنصر اصلی حمله‌ور بودند، مشخص گردیده بود. در صورتی که معمولاً برای حمله واحدهای پیاده هدف واسطه حداقل تارده گردان ضروری است. ترجیحاً گردان نیز باید برای گروهان‌ها هدف‌های واسطه انتخاب کند، تا پیوستگی پیشروی، متناسب با مقاومت‌هایی که در منطقه عملیات هر یگان با آن برخورد می‌شود، حفظ گردد. البته گرچه انتخاب هدف واسطه سبب کندی پیشروی می‌شود، ولی در اغلب شرایط نبرد انتخاب آن به مراتب بهتر از انتخاب نکردن می‌باشد، بخصوص در شرایطی که اطلاعات دقیق از وضعیت گسترش دشمن و زمین منطقه عملیات در دسترس نباشد و نبرد باید بیشتر به صورت شناسایی بارزم یا پیشروی برای اخذ تماس و رزم تصادمی اجرا گردد، انتخاب هدف واسطه الزامی است. نباید به عنوان رعایت اصل سادگی از این موضوع صرف نظر شود. به هر حال در این عملیات به نظر می‌رسد، دستورات بیش از اندازه ساده و کلی بوده، این امر سبب شد که یگان‌های اجرایی بدون توجه کافی به اتفاقات احتمالی بیشتر، با شرایط مانور استفاده از موفقیت پیشروی کنند و نیروهای دشمن نیز به آنها اجازه داده بودند تا حدی که مورد نظر آنها بوده به جلو بروند و به محض رسیدن زمان مورد نظر از پهلو و عقب عناصر لشکر ۲۱ را زیر آتش شدید ضدتانک قرار دهند و سازمان آرایش رزمی لشکر را مختل سازند.

### ث- اصل غافلگیری

در این عملیات، غافلگیری وجود نداشت، دشمن کاملاً متوجه طرح‌های

ما شده بود، چنانچه برای مختل کردن طرح‌های عملیات ما، در روز ۲۲ یعنی یک روز قبل از آغاز حمله لشکر ۲۱ پیاده اقدام به حمله کرد و فشار شدیدی به تیپ ۲ زرهی که در مواضع پدافندی سر پل بود وارد کرد. مسلماً هدف اصلی این دشمن بر هم زدن برنامه عملیات ما بود و همین آگاهی دشمن از حمله احتمالی نیروهای ما سبب شده بود که دشمن علاوه بر حمله قبل از حمله ما، تدابیر خطرناکی برای به دام انداختن عناصر لشکر ۲۱ پیاده پیش‌بینی نماید و همین عمل را هم اجرا کرد. در روز حمله، به عناصر لشکر ۲۱ اجازه داد در ساعات اولیه پیشروی مسرت بخشی داشته باشند و عکس‌العمل چندانی در ساعات اول روز حمله نشان نداد، در صورتی که فاصله مواضع مقدم دشمن با مواضع مقدم نیروهای ما در سر پل کمتر از یک کیلومتر بود و عناصر دشمن می‌توانستند در همان آغاز حرکت، عناصر لشکر ۲۱ پیاده را زیر آتش مستقیم بگیرند. ولی این کار را نکردند، بلکه اجازه دادند، تیپ ۱ لشکر ۲۱ را در محور دهلران حدود ۵ کیلومتر و گروه رزمی ۲۹۱ تانک و گردان سوار زرهی در امتداد کرانه جنوبی رودخانه کرخه حدود ۶ کیلومتر پیشروی کنند و در فرصت مناسب و در حدود ساعت ۱۰۰۰ فشار شدید ناگهانی خود را برای انهدام عناصر لشکر ۲۱ پیاده در این عملیات وارد سازند.

### ج- اصل تمرکز قوا

برای عملیات مورد بحث، این اصل تا حدودی رعایت شده. بود ولی برای آماده کردن نیروهای متمرکز شده در منطقه دزفول، زمان بیشتری مورد نیاز بود. نکته‌ای که لازم است یادآوری شود، این است که مفاهیم کلمات، عبارات از نظر فرهنگ نظامی بایستی دقیق و عمیق‌تر بررسی شود. درباره موضوع تمرکز قوا باید توجه شود که فقط متمرکز شدن عده‌ای افراد نظامی در یک نقطه برای رعایت این اصل کافی نیست، بلکه منظور از تمرکز قوا آن است که یک نیروی نظامی با تمام جنبه‌ها و عوامل و عناصر مؤثر در آمادگی رزمی و عملیاتی در یک منطقه متمرکز شود، نه فقط از نظر تعداد و آمار که حتی می‌توان جنبه‌های آموزشی و روانی را جزء آن منظور نمود. یعنی یک نیروی نظامی هنگامی متمرکز شده و آماده شده برای عملیات محسوب می‌گردد که از لحاظ وسایل و تجهیزات و پرسنل و نیازمندی‌های لجستیکی و سطح آموزش و روحیه و دانش نظامی متناسب با مأموریتی که بایستی انجام دهند. به سطح کمال مطلوب نسبی برسد. لشکر ۲۱ پیاده برای اجرای حمله در ۲۳ مهرماه دارای چنین شرایطی نبود قسمت عمده وسایل و پرسنل لشکر به منطقه وارد شده بودند، ولی قسمتی از آنها هنوز نتوانسته بودند خود را با شرایط منطقه عملیات توجیه کنند و ساده‌تر آن که این عملیات زودتر از زمان مناسب اجرا شد.

ذکر این نکته ضروری است که فرمانده نیروی زمینی در نظر داشت این حمله را پس از متمرکز شدن لشکر ۱۶ زرهی در منطقه دزفول اندیمشک به وسیله این لشکر اجرا کند. ولی نظر به اینکه تغییر مکان عناصر لشکر ۱۶ زرهی از قزوین و زنجان و همدان و کردستان به درازا کشید، در دهه دوم مهرماه هنوز قسمت زیادی از عناصر لشکر ۱۶ به منطقه نرسیده بودند، فرمانده نیرو تصمیم گرفت، این مأموریت را به لشکر ۲۱ پیاده که آماده‌تر از لشکر ۱۶ زرهی بود، واگذار کند، بخصوص اینکه لشکر ۲۱ پیاده دارای دو گردان تانک چیفتن با حدود ۶۰ دستگاه تانک بود و گردان ۲۹۱ تانک لشکر ۷۷ پیاده نیز به دزفول تغییر مکان کرده بود. جمع نیروی زرهی ما در لشکر ۲۱ و گردان ۲۹۱ تانک در حدود یک تیپ زرهی بود. ولی این لشکر فاقد یگان مکانیزه بود که بتواند با واحدهای تانک هم پا باشد. لشکر مجبور بود برای همپا کردن پیاده‌ها با یگان تانک، آنها را به صورت پیاده محمول با خودروهای چرخ‌دار وارد عمل سازد. زیرا عمق منطقه حمله حدود ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر بود و پیاده‌نظام نمی‌توانست این مسافت را در مدت زمان کم و با نبرد با دشمن بپیماید. به‌رحال در این عملیات اصل تمرکز قوا به مفهوم کلی آن رعایت نشده بود.

### چ- اصل صرفه‌جویی در قوا

با توجه به عرض و عمق منطقه عملیات که حدود ۱۵ کیلومتر در ۲۰ کیلومتر بود، دو محور عمده پیشروی به سمت دو هدف اصلی تپه علی‌گروه‌زد و تپه ابوصلیبی خات وجود داشت. برای هر محور حداقل یک تیپ لازم بود. عناصر لشکر ۲۱ پیاده حداقل نیرویی بود که می‌توانست از عهده اجرای این مأموریت به‌طور محدود برآید. ضمن اینکه دشمن مقابل نیز در این منطقه، حداقل عناصر یک لشکر در خط و یک لشکر در تقویت بود، بنابراین نه‌تنها خودبه‌خود این اصل رعایت شده بود؛ بلکه حتی از نظر محاسبات و مقایسه توان رزمی نسبی استعداد رزمی لشکر ۲۱ پیاده خیلی کمتر از حداقل استعداد موردنیاز بود. البته باید متذکر شد، چنانچه به جای اجرای حمله وسیع، یک حمله محدود برای توسعه منطقه سرپل انجام می‌شد لشکر ۲۱ استعداد رزمی کافی و مناسب داشت. مثلاً چنانچه بجای تپه‌های علی‌گروه‌زد و ابوصلیبی خات هدف لشکر فقط پاک کردن و تصرف و تأمین تپه‌های غربی رودخانه انتخاب می‌شد و آخرین حد پیشروی لشکر ابتدا شرقی غربی جاده عین‌خوش دهلران و سه‌راهی رادار یا تپه کوتکاپن در سه‌راهی رادار انتخاب می‌شد، لشکر ۲۱ می‌توانست این مأموریت را با موفقیت اجرا کند.

### ج- اصل تأمین

این اصل نیز مانند بعضی اصول دیگر در این عملیات رعایت نشده بود.

اولین مرحله برقراری تأمین، شناسایی کافی از منطقه عملیات و اطلاع صحیح و دقیق از وضعیت زمین و دشمن می‌باشد تا با آگاهی کافی فرمانده بتواند برآورد وضعیت بکند و تدابیر مناسب اتخاذ نماید. در این عملیات این شناسایی انجام نشده بود و اغلب فرماندهان بخصوص در رده گروهان و گردان از وضعیت زمین و استعداد گسترش دشمن آگاهی کافی نداشتند. نظر به اینکه این عملیات ۲۴ روز بعد از تهاجم نیروی متجاوز عراق بود و در این مدت، یگانهای درگیر ما با نیروهای دشمن، توانایی کافی برای بررسی وضعیت دشمن نداشتند. اطلاعات موجود از دشمن خیلی ناقص بود و بیشتر در رده لشکر و تیپ بود. مثلاً تیپ ۲ زرهی که در منطقه سرپل مستقر بود و ۲۰ روز بعد با این دشمن مبارزه می‌کرد، ولی امکانات اطلاعاتی کافی از چگونگی استعداد و گسترش و سازمان دشمن نداشت. چون در منطقه تاکتیکی بهترین منبع موثق، اطلاعات اسرا یا پناهندگان هستند و این تیپ تا آن موقع حتی یک نفر اسیر یا پناهنده نگرفته بود. با توجه به این مسائل، در طرح‌ریزی، مسائل تأمین در حال پیشروی و تأمین در برخورد به مقاومت‌های شدید دشمن توجه کافی نشده بود. در موقع اجرای عملیات نیز واحدهای حمله‌ور با آرایش شبیه راهپیمایی تاکتیکی پیشروی می‌کردند. در حالی که مسیر حرکت در جاده دهلران و رادار طوری بود که پهلوی واحدهای لشکر ۲۱، در خط تیر مستقیم نیروهای دشمن قرار می‌گرفت و عناصر دشمن از همین وضعیت استفاده کردند و از پهلو شدیدترین ضربات را به تانک‌های لشکر ۲۱ وارد کردند. از نظر مسائل ضداطلاعاتی نیز وضعیت خوب نبود و اصولاً حفاظت اطلاعات رعایت نمی‌شد و دشمن سریعاً در جریان عملیات احتمالی ما قرار می‌گرفت، چنانکه در مسئله غافلگیری اشاره شد، دشمن از طرح حمله لشکر ۲۱ آگاه بود و روز قبل از این حمله پیش‌دستی کرد و یک حمله بازدارنده اجرا نمود.

### خ- اصل تعرض

این اصل مبنای تصمیم‌گیری برای عملیات مورد بحث بود. زیرا اعتقاد فرماندهان رده‌بالا این بود که گرچه ارتش متجاوز عراق در مراحل اولیه موفق شده است پیشروی قابل‌ملاحظه‌ای در خاک میهن اسلامی ما بکند، ولی چنانچه نیروهای ما سریعاً اقدام به تعرض متقابل کنند و فرصت ندهند مواضع خود را در مناطق اشغالی تحکیم کنند، این ارتش مهاجم با همان سرعتی که پیش‌آمده عقب خواهد رفت. ولی اگر به دشمن فرصت تحکیم موقعیت داده شود، خارج کردن آن از سرزمین‌های اشغالی به‌سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین طرز تفکر فرمانده کل قوا و جانشین رئیس ستاد مشترک و فرمانده نیرو این بود که باید هرچه زودتر تعرض متقابل با هر امکانی باشد اجرا گردد. به همین علت



باوجود اینکه ابتداءً نظر بود لشکر ۱۶ زرهی در منطقه دزفول متمرکز شود، بعد تعرض متقابل در منطقه دزفول شوش اجرا گردد، اما به علت کندی آهنگ تغییر مکان عناصر لشکر ۱۶ زرهی، به محض اینکه عناصر اصلی رزمی لشکر ۲۱ پیاده در منطقه عملیات دزفول مستقر شدند فرمانده نیرو تصمیم گرفت با همان لشکر حمله را در محور اندیمشک عین خوش دهلران اجرا نماید. توجه زیاد به لزوم اجرای این اصل سبب شد، اصول دیگر جنگ به قدر کافی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار نگیرد و عجله و شتاب در اجرای تعرض سبب عدم موفقیت گردید. بنابراین تجزیه، چنین نتیجه گرفته شد که گرچه اولین و مهم ترین اصل تضمین کننده پیروزی در جنگ، بدون تردید اصل تعرض است، زیرا بدون حرکت کردن و رفتن بر مواضع دشمن و نابود کردن یا عقب راندن او حصول هیچ موفقیتی امکان پذیر نیست، ولی برکنار این اصل، اصول دیگری هم باید در نظر گرفته شود و پس از آمادگی رزمی کافی و به دست آوردن برتری نسبی با تعادل نسبی اقدام به تعرض شود، وگرنه هر مرحله حساب نشده ممکن است نتایج نامطلوبی به بار آورد. ضمناً در برآورد وضعیت برای حمله نباید قدرت دشمن کمتر از آنچه که هست منظور شود و بنا به قول شاعر ایرانی (دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد) و در برآورد توان رزمی نسبی باید هر عامل موثر فیزیکی و روانی و انسانی، با واقع بینی کامل ارزیابی گردد.

#### ۴ - هماهنگی ها.

##### الف - تعیین رده های مختلف فرماندهی

نظر به اینکه قرارگاه مقدم نیروی زمینی در دزفول مستقر بود و لشکر ۲۱ پیاده در این منطقه وارد عمل می شد، ایجاد هماهنگی بین رده های فرماندهی ساده بود و اغلب مسائل مربوط به عملیات در شورای فرماندهان و حضوراً بررسی می شد و هماهنگی می گردید. در تصمیم گیری برای این عملیات موضوع در قرارگاه مقدم نیرو با حضور فرماندهان مطرح شد و نظریات فرمانده لشکر ۲۱ سرهنگ ورشوساز خواسته شد، ایشان عقیده داشت لشکر ۲۱ در حال پیاده شدن در اندیمشک است و پرسنل این لشکر هنوز آشنائی با این منطقه ندارند و قسمتی از عناصر لشکر هنوز به منطقه نرسیده اند، لذا لشکر برای آمادگی کافی نیاز به زمان بیشتری دارد. ابتدا نظر فرمانده نیروی زمینی این بود که حمله زودتر از بیستم یا حداکثر در بیستم مهر اجرا گردد. ولی با تأکید فرمانده لشکر، حمله ۴۸ ساعت به تأخیر انداخته شد. با توجه به اینکه در ۱۹ مهر به لشکر ابلاغ شده بود برای حمله آماده شود، لشکر ۴ روز وقت برای آماده شدن داشت و در این مدت لشکر توانست تا حدودی هماهنگی های لازم را بین فرماندهان اجراکننده برقرار کند. ولی به

علت درگیری لشکر با تغییر مکان واحدها و سازمان دادن و در حدود مقدرات، تکمیل کردن آنها موفق نشد طرح‌های عملیاتی رده‌های تیپ و گردان و گروهان را دقیقاً بررسی کند و هماهنگ سازد.

لازم است یادآوری شود که منظور از هماهنگی عملیات به مفهوم ایجاد توافق بین فرماندهان نیست، بلکه تفهیم کامل روش اجرای عملیات یگان‌ها در رده‌های مختلف فرماندهی و یگان‌های هم‌جوار و همکاری کننده و پشتیبانی شونده و به‌طور کلی تفاهم کامل از چگونگی عملیات در تمام عناصری که به هر نوعی جزئی یا کلی در یک عملیات سهیم یا ذینفع هستند می‌باشد. یعنی هماهنگی و عملیات باید در چگونه باید اجرا کردن باشد نه در چگونه عملی باید کردن، به همین دلیل هر قدر رده فرماندهی پائین تر باشد، یعنی جنبه اجرائی بیشتر باشد. لزوم هماهنگی در جزئیات بیشتر است. ولی در رده‌های بالای فرماندهی، مانند لشکر و سپاه و نیرو هماهنگی در کلیات کافی است. در این عملیات مورد بحث، لشکر با حمله موافق نبود، ولی به عنوان یک مأموریت، الزاماً برای اجرا هماهنگی کرد، اما در رده‌های پائین تر، مسئله موافقت اصلاً مطرح نبود و آنها باید روش اجرا در رده دسته و گروهان و گردان و تیپ و کلیه عناصر پشتیبانی کننده دیگر را هماهنگ می‌کردند، این امر در شرایطی که لشکر داشت و زمانی که در اختیار لشکر بود، به‌نحو مطلوب انجام نشد و هماهنگی فقط در تفهیم مأموریت کلی بود که به لشکر واگذار شده بود و آن تصرف تپه علی‌گره زد و ابوصلیبی خات بود. احتمالاً در رده‌های پائین تر تجزیه و تحلیل مأموریت رده‌بالا و استنتاج مأموریت‌های واسطه و اتخاذ تدبیر مناسب برای مأموریت‌های استنتاجی انجام نگرفته بود. در نتیجه در صورتی که اصلاً مأموریتی مطرح نشود، ایجاد هماهنگی نیز ضرورتی پیدا نمی‌کند.

### ب - هماهنگی بین نیروهای نظامی و سایر رزمندگان

این عملیات در مهرماه یعنی در ماه اول جنگ اجرا شد. و در این موقع در منطقه عملیات دزفول فعالیت رزمندگان غیرنظامی خیلی محدود بود. تعدادی افراد سپاه پاسدار و بسیج عشایری در منطقه دزفول و شوش بودند، ولی استعداد آنها به قدری کم بود که نمی‌توانستند به‌طور موثر در عملیات شرکت داشته باشند. گرچه همین تعداد معدود نیز با روح سلحشوری قوی که داشتند علاقه مند بودند که در صفوف رزمندگان نظامی در حمله شرکت نمایند، ولی به علت عدم همکاری‌های قبلی و عدم شناخت متقابل، شرکت دادن یک عده یکصد نفری در میان عناصر یک لشکر چند هزار نفری خالی از اشکال نبود. باید اذعان کرد در ابتدای جنگ تفاهم متقابل هم بین یگان‌های ارتش و سایر رزمندگان

به نحو کمال مطلوب نبود. در نتیجه ایجاد هماهنگی به سادگی امکان پذیر نبود. لذا رزمندگان غیر ارتشی غالباً به صورت مستقل و برابر طرح‌های خودشان عمل می‌کردند. در این عملیات نیز با وجود اینکه در طرح عملیاتی نیرو و لشکر مأموریتی برای رزمندگان غیر ارتشی منظور نشده بود، ولی در روز حمله مشاهده گردید که حدود ۸۰ تا یکصد نفر افراد غیر ارتشی نیز در منطقه عملیات حضور دارند که البته حضور آنها مسئله خاصی در عملیات ایجاد نکرد. لازم به یادآوری است که نیروهای غیرنظامی در منطقه خرمشهر و آبادان و اهواز خیلی فعال بودند، ولی در منطقه عملیاتی دزفول و شوش بسیار محدود و معدود بودند.

#### ۵- پشتیبانی‌های مردمی.

گرچه از ابتدا شروع تجاوز ناجوانمردانه ارتش متجاوز بعث عراق به ایران، تمام ملت ایران به حرکت و جوش و خروش آمدند و برای بیرون راندن متجاوزین از میهن اسلامی ما بسیج شدند، اما مسلماً سازمان دادن نیروها و تلاش‌ها و پشتیبانی‌های مردمی نیاز به زمان داشت، و در ماه اول جنگ این سازمان دهی به عمل نیامده بود، به خصوص باحالتی که بدون برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی در فعالیت نیروهای مردمی در منطقه خوزستان به وجود آمده بود. توجه اصلی رزمندگان غیر ارتشی، به منطقه خرمشهر و آبادان و منطقه اهواز معطوف شده بود. با وجود اینکه خطرناک‌ترین منطقه عملیات منطقه دزفول بود. زیرا با سقوط اندیمشک و دزفول هرگونه تلاش و رزمندگان ما در اهواز و خرمشهر نیز قطعاً خنثی می‌شد. ولی این موضوع مورد توجه قرار نگرفته بود و منطقه دزفول و شوش فقط به یگان‌های موجود نظامی واگذار شده بود. به همین علت در ماه اول جنگ تقریباً کلیه پشتیبانی‌های مردمی به منطقه عملیاتی خرمشهر و اهواز روانه می‌شد. در منطقه عملیات دزفول می‌توان گفت این پشتیبانی‌ها فعال نشده بود که البته بعداً این فعالیت در منطقه عملیاتی دزفول نیز به نحو بسیار مؤثر فعال گردید.

#### ۶- مسائل پرسنلی مؤثر در این عملیات.

جزئیات مسائل پرسنلی این عملیات در بررسی مسائل پرسنلی کلی جنگ تحمیلی ایران و عراق بررسی می‌گردد. در این قسمت به کلیات اکتفا می‌شود. به طور کلی پرسنل لشکر ۲۱ پیاده، آمادگی کامل برای شرکت در این عملیات نداشتند. گرچه تعدادی از پرسنل لشکر در عملیات مبارزه با ضد انقلابیون کردستان شرکت کرده بودند، ولی هیچ‌یک از افراد این لشکر با خصوصیات جنگ منظم آشنایی عملی نداشتند. تعدادی از آنان حتی صدای انفجار گلوله‌های توپ به گوششان نخورده بود. سطح آموزش پرسنل لشکر هم خیلی ضعیف بود، زیرا از

آغاز آشوبگری‌های ضد انقلابیون در کردستان، عناصر لشکر ۲۱ پیاده (۱ و ۲ پیاده تهران) در کردستان درگیر بودند. در ۱۸ ماه فاصله زمانی از آغاز عملیات کردستان در اول سال ۱۳۵۸ تا شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در مهرماه سال ۵۹، یگان‌های این لشکر درگیر عملیات نامنظم داخلی بودند و فرصتی نبود تا آموزش‌های یگانی و حتی بعضی از آموزش‌های انفرادی اجرا کنند. چنانچه بعضی از یگان‌های لشکر تمرینات تیراندازی آموزشی جنگ‌افزارهای اجتماعی را پس از تغییر مکان به منطقه نبرد دزفول در این منطقه اجرا کردند. یا در میدان نبرد با آموزش عملی، آشنایی کافی به کاربرد جنگ‌افزارها پیدا نمودند. پراکندگی طولانی یگان‌ها در کردستان، در سیستم فرماندهی و کنترل و انضباط و سایر مسائل پرسنلی نیز اثر مطلوبی نگذاشته بود و آمادگی یگان‌ها را برای شرکت در یک عملیات منسجم و هماهنگ شده یگانی که مستلزم همکاری و هماهنگی متقابل کلیه عناصر از یک نفر و خدمه تا یک لشکر می‌باشد ضعیف کرده بود و این نقاط ضعف پرسنلی یکی از مهمترین علل شکست لشکر ۲۱ در این عملیات بود.

#### ۷- مسائل اطلاعاتی مؤثر در این عملیات

**الف- جو:** وضعیت جوی در روز عملیات معمولی بود. هوا صاف و آرام و آفتابی بود. هنوز بارندگی‌های پاییزی شروع نشده بود. میدان دید و تیر خوب بود و شرایط جوی مسئله خاصی به وجود نمی‌آورد. مسئله‌ای که از لحاظ کسب اطلاعات از شرایط جوی از دیدگاه نظامی حائز اهمیت است، دریافت اطلاعات از منابع معتبر هواشناسی است که در اوایل عملیات، این اطلاعات بسیار ضعیف بود. در برآوردهای اطلاعاتی این مسئله با توجه به سوابق سنواتی وضعیت جوی منطقه مورد نظر قرار می‌گرفت.

**ب- زمین:** چگونگی وضعیت و عوارض طبیعی و مصنوعی زمین در قسمت یکم این عملیات تشریح گردیده است. خلاصه وضعیت کلی زمین منطقه این عملیات، این است که قسمت شمالی منطقه در امتداد کرانه شمال غربی رودخانه دو عارضه و تپه‌ماهور است که بر دشت طرفین جاده اندیمشک دهلران، دید و تسلط کامل دارد. قسمت مرکزی منطقه دشت طرفین جاده اندیمشک دهلران، زمین مسطح و نسبت به زمین‌های بلند شمالی و جنوبی جاده منطقه پستی است و بالاخره قسمت جنوبی منطقه با شیب ملایم از شمال به جنوب بلندتر می‌شود و به تپه‌های ابوصلیبی خات می‌رسد که در جنوب منطقه است. تصرف آنها کنترل قسمت غربی و شرقی منطقه را تسهیل می‌کند. در غرب این دو تپه دشت عباس و دشت کوچک چنانچه قرار دارد که این تپه‌ها تسلط کامل بر دو دشت یاد شده دارند. تپه‌های شمال جاده دهلران در اغلب نقاط به جز در

شیارها برای واحدهای زرهی و مکانیزه غیرقابل عبور است. لذا فقط برای عملیات پیاده مناسب می‌باشد. قسمت مرکزی منطقه صاف و بدون اختفا و پوشش است. عبور از آن، میزان آسیب‌پذیری را زیاده‌تر می‌کند، قسمت جنوبی منطقه به سمت تپه ابوصلیبی خات، زمین مناسبی برای مانور واحدهای زرهی و مکانیزه است. نظر به اینکه تپه‌های غربی رودخانه (شمال جاده دهلران) در کنترل نیروهای ما بود و از این تپه‌ها تمام منطقه عملیات دیده می‌شد، برای برآورد اطلاعاتی در رده نیرو و لشکر مشکلی نبود. همین اطلاعات کلی برای تصمیم‌گیری فرماندهی در انتخاب نوع مانور و تدبیر عملیات کافی بود. اما این اطلاعات برای رده تیپ و گردان و گروهان کافی نبود. زیرا این رده‌های فرماندهی، عنصر اصلی حرکت، در این زمین‌ها بودند و به نسبت رده مربوطه، نیاز به اطلاعات مشروح‌تر و جزئی‌تر، از زمین منطقه عملیات داشتند.

پرسنل نظامی می‌دانند که اهمیت و حساسیت عوارض زمین در عملیات نظامی برای رده‌های مختلف فرماندهی یکسان نیست. مثلاً برای پیشروی یک گروهان، یک تل خاک و یا حلقه چاه و کانال کوچک آب ممکن است حساس و حائز اهمیت باشد. زیرا در روش هدایت عملیات و اجرای آتش و حرکت، دسته‌ها و گروه‌ها قابل استفاده و مؤثر است. ولی این عوارض حتی در رده گردان حساس و مهم نیست. بنابراین هر رده فرماندهی، حتی خدمه تانک و فرماندهان گروه باید منطقه عملیات یگان مربوطه را شناسایی کنند و طرح پیشروی را با آگاهی از شرایط زمین و مواضع احتمالی دشمن متقابل خود در نظر بگیرند. البته میزان این شناسایی بستگی به زمان و امکانات در دسترس دارد. در همه شرایط اجرای آن امکان‌پذیر نیست. چنانکه ممکن است در یک عملیات، شرایط مکان و زمان اجازه هیچ‌گونه شناسایی را ندهد و فقط شناسایی از روی نقشه به عمل آید. ولی در هر حال چنانچه حتی شناسایی، حتی از روی نقشه هم به عمل آید، باید تا پایین‌ترین رده کلیه فرماندهان با خصوصیات حقیقی یا تقریبی زمین آشنا شوند. در عملیات مورد بحث این شناسایی انجام نگرفت و احتمالاً اطلاعات کافی در اختیار فرماندهان رده پائین قرار داده نشد. یکی از نمونه‌های این کمبود اطلاع، این بود که در دامنه جنوبی تپه‌های شمال جاده دهلران چند کانال آب بود که در دیدبانی از تپه‌های سرپل، چندان عارضه قابل ملاحظه‌ای به نظر نمی‌رسید، ولی در هنگام پیشروی عناصر لشکر روشن شد که جنگ‌افزارهای ضدتانک دشمن بخصوص موشک‌های ضدتانک مالیوتکا با پایه پرتاب زمین در همین کانال‌ها مستقر شده بودند. همین عناصر بیشترین تلفات را به تانک‌های لشکر ۲۱ حمزه وارد کردند. در صورتی که اگر وجود این کانال‌ها به‌عنوان یک عارضه حساس نظامی در نظر گرفته می‌شد، قطعاً عناصر لشکر تا آنها را تصرف و از وجود دشمن پاک

نمی‌کردند، به پیشروی ادامه نمی‌دادند. به احتمال زیاد نتیجه عملیات لشکر غیر از آنچه که شد می‌شد.

نکته‌ای که لازم است یادآوری شود، این است که حتی اطلاعات قبلی افسران و درجه‌داران از زمین منطقه عملیات که در شرایط عادی زمان صلح به دست آورده‌اند، ارزش چندانی برای عملیات حقیقی جاری نداشت، زیرا دیدگاه‌ها در شرایط مختلف تفاوت دارد. لذا برای برآوردهای اطلاعاتی نباید به اطلاعات کلی زمان صلح اکتفا شود. به‌علاوه به علت فعالیت‌های ساختمانی و کشاورزی، معمولاً در اغلب زمین‌ها تغییراتی ایجاد می‌شود که در زمان صلح چندان حائز اهمیت به نظر نمی‌رسد، اما برای نیروی زمان جنگ ممکن است خیلی مؤثر باشد.

### ب - وضعیت دشمن

تلاش‌های اطلاعاتی در یک ماه اول جنگ خیلی ضعیف بود. اطلاعات، منحصر به اطلاعاتی ابلاغی از نیروی زمینی بود. رکن ۲ و سایر عناصر اطلاعاتی لشکرها فعالیت مؤثرتری نداشتند. در نتیجه اطلاع معتبری از چگونگی سازمان و گسترش نیروهای دشمن روبروی یگان‌های رزمنده نبود. ما اطلاعات تاکتیکی بسیار ناقص بود چنانکه در صدور دستور جزء به جزء شماره یک قرارگاه مقدم نیروی زمینی برای عملیات ۲۳ مهرماه لشکر ۲۱، برای اجرای حمله موردنظر، اصولاً پیوست اطلاعاتی و کالت وضعیت دشمن تهیه و صادر نشده بود. در مدارک موجود قرارگاه مقدم جنوب و لشکر ۲۱ پیاده نیز اطلاعات دقیقی از سازمان گسترش یگان‌های متجاوز در یک ماه اول جنگ مشاهده نشده است. فقط بر مبنای اطلاعات کلی که در دسترس بود، لشکرهای یک مکانیزه و ۱۰ زرهی ارتش عراق، به ترتیب در محورهای فکه دوسلک ایستگاه رادار، رودخانه کرخه، محور ربوط، عین خوش، علی‌گره‌زد، رودخانه کرخه قسمت شرق در خاک ایران پیشروی کردند. پیشروی آنها در اوایل مهرماه آغاز شد و این دو لشکر دشمن موفق شدند نیروهای مواضع مارا که شامل تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی و یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ مرکز زرهی و گردان‌های ۱۳۸ و ۱۴۱ پیاده از لشکر ۲۱ پیاده بودند، تا روز ۵ مهرماه به شرق رودخانه کرخه عقب برانند و از ششم مهرماه مواضع دفاعی خود را در غرب رودخانه کرخه مستحکم سازند.

در مرحله طرح‌ریزی لشکر ۲۱ همین اطلاعات کلی از روی نقشه وضعیت، در اختیار فرماندهی و ستاد لشکر ۲۱ پیاده قرار داده شده بود. لازم به یادآوری است که قرارگاه مقدم جنوب از روز ۱۵ مهرماه در یک ساختمان زیرزمینی کارخانه لاستیک‌سازی دزفول مستقر شده بود. افسران قرارگاه به صورت غیر سازمانی و

مأمور شروع به کار کرده بودند و قرارگاه را به‌مرور تشکیل می‌دادند، زیرا در ابتدای تشکیل قرارگاه فقط تعدادی افسر بدون هرگونه پرسنل وسائل و تجهیزات و وسایل ستادی بودند. در نتیجه در هنگام طرح‌ریزی عملیات ۲۳ مهرماه، حتی افسران خود این قرارگاه نیز در جریان کامل وضعیت نبودند. مثلاً رئیس رکن دوم قرارگاه (سرهنگ منصور امین) از افسران غیر شاغل و منتسب بود و در زمان شاغل بودن هم در معاونت لجستیکی نیروی زمینی انجام‌وظیفه می‌کرد، لذا این افسر به‌هیچ‌وجه در جریان وضعیت دشمن نبود و اطلاعات او منحصر به اطلاعاتی بود که بعداً از طریق قرارگاه نیروی زمینی به قرارگاه مقدم جنوب مخابره می‌شد. با توجه به اینکه از زمان آغاز به تشکیل این قرارگاه تا زمان طرح‌ریزی حمله لشکر ۲۱ در ۲۰ مهرماه فقط ۵ روز گذشته بود. در این ۵ روز نیز هنوز قرارگاه فعال نشده بود. مسلماً اطلاعات دقیق تاکتیکی در اختیار این قرارگاه نبود. ستاد لشکر ۲۱ نیز در ۱۹ مهرماه در سبزاب (جنوب اندیمشک) مستقر گردیده بود و هنوز افسران ستاد با کلیات منطقه توجیه نبودند، در نتیجه اطلاعات دقیقی از وضعیت دشمن نداشتند. تنها منبع اطلاعات تاکتیکی، تیپ ۲ زرهی بود که از آغاز نبرد با دشمن درگیر بود. ولی این تیپ هم موفق نشده بود تا ۲۰ مهرماه حتی یک اسیر از دشمن بگیرد تا از چگونگی سازمان و گسترش نیروهای متجاوز اطلاعاتی به دست آورد. اطلاعات این تیپ نیز کلی بود. نتیجه کلی آنکه اطلاعاتی که در اختیار لشکر ۲۱ پیاده قرار گرفته بود، به‌هیچ‌وجه برای برآورد وضعیت و تهیه طرح عملیاتی کافی نبود.

واما استعداد تقریبی دولشکر دشمن که در غرب رودخانه در جبهه دزفول و شوش مستقر بودند برابر ترتیب نیرو به‌شرح زیر بود:

الف - لشکر ۱ مکانیزه شامل دو تیپ مکانیزه و ۲ تیپ زرهی بود جمعاً دارای ۸ گردان مکانیزه و ۷ گردان تانک و ۱ گردان شناسائی و ۵ یگان کماندو و ۳ گردان توپخانه صحرائی (هرکدام ۴ آتشبار) و ۲ گردان پدافند هوائی و یک گردان ضدتانک و عناصر دیگر پشتیبانی رزمی و پشتیبانی سرویس رزمی بود.

ب - لشکر ۱۰ زرهی شامل ۲ تیپ زرهی، یک تیپ مکانیزه، جمعاً دارای ۷ گردان تانک، ۵ گردان مکانیزه، یک گردان شناسائی، یک گردان دفاع الواجات، ۴ گردان توپخانه صحرائی و یک گردان پدافند هوائی، یک گردان ضدتانک، یک گردان موشکی، یک تیپ با ۳ گردان پیاده و عناصر دیگر پشتیبانی رزمی و پشتیبانی سرویس رزمی بود. با توجه به سازمان دو لشکر یادشده بالا جمع گردان‌های مانوری دشمن در منطقه عملیات غرب کرخه دزفول و شوش ۳۶ گردان مانوری و ۷ گردان توپخانه صحرائی و ۴ گردان ضد هوائی بود. با توجه به اینکه لشکر ۲۱ پیاده در زمان حمله ۴ گردان پیاده و ۲ گردان تانک و ۶ گردان توپخانه داشت و تیپ ۲ زرهی

و گروه رزمی ۳۷ و دو گردان ۱۳۸ و ۱۴۱ پیاده هم که در اجرای عمل تأخیری و عقب‌نشینی بیش از ۵۰ درصد استعداد رزمی خود را از دست داده بودند. با این وجود گردان حساب شوند جمع تعداد گردان مانوری ما در حمله ۲۳ مهر ۱۲ گردان بود. و توپخانه با احتساب گروه ۵۵ توپخانه و تیپ ۲ زرهی ۱۰ گردان بود. در مقایسه توان رزمی نسبی، وضعیت توپخانه ما بهتر بود. ولی نسبت یگان‌های مانوری ۳۶ به ۱۲ یعنی سه‌به‌یک به نفع دشمن بود. یعنی از نظر برآورد نظامی، لشکر ۲۱ پیاده به نیرویی ۳ برابر توان رزمی خود حمله می‌کرد که البته اگر وضعیت آمار و سازمان و تجهیزات و پرسنل و آموزش لشکر ۲۱ نیز در این مقایسه دخالت داده شود، این نسبت بسیار نامتعادل تر خواهد بود. اما در اینجا به نکته‌ای هم باید توجه شود که با وجود اینکه توان رزمی دشمن در اوایل مهرماه بیش از ده برابر نیروهای ما بود، ولی دشمن از ادامه حمله به سمت شرق رودخانه کرخه و حتی تلاش برای منطقه کوچک سرپل تیپ ۲ زرهی امتناع کرده بود و در مقابل حمله تیپ ۲ زرهی که در حقیقت فقط یک تیم گروهانی بود، ارتفاعات مسلط و مشرف به پل رادر غرب رودخانه از دست داده و حدود ۳ کیلومتر عقب‌نشینی کرده بود که در برآورد وضعیت فرماندهی، همین نکته به‌عنوان دلیل ضعف روحیه پرسنل دشمن تلقی شد و مبنای تصمیم‌گیری برای حمله لشکر ۲۱ در ۲۳ مهرماه گردید.

## ۸ - مسائل عملیاتی مؤثر در عملیات لشکر ۲۱ پیاده در ۲۳ مهرماه ۱۳۵۹

### الف - مقدمات این عملیات

حمله لشکر ۲۱ پیاده ۲۳ روز بعد از آغاز تجاوز عمومی ارتش متجاوز بعث عراق به خوزستان اجرا می‌گردید. در این مدت خلاصه حوادث عملیاتی که در جبهه شمالی خوزستان اتفاق افتاده بود به شرح زیر بود.

قبل از آغاز جنگ، تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی یک گردان سوار زرهی و یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ مرکز زرهی و دو گردان پیاده از لشکر ۲۱ پیاده در منطقه عملیاتی عین خوش، موسیان فکه، دوسلک مستقر بودند که برابر اظهارات فرماندهان استعداد رزمی این یگان‌ها در سطح خیلی پائین بود، مثلاً گروه رزمی ۳۷ فقط ۸ دستگاه تانک داشت. این عناصر تا پنجم مهرماه در شرق رودخانه کرخه در مقابل تهاجم دشمن دفاع و عمل تأخیری انجام داده و بر اثر فشار دشمن با دادن تلفات و ضایعات زیاد در روز پنجم مهرماه به شرق رودخانه کرخه عقب‌نشینی کردند. کرانه غربی رودخانه کرخه از غرب شوش تا پل فلزی نادری به اشغال نیروهای متجاوز درآمد نیروهای دشمن پس از وصول به کرانه رودخانه کرخه تلاشی برای عبور از رودخانه و ادامه حمله به سمت اندیمشک و دزفول و شوش نکردند و به تحکیم مواضع دفاعی پرداختند. در دهم مهرماه فرمانده نیروی زمینی تصمیم گرفت با باقیمانده تیپ ۲ زرهی حمله متقابل کند



و سرپلی در غرب پل رودخانه کرخه تصرف نماید. این حمله در ۱۱ مهرماه انجام شد و تیپ موفق شد منطقه‌ای به عمق حدود یک تا ۳ کیلومتر و عرض ۵ کیلومتر در غرب رودخانه تصرف و تأمین نماید. این موفقیت مبنای تصمیم‌گیری برای اجرای تعرض متقابل در منطقه عملیاتی دزفول با لشکر ۱۶ زرهی گردید که در حال تغییر مکان از مناطق استقرار پادگانی قزوین و زنجان و همدان و منطقه عملیاتی کردستان به دزفول بود. هم‌زمان با تغییر مکان لشکر ۱۶ زرهی، عناصر لشکر ۲۱ پیاده، نسبت به لشکر ۱۶ زرهی وسایل سنگین کمتری داشت. به علاوه اکثر وسایل سنگین این لشکر در تهران بود. سریع تراز لشکر ۱۶ زرهی تغییر مکان کرد و قبل از ۲۰ مهرماه اکثر وسایل و تجهیزات و پرسنل این لشکر به منطقه دزفول رسیدند و در مناطق تجمع شمال شرقی دزفول و جنوب اندیمشک مستقر گردیدند چون نظر فرمانده نیرو اجرای سریع تعرض متقابل بود تا به دشمن فرصت تحکیم مواضع داده نشود و با توجه به آمادگی بیشتر لشکر ۲۱ پیاده که ضمناً دو گردان تانک چيفتن ادغام شده با ۶۰ دستگاه تانک داشت و در مقایسه با لشکر ۱۶ زرهی از لحاظ تانک خیلی ضعیف به نظر نمی‌رسید، فرمانده نیرو تصمیم گرفت به جای لشکر ۱۶ زرهی، لشکر ۲۱ پیاده حمله کند. برای تقویت این لشکر از نظر یگان زرهی، گردان ۲۹۱ تانک لشکر ۷۷ پیاده که حدود ۳۰ دستگاه تانک داشت (یک گروهان این گردان در اهواز زیر امر گردان ۱۴۸ پیاده بود) زیر امر لشکر ۲۱ پیاده قرار داده شد. این لشکر یک گردان سوار زرهی نیز داشت. بنابراین لشکر دارای ۴ گردان زرهی شد که حداقل حدود یک تیپ زرهی بود. فرمانده لشکر در ۱۸ یا ۱۹ مهرماه به قرارگاه مقدم احضار و مأموریت حمله حضوراً به وسیله فرمانده نیرو به فرمانده لشکر ابلاغ و پیشنهاد ستاد قرارگاه مقدم. حمله به ۲۳ مهرماه موكول شد تا لشکر فرصت بیشتری برای شناسائی و طرح‌ریزی داشته باشد. همان‌گونه که در نکات دیگر نیز ذکر شوند، موفقیت نسبی حمله متقابل تیپ ۲ زرهی سبب شده بود، فرمانده نیرو دشمن را خیلی ضعیف‌تر و زبون‌تر از آنچه که بود تصور نماید و موفقیت این حمله را قطعی می‌دانست. چنانکه برای فیلم‌برداری از پیشرفت جریان جنگ، ستون‌های احتمالی اسرای عراق از سیمای جمهوری اسلامی ایران خواسته شده بود، هیئت فیلم‌بردار اعزام کند و این هیئت نیز یک روز قبل از حمله به دزفول آمده بود و تعدادی از شخصیت‌های سیاسی نیز برای مشاهده موفقیت در روز حمله منطقه حضور داشتند. بالاخره با توجه به مسائل ذکر شده، تصمیم بر تک لشکر ۲۱ پیاده در ۲۳ مهرماه گرفته شد و مأموریت به لشکر حضوراً ابلاغ گردید.

وضعیت لشکر قبل از دریافت این مأموریت چنین بود که لشکر در حال تغییر مکان به دزفول بود.

اولین مأموریتی که از طریق قرارگاه مقدم جدیدالتشکیل نیروی زمینی در دزفول به لشکر ۲۱ داده شد، این بود که لشکر یگان‌هایی را در شرق رودخانه کرخه در منطقه پای پل و منطقه بین پای پل و شوش که کاملاً خالی و بدون پوشش بود، مستقر سازد و آماده شود در صورت اقدام دشمن به عبور از رودخانه کرخه، مانع عبور او گردد، یعنی مأموریت پوشش کرانه شرقی رودخانه به لشکر داده شده بود. ضمناً گروه ۵۵ توپخانه نیز از هفتم مهرماه از اصفهان به دزفول تغییر مکان کرده بود و آماده تغییر اجرای پشتیبانی آتش بود لذا تعدادی از یگان‌های لشکر از ۱۵ مهرماه در کرانه شرقی رودخانه مستقر شدند و گروه ۵۵ توپخانه نیز از ۱۶ مهرماه فعال گردید.

در ۱۶ مهرماه به لشکر دستور داده شد برای کسب اطلاعات از وضعیت دشمن و آشنایی به منطقه عملیات غرب کرخه و ایجاد مزاحمت برای واحدهای دشمن، عناصر گشتی رزمی و شناسایی به غرب رودخانه اعزام کند. از آغاز استقرار قرارگاه مقدم در جنوب، یک نگرانی عمده این بود که دشمن، تیپ ۲ زرهی را از سر پل عقب براند و از رودخانه بگذرد و حمله را برای تصرف اندیمشک و دزفول ادامه دهد. لذا به لشکر ۲۱ دستور داده شد قسمتی از یگان‌ها را در شرق پل کرخه در مواضع پدافندی مستقر سازد، تا هم یگان تقویت برای تیپ ۲ زرهی باشند و هم در صورت وقوع برآورد یادشده و حمله دشمن به سرپل حداقل پیشروی دشمن در کرانه غربی رودخانه سد شود. در این روزها به‌طور کلی وضعیت جبهه‌ها خیلی بحرانی و نگران‌کننده بود، با وجود اینکه پیشروی دشمن عملاً در جبهه اهواز و دزفول متوقف شده بود، فشار دشمن در منطقه خرمشهر بود. ولی دشمن حرکاتی در منطقه بالا نیز انجام می‌داد با وجود اینکه این حرکات غالباً خیلی جدی نبود، ولی نظر به اینکه عناصر لشکر ۹۲ زرهی در یک هفته اول جنگ با وضع نا به سامانی مجبور به عقب‌نشینی شده بودند، طبعاً وحشت‌زده بودند با مشاهده هرگونه حرکت دشمن اضطراب و نگرانی فرماندهان شدیدتر می‌شد و درخواست کمک و نیروی تقویتی و پشتیبانی می‌کردند. این وضع در تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی نیز بود و کاراً درخواست تعویض یا تقویت می‌کرد. گزارشی که فرماندهی تیپ در ۱۶ مهرماه داد. این بود که یگان‌ها در منطقه سرپل، شامل ۲ تیم تانک، یک تیم مکانیزه باقی مانده یک گردان سوار زرهی ۴ آتشبار توپخانه از کالیبرهای مختلف و عنصری از سپاه پاسداران و باقیمانده گروه رزمی ۳۷ زرهی می‌باشد و این عناصر توانایی حفظ سرپل را ندارند که پاسخ داده شد لشکر ۲۱ در تقویت تیپ قرار خواهد گرفت. ضمناً وضعیت جبهه شوش نیز خیلی وخیم بود. دو گردان ۱۳۸ و ۱۴۸ پیاده با وضع اسفباری از نزدیکی مرز تا شرق رودخانه قریب ۶۰ کیلومتر عقب‌نشینی کرده

بودند. نظر به اینکه در مسیر عقب‌نشینی از رودخانه، پلی وجود نداشت و یک‌دو به در منطقه بود، هنگام عبور از رودخانه قسمت زیادی از وسایل و پرسنل خود را از دست داده بودند و در غرب شوش در کرانه رودخانه موضع پدافندی گرفته و مدام تحت فشار آتش شدید دشمن بودند. وضعیت کنترل و فرماندهی در این منطقه نامطلوب بود. در منطقه شوش و دزفول ۳ یگان عمده شامل تیپ ۲ لشکر ۹۲، گروه رزمی ۳۷ مرکز زرهی و دو گردان ۱۳۸ و ۱۴۱ پیاده از لشکر ۲۱ وارد عمل شده بودند. برای فرماندهی و کنترل آنها یک قرارگاه عملیاتی در پادگان دزفول به فرماندهی معاون لشکر تشکیل شده بود که عملاً به هیچ‌یک از این واحدها فرماندهی مؤثر نداشت. هر یک از این ۳ عنصر رزمنده به‌طور مستقل عمل می‌کردند و هیچ‌گونه هماهنگی عملیاتی بین آنها نبود. در روزهای ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ مهر، دشمن با آتش شدید توپخانه مواضع یگان‌های ما را زیر آتش گرفت و در منطقه شوش تظاهر به عبور از رودخانه کرخه کرد که با پشتیبانی هوایی و هوانیروز، حرکات دشمن درهم کوبیده شد و متوقف گردید. به نظر رسید دشمن می‌خواهد از ۳۰ کیلومتری جنوب شوش در حوالی عبدالخان از رودخانه عبور کند و پس از عبور قسمتی به سمت شمال جهت محاصره شوش و تهدید اندیمشک حرکت نماید. لشکر ۲۱ پیاده و ۱۶ زرهی دستور داده شد، آماده باشند عناصری را به منطقه شوش اعزام کنند، ولی دشمن تلاش بیشتری نمود و عملاً یگانش به شوش اعزام نشد.

در ۱۸ مهرماه یک هیئت بازرسی از افسران قرارگاه مقدم برای بررسی وضعیت واحدهای مستقر در پای پل کرخه و شوش اعزام شد. نتیجه بررسی هیئت، این بود که استعداد رزمی یگانها خیلی ضعیف است، ولی روحیه پرسنل برای مقاومت و مبارزه قابل تحسین است و این گزارش تا حدودی سبب دلگرمی شد. در ۲ ماه اول نبرد، تلاش اصلی بر این بود که هرگونه کمبود نیروی رزمی مانوری با استفاده از آتش توپخانه و هواپیما و هلیکوپترهای رزمی جبران گردد، لذا به محض مشاهده حرکات دشمن در هر فاصله و مسافتی که بود، توپخانه‌ها و هلیکوپترها و هواپیماها وارد عمل می‌شدند گرچه از نظر اصول کاربرد یگان‌های نظامی این روش صحیح نیست، ولی در آن شرایط تنها راه کار موفقیت‌آمیز همین بود. در روز ۱۹ مهرماه که قرارگاه مقدم جنوب مشغول بررسی حمله لشکر ۲۱ پیاده بود، لشکر ۹۲ زرهی گزارش داد نیروی متجاوز در منطقه جنوب دارخوین از رودخانه کارون عبور کرده و جاده ارتباطی اهواز آبادان از شرق رودخانه کارون نیز قطع شده است. هم‌زمان با این خبر بسیار نگران‌کننده خبر دیگری رسید که دشمن قصد دارد به سرپل کرخه حمله کند و در منطقه شوش نیز از رودخانه کرخه عبور نماید و این اطلاعات و گزارشات بررسی گردید و نتیجه گرفته شد که دشمن قصد دارد حمله

متوقف شده خود را برای تصرف دزفول و اهواز و آبادان مجدداً به حرکت درآورد. در اجرای دستور قرارگاه مقدم، در روز ۲۰ مهرماه عناصر گشتی و شناسائی به غرب کرخه اعزام شد و گشتی‌های گردان ۱۳۸ و گردان ۱۴۱ پیاده با دشمن درگیر شدند که با مشکلات زیادی از درگیری خارج و به عقب آمد. در این روزها وضعیت منطقه خرمشهر و بستان خیلی بحرانی بود. دشمن تلاش می‌کرد خرمشهر و بستان را تصرف کند. در ۲۳ مهرماه بستان به اشغال نیروهای متجاوز درآمد. این جریانات سبب شد، باوجود اینکه مأموریت اجرای حمله به لشکر ۲۱ پیاده ابلاغ شده بود، در عین حال مأموریت دفاع در منطقه سرپل هم به این لشکر واگذار گردید. لذا لشکر به جای اینکه بتواند یگان‌های خود را جمع‌تر کند و به آنها سازمان رزمی و آموزش و تمرین حمله بدهد، اجباراً آنها را متفرق و در مواضع دفاعی گسترش داد. حملات هوائی دشمن در این روزها شدیدتر و هواپیماهای دشمن مسجد سلیمان و شوش و پادگان اهواز و دزفول را بمباران کردند که خسارات قابل ملاحظه‌ای به مسجد سلیمان و پادگان اهواز وارد شد. با توجه به شرایط بحرانی که در منطقه خوزستان وجود داشت و دربالا به آنها اشاره شد. تصمیم اجرای حمله لشکر ۲۱ قطعی شد و در ۲۰ مهرماه دستور کتبی عملیاتی قرارگاه مقدم جنوب که اولین دستور عملیاتی این قرارگاه بود، به صورت دستور جزء به جزء شماره ۱ با اعلام وصول د - خ - ۱۷ صادر گردید.

#### ب - ابلاغ مأموریت و برآورد لشکر ۲۱ پیاده

در دستور جزء به جزء شماره ۱ قرارگاه مقدم جنوب مأموریت واگذاری به لشکر ۲۱ پیاده، این بود که از خط سرپل تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی در غرب رودخانه کرخه عبور از خط کند و تپه‌های علی‌گروه زد و ابو صلیبی خات را تصرف نماید. چنانچه مقاومت دشمن تا وصول به این هدف‌های اول چندان مهم و شدید نباشد، حمله را به سمت عین خوش و دوسلک ادامه دهد و معابر عین خوش و دوسلک را تصرف و تامین نماید.

به لشکر ۱۶ زرهی مأموریت داده شده بود آماده باشد با عناصر وارد شده به منطقه دزفول، عناصر لشکر ۲۱ پیاده را بنا به دستور دنبال نماید و یک گروه رزمی برای اشغال مواضع پدافندی در شرق رودخانه به منطقه پای پل اعزام کند. به تیپ ۲ زرهی و سایر یگان‌های مستقر در کرانه غربی کرخه دستور داده شده بود، آماده باشند پس از احراز موفقیت لشکر ۲۱، در شرق رودخانه متمرکز شوند و تجدید سازمان نمایند. فرماندهی و ستاد لشکر ۲۱ پیاده از روز ۲۰ مهرماه فعالیت‌های شناسائی و برآورد وضعیت و اقدامات آماده شده را شروع کرد. لشکر تلاش نمود که سه روز فرصتی که داشت، ضمن اجرای مأموریت پدافندی که عملاً با آن درگیر شده بود، مرحله طرح‌ریزی حمله موردنظر را در حدود امکانات به نحو مطلوب انجام

دهد. بدین منظور در روز ۲۰ مهر، شناسائی از منطقه عملیات تا رده فرماندهان تیپ و گردان انجام شد. البته این شناسائی فقط با دیده‌بانی این منطقه به‌وسیله دوربین از تپه‌های شمالی که دید کامل به منطقه داشت انجام شد. در نتیجه به کلیات وضعیت زمین و مواضع عمومی احتمالی دشمن توجه شد. عناصر تیپ ۲ زرهی که ۹ روز بود در سرپل بودند و تا حدودی به منطقه مقابل آشنا بودند، اطلاعاتی از وضعیت زمین و دشمن در اختیار فرماندهان لشکر ۲۱ قرار دادند. براساس این اطلاعات که کافی نبود و با توجه به ۴ عامل مأموریت. زمین. دشمن. نیروهای خودی، فرماندهی و ستاد لشکر برآوردهای خود را در همان روز ۲۰ مهر تکمیل کردند دستور عملیاتی شماره ۱ لشکر در ساعت ۰۸۰۰ روز ۲۱ مهرماه با اعلام وصول دز ۵۱ تهیه و منتشر گردید.

### پ - طرح عملیاتی لشکر.

بر مبنای دستور عملیاتی شماره ۱ لشکر، تدبیر لشکر این بود که با تیپ ۱ پیاده که فقط یک گردان تانک و یک گردان پیاده و یک گردان توپخانه خودکشی در زیر امر داشت، در تلاش اصلی در محور پای پل، سه‌راهی رادار، تپه علی‌گره زد پیشروی کند. تپه علی‌گره زد را تصرف نماید. گروه رزمی ۲۹۱ تانک که شامل گردان ۲۹۱ تانک ام ۴۷ لشکر ۷۷ پیاده و یک گروهان پیاده محمول و یک گردان توپخانه خودکشی بود، در تلاش فرعی در محور پای پل، سه‌راهی رادار ابوصلیبی خات پیشروی کند و تپه ابوصلیبی خات را تصرف نماید. تیپ ۳ پیاده که شامل سه گردان پیاده، یک گردان توپخانه ۱۰۵ خودکشی بود، از مسیر شمالی جنوبی تپه سپتون، تپه شاوریه پیشروی کند و تپه شاوریه رادار شمال علی‌گره زد تصرف نماید و چنانچه عناصر تیپ در تصرف این هدف‌ها با مشکل مهمی مواجه شدند پیشروی را تا تصرف و تأمین معبر عین خوش و دوسلک به سمت غرب ادامه دهد. این تدبیر لشکر کاملاً براساس تدبیر کلی قرارگاه مقدم نیروی زمینی بود. با توجه به وضعیت زمین و گسترش احتمالی دشمن طرح کلی مانور لشکر متناسب بود. اما نظر به این که یگان‌های اصلی لشکر، پیاده بودند و حتی به علت کمبود فوق‌العاده خودروهای چرخ‌دار، محمول کردن همه آنها مقدور نبود، این طرح مناسب با مقدرات لشکر ۲۱ پیاده نبود. بلکه برای لشکر زرهی و مکانیزه مناسب بود. البته به موضع لشکر در این طرح، به دو گردان تانک متکی شده بود و نقش اصلی نبرد به گردان‌های ۲۴۲ تانک چیفتن و ۲۹۱ تانک ام ۴۷ داده شده بود. لشکر فاقد یگان‌های مکانیزه بود که با گردان‌های تانک ترکیب سازمانی پیدا کند. لذا عملاً گردان‌های تانک، بدون پیاده همراه، وارد عمل می‌شدند. این روش، با اصول همکاری تانک و پیاده مطابقت نداشت. زیرا وقتی که یگان اصلی حمله ور واحد پیاده باشد، باید تدبیر فرماندهی براساس

امکانات و کاربرد تاکتیکی واحد پیاده اتخاذ شود و یگان تانک نقش دوم داشته باشد که معمولاً به عنوان تقویت یگان پیاده به کار برده می‌شود. این تدبیر سبب شد که در اجرای حمله هماهنگی بین واحدهای پیاده و تانک امکان پذیر نباشد که در قسمت هدایت عملیات شرح داده می‌شود.

اولین مرحله عملیات، عبور از رودخانه کرخه بود. در منطقه عبور، یک پل فلزی ۴۰ تنی برای عبور خودروهای چرخ‌دار و شنی دار سبک و متوسط وجود داشت. برای عبور تانک‌ها قبلاً به وسیله لشکر ۹۲ زرهی یک پل شناور پی ام پی ۶۰ تنی برقرار شده بود. طرح عبور به وسیله لشکر تهیه شده بود و برای عبور حدود یکصد تانک سازمانی وزیر امر لشکر ۸ ساعت زمان در نظر گرفته شده بود و ۲ ساعت زمان برای آماده شدن در ساحل دور جهت حمله منظور شده بود. ضمناً نظر به اینکه تیپ ۳ پیاده بایستی حداقل در روز (ر-۱) در منطقه تجمع غرب رودخانه که در تپه‌های شمالی تپه شاوریه انتخاب شده بود مستقر می‌گردید، به این تیپ دستور داده شده بود هرچه زودتر به غرب رودخانه حرکت کند و بخصوص جنگ‌افزارهای ضدتانک گردان‌های پیاده را سریعاً از رودخانه عبور دهد و در مواضع مناسبی که بتواند جاده دهلران را با تیر مستقیم زیر آتش بگیرد، مستقر گردد. تیپ ۳ پیاده در ۲۱ مهر دستور عملیاتی خود را صادر کرد و تغییر مکان را آغاز نمود. در پایان روز ۲۲ مهر، ساعت ۰۶:۰۰ صبح ۲۳ مهر تعیین و به یگان‌ها ابلاغ گردید. با توجه به تلاش‌هایی که عناصر لشکر برای شناسائی و تغییر مکان و آمادگی کامل جهت حمله انجام می‌دادند، دشمن از عملیات احتمالی نیروهای ما مطلع شد و در ساعت ۱۶:۰۰ روز ۲۲ مهر به منظور برهم زدن طرح حمله نیروهای ما به منطقه سرپل حمله کرد و به تیپ ۲ زرهی مستقر در سرپل فشار آورد، ولی با اقدامات پشتیبانی آتش که به عمل آمد، حمله دشمن متوقف گردید. البته درباره این حمله فرمانده تیپ ۲ زرهی خیلی اظهار نگرانی کرد و گزارشات ناراحت‌کننده‌ای مبنی بر فشار جدید دشمن و احتمال سقوط سرپل داد، به نحوی که به لشکر ۲۱ دستور داده شد، تیپ ۳ پیاده را شبانه به سرپل بفرستند و مانع سقوط منطقه سرپل گردد. یک گردان پیاده به منطقه سرپل اعزام شد و توپخانه ما با حداکثر آتش منطقه را زیر آتش گرفت. برابر گزارش فرمانده تیپ ۲ دشمن از ساعت ۲۲:۰۰ به مواضع قبلی خود عقب‌نشینی نمود. اما به نظر می‌رسد که این حمله آن قدر هم که فرمانده تیپ ۲ اظهار می‌کرد، جدی نبود و احتمالاً یک حمله ممانعتی و مختل‌کننده عملیات احتمالی ما بود. با همه این پیش‌آمدها، تصمیم گرفته شد، حمله لشکر ۲۱ برابر طرح در ساعت ۰۶:۰۰ صبح روز ۲۳ مهرماه اجرا گردد.

#### ت - هدایت عملیات

مرحله یکم عملیات لشکر، عبور از رودخانه بود. این مرحله خیلی ساده

طرح‌ریزی شده بود. در حقیقت طرحی تهیه نشده بود، بلکه فقط تقدم عبور و زمان تقریبی عبور در یک جدول تهیه شده بود. در صورتی که در تکنیک عبور از رودخانه، مخصوصاً عبور با فرصت، مسائل دیگری نیز باید در نظر گرفته شود که مهمترین آنها منطقه تجمع بعد از عبور و منطقه آمادگی جهت حمله یا موضع حمله باید تعیین شود. پس از عبور واحدهای عبور کننده، آرایش مناسبی اتخاذ کند و پیشروی را آغاز نماید. ولی در طرح عبور لشکر این مسائل مورد توجه قرار نگرفته بود. در نتیجه پس از عبور، آرایش مناسبی اتخاذ نشد و یگان‌های مقدم حمله که در گردان تانک بودند، باحالتی که بیشتر شبیه به راهپیمایی تاکتیکی بود، به سمت هدف‌های تعیین شده پیشروی را آغاز کردند. در حالتی که هنوز قسمتی از واحدها از پل عبور نکرده بودند. البته عملیات ممانعتی که دشمن در شب قبل با اجرای حمله شبانه انجام داد، طرح عبور را مختل کرد و لشکر موفق نشد، برابر برنامه پیش‌بینی شده از ۲ پل موجود بگذرد. همچنین برابر طرح عبور بایستی عناصر تیپ ۳ زرهی بخصوص عناصر ضدتانک گردان‌های پیاده این تیپ بایستی روز قبل از رودخانه عبور می‌کردند و جنگ‌افزارهای ضدتانک آماده می‌شدند با تیر مستقیم تانک‌ها و نفربرهای دشمن را زیر آتش بگیرند. این امر نیز در مرحله یکم به نحو مطلوب اجرا نشد. احتمالاً عناصر این تیپ به علت عدم آشنایی کافی به منطقه، اصولاً در محل مورد نظر یعنی در تپه‌های شمالی شاوریه که در کنترل ما بود مستقر نشدند. چنانکه یک روز بعد از عملیات، تعدادی از پرسنل تیپ ۳ در تپه چشمه پیدا شدند که برابر اظهاراتشان قبل از حمله در آنجا موضع گرفته بودند و ۴۸ ساعت کسی از وجود آنها خبر نداشت. در صورتی که محل تعیین شده برای تیپ ۳ حدود ۵ کیلومتر غرب آن تپه بود.

### مرحله دوم: عبور از خط تیپ ۲ زرهی

در منطقه سرپل غرب کرخه، عناصر تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی، گروه رزمی ۳۷ زرهی و گردان ۲۸۳ سوار زرهی لشکر ۹۲ پدافند می‌کردند که جمع استعداد رزمی عناصر از دو گردان تجاوز نمی‌کرد، ولی همین نیروی کم موفق شده بود، در اوایل دهه دوم مهرماه با اجرای حمله متقابل نیروهای دشمن را عقب بزند و سرپل را تصرف و تأمین نماید. در هنگام حمله لشکر ۲۱ پیاده، تیپ ۲ زرهی بود که در مقابل فشار شدید دشمن دفاع می‌کرد. البته فرماندهان این یگان‌ها به علت وضعیت بحرانی پرسنل و وسایل کاراً درخواست تعویض می‌کردند. به آنها وعده داده شده بود که پس از حمله لشکر ۲۱ در منطقه سرپل، آنها به عقب آورده خواهند شد. فرماندهان یگان‌های لشکر تا رده گردان با ملاقات حضوری با فرماندهان یگان‌های مدافع سرپل، هماهنگی‌های لازم برای عبور از خط کرده بودند. ولی نکته‌ای که لازم است یادآوری شود، این است که وجود یگان‌های



مدافع بااستعداد کم در منطقه سرپل هیچ‌گونه تراکمی به وجود نیاورده بود تا امکان بروز حوادثی شود. عملاً قسمت زیاد منطقه، خالی از یگان بود و مانعی برای حرکت عناصر لشکر ۲۱ پیاده نبود، لذا مشکلی برای عبور وجود نداشت. به‌علاوه یگان‌های لشکر در سه ستون که بیشتر شبیه راهپیمایی تاکتیکی بود، از خط سرپل عبور می‌کرد. ستون اول، عناصر تیپ سه پیاده بود که روز قبل از حمله، از پل عبور کرد و از پشت مواضع تیپ ۲ در حاشیه غربی رودخانه کرخه به سمت غرب حرکت کرد تا خود را به منطقه تجمع تعیین‌شده در شمال تپه شاوریه برساند. حرکت این تیپ خارج از مواضع مقدم بود و تداخلی به وجود نیامد. ستون دوم، تیپ یک پیاده بود که عملاً یک گردان تانک آن با آرایش ستون در جاده پای پل دهلران حرکت می‌کرد. و پس از ورود به دامنه جنوبی تپه‌های اسکندرخان و غرب رودخانه آرایش رزمی می‌گرفت و به سمت غرب برای تصرف تپه علی‌گره زد حرکت می‌کرد و بالاخره ستون سوم گروه رزمی ۲۹۱ تانک بود که شامل دو گروهان تانک و یک گروهان پیاده محمول بود. این گروه رزمی نیز با آرایش ستون از پل عبور می‌کرد و پس از عبور به سمت شرق چرخش می‌کرد و پس از وصول به سه‌راهی رادار، آرایش رزمی می‌گرفت. ضمناً گردان سوار زرهی لشکر ۲۱ نیز که عملاً حدود یک گروهان بود، از رودخانه عبور می‌کرد و با آرایش ستون در حاشیه غربی رودخانه کرخه حرکت می‌کرد. بنابراین هنگام عبور عناصر لشکر ۲۱ تداخل قابل‌ملاحظه‌ای با نیروهای مدافع پیش نمی‌آمد و عملاً هم عبور به‌سادگی انجام شد و هیچ مشکلی پیش نیامد.

#### مرحله سوم: پیشروی به سمت هدفها

عبور عناصر لشکر ۲۱ از خط سرپل باکمی تأخیر انجام شد. عناصر لشکر حدود ساعت ۰۷۰۰ (به‌جای ساعت ۰۶۰۰) از خط سرپل گذشتند و پیشروی را آغاز کردند. باوجوداینکه قبلاً بررسی‌شده بود که عناصر ضدتانک دشمن در کانال‌های جنوبی سرپل مستقر است و مطابق اصول تاکتیک، این عناصر دشمن بایستی قبلاً به‌وسیله پیاده‌نظام منهدم می‌شد تا خطر از تانک‌ها برطرف می‌گردید، ولی به علت نبودن واحد مکانیزه و همچنین ضعف برآورد وضعیت و نقص طرح، عملاً تانک‌ها به این مواضع حمله کردند و در همان مراحل اولیه تعدادی از تانک‌های تیپ ۱ به‌وسیله دشمن منهدم شد. در ساعت ۰۷۵۰ پیشروی تیپ ۱ کند گردید. ولی گروه رزمی ۲۹۱ تانک که از سمت شرق در امتداد شمالی جنوبی حرکت می‌کرد، کانال‌های مواضع دشمن را دور زد و طبق گزارش که به لشکر داد، در ساعت ۰۸۵۵ هدف اول را که سه‌راهی رادار بود تصرف کرد.

گزارشاتی که از ساعت ۰۹۰۰ به بعد از لشکر رسید، چندان خوشحال‌کننده نبود و احساس خطر ایجاد شد. لذا به لشکر ۱۶ زرهی دستور داده شد پیرو



دستورات قبلی که ابلاغ شده بود ۲ گردان را سازمان دهد و آماده برای تغییر مکان به پای پل گرداند. آن گردان‌ها را سریعاً حرکت دهد. لشکر ۱۶ زرهی یک گردان تانک و یک گردان سوار زرهی را به شرق پل کرخه اعزام کرد.

لشکر ۲۱ به تیپ ۱ پیاده دستور داد، بدون توجه به مقاومت دشمن در کانال‌ها که اسم آنها را کانال‌های هندلی گذاشته بودند، پیشروی به سمت غرب ادامه دهد. ولی دشمن که از چند روز قبل متوجه حمله ما شده بود، قتلگاه و کمینگاهی برای محاصره کردن و نابود کردن یگان‌های ما پیش‌بینی کرده بود. تا ساعت ۱۰۰۰ عکس‌العمل چندان قابل‌ملاحظه‌ای در مقابل پیشروی نیروهای ما نشان نداد و آن‌قدر صبر کرد که عناصر لشکر ۲۱ پیاده از منطقه سرپل به‌قدر کافی دور شوند تا در هنگام حمله متقابل، دشمن با آتش شدید ضدتانک تانک‌های لشکر ۲۱ را از مواضع آرایش‌شده و بسیار مناسب به زیر آتش گیرند. در همان ساعات اول تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از تانک‌های چیفتن تیپ ۱ را از کار انداختند. با توجه به اینکه عناصر لشکر ۲۱ اولین بار بود در رزم شرکت می‌کردند و اولین بار بود که عملاً با شرایط و مشکلات و مصائب و لطمات و صدمات میدان جنگ روبرو می‌شدند، بخصوص اینکه تانک‌های تیپ ۱ در نامناسب‌ترین شرایط زمین برای عملیات با دشمن سنجر گرفته و آرایش یافته مواجه می‌شدند، در همان دقایق اول خونسردی خود را از دست دادند و باوجود اینکه هنوز هیچ‌گونه حرکتی از دشمن گزارش نشده بود و دشمن فقط با استفاده از مواضع مناسب پیش‌بینی‌شده خود، تانک‌های لشکر را از کار می‌انداخت. ولی فرماندهان یگان‌ها که بیشتر از پهلو ضربت می‌خوردند تصور کردند که به محاصره افتاده‌اند و گزارشات می‌رسید که هم تیپ یک، هم گروه رزمی ۲۹۱ و گردان سوار زرهی به محاصره دشمن افتاده‌اند. به لشکر دستور داده شد، به هر ترتیبی که هست از محاصره شدن جلوگیری کند. باوجود اینکه سرهنگ زرهی ستاد باوندپور که در زمان اجرای حمله لشکر ۲۱ پیاده در قرارگاه دزفول بود، به‌عنوان مشاور زرهی فرمانده لشکر ۲۱ که افسر پیاده بود (سرهنگ ورشوساز) به لشکر ۲۱ مأمور شده بود، سرهنگ زرهی ستاد پور موسی نیز از قرارگاه تاکتیکی لشکر ۲۱ حمزه اعزام شد تا لشکر را در کاربرد یگان‌های تانک یاری کند. چون همان‌طور که قبلاً گفته شد، تلاش اصلی لشکر ۲۱ پیاده در این حمله با دو گردان تانک لشکر بود و به گردان‌های پیاده نقش فعالی داده نشده بود لشکر مجدداً گزارش کرد که کلیه یگان‌های تیپ ۱، گروه رزمی ۲۹۱ و گردان سوار زرهی در حال محاصره شدن هستند. زمین منطقه عملیات برای اتخاذ وضعیت دفاعی در محلی که نیروهای دشمن واحدهای ما را کشانده بودند برای دفاع مناسب نبود. یعنی عناصر تیپ یک در پشت طرفین جاده دهلران و در دامنه تپه‌های شمالی و جنوبی جاده که دشمن موضع گرفته بود گرفتار شده بود. منطقه گروه رزمی ۲۹۱ تانک و گردان سوار زرهی نسبتاً بریدگی داشت و مناسب‌تر بود. به

لشکر دستور داده شد تلاش کند، عناصر تیپ ۱ را به دامنه جنوبی تپه‌های شمال جاده بکشد و از تیررس جنگ‌افزارهای ضدتانک دشمن خارج سازد، ولی سعی کند با گروه رزمی ۲۹۱ و گردان سوار زرهی هدف واسطه سهراهی رادار را حفظ کند.

لشکر گزارش کرد که کشاندن تیپ ۱ به تپه‌های شمال جاده دهلران امکان‌پذیر نیست. حقیقتاً هم با آتشی که گردان تانک تیپ ۱ لشکر مواجه بود، این کار به‌سادگی امکان‌پذیر نبود. زیرا عناصر گردان تانک که در حدود ۶۰ دستگاه تانک چیفتن بود. با آرایش ستون از سهراهی رادار تا حدود ۵ کیلومتر به سمت غرب گسترش یافته بود. همان‌گونه که در بخش‌های دیگر بیان شده است. در آن موقع یعنی در اوایل جنگ تحمیلی قدرت فرماندهی و کنترل در واحدهای ارتش به حداقل درجه ضعیف شده بود. در آن بحبوحه کنترل تغییر سمت از جنوب به شمال و کشاندن تانک‌های گسترش‌یافته به تپه‌های شمالی کار آسانی نبود. ولی به نظر می‌رسید بهترین راه کار امکان‌پذیر بود. زیرا اگر تانک‌ها به‌سرعت تغییر سمت به شمال می‌دادند و یک کیلومتر به سمت شمال می‌رفتند، همه آنها از تیررس جنگ‌افزارهای ضدتانک‌های دشمن که موشک مالیوتکا با برد ۳ کیلومتر بود خارج می‌شدند و اکثریت آنها سالم نجات پیدا می‌کردند. با توجه به اینکه دشمن از مواضع آرایش‌شده و طرح‌ریزی‌شده تانک‌ها را مورد هدف قرار می‌داد، جرأت نمی‌کرد این مواضع مستحکم را ترک کند و تانک‌ها را تعقیب نماید. چنانکه عملاً هم این‌طور شد. بعد از جریان حمله تعدادی از تانک‌های لشکر حتی با موتور روشن در منطقه نبرد رها شده بودند، دشمن جرأت نکرد از مواضع خود خارج شود و بیاید و آنها را ببرد. بعداً پرسنل لشکر شبانه رفتند و آنها را برگرداندند. به‌رحال فرمانده لشکر پاسخ داد که تغییر سمت به شمال و کشاندن تیپ ۱ به تپه‌های شمالی محور پیشروی مقدور نیست و تنها راه نجات عناصر لشکر، عقب‌نشینی به منطقه سرپل با پشتیبانی قوی آتش توپخانه و هوائی می‌سراسرست و گرنه کلیه عناصر حمله لشکر نابود خواهند شد.

بر اساس گزارش وضعیت لشکر، به لشکر دستور داده شد با کلیه عناصر حمله، سهراهی رادار را حفظ کند هدف این دستور این بود که تیپ ۱ از دامنه پیشرفت خودداری کند و به دامنه جنوبی تپه‌های شمال سهراهی رادار عقب‌نشینی کند و گروه رزمی ۲۹۱ تانک و گردان سوار زرهی نیز سمت شرقی سهراهی را حفظ کند. با این ترتیب حداقل، منطقه سرپل نیروهای ما تا سهراهی رادار توسعه یابد، هم‌زمان با این دستور به لشکر ۲۱، نظر به اینکه گزارشاتی از وضعیت لشکر ۲۱ می‌رسید که نگران‌کننده بود، احتمال عقب‌نشینی سازمان لشکر احساس می‌شد. به تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی دستور داده شد، موضع دفاعی خود را حفظ کند و آماده دفاع در مقابل حمله متقابل احتمالی دشمن

به سرپل باشد. به لشکر ۱۶ زرهی نیز دستور داده شد، عناصر رزمنده سازمان داده شده لشکر را به شرق رودخانه کرخه حرکت دهد و مواضع دفاعی در شرق پای پل کرخه اشغال نماید.

وضعیت لحظه به لحظه بحرانی تر می شد. باید متذکر شوم که این نبرد برای همه فرماندهان، از فرمانده کل قوا تا فرماندهان دسته، اولین نبرد مبارزه جویانه جدی و اولین حمله تطبیق شده در سطح نسبتاً بزرگ بود. البته رزمندگان ماقبل از این حمله در منطقه خرمشهر و اهواز و همچنین در همین منطقه عملیاتی دزفول نبردهائی با دشمن کرده بودند، ولی اکثریت آنها عملیات تأخیری و عقب نشینی بود. چند حمله متقابل در اهواز و پای پل نیز در سطح وسیعی نبود. بنابراین می توان گفت که حمله متقابل لشکر ۲۱ پیاده، اولین عکس العمل شدید ما و زور آزمائی ما بود. هیچ یک از فرماندهان، قبل از این حمله تجربیات قابل ملاحظه عملی در نبرد تعرضی نداشتند. پرسنل لشکر ۲۱ به خصوص خدمه تانکها نه تنها تجربه علمی نداشتند، حتی آموزش زمان صلح کافی نیز نداشتند. در چنین شرایطی مواجه شدن با این وضعیت بحرانی که برای همه تازگی داشت، حل کردن مشکل و تصمیم گیری صحیح کار آسانی نبود. البته باز لازم می دانم تکرار کنم بزرگ ترین مشکل، ضعف کنترل و فرماندهی در کلیه رده های فرماندهی بود. حدود ساعت ۱۱۰۰ لشکر آخرین وضعیت را چنین گزارش کرد، تیپ ۱ در شمال جاده علی گره زد در ۳ کیلومتری غرب سه راهی رادار متوقف شده و ۳/۴ پرسنل و وسایل خود را از دست داده و در حال محاصره شدن است. گروه رزمی ۲۹۱ تانک درشیار شرقی سه راهی رادار زمین گیر شده و در حال محاصره دشمن است. تعدادی خدمه زخمی و تعدادی تانکهای بی خدمه رها شده در منطقه باقیمانده است.

حقیقت امر این بود که از ساعت ۱۰۰۰ به بعد که دشمن ضربات سختی به تانکهای ما وارد می کرد، تعدادی از خدمه تانکها دچار وحشت و اضطراب شده بودند، به عناوینی به عقب برمی گشتند. مثلاً تانکی را در حال عقب نشینی متوقف کرده بودند، وقتی که علت عقب نشینی را سؤال کرده بودند، یکی از خدمه گفته بود یکی از خدمه تانک زخمی شده است و می خواهم او را به بهداری رسانم. تعدادی از خدمه ها نیز تانکها را رها کرده و به حالت پیاده به تپه های شمالی جاده پناه برده بودند.

در ساعت ۱۲۰۰ تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی گزارش داد که سازمان لشکر ۲۱ پیاده از هم گسیخته و بعضی از عناصر لشکر عقب نشینی می کنند و دشمن در تعقیب آنها است و به سرپل نزدیک می شود. ضمناً درخواست آتش پشتیبانی آتش کرد. هم زمان با این گزارش تیپ ۲ زرهی، لشکر ۲۱ پیاده گزارش کرد که دشمن تقریباً کلیه وسایل سنگین لشکر را با موشک منهدم کرده است و چنانچه

پشتیبانی آتش قوی باشد، لشکر می‌تواند عناصر باقیمانده به سرپل عقب بکشد و گرنه همه نیروهای رزمنده لشکر نابود خواهند شد. فرمانده لشکر درخواست تدبیر فرماندهی نیروی زمینی را کرد.

لازم به تذکر است که در مدت‌زمان حمله لشکر ۲۱ پیاده در روز ۲۳ مهر، تقریباً همه فرماندهان رده‌بالا تر یعنی فرمانده کل قوا، نخست‌وزیر وقت (شهید رجایی)، جانشین ستاد مشترک (سرتیپ فلاحی) وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی (شهید فکوری) و تعدادی از مقامات سیاسی و روحانی در منطقه عملیات در شرق رودخانه حضور داشتند. فرمانده نیروی زمینی (سرتیپ ظهیرنژاد) نیز شخصاً در منطقه بود و حضوراً وضعیت میدان نبرد را مشاهده می‌کرد، ولی ارتباط لشکر از لحاظ گزارش وضعیت منطقه نبرد و دریافت دستور با قرارگاه مقدم بود و مبادله پیام‌ها و دستورات از طریق قرارگاه مقدم انجام می‌گرفت. من (سرهنگ حسینی) گردآورنده این مدارک در آن موقع جانشین عملیاتی فرمانده نیروی زمینی در قرارگاه مقدم جنوب بودم. در روز حمله مورد بحث نیز هدایت آن قسمت از عملیات که به قرارگاه ارجاع می‌شد، من شخصاً به عهده داشتم. البته فرمانده نیرو این اختیار را به من داده بود با وجود اینکه فرمانده نیرو شخصاً در صحنه عملیات حضور داشت، کلیه دستورات قرارگاه مقدم نیرو، از طرف من صادر شده است.

فرمانده لشکر ۲۱ پیاده مجدداً گزارش کرد که عناصر تیپ ۱ که در محور علی‌گره زد پیشروی می‌کرد، اکثراً از بین رفته است. فرمانده لشکر اظهار کرد که دستور داده است تا آخرین نفر مقاومت کنند و شهید شوند خود فرمانده لشکر نیز در خط مقدم تا آخرین نفس باقی خواهد ماند. احتمالاً منظور از این گزارش فرمانده لشکر این بود که اجازه عقب‌نشینی به لشکر داده شود. ولی فرمانده نیرو با عقب‌نشینی موافق نبود و تصور می‌شد اگر تیپ ۱ لشکر بتواند یگان‌های خود را کنترل کند، می‌تواند در همان ابتدای جاده دهلران یگان‌ها را به دامنه جنوبی تپه‌های شمالی جاده که در اشغال دشمن نبود بکشد و در همان محلی که هستند دفاع کند و این کار امکان‌پذیر بود. لذا قرارگاه مقدم به لشکر دستور داد در منطقه‌ای که هست دفاع کند و به مقاومت ادامه دهد. پشتیبانی هوایی قوی برای لشکر درخواست گردید، ولی نگرانی از شکست لشکر ۲۱ لحظه‌به‌لحظه شدیدتر می‌شد. لذا عناصر لشکر ۱۶ زرهی به شرق رودخانه تغییر مکان داده شد و در ساعت ۱۲۰۰ اولین عناصر لشکر ۱۶ زرهی در منطقه شهرک بابک مستقر گردید.

فشار دشمن شدیدتر و تلفات لشکر ۲۱ زیادتر می‌شد و قدرت مقاومت تیپ ۱ پیاده در شرف نابود شدن بود، تا اینکه در ساعت ۱۳۳۰ تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی گزارش کرد عناصر لشکر ۲۱ با وضع ناراحت‌کننده‌ای در حال عقب‌نشینی هستند

و این وضع سبب تضعیف روحیه مدافعین سرپل شده است. بالاخره عناصر لشکر ۲۱ پیاده از ساعت ۱۴۰۰ با وضع نا به سامان و رقت بار و بدون سازمان عقب نشینی کردند. تلفات بیشتر در تیپ ۱ آن هم در گردان تانک بود. به هر حال عناصر تیپ ۱ لشکر با عقب‌نشینی تانک‌ها که بدون دستور بود، شروع به عقب‌نشینی کردند. وضعیت آرایش و سازمان رزمی تیپ ۱ به کلی از هم گسیخت. شرایط اسفباری به وجود آمد. فرماندهان رده‌های بالاتر که در پای پل بودند، با نگرانی غیرقابل وصفی شاهد فرار عناصر لشکر ۲۱ بودند و سعی می‌کردند جلوی فرار پرسنل را بگیرند. تعدادی از افسران قرارگاه مقدم از جمله، سرهنگ حشمت و سرهنگ شهلائی به پای پل اعزام شدند تا پرسنل فراری لشکر را جمع‌آوری کنند و به آنها سازمان بدهند. ولی وضعیت، وخیم‌تر از آن بود که کسی قادر باشد جلوی این ازهم‌گسیختگی را بگیرند. خدمه تانک‌ها، حتی تعدادی تانک سالم را با موتور روشن رها کرده و فرار کرده بودند. باید یادآور شد که گردان ۱۳۱ پیاده زیر امر تیپ ۱ هنوز تلفات زیادی ندیده بود. چون هنوز عملاً فقط تانک‌ها با دشمن درگیر شده بودند و پیاده‌ها وارد عمل نشده بودند و وارد عمل هم نشدند. ولی با مشاهده عقب‌نشینی تانک‌ها، عناصر گردان ۱۳۱ پیاده نیز هیجان‌زده عقب‌نشینی کردند. حتی گردان توپخانه کمک مستقیم تیپ یک نیز باوجود اینکه در تیررس مستقیم دشمن نبود، به تپه‌های شرقی سرپل در غرب رودخانه عقب‌نشینی کرده. با ایجاد این وضعیت اسفبار، به لشکر ۲۱ پیاده دستور داده شد، گروه رزمی ۲۹۱ و گردان سوار زرهی را نیز به عقب بکشد و یگان‌های لشکر را در شرق رودخانه جمع‌آوری کند. ولی یک گروهان تانک از گردان ۲۹۱ را که آسیب کمتری دیده بود، در حین عقب‌نشینی در منطقه سرپل باقی بگذارد و زیر امر تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی قرار دهد. به تیپ ۲ زرهی دستور داده شد، با زیر امر گرفتن یک گروهان تانک ام ۴۷ از گردان ۲۹۱ تانک، سرپل را به هر قیمتی شده حفظ کند. فرمانده این تیپ سرهنگ زرهی ستاد امرا... شهبازی که حدود ۱۷ روز بود مسئولیت این منطقه نبرد را عهده‌دار بود و فرماندهی و عناصر تیپ به شرایط سخت میدان نبرد آشناتر بودند، به قرارگاه مقدم نیرو پاسخ داد. به هر قیمتی شده سرپل را حفظ خواهد کرد و همین کار را کرد.

تیپ ۳ لشکر ۲۱ که با سه گردان پیاده در شمال غربی منطقه حمله بایستی وارد عمل می‌شد، عملاً هیچ فعالیتی نکرد و هیچ درگیری با دشمن پیدا نکرد و هیچ گزارشی از وضعیت این تیپ در حدود ۱۲ ساعت مدت این عملیات نرسید. نظر قرارگاه مقدم نیرو این بود که حداقل این تیپ ارتفاعات شمال جاده دهلران را اشغال و در آن باقی بماند. ولی لشکر ۲۱ گزارش کرد که این تیپ از لشکر جدا شده و با توجه به اینکه دشمن آسیبی ندیده، احتمالاً ممکن است شبانه

حمله را ادامه دهد و این تیپ را هم متلاشی سازد لذا به لشکر اجازه داده شد فعلاً کلیه عناصر لشکر را در شرق رودخانه جمع‌آوری کند. دشمن عملاً از تعقیب لشکر ۲۱ خودداری کرد. به نظر می‌رسد گزارشات لشکر که بر اساس گزارشات واحدهای در خط به خصوص تیپ یک پیاده ارسال می‌شد، اغراق‌آمیز بود. البته دشمن تلفات سنگینی به تانک‌های تیپ یک وارد کرد، ولی همه آنها را از موضع آتش پدافندی با موشک و تانک زدند. در حمله متقابل، سبب اصلی شکست لشکر هم انهدام تانک‌های لشکر شدند. چنانکه در گزارشات نهایی که لشکر داد، لشکر حدود ۶۰ دستگاه تانک از دست داده بود که بیش از ۵۰ دستگاه آن تانک چیفتن، یعنی از تانک‌های زیر امر تیپ یک پیاده بود و گردان ۲۹۱ تانک که حدود ۳۰ دستگاه تانک داشت کمتر از ده دستگاه تانک از دست داد. گردان سوار زرهی نیز تعداد معدودی اسکورپیون از دست داد و تلفات پرسنلی لشکر نیز حدود ۴۰۰ نفر شهید و مجروح و مفقود بود.

با شرایطی که بیان شد، باقی مانده لشکر ۲۱ پیاده به شرق رودخانه عقب‌نشینی کرد. آخرین عنصری که به عقب آمد، نفربر پاسگاه فرماندهی فرمانده لشکر بود که فرمانده لشکر داخل آن بود و سرهنگ باوندپور نیز همراه فرمانده لشکر بود. مجدداً مسئولیت دفاع سرپل به تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی و سایر عناصر همراه این تیپ محول گردید. فرمانده تیپ شبانه گزارش داد، صدای موتور تعدادی تانک چیفتن از منطقه نبرد به گوش می‌رسد و نیروهای دشمن جرئت نکردند جلوتر بیایند و آنها را به عقب ببرند و پیشنهاد کرد، تعدادی از خدمه تانک لشکر ۲۱ به منطقه برود و آنها را به عقب بیاورند. ولی با شرایطی که در این روز برای واحد تانک لشکر به وجود آمده بود، این کار انجام نگرفت. روز بعد تعدادی از تانک‌ها که سالم بودند یا قابل تعمیر بودند و در نزدیکی سرپل بودند به عقب آورده شدند. گردان ۲۹۱ تانک در موقع عقب‌نشینی یک گروهان تانک را در سرپل باقی گذاشت. احتمالاً فرمانده گردان در آن شرایط نتوانست اعمال فرماندهی کند و این دستور را اجرا نماید. این دستور در روز ۲۴ مهر اجرا شد و گردان ۲۹۱ تانک ۷ دستگاه تانک ام ۴۷ به غرب رودخانه فرستاد و در اختیار تیپ ۲ زرهی قرار داد. نتیجه نبرد ناموفق لشکر ۲۱ پیاده در روز ۲۳ مهر، نه تنها یک لشکر نیمه آماده را از کار انداخت بلکه این عدم موفقیت، در روحیه پرسنل تیپ ۲ زرهی و سایر مدافعین سرپل نیز اثر بدی گذاشت، به نحوی که آنها نیز مدام درخواست تعویض می‌کردند. دشمن در روز ۲۴ مهر حرکات قابل ملاحظه‌ای در منطقه پای پل انجام نداد و قرارگاه مقدم جنوب موفق شد به وضعیت آشفته منطقه سر و سامانی بدهد و با استفاده از عناصر سازمان‌یافته لشکر ۱۶ زرهی، وضعیت پدافندی شرق رودخانه را بهبود بخشد و آمادگی بیشتری برای دفع حمله احتمالی دشمن به سرپل پیدا نماید.

در روز ۲۵ مهر خلبانان هوانیروز که در منطقه عملیات کرخه در حال انجام مأموریت‌های رزمی بودند گزارش دادند که یگان‌هایی از دشمن در حال حرکت به سمت سرپل مشاهده شده‌اند. بر اساس این اطلاع به نیروی هوایی و هوانیروز و توپخانه‌های پشتیبانی دستور داده شد، با هر چه که در توان دارند جلوی پیشروی دشمن را با آتش سد نمایند. به تیپ ۲ زرهی دستور داده شد آماده در هم شکستن حمله دشمن باشد. ولی این حمله دشمن جدی نبود و اگر حرکاتی هم در منطقه کرده بود در اثر آتش‌های انبوه توپخانه هوایی متوقف گردید.

در همین روزها وضعیت منطقه خرمشهر بسیار بحرانی بود. خرمشهر سقوط کرده بود و دشمن در جنوب دارخوین از رودخانه کرخه عبور کرده و راه ارتباطی جزیره آبادان را با اهواز و ماهشهر قطع کرده بود و جزیره از راه زمین در محاصره قرار گرفته بود. تنها لشکر نیمه آماده ما که لشکر ۲۱ پیاده بود، در شرایطی که بیان شده قرار گرفته بود. در این شرایط شهید تیمسار فلاحی جانشین ستاد مشترک در نظر گرفت، با حداقل امکانات به سرپل دشمن در شمال آبادان حمله کند و مستقیماً به لشکر ۲۱ دستور داده بود، یک گردان پیاده از طریق اندیمشک اهواز، سربندر ماهشهر اعزام کند. لشکر گردان ۱۴۴ پیاده را که در عملیات ۱۲ مهرماه زیر امر تیپ ۳ پیاده بود و در عملیات درگیر نشده بود، برای این مأموریت پیش‌بینی کرد. در روز ۲۵ مهر این گردان به ماهشهر اعزام شد. از خاطره غم‌انگیزی که من (سرهنگ حسینی) از اعزام این گردان دارم، این است که در روز ۲۵ مهر فرمانده گردان به من به‌عنوان جانشین عملیات نیروی زمینی مراجعه کرد و گفت من در اجرای دستور گردان را به ماهشهر می‌برم، ولی اطلاع داشته باشید که این گردان حتی یک دستگاه بیسیم فرماندهی ندارد که من با رده‌بالا تر و گروهان‌ها ارتباط بگیرم. سایر تجهیزات گردان هم در همین حدود است. من، فرمانده لشکر مذاکره کردم و گفتم از هر یگانی که مقدور است تا حد توان و امکان، وسایل به این گردان واگذار شود. این گردان به ماهشهر اعزام شد و در آبان ماه تقویت شد. با یک گروهان تانک اولین حمله متقابل را به سرپل دشمن در شمال آبادان کرد، ولی بیش از ۵۰ درصد پرسنل و وسایل موجود خود را از دست داد که شرح جریان این عملیات در قسمت مربوط به عملیات فرماندهی اروند بیان شده است. در روز ۲۶ مهر اتفاق مهمی رخ نداد. قرارگاه مقدم جنوب با توجه به شرایط جدید طرح دفاعی منطقه را تهیه کرد و به لشکر ۲۱ ابلاغ شد، مسئولیت دفاع از شرق رودخانه را در منطقه عملیات دزفول شوش به عهده بگیرد. یگان‌های موجود لشکر را سریعاً تجدید سازمان کند و پوشش کرانه شرقی رودخانه کرخه، از جنوب شوش تا کانال توانا در ۴۰ کیلومتری شمال اهواز با گردان ۲۴۷ سوار زرهی لشکر (که قسمتی از وسایل خود را از دست داده بود) برقرار سازد. ضمناً دشمن برای

جمع‌آوری وسایل باقیمانده و همچنین جمع‌آوری اجساد شهدای باقیمانده پرسنل لشکر ۲۱ در منطقه عملیات ۲۳ مهر اقدامی نکرد، با توجه به گرما، اجساد شهدا در حال متلاشی شدن بود. به لشکر دستور داده شد به هر طریق ممکن است اجساد شهدا را از منطقه جمع‌آوری کند. این عمل در روزهای ۲۷ به بعد انجام شد. شهدا و وسایل باقیمانده که امکان حمل آنها بود، جمع‌آوری و به عقب آورده شدند. برابر گزارش گروه هوانیروز، این یگان در عملیات روز ۲۳ مهر، ۵۲ سورتی پرواز در ۶۱ ساعت انجام داده بود و خسارات و تلفات قابل ملاحظه‌ای به دشمن وارد کرده بود. در روز ۲۴ مهر نیز برای جلوگیری از حمله احتمالی دشمن ۳۳۲ سورتی با ۵۱ ساعت پرواز انجام داد. یک فروند هلی کوپتر کبری در این روز بر اثر اصابت گلوله دشمن سقوط کرد و دو سرنشین آن به اسامی ستوان یار براتعلی نمایان و سلطانعلی سلاح لو شهید شدند.

در روز ۲۸ مهر اطلاع رسید که احتمالاً دشمن در روز ۲۹ مهر برای تصرف سرپل حمله خواهد کرد. دستورات آمادگی به تیپ ۲ و لشکر ۱۶ و ۲۱ داده شد، ولی در روز یادشده دشمن اقدام مهمی نکرد و همه نیروهای متجاوز در منطقه به حالت پدافندی درآمدند و تا روز نهم آبان ماه ۱۳۵۹ اتفاق مهمی در این منطقه عملیات رخ نداد.

در روز نهم آبان نیروی متجاوز برای عقب راندن نیروهای شرق رودخانه کرخه با یک لشکر مکانیزه حمله کرد که جریان این حمله و دفاع نیروهای ما در بخش مربوط بیان شده است.

#### ۹- مسائل مهم لجستیکی در حمله لشکر ۲۱ پیاده در ۲۳ مهرماه ۱۳۵۹

توجه - جزئیات مسائل لجستیکی این نیرو شامل تلفات و ضایعات و مشکلات لجستیکی در بخش جداگانه‌ای به وسیله افسران متخصص امور لجستیکی بررسی می‌شود. در این قسمت، نکات مهم لجستیکی که در جریان عملیات مؤثر بودند به‌طور اختصار بیان می‌شود.

به‌طور کلی با توجه به اینکه این عملیات کمتر از ۱۰ ساعت طول کشید و مسافتی را که لشکر حرکت کرد کمتر از ۱۰ کیلومتر بود، مسائل ویژه‌ای در حین عملیات از نظر پشتیبانی‌های لجستیکی به وجود نیامد. لشکر برای وارد عمل شدن، کمبودهای زیادی داشت که در اینجا مورد بحث قرار نمی‌گیرد. نکات لجستیکی مهم در حین اجرای عملیات به شرح زیر قابل ذکر می‌باشد.

#### الف- وسایل عبور از رودخانه.

با وجود اینکه یک پل ثابت فلزی و یک پل شناور نظامی در منطقه بود و یگان‌های عبور کننده لشکر با توجه به کسورات سازمانی که داشتند چندان



زیاد نبودند مدت زمان عبور ۸ ساعت پیش‌بینی شده و عملاً از این مدت هم تجاوز کرد. پل فلزی که در منطقه بود حداکثر تناژ آن ۴۰ تن تعیین شده بود و تانک‌های چيفتن با حدود ۵۶ تن و عرض زیاد نمی‌توانستند از پل بگذرند. لذا برای عبور تانک‌ها یک پل شناور پی‌ام پی با تناژ ۶۰ تن احداث شده بود. چنانچه طرح عبور صحیحی تهیه و اجرا می‌شد. بایستی عناصر لشکر که جمعاً حدود یک تیپ پیاده و یک تیپ زرهی بودند، در مدت کمتر از ۲ ساعت از این پل‌ها می‌گذشتند. مسئله حساسی که در منطقه عملیات خوزستان وجود داشت، کم بودن تعداد پل ثابت بر روی رودخانه‌های کرخه و کارون و محدود بودن مقدرات پل‌زنی بود. بایستی از هر پل ثابت یا نظامی به نحو کمال مطلوب استفاده می‌شد و ضمن نگهداری تاکتیکی و تکنیکی از پل‌ها در کاربرد پل‌های نظامی حداکثر صرفه‌جویی به عمل می‌آمد. البته در طول عملیات از لحاظ پل پشتیبانی مؤثر به عمل آمد و تأخیری در طرح‌ها ایجاد نشد.

#### ب- تخلیه وسایل از کارافتاده.

گرچه در بحبوحه جریان نبرد نمی‌توان به فکر وسایل از کارافتاده بود، مگر اینکه وضعیت میدان نبرد اجازه دهد. ولی در هر حال فرمانده باید طرحی برای اخراجات و تخلیه وسایل داشته باشد. فرماندهی پشتیبانی لشکرها و عناصر پشتیبانی تیپ‌ها و گردان‌ها نیز باید در جریان میدان نبرد وظایف خودشان را اجرا کنند. این وضع چندان مطلوب نبود و اقدام مؤثری برای وسایل از کارافتاده به عمل نمی‌آمد و روش ویژه‌ای اجرا نمی‌گردید. البته لازم به تذکر است که نیروهای دشمن هم توانایی این کار را نداشتند. چنانکه تعدادی از تانک‌های سالم لشکر ۲۱ چند روز در منطقه نبرد باقی ماند و دشمن برای بردن آنها اقدام نکرد، تا اینکه عناصر لشکر ۲۱ آنها را به عقب تخلیه کردند.

#### پ- همراه داشتن وسایل غیر رزمی.

نظر به اینکه این عملیات برای عناصر شرکت‌کننده کاملاً تازه‌گی داشت، در سازمان رزمی برای حرکت به منطقه نبرد رعایت اصول حرکت تیپ‌ها و وسایل لجستیکی نشده بود. در آمار تلفات و ضایعات که بعدها به‌وسیله یگان‌ها گزارش شد، مقداری وسایل خواب نیز منظور شده بود و این آمارها نشان می‌داد که اغلب پرسنل قبل از حرکت وسایل غیر رزمی را نیز به خودروهایی محدودی که در دسترس بود بارگیری کرده و همراه خود به میدان نبرد برده بودند. در عملیات بعدی به فرماندهان دستور داده شد، از این کار جلوگیری نمایند.

### ۱۰- نتیجه‌گیری کلی عملیات لشکر ۲۱ پیاده

با توجه به مطالبی درباره این نبرد بیان شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که به‌طور کلی این عملیات برای لشکر ۲۱ پیاده خیلی زود بود. این لشکر آمادگی کافی برای اجرای این مأموریت تعرضی را نداشت و در اتخاذ تصمیم برای وارد عمل کردن این لشکر عجله شده بود. لشکر در زمان دریافت مأموریت، در ۱۹ مهر هنوز در حال تغییر مکان از تهران به اندیمشک بود. هنوز قسمتی از واحدهای توپخانه و پشتیبانی لشکر به منطقه وارد نشده بودند. ستاد لشکر در ۱۹ مهر وارد منطقه نشده بود. پرسنل لشکر هیچ‌گونه آشنایی به منطقه عملیات و وضعیت جبهه جنگ نداشتند و به مخاطرات و مشکلات و هیجانات و تلفات و ضایعات میدان نبرد برخورد نکرده بودند و گوش‌هایشان به انفجارات بمب‌ها و گلوله‌ها و صدای ناله زخمی‌ها و چشم‌هایشان به مشاهده کشته‌ها و دست‌وپا از دست‌داده‌ها عادت نکرده بود. در نتیجه کمترین تجربه‌ای از خصوصیات میدان نبرد نداشتند.

از نظر طرح‌ریزی نیز فرماندهان عملیات ساده‌تر از آنچه که ممکن بود باشد تصور کرده بودند طرح بسیار ساده‌ای که فقط مسیر پیشروی را مشخص می‌کرد تهیه کرده بودند. با وجود اینکه لشکر عمدتاً پیاده بود و بایستی تدابیر فرماندهان بر اساس کاربردهای واحدهای پیاده اتخاذ می‌شد، ولی عملاً تدابیر کاربرد واحدهای زرهی را آن‌هم با خوش‌بینی خیلی زیاده از حد به کار برده بودند، به نحوی که طرح حمله به جای حمله تطبیق شده، شبیه عملیات استفاده از موفقیت و تعاقب بود. البته یکی از علل این امر، دست‌کم گرفتن و زبون دانستن دشمن بود. زیرا در بعضی از فرماندهان این توهم به وجود آمده بود که افراد دشمن قدرت کمترین مقاومت را ندارد، به محض کمترین فشار از طرف نیروهای ما به افراد دشمن یا تسلیم خواهند شد یا فرار خواهند کرد. این به اصطلاح خوش‌باوری بیش‌ازحد، یکی از بزرگ‌ترین علل شکست لشکر ۲۱ پیاده بود.

از نظر استفاده از توان رزمی موجود نیز لشکر عملاً قدرت رزمی پیاده خود را که تیپ ۳ با ۳ گردان پیاده بود، بدون استفاده در یک منطقه که بیش از ۱۰ کیلومتر با سایر یگان‌ها فاصله داشت مستقر کرده بود. البته در طرح قرارگاه مقدم نیرو به لشکر توصیه شده بود یگانی در تپه‌های شمالی بگمارد تا به محض وصول یگان تلاش اصلی به تپه علی‌گره‌زد آن یگان از سمت شمال به دشمن ضربه بزند. ولی لشکر بیش‌ازحد لازم نیرو به این مأموریت اختصاص داده بود و در نتیجه لشکر عملاً از ۵۰ درصد توان خود عملاً محروم شد و تیپ ۳ پیاده هیچ عمل مؤثری انجام نداد.

در هدایت عملیات، هنگام برخورد به مقاومت ضدتانک دشمن، گردان‌های تانک نتوانستند تدابیر صحیحی اتخاذ کنند و سریعاً خود را از برد موشک‌های

ضدتانک خارج سازند. چند ماه بعد از این عملیات که منطقه عملیات مورد بحث به دست نیروهای ما افتاد، مشاهده گردید که تعدادی از تانک‌های در زمین کاملاً باز در طرفین جاده آسفالته دهلران مورد اصابت موشک‌های دشمن قرار گرفته و از کار افتاده‌اند. این وضع نشان می‌داد که فرماندهان رده اجراکننده به اصول آتش و حرکت و استفاده صحیح از زمین و سایر وسایلی که در رده خدمه و دسته و گروه باید رعایت شود چندان توجه نکرده بودند. در رده‌های گروهان و گردان و تیپ نیز در تعیین محورهای پیشروی وضعیت زمین کاملاً بررسی نشده بود و طرح مانور به صورت جبهه‌ای و رخنه‌ای به مورد اجرا گذاشته شده بود. به هر حال گرچه در کلیه جنگ‌ها، هر یگان پیروز دارای حداکثر محاسن و مزایا محسوب و به یگان شکست خورده بیشترین معایب نسبت داده می‌شود، ولی حقیقت امر است که بالاخره هر پیروزی یا شکست به عللی به وجود می‌آید. ممکن است در بعضی علل اغراق‌گویی شده باشد، اما به هر حال نتیجه نهایی، وجود آن علت‌ها بوده است. در عملیات مورد بحث نیز عللی وجود داشته که کلاً در بالا مطرح شده و فهرست‌وار به شرح زیر خلاصه می‌گردد.

#### الف- محاسن

(۱) در طرح‌ریزی عملیات در رده قرارگاه مقدم جنوب، احتمال عدم موفقیت لشکر ۲۱ در نظر گرفته شده و به عناصر مدافع تیپ ۲ زرهی و سایر نیروها دستور داده شده بود. بدون دستور هیچ تغییری در وضعیت دفاعی ندهند.

(۲) لشکر ۱۶ زرهی با وجود اینکه هنوز آمادگی کافی نداشت، برای دفاع رده دوم پیش‌بینی شده و اقدامات اجرایی برای دفاع در شرق رودخانه به عمل آمده بود.

(۳) در حدود مقدمات، پشتیبانی آتش هوایی و هلیکوپتر و توپخانه پیش‌بینی شده بود و این عناصر به‌طور مؤثر جلوی حوادث بسیار بد را گرفتند.

(۴) با وجود اینکه تیپ ۱ و گروه رزمی ۲۹۱ و گردان سوار زرهی به‌سختی با دشمن درگیر شدند و به دام دشمن افتادند و در خط محاصره و انهدام کامل قرار گرفتند، ولی به‌طور نسبی موفق شدند از دام دشمن رها شوند و عقب‌نشینی کنند. چنانکه تعداد پرسنلی که به دست دشمن اسیر شدند، بسیار کم بود. بخصوص گروه رزمی ۲۹۱ و گردان سوار زرهی این بار با وضع بهتری عقب کشیدند.

#### ب- معایب

(۱) تصمیم‌گیری برای وارد عمل کردن لشکر ۲۱ با عجله اتخاذ شده بود و لشکر برای این مأموریت آمادگی نداشت.

(۲) در رده لشکر و تیپ و گردان‌ها شناسایی کافی از منطقه به عمل نیامده بود و اطلاع کافی از دشمن در اختیار لشکر قرار داده نشده بود و در نتیجه لشکر

در طرح‌ریزی به این دو عامل مهم (زمین و دشمن) توجه چندانی نکرده بود. (۳) باوجود اینکه لشکر پیاده بود و فقط دو گردان تانک داشت، اساس عملیات لشکر بر مبنای عملیات واحدهای زرهی و مکانیزه طرح‌ریزی شده بود. (۴) نوع مانور انتخاب‌شده مناسب با وضعیت زمین و دشمن نبود، لذا یگان‌های لشکر در هنگام پیشروی بیشتر از پهلو، زیر آتش جنگ‌افزارهای ضدتانک دشمن قرار گرفتند.

(۵) اصل مانور که در مفهوم کلی به معنی آتش و حرکت از کوچک‌ترین رده تا بالاترین رده می‌باشد مورد توجه قرار نگرفته بود. به طوری که وضعیت نشان می‌داد، گردان‌های حمله‌ور بدون اتخاذ یک آرایش رزمی صحیح در رده دسته و گروهان و گردان پیشروی کرده بودند.

(۶) حرکت با خیز متناوب یا متوالی و رعایت آتش و حرکت که خود می‌تواند مبنای مانور احاطه‌ای در تمام رده‌های فرماندهی باشد به کار گرفته نشده بود.

(۷) فرماندهی و کنترل بسیار ضعیف بود و در هنگام برخورد به مقاومت دشمن، فرماندهان نتوانستند یگان خود را رهبری کنند.

(۸) تحرک فکری در فرماندهان ضعیف بود. باوجود اینکه تپه‌های شمالی محل مناسبی برای نجات پیدا کردن از وضع بحرانی بود، فرماندهان نتوانستند واحد خود را به سمت شمال تغییر جهت دهند و سریعاً از زیر آتش جنگ‌افزارهای ضدتانک خارج کنند.

(۹) به نظر می‌رسد علت اصلی تمام این معایب این بود که لشکر ۲۱ مانند سایر یگان‌های نیروی زمینی در قبل از آغاز جنگ به علل حوادثی که اتفاق افتاده بود، کار آیی رزمی خود را از دست داده بودند و نیاز به حرکت و جنبش و فعالیت و پشتیبانی جدید و همچنین کسب تجربه عملی در میدان نبرد داشتند که خوشبختانه همین لشکر در همین عملیات همه آن چیزهایی را که لازم داشت به‌طور نسبی به‌دست آورد. همین لشکر شکست‌خورده در فاصله ۱۵ روز چنان تغییر حالت داد که در روز نهم آبان در مقابل حمله شدید یک لشکر مکانیزه دشمن، همین تیپ یک لشکر شجاعانه مقاومت کرد و دشمن را وادار به فرار نمود.

## بخش دوم: نقل از منابع مختلف

تک ۲۳ مهر و پدافند ۹ آبان ۵۹ لشکر ۲۱ پیاده به نقل از منابع مختلف  
توضیح: گردآوری و انتخاب مطالب بخش دوم این کتاب برای بهره‌برداری بیشتر  
و کامل‌تر علاقمندان و پژوهشگران مربوطه، توسط سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی  
صادقی‌گویا انجام گرفته است.

## تک لشکر ۲۱ پیاده حمزه در ۲۳ مهر ۵۹ به نقل از پایان‌نامه دانشجویان دافوس، سرهنگ ۲ پیاده سید نورالدین مکی و سرگرد توپخانه نجاتعلی صادقی‌گویا در سال ۱۳۶۲.

توضیح: در این قسمت مطالبی از پایان‌نامه یادشده گزیده و برداشت‌شده است که در متن اصلی کتاب جناب سرهنگ حسینی اشاره نشده و یا با نگاه دیگر به آن پرداخته‌شده است.

### قسمت پنجم: تجزیه تحلیل

.....  
.....  
.....

### همه‌نگی

#### الف- بین رده‌های مختلف فرماندهی

(۱) بین فرمانده قرارگاه مقدم نیروزمینی در دزفول و فرمانده لشکر ۲۱ پیاده که در این منطقه وارد عمل می‌شد همه‌نگی وجود نداشت. زیرا سرهنگ و شوساز معتقد بود که لشکر هنوز کاملاً به منطقه وارد نشده و از طرفی آشنایی به این منطقه ندارد. حتی اطلاعاتی هم از منطقه عملیات و استعداد گسترش دشمن ندارد و باید یک مدتی فرصت داده شود تا بتواند عملیات را شروع نماید. ولی نظر فرمانده نیروزمینی این بود که حمله زودتر از بیستم حداکثر بیستم مهر اجراء شود. ولی با تأکید فرمانده لشکر ۲۱، حمله ۴۸ ساعت به تأخیر افتاد. فرمانده لشکر ۲۱ پیاده صرفاً یک دستور نظامی را اجراء نمود.

(۲) بین فرماندهان گردان و تیپ بالشکر نیز به همین ترتیب همه‌نگی وجود نداشت زیرا طرح‌ها و دستورات عملیاتی رده‌های تیپ و گردان دقیقاً بررسی نشده و حتی همه‌نگی با یگان‌های مجاور هم به عمل نیامده و حتی یگان‌های پشتیبانی کننده و پشتیبانی شونده به‌طور کامل یکدیگر را نمی‌شناختند. فقط همه‌نگی در تفهیم مأموریت کلی شد.

(۳) بین فرماندهان گروهان‌ها و پرسنل عمل کننده همه‌نگی آنچنان وجود نداشت. هنوز جو موجود در انقلاب و حالات قبول نداشتن فرمانده در بعضی از پرسنل که می‌خواستند شانه از زیر بار مسئولیت خالی نمایند، وجود داشت.

#### مسائل عملیاتی موثر در تک لشکر ۲۱ پیاده حمزه در ۲۳ مهر ۱۳۵۹

##### الف - تاریخچه و وضعیت لشکر ۲۱ تارسیدن به منطقه عملیات

لشکر ۲۱ پیاده حمزه از ادغام لشکر ۱ و ۲ پیاده مرکز که در تهران مستقر بودند، تشکیل شده بود. منتها شروع این ادغام از تاریخ ۱۸ شهریور ۵۹ انجام گرفت. لشکر ۱ پیاده مرکز از همان آغاز پیروزی انقلاب از فروردین ۵۸ تا زمان ادغام دو لشکر، از ابتدا نفرات داوطلب و سپس گردان و گروهان‌هایی به منطقه کردستان و گنبد جهت برقراری و تأمین اعزام داشته و نسبتاً شهدای زیادی تقدیم انقلاب اسلامی نموده بود.

منتها این لشکر با تمام امکاناتی که داشت، اما سازمان رزمی یک لشکر پیاده را نداشت و به‌عنوان یک لشکر نمی‌شد آن را به کاربرد.

لشکر ۲ پیاده مرکز نیز شامل ۲ تیپ بود و تیپ ۳ آن بعد از انقلاب منحل و نفرات باقیمانده آن بین سایر یگان‌ها تقسیم شدند. این لشکر نیز از فرودین ۵۸ تا زمان ادغام، یگان‌هایی به استعداد گروهان و گردان و گروه رزمی گردانی به کردستان و گنبد جهت برقراری تأمین اعزام داشته بود و حتی در زمان ادغام و جنگ نیز یگان‌هایی از این لشکر در منطقه کردستان بودند و نسبتاً شهدای زیادی تقدیم انقلاب اسلامی نموده بود.

با توجه به وضعیت اشاره‌شده، دو لشکر و علل دیگر، نیروی زمینی تصمیم گرفت این دو لشکر را ادغام نموده و یک لشکر با سازمان و استعداد رزمی کافی و مناسبی تشکیل و تیپ‌گردان را نیز از لشکر ۱ منفک و به نام تیپ ۳۰ مستقل گردان نامگذاری نماید. بعد از ادغام، در ابتدا به نام لشکر ۲ پیاده مرکز نامگذاری شد و فرمانده آن نیز سرهنگ ورشوساز فرمانده سابق همین لشکر منصوب گردید و بعد از حدود ۲ ماه این لشکر به نام لشکر ۲۱ پیاده حمزه عنوان یافت.

با توجه به زمان شروع ادغام دو لشکر و زمان شروع جنگ، یگان‌هایی که می‌بایست ادغام شوند فرصت کمی یافتند، ولی با این ترتیب به‌محض شروع جنگ فرمانده لشکر اعلام آمادگی جهت حرکت به منطقه عملیاتی نمود. ضمن این که در فاصله ۶/۲۴ تا ۷/۱ لشکر دو گردان ۱۳۸ و ۱۴۱ را که از یگان‌های خوب لشکر بودند جهت رویارویی با دشمن، به دستور نزاجا به منطقه جنوب، در قسمت فکه زیر امر لشکر ۹۲ اعزام نموده بود. اما این دو گردان نیز با دادن تلفات و ضایعات زیادی همراه دیگر یگان‌هایی که در آن زمان در مرز مستقر بودند، تحت فشار شدید دشمن عقب‌نشینی نمودند، به نحوی که دیگر از سطح عملیاتی خارج شده بودند. ضمن اینکه این دو گردان در منطقه اعزامی از فرماندهی مؤثری که این یگان‌ها زیر امر آنها قرار گرفته بودند، جهت هماهنگی عملیاتی برخوردار نبودند. از روز ۷ مهرماه یگان‌های لشکر شروع به حرکت به‌وسیله راه‌آهن نمودند و این جابه‌جایی همین‌طور ادامه داشت، به نحوی که تا روز ۲۳ مهرماه نیز هنوز تعدادی از یگان‌های لشکر وارد منطقه نشده بودند. البته لشکر به نسبت ضرورت حضور در منطقه، یگان‌ها را به ترتیب تقدم اعزام می‌داشت. اما راه‌آهن کشتش کافی نداشت و در نتیجه، این جابه‌جایی خیلی به‌کندی انجام گرفت. به طوری که زمان مسافرتی که در وضعیت معمولی حدود ۱۲ ساعت طول می‌کشید، زمان هر مسافرتی در این وضعیت به‌طور متوسط به ۳۶ ساعت و بلکه بیشتر طول می‌کشید. در حالی که سرعت پای کار آمدن یگان‌ها در آن روزها اهمیت حیاتی داشت ولی متأسفانه این جابه‌جایی با تمام تلاشی که کلیه مسئولین راه‌آهن و نظامی می‌نمودند، به‌کندی انجام گرفت. ضمن اینکه لشکر ۱۶ زرهی قزوین نیز در نوبت قرار گرفته بود و از طرفی امکان جابه‌جایی یگان‌ها از تهران تا اندیمشک به‌وسیله خودروهای نظامی نیز میسر نبود. زیرا به‌تحرک و حاضر به کاری این خودروها در

این مسیر طولانی با توجه به وضعیت نگهداری بعد از انقلاب تا روز جنگ اطمینانی نبود. (این نکته لازم به یادآوری است که همیشه منبع مورد توجه مسئولین باشد که ارتش در هر زمان می‌بایست از جهت جابه‌جایی و تغییر مکان کاملاً خودکفا باشد و وابسته به امکانات سازمان‌های کشوری نبوده، تا در حداقل زمان پای کارآید و این یکی از تجربیات جنگ است که باید استفاده و عمل نمائیم) و از طرفی امکانات ترابری نزاها نیز محدود و مناسب این جابجایی‌های وسیع در آغاز جنگ نبود.

با این ترتیب لشکر ۲۱ پیاده حمزه به منطقه عملیاتی وارد شد. ضمن این که یگان‌های لشکر مانند تمام یگان‌های نظامی از استعداد پرسنل وظیفه کمی برخوردار بود. در یگان‌های پیاده نیز پرسنل کادر افسری نیز کم بود، به طوری که در بعضی گروهان‌ها از افسران و درجه‌داران داوطلب اعزامی شهربانی به‌عنوان فرمانده گروهان و فرمانده دسته و گروهان دسته و فرمانده گروه استفاده می‌شد.

#### ب - مقدمات این عملیات

این عملیات بعد از ۲۳ روز از تجاوز عمومی ارتش متجاوز بعثی عراق انجام شد و تا این مدت حوادثی که در این منطقه اتفاق افتاده بود، خلاصه آن بدین نحو می‌باشد که قسمت‌هایی از آن از مدرک تهیه‌شده در رابطه با این عملیات به‌وسیله سرکار سرهنگ حسینی استخراج شده است.

۵- مهرماه: یگان‌های تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی و یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ و دو گردان ۱۳۸ و ۱۴۱ از لشکر ۲۱ پیاده که در منطقه عملیاتی از عین خوش، موسیان، فکه، دوسلک مستقر بودند و استعداد رزمی آنها نیز پائین بود تحت فشار شدید دشمن با دادن تلفات و ضایعات زیاد با اجرای عملیات پدافندی و تأخیری بالاخره به شرق رودخانه کرخه عقب‌نشینی کرده بودند. در این تاریخ غرب رودخانه کرخه از غرب شوش تا پل فلزی جسر نادری به اشغال نیروهای متجاوز درآمد و از طرف دشمن تلاشی جهت عبور از رودخانه و ادامه حمله به سمت اندیمشک و دزفول و شوش نشد.

۱۰- مهرماه: نزاها تصمیم گرفت با باقیمانده تیپ ۲ زرهی و تیپ ۳۷ حمله متقابله کند و سرپلی در غرب پل رودخانه کرخه تصرف نماید.

۱۱- مهرماه: این حمله انجام و تیپ موفق شد منطقه‌ای به عمق ۱ تا ۳ کیلومتر و عرض ۵ کیلومتر در غرب رودخانه تصرف تأمین نماید.

۱۱- مهرماه: فرمانده لشکر ۲۱ از تهران به منطقه عملیاتی حرکت و وارد شد.

۱۵- مهرماه: قرارگاه مقدم نزاها در جنوب در پادگان دزفول در کارخانه لاستیک‌سازی

تشکیل گردید.

۱۸- یا ۱۹ مهرماه: فرمانده لشکر ۲۱ به قرارگاه مقدم احضار و مأموریت حمله

به‌وسیله فرمانده نیرو جهت ۲۱ مهرماه ابلاغ می‌گردد ولی با اصرار فرمانده لشکر و



پیشنهاد ستاد نزاجا، به ۲۳ مهرماه موکول می‌گردد، تا لشکر فرصت بیشتری جهت شناسایی و طرح‌ریزی و هماهنگی داشته باشد. با توجه به اینکه لشکر ۲۱ و لشکر ۱۶ هر دو به این منطقه وارد و مستقر شده بودند، علت انتخاب لشکر ۲۱ جهت عملیات این بود که یگان‌های بیشتری از لشکر ۲۱ وارد منطقه شده بودند. همچنین با توجه به اینکه این لشکر پیاده بود، ولی ۳ گردان تانک داشت و تعداد تانک‌های حاضر به کار موجود آن در منطقه، از لشکر ۱۶ زرهی قزوين در این منطقه که وارد شده بود بیشتر بود.

- ۱۹ مهرماه: لشکر ۹۲ زرهی به قرارگاه مقدم نزاجا گزارش داد که نیروهای متجاوز در منطقه جنوب دارخوین از رودخانه کارون عبور کرده‌اند و جاده اهواز-آبادان قطع شده است. در همین زمان به نزاجا خبر دیگری می‌رسد که دشمن قصد عبور از رودخانه کرخه در منطقه شوش و حمله به سرپل کرخه دارد. نتیجه گرفته شد که دشمن قصد ادامه تجاوز متوقف شده خود را جهت تصرف اهواز و دزفول دارد.

- ۲۰ مهرماه: با اجرای دستور قرارگاه مقدم نزاجا، عناصر گشتی و شناسائی به غرب کرخه اعزام و گشتی‌های گردان ۱۳۸ و ۱۴۱ با دشمن درگیر و با مشکل زیادی از درگیری خارج و به عقب آمدند. جریانات فوق سبب شد با وجود اینکه مأموریت حمله به لشکر ۲۱ پیاده ابلاغ شده بود، در عین حال مأموریت دفاع در منطقه سرپل هم به لشکر واگذار گردد و لشکر دیگر امکان جمع کردن یگان و آموزش و تمرین جهت اجرای تک را پیدا ننمود. از طرفی هواپیماهای دشمن نیز در این روزها خسارات قابل ملاحظه‌ای به بار آورده بودند و مسجد سلیمان و شوش و پادگان اهواز و شهر دزفول را بمباران کرده بودند.

۱۷ و ۱۸ و ۱۹ مهرماه: دشمن با آتش شدید توپخانه مواضع یگان‌های پدافند کننده را زیر آتش گرفت. در منطقه شوش تظاهر به عبور از رودخانه کرد که با پشتیبانی هوایی و هوانیروز، حرکات دشمن درهم کوبیده شد.

۱۸ و ۱۹ مهرماه: ستاد لشکر ۲۱ حمزه در منطقه تشکیل و شروع به کار نمود

- ۲۰ مهرماه: دستور کتبی عملیاتی قرارگاه مقدم جنوب که اولین دستور عملیاتی این قرارگاه بود، به صورت دستور جزء به جزء شماره ۱ با اعلام وصول دخ-۱۷ صادر گردید. بنابراین دستور مأموریت واگذاری لشکر ۲۱ پیاده، این بود که از خط سرپل تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی در غرب رودخانه کرخه عبور از خط کند و تپه‌های علی گره‌زد و ابوصلیبی خات را تصرف نماید. چنانچه مقاومت دشمن تا وصول به این هدف‌های اول چندان مهم و شدید نباشد حمله را به سمت عین خوش و دوسلک ادامه دهد و معابر عین خوش و دوسلک را تصرف و تأمین نماید.

به لشکر ۱۶ زرهی مأموریت داده شده بود، آماده باشد با عناصر وارد شده به منطقه دزفول، عناصر لشکر ۲۱ پیاده حمزه را بنا به دستور دنبال نماید و یک گروه رزمی برای اشغال مواضع پدافندی در شرق رودخانه به منطقه پای پل اعزام کند.

به تیپ ۲ زرهی و سایر یگان‌های مستقر در کرانه کرخه دستور داده شده بود آماده

باشند پس از احراز موفقیت لشکر ۲۱ در شرق رودخانه متمرکز شوند و تجدید سازمان نمایند. (همین دستور نشان دهنده ضعف اطلاعات نزاچا از دشمن و خودی می باشد)

۲۰ مهرماه: شناسائی از منطقه عملیات تا رده فرماندهان تیپ و بعضی از فرماندهان گردان از تپه‌های شمالی با دوربین و با راهنمایی‌های پرسنل تیپ ۲ ل ۹۲ که تا حدودی به منطقه آشنا بودند انجام شد.

۲۱ مهرماه: ساعت ۰۸:۰۰ دستور عملیاتی شماره ۱ لشکر تهیه و منتشر گردید.

۲۲ مهرماه: هنگام شب، دشمن به منظور برهم زدن طرح حمله نیروهای ما به منطقه سرپل حمله کرد، ولی با اقدامات پشتیبانی آتش متوقف گردید و فرمانده تیپ ۲ در این شب خیلی اظهار نگرانی می کرد، طوری که از طریق قرارگاه مقدم نزاچا به لشکر ۲۱ دستور داده شد یک گردان پیاده جهت جلوگیری از سقوط سرپل اعزام دارد که اعزام شد. فرمانده تیپ ۲ در ساعت ۲۲:۰۰ گزارش داد که دشمن به مواضع قبلی خود عقب‌نشینی نموده و باین حال تصمیم گرفته شد که تک لشکر برابر طرح، در ۲۳ مهرماه انجام گیرد.

### مصاحبه با فرمانده لشکر، جناب سرهنگ ورشوساز:

در مصاحبه ای که با فرمانده لشکر اخیراً انجام دادیم ایشان گفتند: من خودم با نفربر در خط بودم و کاملاً اوضاع و احوال را شاهد بودم. ضمن اینکه در آن زمان آنچنان جوی وجود داشت که فرمانده می‌بایست خود همراه نفرات تک‌ور در جلو باشد تا بتوان اعمال فرماندهی نمود. اگر غیر این می‌بود دستورات فرمانده اجرا نمی‌گردید. عناصر گروهک‌ها در یگان‌ها همراه پرسنل نادان، جو متشنج ایجاد می‌نمودند. بنابراین حدود ساعت ۱۰:۰۰ وقتی وضع را چنین دیدم، دستور دادم هرکس هر جا هست متوقف شده و موضع بگیرد و خود را حفظ نماید، زیرا فکر کردم هر دستور دیگری چه پیشروی و یا عقب‌نشینی بد هم، با توجه به وضعیتی که دشمن برای خود ایجاد نموده بود، لشکر با تلفات غیرقابل تحملی روبرو خواهد شد. از آنجائیکه این دستور برای حفظ جان پرسنل حائز اهمیت بود، خیلی خوب هم اجرا شد.

حدود ساعت ۱۱:۰۰ لشکر آخرین وضعیت را چنین گزارش کرد «تیپ ۱ در شمال جاده علی‌گره زد در ۳ کیلومتری غرب سه‌راهی رادار متوقف شده و تعدادی پرسنل و وسایل خود را از دست داده و در حال محاصره شدن است. گردان سوار زرهی در شرق محور پیشروی گروه رزمی ۲۹۱ اغلب وسایل خود را از دست داده است، تعدادی خدمه زخمی و تعدادی تانک‌های بی‌خدمه رهاسده و در منطقه باقیمانده است.

فرمانده لشکر در مصاحبه اخیر خود اظهار داشت: بعد از اینکه دستور زمین‌گیر شدن یگان‌ها را دادم، حدود ساعت ۲ یا ۳ بعد از ظهر تقریباً منطقه آرام شده بود و دیگر کسی سرخود را بلند نمی‌کرد و همه در شیارها بودند و یا استتار نموده بودند. در همین زمان من خواستم با نفربر از محل خود یک خیز به عقب بیایم.

حدود ۳ موشک از اطراف ما رد شد که الحمدلله اصابت نکرد. بعد از تاریکی شب دستور دادم یگان‌ها به ترتیب عقب آمدند و در مواضع قبلی خود در شرق رودخانه مستقر شدند. نفربر پاسگاه فرماندهی لشکر آخرین عنصری بود که به عقب آمد. برابر آمار دریافت شده از لشکر ۱۰۲ شهید و ۱۶۱ مجروح و ۳۱ اسیر مفقودالایر جمعاً ۲۹۴ نفر تلفات این عملیات بود.

مجدداً مسئولیت دفاع سرپل به تیپ ۲ لشکر ۹۲ و سایر عناصر همراه این تیپ محول شد. و تعدادی از تانک‌ها که در منطقه به‌جامانده بودند و دشمن نیز جرئت تخلیه یا انهدام آنها را پیدا نکرده بود، شب‌های بعد به عقب آورده شدند. به‌گردان ۲۹۱ تانک دستور داده‌شده بود یک گروهان در سرپل باقی بگذارند اما این کار هم انجام نشد و بعد در روز ۲۵ مهرماه انجام شد.

تیپ ۳ لشکر ۲۱ نیز که در شمال غربی منطقه حمله بایستی وارد عمل می‌شد، همان‌طور که قبلاً یادآوری شد، به علت کمبود وسایل ترابری و حرکت پیاده در منطقه کوهستانی نتوانستند به تپه‌های بلتا برسند و در قسمت شرقی تپه چشمه وارد عمل شدند. باید توجه نمود که وسایل ضدتانک که جلو برده بودند. به علت اینکه عناصر زرهی عراق وارد عمل نشدند، مورد استفاده قرار نگرفت. ولی دشمن از کانال هندلی، دشمن یگان‌های تیپ ۱ را زیر آتش ما لیوتکا با سکوی زمینی قرار داده بود. ولی دشمن در برد سلاح‌های ضدتانک تیپ ۳ نبود. با متوقف شدن تیپ ۱ شرایط استفاده از تیپ به وجود نیامد. همچنین باید متذکر شد که در مدت حدود ۲۴ ساعت از ساعت ۰۷۰۰ روز ۲۳ تا ۰۵۰۰ روز ۲۴ هیچ‌گونه غذا و آب به پرسنل، نرسید چون یگان از روی ارتفاعات عبور کرده بود، تانکر هم نتوانسته بود با خود حمل نماید و همین موضوع باعث ضعف جسمی بعضی از پرسنل نیز شده بود. این تیپ هم روز بعد به شرق رودخانه منتقل شد.

بعد از چند روز، مسئولیت پدافندی سرپل و شرق رودخانه کرخه به لشکر ۲۱ محول شد.

یگان‌های تیپ ۲ و عناصر همراه آنها تعویض شدند و تا روز نهم آبان گزارشات نگران‌کننده‌ای از جابه‌جایی دشمن و زدن پل بر روی کرخه می‌رسید که یک قسمت از این گزارشات به‌وسیله خلبانان هوانیروز داده می‌شد تا اینکه روز نهم آبان دشمن با یک لشکر مکانیزه برای گرفتن سرپل و عقب راندن نیروهای شرق رودخانه حمله کرد ولی با مقاومت سرسختانه همین لشکر در تمام رده که خود بیانگر حماسه‌ای افتخارآمیز است، تک دشمن دفع شد و با دادن تلفات زیادی ناکام و به مواضع قبلی خود برگشت و به خواست خدا با این برنامه لشکر روحیه خود را بازیافت و از طرفی برای اولین بار دشمن تجاوزگر که سرمست پیروزی‌های ظاهری خود شده بود مزه تلخ شکست را چشید و دیگر بعد از آن نیز

نتوانست درجایی دیگر تک موفقیت آمیزی داشته باشد و این عملیات پدافندی روز نهم آبان ۱۳۵۹ در کتابی دیگر به نگارش آید.

### نتایج حاصله از عملیات لشکر در طول مدت ماموریت\*

#### ۱- اشکالات تا روز ۱۳۵۹/۰۷/۲۳

الف - در روز ۵۹/۰۷/۲۳ یگان‌های پشتیبانی خدمات رزمی وارد منطقه نشده بودند در نتیجه پشتیبانی آمادی یگان‌ها به خصوص از نظر آماد مهمات تولید اشکال نمود.

ب - توپخانه لشکری هنوز با توپ‌های موجود در منطقه هماهنگی نکرده بود و دیده بانان موجود، منطقه را نمی‌شناختند و آموزش کافی نداشتند. در نتیجه توپخانه نمی‌توانست یگان‌های تک‌ور را پشتیبانی نماید و به این ترتیب، هیچ‌گونه تلفاتی به دشمن وارد نشد و دشمن در نهایت آزادی یگان‌های تک‌ور را زیر آتش گرفت.

پ - هماهنگی لازم جهت استفاده مؤثر با نیروی هوایی به عمل نیامده بود، نیروی هوایی اظهار داشته بود که تا عین خوش و دوسلک نمی‌تواند پشتیبانی نماید.

ت - یگان‌های لشکر که از ادغام چندین یگان دیگر تشکیل شده بود، هنوز انسجام کامل نیافته بودند و حتی فرماندهان زیردستان خود را نمی‌شناختند و بالعکس، در نتیجه فرماندهان نتوانستند به زیردستان خود اعمال نفوذ نمایند و زیردستان را وادار به پیشروی نمایند. زیردستان نیز به علت عدم شناخت فرماندهان از دستورات آنان تبعیت نمودند.

ث - گردان مخابرات لشکر که مسئول برقراری سیستم ارتباط فرماندهی است، به‌طور کامل به منطقه نیامده بود در نتیجه ارتباط فرماندهان تابعه با لشکر به‌طور مؤثر برقرار نشده بود و هدایت عملیات را با اشکال مواجه نمود. ارتباط ناقص برقرار شد و از طرفی توسط پرسنل غیرمتخصص برقرار شده بود.

ج - اطلاعات موجود بسیار ناچیز، حتی در حد صفر بود و تصمیم‌گیری بر مبنای این اطلاعات شده بود. در نتیجه به نیروی انبوه متجاوز تک شد. در مراحل اولیه به علت اینکه توان رزمی یگان‌های تک‌ور با مقایسه با نیروی دشمن در حد بسیار پائین بود، تک از دورافتاد و پیشروی متوقف شد. در روزهای بعد، در اسرع وقت این مطالب را با توجه به ضعف آموزش موجود تا حد امکان برطرف نمودند. کما اینکه در روز ۵۹/۸/۹ هنگامی که دشمن با عبور دادن لشکر ۱ از داخل لشکر ۱۰ در چندین رده پیاده - پیاده و تانک - تانک، به سرپل حمله نمود، با شکست بزرگی روبرو شد.

\* این مدرک از پرونده بایگانی رکن سوم لشکر ۲۱ حمزه استخراج و در پایان نامه دافوس گنجانده شد.

## ۲ - اقدامات تا ۵۹/۸/۹

با توجه به دروسی که از عملیات ۵۹/۷/۲۳ آموخته شد، یگان‌ها شروع به بازسازی خود نمودند.

نفوذ دادن دیده بانان توپخانه به سواحل غربی کرخه در نتیجه آتش‌های توپخانه به‌طور موثر هدایت و حداکثر تلفات و ضایعات را به دشمن وارد می‌نماید. واگذاری فیلترهای جنگی ماسک‌ها به یگان‌ها و استفاده پرسنل یگان‌ها در ساعات مختلف روز و شب از ماسک تا در شرایط ضروری آسیب‌پذیری پرسنل کم شود. و این دفاع شیمیائی در حد مقدماتی می‌باشد.

## ۳ - درسی که از عملیات روز ۵۹/۸/۹ آموخته شد.

الف - پدافند در زمین‌های مناسب با نیروی کم مانع پیشروی طرف مقابل با نیروی قابل‌ملاحظه می‌گردد، زیرا که با توجه به وضعیت زمین منطقه یگان تکور که بایستی در زمین هموار و مسطح پیشروی نماید، آسیب‌پذیرتر است. ب - همکاری مؤثر رسته‌های رزمی و پشتیبانی رزمی و هماهنگی نیروها، موفقیت در عملیات را تضمین می‌نماید.

پ - وجود ارتباط کامل و مطمئن، رده‌های فرماندهی را در هدایت عملیات کمک نموده و در موفقیت یگان‌ها مؤثر می‌باشد.

ت - وجود شهامت و شجاعت در پرسنل سبب اضمحلال طرف مقابل می‌شود حتی اگر نیروهای حمله‌ور قدرت رزمی چندین برابر را داشته باشد.

## ۴ - اقدامات از روز ۵۹/۸/۹ تا امروز [ اردیبهشت ۱۳۶۲ ]:

الف - اعزام عناصر گشتی به منطقه دشمن و وارد نمودن ضربت به دشمن. این عمل باعث ایجاد وحشت در دشمن شده است و بسیار آسیب‌پذیر می‌باشد ضمن اینکه هویت و مواضع دشمن شناسائی می‌گردد.

ب - اجرای تمرکز آتش‌های توپخانه روی مواضع دشمن در ساعات مختلف روز و شب به طوری که آسایش و آرامش را از دشمن سلب نموده است.

پ - ایجاد مواضع مناسب برای نفرات و خودروها به طوری که از آتش مستقیم تانک‌ها حداکثر استفاده می‌شود.

ت - استفاده بیشتر و بهتر از آتش‌های خمپاره‌اندازهای یگان‌های در خط

چ - به‌طور کلی عدم آموزش کافی در تمام رده‌ها به خصوص پرسنل عمل‌کننده محسوس بود. و به میزان کمتری هنوز هم ادامه دارد، به همین علت پرسنل از وسایل و جنگ‌افزارهای مربوطه نتوانستند استفاده مناسب نمایند. در نتیجه ضمن پذیرش خسارات بیشتر، کمترین تلفات و ضایعات به دشمن وارد شد.

ح - عدم توجه مسئولان مملکتی به نگهداری رازهای نظامی و آگاه کردن دشمن از عملیاتی که در پیش است. به‌طور کلی از هیچ‌گونه پوشش و فریب برای این عملیات استفاده نشد و در نتیجه دشمن از ساعت تک یگان‌های ما باخبر بود. به همین علت شب قبل از تک با اجرای یک تک ایذائی، آرایش آفندی ما را برهم زد و تغییر مکان یگان‌های توپخانه به جلو جهت پشتیبانی یگان‌های خودی از نزدیک با اشکال مواجه شد. همچنین آتش ضد تهیه علیه آتش تهیه ما اجرا نمود و ضمناً آمادگی کامل برای مقابله با تک ما را پیش‌بینی نموده بود. خ - در مقابل این نابه‌سامانی‌ها، دشمن بهترین استفاده را از زمین کرده بود و آموزش کافی جنگ در زمین هموار را دارا بود.

د - با توجه به نیروی زیاد، به‌جای حمله، دفاع را برای از بین بردن نیروهای خودی ترجیح داده. کما اینکه در تمام جبهه‌ها این عمل را انجام داده است، زیرا که در زمین‌های هموار منطقه یگان تک‌ور به علت حرکت در زمین‌های صاف و بدون عارضه آسیب‌پذیرتر است.

ذ - با توجه به وضعی که پیش آمد، بهترین حمله متقابل را می‌توانست انجام دهد، ولی به عللی که ما آن را ناشی از ضعف فرماندهی و نداشتن روحیه تهاجمی می‌دانیم انجام نداد.

تبصره: خونسردی فرماندهان خودی و نگهداری یگان‌ها به حالتی که کمترین صدمه را ببینند، آسیب‌پذیری را کم نمود و میزان تلفات و ضایعات را به حداقل رسانید و اگر در عقب کشیدن یگان‌ها به عقب، تصمیم غیرمنطقی گرفته می‌شد، تلفات رزمی غیرقابل تصور می‌شد.

## ه - اشکالات در صورت مداومت عملیات

الف - به علت در اختیار نبودن یگان غیر درگیر در لشکر، تعویض یگان‌های درگیر امکان‌پذیر نبوده و در نتیجه سبب پائین آمدن کارایی رزمی یگان‌ها خواهد شد.

ب - به علت عدم جایگزین افسران و درجه‌داران متخصص هدایت و کنترل یگان‌ها را مواجه با اشکال خواهد نمود. کما اینکه تاکنون ۵۲ نفر افسر و ۳۲۵ نفر درجه‌دار تلفات رزمی داشتیم که مطلقاً جایگزین نشده‌اند و با کثرت زمان قادر فرماندهی در ارتش از بین خواهد رفت.

پ - با توجه به اینکه این یگان در شروع عملیات ۶۰ درصد وسایل خودروئی داشت، اینک پس از گذشت ۲ ماه به حدود سی درصد رسیده است و چون جایگزین نمی‌شود، در آینده بسیار نزدیک لشکر قادر به جابه‌جائی حتی یگان‌های کوچک نخواهد داشت. مگر اینکه در سطح کشور فکری به حال تحرک نیروی زمینی بشود.

### - نتیجه گیری و چگونگی عملیات لشکر ۲۱ پیاده حمزه در ۲۳/۷/۵۹

۱- زمان این عملیات برای لشکر زود و باعجله اتخاذ شده بود زیرا هنوز تعدادی از یگان‌های لشکر وارد منطقه نشده بودند. نظیر قسمتی از گردان مخابرات، گردان مهندسی و عناصر عمده پشتیبانی لشکر و گردان ۱۶۹ پیاده و از طرفی یگان‌هایی هم که وارد شده بودند، هنوز به منطقه عملیاتی آشنا نشده بودند و به قول عوام هنوز جا نیفتاده بودند.

۲- فرمانده لشکر نیز موافق اجرای عملیات در این تاریخ نبود، اما از طریق فرمانده نیرو اصرار به انجام عملیات شده بود.

۳- هیچ اطلاعات مفید جهت طرح ریزی عملیات از دشمن، نیروی زمینی در اختیار لشکر نگذاشت و آن مقداری هم که توسط افسران تیپ ۲ زرهی دزفول و دیگران داده شد، بسیار ناقص و حتی غلط بود و به اشتباه انداخت. به طوری که در نتیجه دشمن به هیچ شمرده می‌شد.

۴- لشکر نیز به همین ترتیب نتوانست اطلاعات مفیدی در اختیار یگان‌ها بگذارد.

۵- جنگ کلاسیک و منظم در رده لشکر برای اولین بار بود که در ارتش تجربه می‌شد و از ابتدای تشکیل ارتش چه قبل و چه بعد از انقلاب پرسنل و فرماندهان مواجه به چنین نبردی نشده بودند و تجربه‌ای نداشتند و صحنه میدان نبرد و مشاهده کشته و زخمی‌ها و انفجارات و ترکش‌ها و موشک‌ها کاملاً تازه‌گی داشت.

۶- خوش‌باوری و ساده‌اندیشی درباره دشمن به نحوی که تصور می‌شد دشمن تاب مقاومت ندارد و با یک یورش اولیه فرار خواهد نمود.

۷- افشای عملیات به علت عدم رعایت حفاظت به‌خصوص به وسیله عناصر و مسئولین رده‌بالا در گفتار و پیام‌ها و مکالمات.

۸- عدم شناخت کافی از توان رزمی یگان‌های خودی در تمام ابعاد آن

۹- وجود جو و افکار نامساعد آن زمان که امکان به کاربردن هر تدبیر شایسته‌ای را از مسئولین می‌گرفت. چه در بین مسئولین سیاسی کشور و چه مسئولین نظامی و چه در افکار عمومی و چه در بین پرسنل.

۱۰- مختل شدن ارتباط مابین تانک‌ها و نیز بعضی از یگان‌ها به‌وسیله دشمن و اینکه تنها چانل ارتباطی نیز از طریق بی‌سیم‌های اف - ام بود.

۱۱- عدم پشتیبانی نزدیک هوایی و نیز نداشتن عکس هوایی.

۱۲- مؤثر نبودن آتش توپخانه به‌طور نسبی به علت نبودن دیده بان و یا آشنا نبودن دیده بانان به منطقه و نداشتن آموزش کافی

۱۳- طرح تهیه شده مناسب یگان‌های پیاده نبود و با اینکه در ترکیب یگان‌ها تانک قوی به کار رفته بود اما این نمی‌توانست موفقیت‌آمیز باشد زیرا یگان‌های پیاده

همراه تانک مکانیزه نبودند و نمی توانستند همراه تانک باشند و در صورت پیشروی تانک‌ها بدون پیاده آسیب‌پذیر می‌شدند و همین اشکال نیز در حین عملیات به وجود آمد.

۱۴- فرماندهی در یگان‌ها ضعیف بود.

۱۵- با محاسبه توان رزمی خودی و دشمن جهت یگان‌های مانوری ۱۲ به ۳۶ یعنی یک‌به‌سه به نفع دشمن بود. در صورتی که استعداد یگان‌ها و تجهیزات و آموزش و دیگر عوامل را نیز مورد توجه قرار دهیم این نسبت نامتعادل تر خواهد شد. در حالی که جهت انجام تک می‌بایست عکس این نسبت وجود داشته باشد.

۱۶- جابه‌جائی لشکر از تهران به اندیمشک با وجود آمادگی لشکر، اما به علت نداشتن کشتش راه‌آهن سریع انجام نشد.

۱۷- همان وضعیتی که در یگان‌های نظامی بعد از انقلاب به وجود آمده بود، در این لشکر نیز بوده و این لشکر به علت عدم اجرای آموزش به نحو شایسته و عدم تعمیر و نگهداری لازم و پایین آمدن سطح انضباط و ضعف فرماندهان و کسری پرسنل وظیفه، به علت تقلیل خدمت سربازی به یک سال کارائی رزمی لازم را نداشت.

۱۸- با توجه به وضعیت روز عملیات، انتظار تلفات و ضایعات بیشتری می‌رفت، اما فرمانده لشکر وقت از قدرت فرماندهی خوبی، برعکس دیگران برخوردار بود. همین باعث شد که لشکر بعد از چند روز مسئولیت پدافند منطقه را به عهده بگیرد و در مقابل تک روز نهم آبان دشمن که دو هفته بعد از تک لشکر بود، مقاومت سرسختانه و افتخارآمیزی داشته باشد. همین پدافند باعث جلوگیری از تصرف جاده اندیمشک اهواز به وسیله دشمن و سقوط خوزستان گردید. و نیز باعث بالا رفتن روحیه از دست‌رفته لشکر گردید. برای اولین بار نیز مزه تلخ شکست را، دشمن چشید.



تک لشکر ۲۱ پیاده حمزه در ۲۳ مهر ۵۹، به نقل از کتاب: پیشتازان غرب کرخه، به قلم سرتیپ ۲ ستاد علی محمدسالارکیا، انتشارات ایران سبز، سال ۱۳۸۰ با پشتیبانی هیئت معارف جنگ «شهید سپهد علی صیاد شیرازی»

**مقدمه ای بر تک روز ۲۳ مهرماه سال ۱۳۵۹ لشکر ۲۱ پیاده حمزه علیه عراق**

پیشروی سریع نیروهای متجاوز در ابتدای جنگ تحمیلی به خاک جمهوری اسلامی ایران و عبور نیروهای دشمن در نوزدهم مهرماه سال ۵۹ از کارون (در منطقه سلمانیه) و به محاصره درآوردن جاذه شادگان و به اسارت گرفتن افراد محلی و غیرنظامی و پیشروی به سمت آبادان به منظور محاصره این شهر بندری و اشغال بستان در بیست و یکم مهرماه همان سال و اجرای تک به منطقه سرپل نادری در منطقه غرب دزفول در تاریخ های ۱۶ و ۱۹ و ۲۲/۷/۵۹ و شناسایی دشمن به منظور روانه کردن پل در ۳۰ کیلومتری جنوب شوش و اجرای آتش سنگین در منطقه پل نادری در تاریخ های ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ مهرماه و تظاهر به عبور از کرخه، مؤید آن است که ارتش عراق هیچگاه تصرف شهرهای دزفول و شوش و اندیمشک را از نظر دور نداشته و می بایستی برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده و جدا کردن استان خوزستان، به گلوگاه این منطقه در دوکوهه و تنگ فنی دست یابد. کما اینکه در شروع تجاوز پس از ۶ روز مقاومت دلیرانه یگان های نظامی مستقر در این منطقه دشمن زمین گیر، ولی مجدداً روز نهم آبان سال ۵۹ تک گسترده و سنگینی را به منطقه سرپل به منظور عبور از کرخه به مرحله اجرا درآورد و شانس خود را برای دستیابی به شهرهای فوق به بوته آزمایش گذاشت و این حمله نیز تأییدی است بر طرح های از پیش تعیین شده ارتش عراق.

به منظور روشن شدن علت اجرای عملیات ۲۳ مهرماه سال ۵۹ ایجاب می نماید که پیام های واسله توسط یگان ها و قرارگاه هدایت کننده عملیات و هم چنین حوادث تلخ روزهای پُر التهاب شهرهای خرمشهر و بستان دزفول را که در آرشیو هیأت معارف جنگ موجود است مورد توجه قرار داد تا انگیزه فرماندهان برای اجرای عملیات ۲۳ مهرماه مشخص گردد.

#### (الف) پیام ها و حوادث خرمشهر

۱- برابر اطلاع ستاد اروند دشمن در ساعت ۱۱۳۰ روز ۵۹/۷/۷ با ۵ دستگاه تانک به سمت پل نو حرکت و به ۸۰۰ متری خین رسیده است و سعی دارد پل نو را اشغال نماید. در همین حال لشکر ۹۲ روز ۵۹/۷/۹ به فرماندهی تیپ ۱ اعلام نمود دشمن در پاسگاه های

برزگر و حاتمی و پاسگاه کوشک مستقر شده و نیروهای مستقر در جفیر را نیز تقویت نموده و در کیلومتر ۴۰ عراق در حال پل زدن بر روی رودخانه کارون است تا پس از عبور از کارون جاده آبادان و اهواز را قطع و آبادان را تصرف نماید. «مدرک ۲۰۸، ۲۰۹»

۲- فرماندار آبادان در روز ۷/۱۲ اعلام می نماید: وضع آبادان و خرمشهر بسیار خراب است. راه دار خوئین نزدیک است به دست متجاوز بیفتد. کشته و زخمی زیاد و نیاز شدید به آمبولانس است. روحیه مردم قوی است و نیاز به پشتیبانی شدید و قوی آتش توپخانه داریم. ۳- دشمن به منظور تصرف آبادان با تقویت نیروهای خود در تاریخ ۷/۱۹ از رودخانه کارون در روستای سلمانیه عبور می نماید و جاده آبادان را اشغال و کلیه وسایل نقلیه روی جاده خرمشهر را به گروگان می گیرد و خرمشهر و آبادان را شدیداً زیر آتش انواع گلوله قرار می دهد و پس از اشغال جاده آبادان با ۳۲ دستگاه تانک از سلمانیه به طرف آبادان حرکت می کند. «مدرک ۲۱۰، ۲۱۱»

۴- روز ۵۹/۷/۲۰ عملیات و اطلاعات تهران اعلام می کند حدود یک گردان تانک و یک گردان پیاده مکانیزه در شرق کارون گسترش یافته و دشمن ضمن در اختیار داشتن راه های سلمانیه و مارد نیروهای خود را در شرق کارون تقویت نموده و موجودی آماد نیروهای مستقر در آبادان و خرمشهر حداکثر ۳ روز است. ضمناً در صورتی که راه اهواز به کنترل نیروهای دشمن درآید، پشتیبانی از نیروها غیر عملی خواهد بود ضمن اینکه جاده خرمشهر از کیلومتر ۲۴ الی ۴۶ در اختیار دشمن قرار گرفته و با خمپاره انداز مرتباً حوالی پل بهمن شیر را زیر آتش شدید گرفته و مشغول پیشروی به سوی بهمن شیر می باشد. ۵- دشمن از سلمانیه تعدادی از اسرای مرد را گرفته و زن ها را آزاد کرده و اقدام به تقویت نیروها در شمال دار خوئین و سلمانیه نموده و هواپیمای فانтом نیروی هوایی ایران که مورد هدف دشمن قرار گرفت خلبان آن پس از بیرون پریدن توسط دشمن دستگیر و به عقب جبهه تخلیه گردید. «مدرک ۲۱۲ الی ۲۱۴»

۶- با توجه به پیام های ناخوشایند و وضع بحرانی دو شهر بندری خرمشهر و آبادان، ستاد اروند به مرکز فرماندهی ارتش و همچنین به دفتر امام و وکلای خرمشهر و آبادان در مجلس شورای اسلامی آقایان (رشیدیان - صفائی - کیاوش) اعلام می نماید. بی تعارف باید بگویم شهر و مردم خرمشهر و آبادان و کلیه نیروها در اثر نرسیدن نیروهای پشتیبانی در حال از هم پاشیدن است و مردم عقیده دارند امروز و فردا این دو شهر سقوط خواهد کرد و مسئولین مستقیماً باید جوابگو باشند. «مدرک ۲۱۵»

۷- با توجه به وضعیّت بحرانی منطقه تنها نیروی منسجم و قابل دسترس دانشجویان دانشگاه افسری بودند که به منطقه جنوب اعزام شده بودند و فرمانده لشکر ۹۲ (سرهنگ قاسمی) به فرمانده دانشکده افسری (شهید سرهنگ نامجو) مأموریت می دهد با ۸۰ نفر افسر و دانشجو و ۳۲۰ نفر سرباز پس از تجهیز نمودن روز ۵۹/۷/۲۱ از طریق بندر ماهشهر زیر امر ستاد عملیات جنوب در آبادان و خرمشهر قرار گرفته و برابر دستور این ستاد به عملیات بپردازند. «مدرک ۲۱۶»

۸- در تاریخ ۵۹/۷/۲۴ سماجا اعلام نمود: نیروهای عراقی در محور گمرک خرمشهر با بلدوزر مشغول تهیه پناهگاه و سنگر هستند و یک ناوچه عراقی در اسکله پهلو گرفته و تعدادی از مردم را اسیر نموده و صدای شیون و فریاد مردم به گوش می رسد و اسرا را به طرف عراق حرکت داده ضمناً نیروهای عراقی در قسمت شمال آبادان در دوراهی بهمن شیر مستقر بوده و شهر را بمباران می نمایند. «مدرک ۲۱۷»

### (ب) حوادث و پیام های بستان

۱- تیپ ۳ لشکر ۹۲ که قبل از شروع جنگ عملاً مسئولیت بستان را به عهده داشت در روز ۵۹/۷/۷ اعلام می کند دشمن در ساعت ۱۶۳۰ روز جاری وارد سوسنگرد شده و افراد سپاه پاسداران با آنها رو به رو هستند و واحدهای زرهی دشمن از پل سوسنگرد عبور نمودند. «مدرک ۲۱۸»

۲- با توجه به ورود دشمن به سوسنگرد و ادامه پیشروی به طرف الله اکبر و احتمال ورود دشمن به شهر اهواز فرمانده لشکر ۹۲ به فرمانده دانشکده افسری مأموریت می دهد با نیروی به استعداد ۴۰ نفر افسر و دانشجویان با نیروی مردمی و یگان های نامنظم برای ایجاد مواضع در جاّده اهواز - دزفول عملیات تأخیری انجام و از ورود دشمن به شهر جلوگیری نمایند و از تاریخ ۵۹/۷/۴ تا دستور ثانوی این مأموریت را انجام دهد. «مدرک ۲۱۹»

۳- ساعت ۰۲۰۰ روز ۷/۸ فرمانده تیپ اعلام می نماید دشمن سوسنگرد را تصرف نموده و به طرف الله اکبر در حال پیشروی است در نتیجه تیپ دشت آزادگان (تیپ ۳) در محاصره خواهد افتاد و میلیاردها تومان وسایل و مهمّات به دست دشمن خواهد افتاد. ضمن اینکه در وضعیّت فعلی نیرویی معادل یک دسته تانک و یک گروهان موجود است و تاکنون موفق نشده ام آنها را در خط پدافندی به کار بگیرم تیپ کاملاً متلاشی شده لازم به ذکر است قبل از شروع عملیات استعداد تیپ ۳۰٪ بوده و استعداد دشمن ۳ یا ۴ برابر نیروهای خودی است اکنون به علّت فرار تعدادی از سربازان و ترک منطقه توسط درجه

داران برای بردن خانواده هایشان به شهرستان و اعزام تعدادی از افسران به بهداری وضع بسیار حساس است ما را تقویت کنید یا با هواپیما و هلی کوپتر پشتیبانی کنید تا فشار دشمن کم شود. «مدرک ۲۲۰»

۴- در تاریخ ۷/۱۸ گروه ضربت تیپ ۳ اعلام نمود دشمن در محور بستان سوسنگرد و بستان الله اکبر در حال پیشروی است و لشکر که با گروهان بستان در ارتباط بود به تیپ اطلاع می دهد به علت درگیری گروهان مستقر در بستان و قطع ارتباط با یگان فوق احتمالاً دشمن از بستان به طرف سوسنگرد پیشروی خواهد داشت تیپ از لشکر درخواست می نماید با اجرای آتش توپخانه با توپ های ۱۵۵ و ۱۷۵ م م دور و نزدیک آرامش دشمن را به هم بزنید. «مدرک ۲۲۱، ۲۲۲»

۵- در تاریخ ۷/۲۰ دشمن در در دهانه بستان به طرف الله اکبر در حال پیشروی است و همچنین از طریق پاسگاه چژابه به بستان نفوذ کرده و یک ستون زرهی از دشمن به سمت الله اکبر در حرکت است.

۶- در تاریخ ۵۹/۷/۲۲ عناصر اطلاعاتی لشکر به تیپ ۳ اطلاع می دهند منطقه بستان در اختیار دشمن است و جاده بین بستان و سوبله فاقد امنیت است و دشمن دو آتشبار در دو محل مستقر نموده: یکی از آتشبارها در نخلستان سید آکلو و آتشبار دیگر در سه راهی آن طرف رودخانه مقابل قریه فنیخی دشمن در این محل سه پل احداث کرده که یکی از پل ها به وسیله نیروی هوایی منهدم شده و نیروهای متجاوز که در قریه فنیخی موضع گرفته بودند تغییر مسیر داده و به سمت الله اکبر در حرکت هستند و در حال حاضر محل استقرار دشمن در ۲۰۰ متری مکینه سید جاسم و حدود ۵۰ دستگاه خودرو و ۲ عراده توپ و تانک ها به صورت دایره ای موضع گرفته و مستقر می باشند. «مدرک ۲۲۳ الی ۲۲۵»

۷- خلبان هوانیروز در ساعت ۹۰۰ روز ۲۱ گزارش داد شهر بستان در محاصره نیروهای دشمن است و حدود ۲۰ دستگاه تانک در این محل شرکت دارند ضمناً یک ستون زرهی دشمن در سمت تپه های شنی شمال ارتفاعات الله اکبر به سمت شرق در حال حرکت بوده که احتمالاً می خواهند یا الله اکبر را دور بزنند یا به محور اهواز-دزفول دسترسی پیدا کنند.

۸- بالاخره دشمن موفق می شود روز ۵۹/۷/۲۱ بستان را به محاصره کامل درآورد و از ساعت ۰۷۰۰ روز ۷/۲۱ نیروهای ژاندارمری و سپاه پاسداران مستقر در منطقه با سلاح سبک با دشمن درگیر شدند ضمناً دشمن به سوسنگرد نیز حمله نموده و تنها راه نجات بستان پشتیبانی هوایی است. «مدرک ۲۲۶ الی ۲۲۸»

### (پ) حوادث و پیام های منطقه دزفول

۱- برابر امریه نزاچا مستند به گزارش هنگ ژاندارمری ایلام قسمتی از تیپ ۸۴ مستقر در موسیان و دهلران در تاریخ ۵۹/۷/۱۵ موسیان را تخلیه نموده و از راه مورموری مشغول عقب نشینی هستند. این تیپ دوّمین باری است که از موسیان مبادرت به عقب نشینی نموده است و باعث پایین آوردن روحیه افراد ژاندارمری شده است علت را بررسی و نتیجه را به نزاچا گزارش نمایید. «مدرک ۲۲۹»

۲- روز ۵۹/۷/۱۶ ستاد عملیات دزفول به لشکر ۹۲ اعلام می نماید یگان مستقر در چیلات و بیات تقریباً در محاصره دشمن است و هنوز به مأموریت خود ادامه می دهد از لشکر خواسته می شود تا فرصت باقی است و نیروها به وسیله عناصر دشمن محاصره نشده اند هر چه زودتر نسبت به مراجعت آنان اقدام لازم معمول دارد. «مدرک ۲۳۰»

۳- در تاریخ ۵۹/۷/۱۷ برابر گزارش یگان مستقر در شوش به استناد شاهدان عینی ژاندارمری شوش یک یگان در ۳۰ کیلومتری جنوب شوش مستقر و در حال پل زدن در حوالی دوبه بوده و احتمالاً قصد عبور از رودخانه و دور زدن یگان های خودی را دارد. «مدرک ۲۳۱»

۴- عملیات و اطلاعات نیروی زمینی بر مبنای اطلاعات سماجا وضع پادگان دزفول را در تاریخ ۷/۱۹ به این شرح اعلام می دارد. وضع منطقه فوق العاده نابسامان است و مدیریت در سطح شهرهای دزفول و اندیمشک و پادگان وجود ندارد.

۵- حفاظت پادگان به صفر رسیده است و پرسنل محدود و موجود در منطقه جلو آفتاب در پادگان باقی مانده و بلا تکلیف هستند و به همین دلیل خطر فرار سربازان و پرسنل وجود دارد. ۶- مردم شهر دزفول دسته دسته و با جمعیت انبوه در اطراف پادگان اجتماع نموده و فریاد می کشند و شعار می دهند ارتش چرا تصمیم نمی گیرد و بعضی های مزدور را هر چه زودتر از منطقه خارج نمی نماید. «مدرک ۲۳۲»

۷- روحیه مردم دزفول در اثر آتش مداوم دشمن پایین آمده و رادیو عراق به مردم دزفول اعلام می کند شهر را تخلیه کنید تا ما به حساب پاسداران و ارتشیان برسیم.

۸- با توجه به فعالیت های دشمن در منطقه دزفول و احتمال حمله دشمن به پل کرخه نزاچا به لشکر ۲۱ پیاده مأموریت می دهد طرح پاتک به منطقه سرپل را تهیه در صورت تک دشمن بدون فوت وقت اجرا نمایند و یگان های مستقر در منطقه شوش نیز آمادگی مقابله با هر نوع حرکت دشمن را داشته باشند.

۹- قرارگاه تاکتیکی نزاجا وقایع بین روزهای ۷/۱۶ الی ۷/۲۲ را به سماجا چنین اعلام نمود دو فروند میگ ۲۳ عراق مورد هدف جنگ افزارهای ضد هوایی قرار گرفت و سرنگون گردید که یک جعبه مخصوص مخابرات و یک مسلسل با فشنگ مربوطه از لاشه هواییما جمع آوری گردید. ضمناً با نفوذ تیم عملیاتی نیروی مخصوص به منطقه شوش که با همکاری سپاه پاسداران شوش و چند تن از اهالی بومی منطقه به مورد اجرا درآمد تعدادی از سربازان عراقی را که در رودخانه کرخه مشغول آب تنی بوده اند با تبر به هلاکت رسانیده و همچنین روز ۷/۲۰ تیم عملیاتی نیروی مخصوص با استفاده از طناب از رودخانه عبور و در غرب منطقه در آبادی زعن دو تانک و دو دستگاه نفربر دشمن را منهدم و به سلامت به قرارگاه خود برگشتند. «مدرک ۲۳۳، ۲۳۴»

۱۰- به منظور آگاهی از گسترش دشمن در غرب رودخانه در منطقه شوش به گروه رزمی ۱۳۸ و ۱۴۱ لشکر ۲۱ دستور داده شد با وسایل موجود غرب رودخانه را شناسایی نمایند. گشتی اعزامی یگان های فوق در غرب کرخه با دشمن درگیر شدند و تقاضای ۲ فروند هلی کوپتر کبرا نمودند و اعلام داشتند در صورتی که در این مورد اقدامی به عمل نیاید همه کشته خواهند شد و فرمانده عملیات منطقه جنوب به گردان های فوق اعلام نمود چنانچه هلی کوپتر به موقع نرسید با استفاده از تاریکی شب نسبت به نجات پرسنل با تدبیر فرمانده و روشی که عبور کرده اند اقدام و به یگان خود برگردند. «مدرک ۲۳۵»

۱۱- سرانجام برای مشخص شدن وضعیت دشمن برای اجرای عملیات ۲۳ مهر روز ۷/۲۱ گردان های مستقر در شوش (۱۳۸ و ۱۴۱) دو دسته گشتی زوجی به غرب کرخه اعزام و در منطقه زعن (غرب شوش) با دشمن درگیر و با اجرای آتش ۵ الی ۶ دستگاه خودرو دشمن را منهدم و دشمن را وادار به عقب نشینی نمودند. «مدرک ۲۳۶»

### پیام های قبل از حمله ۲۳ مه‌رم‌اه

۱- قرارگاه مقدّم نزاجا به لشکر ۲۱ حمزه ابلاغ می نماید یگان اعزامی به پای پل کرخه باید به نحوی مستقر شود که کرانه غربی رودخانه را کاملاً پوشش نموده و به نحوی در طرفین جاّه اصلی استقرار یابد تا هم از پل های موجود حفاظت نماید و هم از عبور احتمالی خودروهای شناور دشمن از رودخانه کرخه جلوگیری به عمل آورد. «مدرک ۲۳۷»

۲- با توجه به تهدید دشمن در منطقه سرپل لشکر ضمن ابلاغ مأموریت تک روز ۲۳ مهر در منطقه سرپل و صدور دستورات تکمیلی به کلیه یگان ها اعلام می نماید آمادگی به کار رفتن آنی در منطقه سرپل را داشته باشند و تیپ ۳ عناصر تک ور خود را روز ۷/۲۲ برای

کممک به تیپ ۲ دزفول از رودخانه عبور دهد و تیپ های ۱ و ۳ هر کدام دو گروهان برای حمله متقابل در منطقه سرپل آماده نمایند. «مدرک ۲۳۸، ۲۳۹»

۳- لشکر ۲۱ در تاریخ ۷/۲۲ به یگان های تک و اعلام می نماید عملیات عبور را برابر برنامه ابلاغی به یگان ها به مورد اجرا گذارند و به گردان ۱۳۸ مستقر در شوش ابلاغ می نمایند با وسیله موجود و در دسترس از کرخه عبور نماید. «مدرک ۲۴۰ الی ۲۴۳»  
روز ۲۳ مه ماه یگان های تک و با کمی تأخیر از سرپل گذشتند و گروه رزمی ۳۷ شیراز مستقر در غرب رودخانه گزارش نمود وضع نیروهای عبور کننده از خط رضایت بخش نیست و همچنین توپخانه کممک مستقیم گروه رزمی ۳۷ در کممک مستقیم گروه رزمی ۲۹۱ تانک لشکر مشهد قرار گرفته. «مدرک ۲۴۴، ۲۴۵»

### دلایل اجرای تک ۲۳ مه ماه

- ۱- سلب ابتکار عمل از فرمانده سپاه ۳ و فرماندهان لشکرهای یک مکانیزه و ۱۰ از رهی ارتش عراق از ادامه تک در حساس ترین جبهه نبرد.
- ۲- جلوگیری از سقوط شهر دزفول، اندیمشک و شوش و نهایتاً جلوگیری از پیشروی ارتش عراق و بستن گلوگاه خوزستان در منطقه دو کوهه و تجزیه خوزستان.
- ۳- منحرف کردن توجه مسئولین ارتش عراق حداقل منحرف کردن فرمانده سپاه ۳ دشمن از سایر جبهه های خوزستان.
- ۴- اغتنام فرصت برای به دست آوردن یک زمان کافی برای تمرکز نیروهای ارتش ایران که به منطقه فراخوانده شده بودند.
- ۵- تجدید سازمان برای یگان هایی که از ابتدای جنگ با درگیری و مقاومت دلیرانه توانستند به مدت ۶ روز نیروهای عراق را تا رسیدن به غرب کرخه درگیر و مانع از پیشروی سریع آنها شوند.
- ۶- تثبیت ارتش عراق و سازماندهی مناسب برای پدافند در مقابل پیشروی دشمن تا آماده شدن برای بیرون راندن متجاوز.
- ۷- ایجاد روحیه و انگیزه در پرسنل یگان های درگیر ارتش برای ادامه مقاومت تا ایجاد آمادگی برای یک حمله سراسری.

### ابلاغ مأموریت به فرمانده لشکر ۲۱ حمزه

از اسناد و مدارک موجود در ابتدای روزهای درگیری و اطلاعات دریافتی تکمیلی از فرمانده لشکر ۲۱ حمزه (سرهنگ ستاد زین العابدین و روشوساز) اینگونه عنوان شد که

فرمانده لشکر ۲۱ حمزه در تاریخ ۱۱ مهر سال ۵۹ از تهران به منطقه عملیاتی وارد و به تدریج یگان های لشکر مستقر در تهران از تاریخ ۵۹/۷/۷ با قطار عازم منطقه جنوب شدند (گروه رزمی ۱۳۸ در تاریخ ۵۹/۶/۲۳ و گروه رزمی ۱۴۱ در تاریخ ۵۹/۶/۳۱ قبل از حمله سراسری) وارد منطقه شده بودند. روز ۱۳ مهرماه قرارگاه مقدّم نزاچا در پادگان دزفول در ستاد تیپ ۲ شکل گرفت و در ۱۵ مهرماه در کارخانه لاستیک سازی در پادگان دزفول شروع به کار نمود. افسران این قرارگاه که به صورت غیرسازمانی و به صورت مأمور انجام وظیفه می کردند قرارگاه را به مرور تشکیل دادند و با توجه به گذشت ۵ روز از زمان تشکیل قرارگاه مقدّم در هنگام طرحریزی عملیات ۲۳ مهر افسران این قرارگاه نیز در جریان کامل وضعیّت نبودند. روز ۱۷ مهرماه فرمانده لشکر ۲۱ حمزه به قرارگاه مقدّم احضار و مأموریت حمله ۲۱ مهرماه سرپل به وسیله فرمانده نیروی زمینی (سرتیپ ظهیر نژاد) به فرمانده لشکر ابلاغ گردید. فرمانده لشکر با بیان مشکلات یگان ها خواستار اجرای عملیات به جای ۲۱ مهرماه به ۲۳ مهرماه شد و با تأیید این نارسایی ها توسط افسران قرارگاه مقدّم و با توجه به مسایلی که در خرمشهر و بستان به وقوع پیوست و عدم آمادگی لشکر حداکثر با ۴۸ ساعت تأخیر موافقت گردید.

ابلاغ اجرای عملیات در زمانی صورت گرفت که افسران ستاد لشکر در ۱۷ و ۱۸ مهرماه وارد منطقه شده و هنوز برای قرارگاه لشکر محل ثابتی جهت استقرار پیش بینی نشده بود و افسران ستاد لشکر اصولاً به منطقه توجیه نبودند و حتّی افسران قرارگاه مقدّم نزاچا نیز به صورت یک ستاد هدایت کننده کاملاً منسجم نشده بودند. لذا با توجه به اخبار ناخوشایند و پیام های واصله یگان های درگیر در منطقه خوزستان نیروی زمینی را بر آن داشت تا با حداقل نیروهای موجود عمل بازدارنده ای را به مرحله اجرا بگذارد و علّت انتخاب لشکر ۲۱ حمزه در دسترس بودن یگان های بیشتر این لشکر نسبت به سایر نیروهایی بود که به منطقه فراخوانده شده بودند.

### مأموریت واگذاری به لشکر ۲۱ حمزه

در مأموریت واگذاری به لشکر قید گردید که از خط سرپل تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی در غرب رودخانه کرخه عبور از خط نموده و تپه های علی گره زد و ابوصلیبی خات را تصرف و چنانچه مقاومت دشمن تا وصول به هدف های مرحله یکم چندان مهم و شدید نباشد تک را به سمت عین خوش و دوسلک ادامه داده و معابر عین خوش و دوسلک را تصرف و تأمین نماید و به لشکر ۱۶ زرهی مأموریت داده شده بود با عناصر موجود که به منطقه وارد



شده اند لشکر ۲۱ را دنبال نماید و یک گروه رزمی برای اشغال مواضع پدافندی در شرق رودخانه به پای پل اعزام دارد.

### تشریح عملیات آفندی لشکر ۲۱ روز ۲۳ مهرماه ۵۹

لشکر پس از دریافت مأموریت از روز ۲۰ مهرماه شروع به شناسایی منطقه عملیات کرد. شناسایی از منطقه به علت محدودیت زمانی فقط تارده فرماندهان تیپ و بعضی از فرمانده گردان های عمل کننده از ارتفاعات شمالی منطقه و خیلی مختصر به وسیله دیده بانی و دوربین با راهنمایی بعضی از پرسنل تیپ ۲ دزفول که به منطقه آشنایی داشتند انجام و تنها عامل اطلاعاتی، پرسنلی از این تیپ بودند که آنها هم اطلاع چندانی از وضعیت دشمن نداشتند، در تاریخ ۲۰ مهرماه برای کسب خبر بیشتر از وضعیت دشمن برابر دستور قرارگاه مقدم از گردان های ۱۴۱ و ۱۳۸ که در منطقه شوش مستقر بودند گشتی شناسایی به غرب کرخه اعزام و گشتی اعزامی با دشمن درگیر و با مشکلات زیادی توانستند از درگیری خارج و به عقب برگردند.

روز ۲۰ مهرماه قرارگاه مقدم اولین دستور را به صورت جزء به جزء با شماره یک اعلام وصول ر-خ-۱۷ صادر نمود. (پیوست ۱ دستور جزء به جزء شماره ۱ قرارگاه مقدم نزاچا در جنوب) لشکر نیز بر مبنای دستور قرارگاه مقدم اولین دستور عملیاتی خود را در ساعت ۸۰۰ روز ۲۱ مهرماه سال ۵۹ با شماره یک اعلام وصول (دز-۵۱) صادر و به یگان ها ابلاغ نمود. (پیوست ۲ دستور عملیاتی شماره یک لشکر ۲۱ حمزه)

دشمن به منظور برهم زدن طرح حمله نیروهای خودی در بعد از ظهر روز ۲۲ مهرماه به سرپل حمله کرد و با اجرای پشتیبانی آتش یگان های خودی متوقف گردید و با توجه به نگرانی موجود قرارگاه مقدم به لشکر ۲۱ دستور داد یک گردان پیاده جهت جلوگیری از سقوط سرپل و نفوذ دشمن به منطقه سرپل اعزام دارند و فرمانده تیپ ۲ دزفول مستقر در خط سرپل نادری در ساعت ۲۲۰۰ همان شب اعلام نمود دشمن به مواضع قبلی خود عقب نشینی نمود و با این حال تصمیم گرفته شد که تک لشکر برابر زمان بندی در روز ۲۳ مهر انجام شود.

## اجرای مراحل عملیات

### (الف) مرحله یکم عملیات

اولین مرحله عملیات، عبور از رودخانه کرخه بود که می بایستی، کلیه خودروهای چرخ دار و شنی دار و تانک از دو پل موجود خود را به غرب کرخه رسانیده و آماده اجرای مأموریت باشند و برای عبور تانک های سازمانی و زیر امر لشکر، جمعاً ۸ ساعت زمان در نظر گرفته شده بود و تیپ ۳ پیاده نیز، می بایستی حداقل یک روز قبل از حمله در منطقه تجمعی در غرب رودخانه کرخه، که در تپه های شمالی تپه شاوریه انتخاب شده بود مستقر گردد و قرار شد که سلاح های ضد تانک را در مواضع مناسبی مستقر نماید تا بتواند جاژه دهلران را با تیر مستقیم پوشش داده و زیر آتش مستقیم بگیرد و تیپ ۳ پیاده در ۲۱ مهرماه، تغییر مکان را شروع و با توجه به اینکه دشمن به دلیل عدم توجه مسئولین به حفاظت گفتار و هم چنین وجود عناصر بی وطن که در آن چهره کریه بسیاری از گروهک های محارب و ستون پنجم و اشخاص ناباب در همه جای جبهه ها و شهرها و روستاها به خصوص آنهایی که در مناطق عملیاتی نفوذ کرده بودند و همچنین فعالیت مخرب گروهک های سیاسی وابسته به خصوص کسانی که با حاکمان بغداد در نابودی ایران پیمان بسته بودند دقیقاً از زمان حمله لشکر اطلاع کافی داشتند. قبل از اجرای تک به منظور مختل کردن سازمان رزمی، دشمن سلاح های ضد تانک خود را در مکان مناسبی مستقر نمود و دو گردان تانک لشکر که بیشتر، شبیه راه پیمایی تاکتیکی، از سرپل گذشتند، پس از دقایقی آماج موشک های مالیوتکا و سلاح های ضد تانک دشمن، قرار گرفتند و تیپ ۳ نیز که در قسمت شمال تپه های شاوریه مستقر شده بودند و می بایستی سلاح های ضد تانک آنان، تانک های دشمن را هدف می گرفت که آن هم به طور مناسب مستقر نشده بودند و نتوانستند به نحو مطلوب اجرای مأموریت نمایند.

### (ب) مرحله دوم عملیات

شامل عبور یگان ها از خط تیپ ۲ دزفول و گروه رزمی ۳۷ بود با توجه به اینکه جمع استعداد رزمی عناصر مستقر در سرپل، از ۲ گردان تجاوز نمی کرد. در منطقه سرپل تراکمی به وجود نیامد و بخش عمده منطقه خالی بود و مانعی برای حرکت عناصر لشکر ۲۱ پیاده وجود نداشت و فرماندهان قبلاً نیز با تیپ ۲ دزفول مستقر در خط، هماهنگی های لازم را به عمل آوردند.

### (پ) مرحله سوم پیشروی به سمت هدف ها

عبور عناصر لشکر ۲۱ از خط سرپل با کمی تأخیر انجام شد و عناصر لشکر به جای ساعت ۰۶۰۰ در ساعت ۰۷۰۰ از خط سرپل گذشته و پیشروی آغاز شد و یگان ها غافل از اینکه عناصر ضد تانک دشمن در کانال های جنوبی سرپل مستقر شده بودند و به وسیله عناصر پیاده منهدم نشده و تهدیدی جدی برای تانک های خودی هستند پیشروی می نمودند. لذا در همان مراحل اولیه پیشروی تعدادی از تانک ها مورد اصابت موشک های ضد تانک دشمن قرار گرفته و منهدم شدند و پیشروی در ساعت ۰۷۵۰ گند شد و گروه رزمی ۲۹۱ تانک مشهود که در غرب کرخه مستقر بود و از شمال به جنوب حرکت می کرد در ساعت ۰۸۰۰ هدف اولیه را که سه راهی قهوه خانه (رادار) بود تصرف کرد و از ساعت ۰۹۰۰ به بعد گزارش های واصله چندان رضایت بخش نبود. لشکر به تیپ ۱ دستور داد بدون توجه به مقاومت دشمن در کانال هندلی، پیشروی به سمت غرب را ادامه دهد. دشمن که از قبل، مواضع مناسبی را انتخاب کرده بود تا ۴ کیلومتری که یگان ها از سرپل گذشتند، عکس العملی نشان نداد و به محض قرار گرفتن تانک ها در برد موشک از همان ساعات اولیه، تانک های چیفتن لشکر را زیر آتش قرار داده و تعدادی از تانک ها را از کار انداخته و منهدم کردند. یگان ها که از پهلو ضربه می خوردند تصور کردند که در محاصره افتادند. از گزارش ها چنین استنباط می شد که هم تیپ ۱ و هم گروه رزمی ۲۹۱ تانک و گردان سوارزهی لشکر ۲۱ به محاصره دشمن افتادند. در چنین وضعیتی به تیپ ۱ دستور داده شد خود را به تپه های شمالی بکشانند که این عمل با توجه به شرایط زمین و دشمن مقدور نبود و به ناچار بایستی تیپ به سمت پای پل عقب نشینی می کرد. در مصاحبه ای که با فرمانده شجاع و با تدبیر لشکر انجام شد ایشان اظهار داشتند من خودم با نفربر در خط بودم و کاملاً اوضاع و احوال را مشاهده می کردم. ضمن اینکه در آن زمان آن چنان جوئی وجود داشت که فرمانده می بایست خود همراه نفرات تک ور در جلو باشد تا بتواند اعمال فرماندهی کند و اگر غیر از این می بود دستورات فرمانده اجرا نمی گردید و عناصر گروهک ها در یگان ها همراه پرسنل نادان جو متشنج ایجاد می نمودند. بنابراین حدود ساعت ۱۰۰۰ وقتی وضع را چنین دیدم دستور دادم هر کس هر کجا هست متوقف شده و موضع بگیرد و خود را حفظ نماید. زیرا فکر کردم هر دستور دیگری چه پیشروی و یا عقب نشینی بدهم با توجه به وضعیتی که دشمن برای خود ایجاد نموده بود لشکر با تلفات غیر قابل تحملی رو به رو خواهد شد و از آنجایی که این دستور برای حفظ جان پرسنل

حایز اهمیت بود خیلی خوب هم اجرا شد. حدود ساعت ۱۱۰۰ لشکر آخرین وضعیت را چنین گزارش کرد، تیپ ۱ در شمال جاده علی گره زد در ۳ کیلومتری غرب سه راهی رادار متوقف شده و تعدادی پرسنل و وسایل خود را از دست داده و در حال محاصره شدن است گروه رزمی ۲۹۱ تانک در شیار شرقی سه راهی رادار زمین گیر شده و در حال محاصره شدن است. گردان سوارزهی در شرق محور پیشروی گروه رزمی ۲۹۱ اغلب وسایل خود را از دست داده است، تعدادی خدمه زخمی و تعدادی تانک ها بی خدمه رها شده در منطقه باقی مانده است. «مدرک ۲۴۶ الی ۲۴۹»

حدود ساعت ۱۲۰۰ مجدداً لشکر گزارش کرد که دشمن تقریباً اکثر وسایل سنگین لشکر را با موشک منهدم کرده است و چنانچه پشتیبانی آتش قوی باشد لشکر می تواند عناصر باقی مانده را به سرپل عقب بکشد و گرنه همه نیروهای رزمنده لشکر نابود خواهند شد. لازم به ذکر است در مدت زمان حمله لشکر در روز ۲۳ مهر تقریباً همه فرماندهان رده بالاتر یعنی رییس جمهور وقت و نخست وزیر وقت (شهید رجایی) جانشین رییس ستاد مشترک (سرتیپ فلاحی) وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی (شهید فکوری) و تعدادی از مقامات سیاسی و روحانی و فرمانده نیروی زمینی (سرتیپ ظهیرنژاد) نیز شخصاً در منطقه حضور داشتند ولی لشکر کلیه دستورات را به وسیله بیسیم از طریق سرهنگ سید یعقوب حسینی جانشین قرارگاه مقدم نزاچا در جنوب دریافت و اجرا می کرد (و در تهیه این مدارک اکثرآ از بررسی سرهنگ سید یعقوب حسینی بهره برداری شده است). برای گزارش عملیات، فیلم بردار و خبرنگار نیز از تلویزیون و رسانه ها دعوت شده بودند و در منطقه حضور داشتند. فرمانده لشکر ۲۱ مجدداً گزارش داد که عناصر تیپ ۱ که در محور علی گره زد پیشروی می کردند اکثرآ از بین رفته اند و اظهار داشت که دستور دادم تا آخرین نفر مقاومت کنند و شهید شوند و خود نیز در خط مقدم تا آخرین نفس باقی خواهم ماند. از بعد از ظهر روز عملیات به بعد صحنه نبرد به خصوص در قسمت سرپل بسیار وخیم شد. تعدادی از پرسنل بدون دستور مبادرت به عقب نشینی نمودند و از پل می خواستند عبور نمایند و هر چه تلاش می شد که جلوی این پرسنل گرفته شود میسر نشد. فرمانده لشکر در مصاحبه خود اظهار داشت بعد از اینکه دستور زمین گیر شدن یگان ها را دادم حدود ساعت ۲ تا ۳ بعد از ظهر تقریباً منطقه آرام شده بود و دیگر کسی سر خود را بلند نمی کرد و همه در شیارها مستقر و استتار نموده بودند. در همین زمان من خواستم با نفربر از محل خود یک خیز به عقب بیایم. که حدود ۳ موشک از اطراف

مارد شد. الحمدلله اصابت نکرد و بعد از تاریکی شب دستور دادم یگان‌ها به ترتیب عقب آمدند و در مواضع قبلی خود در شرق رودخانه مستقر شدند.

نفربر پاسگاه فرماندهی لشکر آخرین عنصری بود که به عقب آمد و مجدداً مسئولیت دفاع سرپل به تیپ ۲ لشکر ۹۲ و به سایر عناصر همراه این تیپ محول شد. تعدادی از تانک‌ها که در منطقه به جا مانده بودند و دشمن نیز جرأت تخلیه یا انهدام آنها را پیدا نکرده بود شب‌های بعد به عقب آورده شدند.

به گردان ۲۹۱ تانک دستور داده شده بود یک گروهان در سرپل باقی بگذارد و این دستور در ۲۵ مهرماه اجرا گردید.<sup>۱</sup>

### نکات ضعف یگان‌های عمل‌کننده

۱- منطقه عمومی دزفول و شوش منطقه تأمینی لشکر ۹۲ زرهی بوده و این منطقه برای لشکر ۲۱ پیاده کاملاً ناشناخته بود و هیچگونه شناسایی قبلی پرسنل لشکر ۲۱ از منطقه نداشتند.

۲- یگان‌های پشتیبانی و پشتیبانی خدمات رزمی لشکر ۲۱ وارد منطقه نشده بودند و در نتیجه پشتیبانی آمادی یگان‌ها، به خصوص از نظر مهمات با اشکال مواجه بود.

۳- با توجه به آمادگی لشکر برای عزیمت به منطقه عملیات از تهران به اندیمشک به علت ترافیک در راه آهن این جا به جایی به موقع انجام نشد.

۴- گردان مخابرات لشکر که مسئول برقراری سیستم ارتباط فرماندهی است به طور کامل به منطقه نیامده بود و در نتیجه ارتباط فرماندهان یگان‌های تابعه لشکر به طور مؤثر برقرار نشده بود و ارتباط مختصری که به دست پرسنل غیر متخصص برقرار شده بود نیاز عملیاتی را تأمین نمی‌نمود.

۵- توپخانه لشکری هنوز با توپخانه‌های موجود در منطقه هماهنگی نکرده بودند و دیده بان‌ها منطقه را نمی‌شناختند و آموزش کافی نیز نداشتند. در نتیجه توپخانه ضمن اینکه نمی‌توانست یگان‌های تک‌ور را پشتیبانی کند تلفات مؤثری نیز به دشمن وارد نشد (به دلیل نداشتن ثبت تیر دقیق و عدم شناخت موقعیت دشمن).

۶- زمان این عملیات با عجله اتخاذ شده بود و وقت کافی برای شناسایی در نظر گرفته نشده بود و برای یک لشکر فقط ۳ روز زمان برای آمادگی شناسایی و طرح‌ریزی تک‌تعیین شد و لشکر بدون آمادگی قبلی و شناسایی دقیق که از اهمیت مسایل است دست به حمله زد.

۱ کتاب تک‌لشکر ۲۱ حمزه در غرب کرخه ص ۲۱ و ۲۲ (آرشیو هیأت معارف جنگ)

۷- هماهنگی های لازم جهت استفاده مؤثر با نیروی هوایی به عمل نیامده بود به دلیل اینکه نیروی هوایی اعلام نمود که تا دوسلک و عین خوش را نمی تواند پشتیبانی هوایی نماید.

۸- اطلاعات موجود در حد صفر بود و هیچگونه اطلاعات مفید جهت طرح ریزی عملیات از دشمن توسط نیروی زمینی در اختیار لشکر قرار نگرفت و آن مقدار اطلاعات محدودی که توسط افسران تیپ ۲ زرهی و بعضی از پرسنل به لشکر داده شده بود بسیار ناقص و کمتر مطابق واقع بود. در نتیجه دشمن به هیچ شمرده می شد و خوش باوری و ساده اندیشی درباره دشمن به نحوی بود که تصوّر می شد دشمن تاب مقاومت نداشته و با یورش اولیه نیروها مبادرت به عقب نشینی و فرار خواهند نمود.

۹- درگیری یگان ها پس از انقلاب با ضد انقلابیون در گنبد - کردستان و هم زمان ترخیص بیش از چند دوره سرباز به فرماندهان فرصت اجرای آموزش های انفرادی و یگانی را نداده در نتیجه ضعف آموزش در کلیه رده ها مشهود بود. به همین دلیل پرسنل نتوانستند از جنگ افزارهای مربوطه به نحو مطلوب استفاده نمایند.

۱۰- وجود دو پل در منطقه پل نادری برای عبور خودروهای چرخدار و نفربرها و خودروهای شنی دار سبک و یک پل پی ام پی مخصوص عبور تانک و وسایل سنگین روانه شده بود. لشکر می بایست کلیه تانک های مأمور و تانک لشکر را از پل عبور می داد آن هم در تاریکی شب و زیر آتش دشمن.

۱۱- عدم توجه مسئولین به حفاظت گفتار و آگاه بودن دشمن از اجرای تک چون هیچ گونه عمل ایذایی یا فریب انجام نشد. دشمن از قبل خود را آماده دفاع در مقابل این تهدید کرده بود کما اینکه بعد از ظهر قبل از تک اقدام به اجرای تک ایذایی جهت برهم زدن آرایش آفندی نمود و روی توپخانه های خودی آتش ضد آتشبار اجرا نمود و دشمن از زمان حمله لشکر ۲۱ اطلاع داشت.

۱۲- رعب و وحشت در بین پرسنل رزمنده و افرادی که هنوز جنگ ندیده بودند و فقط داستان صدمات را از زبان یگان هایی که در اثر هجوم ارتش عراق در حمله سراسری عقب نشینی کرده و ضربه خورده بودند شنیده بودند.

۱۳- عبور تانک ها با بی نظمی از پل کرخه شروع و در نتیجه دیرتر از زمان تعیین شده از پل گذشتند و دشمن که از قبل سلاح های ضد تانک خود را به خصوص موشک های مالیوتکا را دقیقاً در محل های مناسب برای شکار تانک ها مستقر نموده بود توانست در همان ساعات اولیه تانک های لشکر ۲۱ را مورد اصابت قرار دهد.

۱۴- با وجودی که لشکر یک یگان پیاده بود طر حریزی ها و عمق هدف های واگذاری بر اساس عملکرد یک یگان زرهی معمول شده بود.

۱۵- اصول تاکتیکی (نوع مانور- نحوه مانور یگان ها و آرایشات) به طور مناسب پیش بینی نشده بود و اصول جنگ کلاسیک مورد پذیرش در این عملیات رعایت نشده بود.

۱۶- استفاده صحیح دشمن از زمین و آموزش کافی دشمن نسبت به جنگ در زمین هموار.

۱۷- یگان های لشکر که از ادغام دو لشکر ۱ و ۲ مرکز تشکیل شده بودند. هنوز انسجام کامل نیافتند و حتی فرماندهان زبردستان خود را نمی شناختند و در نتیجه اعمال نفوذ روی زبردستان برای اجرای مأموریت مشکل می نمود.

۱۸- در چنین وضعیتی خونسردی فرماندهان خودی و نگهداری یگان ها به حالی که کمترین صدمه را ببینند آسیب پذیری را کم نمود و میزان تلفات و ضایعات را به حداقل رساند و اگر در کشیدن یگان ها به عقب تصمیم غیر منطقی گرفته می شد تلفات رزمی غیر قابل تصویری پیش می آمد.

۱۹- تصمیم منطقی فرمانده لشکر وقت (سرهنگ ورشوساز) و رعایت اصول عملیات تأخیری که الزاماً گروه فرماندهی بایستی آخرین رده باشد که منطقه را ترک می کند در این عملیات رعایت گردید. پس از یک شب توقف در منطقه درگیری (سه راه قهوه خانه) گروه تاکتیکی صبح روز بعد منطقه را ترک نمود.

### تجزیه و تحلیل و آمار تلفات و ضایعات ۲۳ مه‌ماه

نتیجه نبرد ناموفق لشکر نه تنها این لشکر نیمه آماده را از کار انداخت بلکه در روحیه پرسنل مستقر در منطقه سرپل که از قبل مکرر تقاضای تعویض می کردند اثر بدی باقی گذاشت و بر تعویض خود اصرار بیشتری می ورزیدند و از طرفی نگرانی حمله دشمن به سرپل روز به روز افزایش می یافت. تیپ ۳ لشکر ۲۱ نیز که در شمال غربی منطقه حمله بایستی وارد عمل می شد همان طور که قبلاً یادآوری شد، به علت کمبود وسایل ترابری و حرکت پیاده در منطقه کوهستانی نتوانستند به تپه های بلتا برسند و در قسمت شرقی تپه چشمه وارد عمل شدند و باید توجه نمود که وسایل ضد تانک که جلوبورده بودند به علت اینکه عناصر زرهی عراق وارد عمل نشده بود، مورد استفاده قرار نگرفت و از کانال هندلی دشمن یگان های تیپ ۱ را زیر آتش مالیوتکای با سکوی زمینی (چمدانی) قرار داده بود و آنها نیز در برد سلاح های ضد تانک تیپ ۳ نبودند و با متوقف شدن تیپ ۱

شرایط استفاده از تیپ ۳ به وجود نیامد. همچنین باید متذکر شد که در مدت حدود ۲۴ ساعت از ساعت ۰۷۰۰ تا ۲۳ تا ۰۵۰۰ روز ۲۴ مهرماه هیچگونه غذا و آب به پرسنل نرسید و چون یگان از روی ارتفاعات عبور کرده بود، تانکر آب هم نتوانسته بود با خود حمل نماید و همین موضوع باعث ضعف جسمی بعضی از پرسنل نیز شده بود و این تیپ هم روز بعد به شرق رودخانه منتقل شد.

### نتیجه عملیات - آمار تلفات و ضایعات

#### آمار تلفات لشکر ۲۱ حمزه در عملیات ۵۹/۷/۲۳

درجه	شهید	مجروح	اسیر یا مفقود الاثر	جمع
افسر	۵	۱۴	---	۱۹
درجه دار	۳۸	۴۵	۶	۸۹
سرباز	۵۹	۱۰۲	۲۵	۱۸۶
جمع	۱۰۲	۱۶۱	۳۱	۲۹۴

### واگذاری مسئولیت پدافند منطقه غرب دزفول و شوش به لشکر ۲۱ حمزه و تشکیل اولین خط پدافندی

مقدمه:

پس از عملیات ناموفق لشکر ۲۱ پیاده در مورخه ۲۳ مهرماه سال ۵۹ بر علیه عراق و عقب نشینی یگان های تک ور به شرق رودخانه مجدداً پدافند منطقه سرپل نادری در غرب کرخه به تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ و یگان های تحت کنترل عملیاتی این تیپ واگذار گردید. یگان هایی که در پدافند غرب کرخه و سرپل نادری تا واگذاری مسئولیت منطقه به لشکر ۲۱ حمزه مستقر بودند شامل:

- ۱- تیپ ۲ زرهی (به فرماندهی سرهنگ زرهی امرالله شهبازی)
- ۲- گروه رزمی ۳۷ زرهی (به فرماندهی سرگرد زرهی اسدزاده)
- ۳- گردان ۲۹۱ تانک (ل) لشکر ۷۷ (به فرماندهی سرگرد زرهی توکلی)
- ۴- تانک های لشکر ۲۱ پیاده شامل گردان های ۲۴۲-۲۴۳-۲۵۰ تانک برابر دستور فرمانده نزاوا و یادداشت اداری فرمانده لشکر (به سرپرستی سرگرد زرهی محمد جابری پور) زیر امر تیپ ۲ زرهی. «مدرک ۲۵۰»



۵- با توجه به حساسیت موجود در منطقه پل نادری نیروی زمینی به لشکر ۲۱ پیاده مأموریت داد پدافند شرق رودخانه کرخه را به عهده بگیرد و لشکر ۱۶ زرهی نیز در احتیاط نیروی زمینی قرار گیرد. بر مبنای دستور فوق دستور عملیاتی شماره ۲ لشکر ۲۱ پیاده در ۲۷ مهرماه ۵۹ با اعلام وصول ح ز-۱۸ صادر و یگان های لشکر مأموریت یافتند در ساحل شرقی رودخانه کرخه از مختصات (۷۹۷-۱۵۶) تا مختصات (۷۳-۴۰) به منظور متوقف کردن پیشروی دشمن تا شروع عملیات بعدی پدافند نمایند. «مدرک ۲۵۱ (پیوست شماره ۳ دستور عملیاتی شماره ۲ لشکر ۲۱ حمزه)»

۶- وضعیت دشمن و خودی برابر اعلام یگان ها به شرح زیر گزارش گردید. ستاد عملیاتی دزفول اعلام نمود در تاریخ ۵۹/۷/۲۵ نیروهای خودی در امتداد چهار کیلومتری جلوی رودخانه در پل کرخه مستقر و نیروهای دشمن در امتداد سه راهی قهوه خانه و اطراف سایت چهار و پنج و جاده دهلران مستقر گردیده اند.

۷- برابر دستور قرارگاه مقدّم نزاچاگردان ۲۹۱ تانک زیر امر تیپ ۲ زرهی قرار گرفت. «مدرک ۲۵۲»

۸- پس از عملیات ناموفق تک ۲۳ مهرماه دشمن با اجرای آتش پر حجم و مداوم تلفات و ضایعات سنگینی را به یگان های مستقر در منطقه وارد آورد و با توجه به تلفات و ضایعات وارده به یگان ها در شروع جنگ تحمیلی و عدم جایگزینی مناسب پرسنلی و لجستیکی که افت توان رزمی را به همراه داشت یگان ها با گزارشات عدیده تقاضای تعویض برای بازسازی و تجدید سازمان را داشتند که برای عملیات بعدی آمادگی بهتری کسب نمایند. گزارشات مشروحه زیر بخشی از مشکلات و نارسایی یگان هایی است که از آغاز تجاوزات مرزی ارتش عراق به مرزهای جمهوری اسلامی (در منطقه غرب دزفول و شوش) و درگیری با متجاوز تا خاتمه عقب نشینی اجباری و دریافت مسئولیت پدافند منطقه سرپل به نیروی زمینی واصل گردید.

خلاصه ای از گزارش رکن سوّم لشکر ۹۲ زرهی که با شماره ۲۰۱/۴۸/۶۱ در تاریخ ۵۹/۷/۳۰ با امضای فرمانده لشکر سرهنگ قاسمی که از تاریخ ۵۹/۷/۳ به فرماندهی لشکر منصوب و به قرارگاه مقدّم نزاچا در جنوب ارسال شد وضعیت لشکر ۹۲ را بدین شرح اعلام می نماید:

۱- مقدرات لشکر ایجاب می نماید که در منطقه ای به عرض حداکثر ۲۰ تا ۴۰ کیلومتر گسترش یابد و منطقه واگذاری بیش از ۲۰۰ کیلومتر است. ناچاراً تیپ های لشکر در معابر

جداگانه ای و به طور مستقل عمل و این عمل کنترل و فرماندهی لجستیک را با مشکلات عدیده ای که کاملاً آشکار است مواجه می سازد. در حال حاضر یگان های لشکر که مدّت زیادی درگیر نبرد بوده اند و با کمبودهای غیر قابل تصویری در مقابل دشمن مجهّز در زمین نامناسب پدافندی در حال دفاع بوده اند. به طور مثال تیپ ۱ لشکر با دو گردان تانک (-) و دو گردان پیاده زرهی (-) که در سازمان تیپ منظور شده است بایستی دارای ۱۰۶ دستگاه تانک سازمان و فرماندهی مناسب و کنترل و ارتباط کافی باشد هم اکنون دارای حدود ۱۵ دستگاه تانک و دو گروهان پیاده می باشد و سایر یگان های لشکر نیز وضعیّت مشابهی با این تیپ دارند. لشکر در مدّت عملیات تا این تاریخ بیش از ۱۲۰۰ نفر شهید و مجروح داده است با این فداکاری ها و از خود گذشتگی هایی که پرسنل لشکر با جان و دل از خود ابراز می دارند انتظار دارد که ارتش نیز به فکر چاره اساسی باشد.

گیرندگان : سماجا ۲- نذاجا عملیات - استانداری خوزستان - قرارگاه مقدّم نذاجا جنوب - قرارگاه عملیات ماهشهر دفتر برادر دکتر چمران.

## متن نامه گروه رزمی ۳۷ شیراز

از : گروه رزمی ۳۷ زرهی

به : ف - عملیاتی دزفول

مقام عالی را آگاه می سازد.

- ۱- پرسنل این گروه رزمی از تاریخ ۵۹/۲/۶ در مأموریت خوزستان انجام وظیفه می نمایند.
- ۲- از تاریخ ۵۹/۶/۲۶ با عناصر دشمن درگیری قطعی حاصل نموده است و تا به امروز ادامه دارد.
- ۳- باقی مانده تیپ ۳۷ در گروه رزمی ۳۸ در منطقه اهواز و خرمشهر انجام وظیفه می نماید.
- ۴- این گروه با مراجعات پی در پی پرسنل مبنی بر طولانی بودن مدت مأموریت (۶ ماه) است.
- ۵- به علت تلفات روزانه پرسنلی و دوری از خانواده مایه پایین آمدن آمادگی رزمی است.

افسر	درجه دار	سرباز	
۴۰	۳۲۱	۴۰۶	۶- استعداد پرسنل قبل از درگیری
۲۸	۲۵۱	۲۶۹	۷- استعداد پرسنل در حال حاضر
۲	۱۴	۵	۸- ضایعات پرسنل شهید
۱۰	۵۶	۱۳۲	۹- مجروح

قرارگاه تاکتیکی نزاچا در تاریخ ۵۹/۷/۱۶ اعلام نمود تیپ ۲ به مأموریت کنونی خود (پدافند) ادامه داده تا عناصر لشکر ۲۱ حمزه خط دفاعی مناسب در منطقه آن تیپ اشغال نمایند و در تاریخ ۵۹/۷/۱۷ به لشکر ۲۱ دستور داد فرمانده گردان یا رییس رکن سوّم گردان مأمور پدافند شرق کرخه در پای پل را جهت هم آهنگی لازم برای تعویض به تیپ ۲ دزفول اعزام دارد. «مدرک ۲۵۳، ۲۵۴»

۱۱- با توجه به حساسیت منطقه سرپل نادری و تجزیه و تحلیل گزارشات واصله از یگان های پدافند کننده، مسئولین دریافتند در صورتی که دشمن با حجم آتش سنگین و نیروی قابل ملاحظه ای اقدام به حمله گسترده ای در منطقه سرپل نماید نیروهای موجود به دلیل افت قابل ملاحظه توان رزمی قادر به پدافند نبوده و در صورت عدم مقاومت یگان های خودی دست یابی دشمن به شرق رودخانه دور از انتظار نبوده و امنیت منطقه در خطر جدی قرار خواهد گرفت لذا با توجه به یگان های موجود نیروی زمینی در منطقه

دزفول به لشکر ۲۱ پیاده مأموریت داده شده که با تعویض یگان های تیپ ۲ لشکر ۹۲ در غرب پل نادری پدافند کُلی منطقه را عهده دار گردد بر مبنای مأموریت فوق دستور جزء به جزء شماره ۶ قرارگاه مقدم نزاچا در جنوب در سوّم آبان ماه ۵۹ با شماره اعلام وصول ق-الف-۱۴ صادر و پدافند منطقه دزفول را از ساعت ۲۱۰۰ روز پنجم آبان ماه سال ۵۹ به لشکر ۲۱ حمزه واگذار و به گردان ۲۲۷ تانک (لشکر ۱۶ زرهی) مأموریت داده شد مواضع سدکننده ای را در حوالی پای پل روی ارتفاعات کمانه بزرگ اشغال تا در صورت شکستن خط پدافندی نسبت به سد پیشروی متجاوز اقدام نمایند. «مدرک ۲۵۵»

#### **(پیوست شماره ۴ دستور جزء به جزء شماره ۶ قرارگاه مقدم نزاچا در جنوب)**

با توجّه به مشکلات لشکر ۲۱ حمزه و درخواست فرمانده لشکر قرارگاه مقدم جنوب با ۴۸ ساعت تأخیر برای تعویض موافقت نمود. لذا لشکر ۲۱ حمزه دستوری عملیاتی شماره ۳ خود را در چهارم آبان ماه سال ۵۹ با شماره اعلام وصول ف ز-۵۰ صادر و به یگان های لشکر مأموریت داد با تعویض یگان های در خط از ساعت ۰۶۰۰ روز ۵۹/۸/۷ مسئولیت پدافند منطقه فرماندهی عملیاتی دزفول را در موضع سرپل به عهده گرفته و منطقه دفاعی را از مختصات (۷۶۰۵) در ارتفاعات شاوریه تا (۷۳۰۳) در منطقه الهایی عهده دار گردد. «مدرک ۲۵۶»

#### **(پیوست ۵ دستور عملیاتی شماره ۳ لشکر ۲۱ حمزه)**

برابر امریه شماره ۳۰۰۱/۲۶-۵۹/۸/۳ قرارگاه نزاچا هم آهنگی لازم برای تعویض یگان های تیپ ۲ دزفول با یگان های لشکر ۲۱ پیاده از ساعت ۰۶۰۰ روز ۵۹/۸/۷ شروع و یگان های تیپ ۲ لشکر ۹۲ از خط تعویض و مسئولیت پدافند منطقه غرب دزفول و شوش به لشکر ۲۱ حمزه واگذار گردید.

#### **تک ۹ آبان ۱۳۵۹ ارتش عراق به لشکر ۲۱ حمزه**

ارتش عراق برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده خود به منظور جدا کردن استان خوزستان در صدد دست یابی به گلوگاه استان خوزستان در دو کوهه و تنگ فنی بود طراحان ارتش عراق اشغال شهرهای شوش و دزفول اندیمشک و پایگاه چهارم هوایی را همیشه در نظر داشته و تک روز ۴ و ۵ آبان ماه به سرپل و به دنبال آن عملیات روز ۹ آبان ۵۹ ارتش عراق به منظور دست یابی به شرق کرخه و ادامه عملیات تا رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده گواه و تأییدی است بر این مدّعا که در صورت کوچکترین سهل انگاری یا سستی و عدم مقاومت نیروهای خودی سقوط مناطق فوق دور از انتظار نبوده و با عنایت به اینکه ارتش عراق آخرین اخبار تکمیلی را از عناصر خود فروخته داخلی و منافقین دست

نشانه و عناصر نفوذی دریافت می کرد راه کارهای خود را بر مبنای همین اطلاعات دریافتی طرحریزی و اجرا می نمود.

ارتش عراق دریافت که نیروهای ایرانی با اشغال مناطق غرب کرخه و گسترش سرپل هر چند کوچک در مناطق فوق با ایجاد مزاحمت به هر نحو ممکن ضربه کاری را وارد خواهند ساخت و اشغال سرپل در غرب کرخه باعث نابودی یگان های ارتش عراق خواهد شد و با گرفتن اطلاعات تکمیلی مبنی بر استقرار یگان های لشکر ۲۱ پیاده در غرب کرخه دریافت که یگان هایی از این لشکر در عقب نشینی اجباری متحمل تلفات و ضایعاتی شدند و نیز لشکر در تک ناموفق ۲۳ مهر ماه ضربه سنگینی خورده و بیش از ۴۸ ساعت از زمان تعویض آن نگذشته و هنوز جای پای محکمی در غرب کرخه اشغال نکرده و با توجه به زمان محدود به طور کامل موفق به ایجاد خط پدافندی مطمئنی نشده ، لذا انتخاب روز ۹ آبان بهترین زمان برای هجوم و ضربه زدن و عقب راندن این نیروها به شرق کرخه خواهد بود. به همین دلیل با توجه به اطلاعات دریافتی و تجزیه و تحلیل به این نتیجه رسید که با تقویت یگان های تک ور و اجرای انبوه آتش پشتیبانی نسبت به اجرای خواسته خود اقدام نماید. به دلایل فوق سپاه ۳ تک گسترده روز ۹ آبان را پیش بینی و با استفاده از تیپ ۲۷ مکانیزه لشکر ۱ و تقویت این یگان و احضار یگان هایی از لشکر ۹ کوهستانی با عبور از خط لشکر ۱۰ زرهی این عملیات را به مرحله اجرا درآورد. به منظور توجیه تک ۹ آبان شایسته است قبل از شروع مراحل عملیات بخشی از گزارش نوبه ای شماره ۸ لشکر ۲۱ پیاده که از ساعت ۰۹۰۰ روز ۵۹/۸/۸ الی ساعت ۰۹۰۰ روز ۵۹/۸/۱۰ به قرارگاه نزاجا ارسال گردید توجه نمود. «مدرک ۲۵۷»

## گزارش نوبه ای لشکر ۲۱ حمزه

### فعالیت لشکر در این دوره...

#### (الف) تیپ ۱ پیاده

(۱) دشمن از ساعت ۰۴۳۰ الی ۰۵۱۵ روز ۵۹/۸/۹ به مدت ۴۵ دقیقه با اجرای انبوه آتش تهیه تک را در ساعت ۰۶۳۰ آغاز که ابتدا نیروهای پیاده در جلو و تانک ها از دو قسمت پیشروی پیاده ها را پشتیبانی می نمودند.

(۲) یگان های پیاده متجاوز به محض رسیدن در برد آتش یگان های خودی و مقاومت سرسختانه تیپ ۱ مستقر در سرپل مجبور به توقف گردیده و دور تک آرام شد.

(۳) یگان های تیپ ۱ مستقر در سرپل توسط احتیاط لشکر تقویت و مدت زمانی تجدید سازمان و تحکیم هدف نموده که مجدداً در ساعت ۱۱۰۰ پرسنل پیاده متجاوز ادامه تک را آغاز و در اثر مقاومت دلیرانه پرسنل و آتش شدید و پشتیبانی توپخانه و خمپاره اندازها مجبور به توقف در شیار منطقه گردیدند.

(۴) در ساعت ۱۵۰۰ مجدداً تک متجاوز با پشتیبانی تعدادی تانک اجرا که در اثر مقاومت شدید تیپ ۱ و آتش توپخانه و خمپاره اندازها در ساعت ۱۶۰۰ مجبور به عقب نشینی گردید. (۵) در ساعت ۱۷۱۵ مجدداً متجاوز با یک گردان پیاده در خط با پشتیبانی آتش های پی ام پی مبادرت به تک نمود که در اثر مقاومت دلیرانه رزمندگان تیپ ۱ و با اجرای آتش توپخانه و خمپاره اندازها مجبور به عقب نشینی شد به طوری که نفرهای پی ام پی یک با اجرای پرده دود از منطقه رزم خارج گردیدند.

#### (ب) تیپ ۳ پیاده

در ساعت ۱۷۰۰ روز ۵۹/۸/۸ گشتی رزمی به استعداد ۳۰ نفر پرسنل شهادت طلب با آگاهی از اینکه شهید یا اسیر خواهند شد. پس از عبور از رودخانه کرخه در سرخه مشط مستقر و از آنجا به سمت کوت کاپن حرکت و در غرب آن کمین نمودند. در ساعت ۰۲۰۰ روز ۵۹/۸/۹ یک ستون کامیون متجاوز شامل دو دستگاه جیب و چهار خودرو ذیل حامل موشک زمین به هوا که در جاده غربی کوت کاپن از شمال به جنوب در حرکت بود مورد کمین گشتی رزمی قرار گرفتند که کلیه خودروها و موشک های متجاوز توسط گشتی اعزامی منهدم و یک سرگرد عراقی اسیر و ضمناً وسایلی از متجاوزین به دست آمد که از طریق رکن دوّم لشکر گزارش گردید.

به جا است در اجرای این مأموریت روحیه شهادت طلبی گشتی فوق را که یکی از عوامل برترساز توان رزمی است با نوشته ای از جیمز بیل در یک سو قرار دهیم.

#### جیمز بیل می نویسد:

ژنرال جورج مارشال که سربازی بزرگ و سیاستمداری برجسته بود زمانی گفت :  
(می توان تمام تجهیزات موجود در جهان را در اختیار داشت اما همه آن بدون برخورداری از روحیه، عمدتاً بی اثر است.)

ناظران غربی نتوانسته اند وفاداری ایرانیان به آرمان خود را درک نمایند زیرا آنها معمولاً از فرهنگ سیاسی و مذهبی اسلام شیعی بی خبرند. امری که در واقع سرسپردگی کامل و میل به ایشار برای جامعه است در غرب به عنوان (رفتار غیرمنطقی) یا (تعصب گرایی)

قلمداد می شود. علاوه بر این بسیاری از ناظران نظامی خارجی پیش بینی کرده اند که عراق پیروز می شود و ایران شکست خواهد خورد. این پیش بینی ها صرفاً با در نظر گرفتن شاخص های عینی بوده است که تعداد تانک ها هواپیماها و موشک ها و غیره را با هم مقایسه می کنند. بدین ترتیب آنها عوامل روانی مهمی مانند روحیه، تحرک روحی و غیرت و روحیه شهادت طلبی را نادیده گرفته اند.<sup>۱</sup> به بیان آیت الله امام خمینی (ره) این رزمندگان قهرمان جبهه به کدام اجتماع تعلق دارند آیا در میان همه آنان یک نفر را هم پیدا می کنید که با اشخاصی مربوطه باشند که در گذشته سرمایه بزرگ یا قدرت داشتند اگر یک نفر را پیدا کردید به شما جایزه می دهم حتماً پیدا نخواهید کرد. در اشاره به ارزش و قدرت فقرا آیت الله امام خمینی (ره) اظهار داشته است حضرت علی (ع) بود که می فرمود حکومت به اندازه کفش های مندرسش برای او ارزش ندارد. این روحیه اسلامی که موتور حرکت ایران انقلابی است با حمایت توده های مردم ایران با رهبری کنونی کشور رابطه تنگاتنگ دارد.<sup>۲</sup>

پس از خاتمه مأموریت و موفقیت عملیات فوق ستوان دوّم مولایی فرمانده گشتی که به غرب کرخه اعزام شده بود و سرگرد عراقی را به اسارت درآورد. بنا به دستور فرمانده لشکر و گزارش به نیرو به درجه ستوان یکمی مفتخر گردید. پس از بازجویی رکن دوّم لشکر و دریافت اطلاعات تکمیلی از اسیر عراقی مشخص شد که ارتش عراق قصد حمله در روز ۹/۸/۵۹ به سرپل نادری را دارد لذا دستورات تکمیلی توسط لشکر به تیپ ۱ صادر گردید و قرارگاه مقدّم نزاچا در جنوب نیز به گروه ۵۵ توپخانه و تیپ ۲ زرهی لشکر ۱۶ دستورات لازم را صادر و یگان ها آمادگی کامل برای مقابله با هر گونه تجاوز دشمن را تحصیل نمودند.

### تشریح عملیات ۹ آبان بر مبنای پیام های موجود لشکر

از ساعت ۰۶۳۰ حرکت واحدهای پیاده و مکانیزه دشمن به سمت مواضع تیپ ۱ در سرپل کرخه آغاز شد. پیاده نظام دشمن در خط مقدّم حرکت می کردند و با توجه به شکل زمین و دید و تیر مناسبی که در اختیار تیپ ۱ بود نیروهای خودی در صورت داشتن ادوات ضد تانک می توانستند به سادگی ادوات زرهی دشمن را از مسافت ۳ کیلومتری زیر آتش سلاح های ضد تانک خود بگیرند. لیکن در حمله ۹ آبان به سرپل هنوز یگان های نیروی زمینی مجهّز به موشک ضد تانک مالیوتکا چمدانی و یا سوار بر نفربر نشده بودند، فقط سلاح ضد تانک تیپ منحصراً تفنگ ۱۰۶ م م و آر پی جی ۷ و تعدادی موشک تاو

۱ کتاب بازشناسی تجاوز و دفاع جلد دوّم ابعاد سیاسی و مسایل حقوق بین الملل (ص ۴۲۳)

۲ کتاب بازشناسی تجاوز و دفاع جلد دوّم ابعاد سیاسی و مسایل حقوق بین الملل (ص ۴۲۴)

و موشک در آگون بود که تجهیزات این موشک ها هم در جریان پیروزی انقلاب صدمات زیادی دیده بودند. هم چنین منطقه درگیری مناسب برای حرکت پیاده نظام بود و زمین منطقه عمل دارای شیارهای مناسبی بود که پیاده نظام دشمن می توانست خود را به آن محل برسانند و یگان های پدافندی را تجزیه و منهدم نماید.

با توجه به گسترش نامناسب یگان های مستقر در غرب سرپل و تهیه نکردن سنگر به دلیل نداشتن زمان کافی پس از تعویض تا اجرای تک ۹ آبان (مدت ۴۸ ساعت) و بدون دفاع بودن قسمتی از خط پدافندی به خصوص در شمال غرب منطقه و توجه دشمن به این منطقه پیاده نظام عراق سعی می کرد از شکاف موجود استفاده نماید لذا با توجه با گاهی فرماندهی تیپ ۱ (سرهنگ ستاد بهروز سلیمانجاده) از وضعیت زمین منطقه و حضور سلسله مراتب فرماندهی یگان های تیپ ۱ در خط مقدم کلیه آتش ها در منطقه فوق روانه و با وارد آوردن تلفات سنگین به پیاده نظام دشمن حرکت یگان های تک و کد و تک از دور افتاد. به منظور پشتیبانی از یگان های تیپ ۱ گردان ۲۴۲ تانک مستقر در شوش به پای پل اعزام و در ساعت ۰۶۱۵ فرماندهی گردان اعلام نمود نزدیک پل کرخه آماده اشغال موضع می باشد. تیپ به منظور حفظ خط پدافندی گردان تانک را در طرفین خط پدافندی در غرب کرخه مستقر نمود. در چنین وضعیتی دشمن در منطقه شوش نیز تظاهر به تک نمود که با هوشیاری و مقاومت گردان های ۱۳۱ و ۱۳۸ مستقر در خط پدافندی شوش و اجرای آتش سنگین این حرکت دشمن نیز موفقیتی به همراه نداشت.

برابر دستور لشکر تعداد ۱۰ دستگاه نفربر چرخدار بی تی آر ۶۰ (TR 60 B) به سرپل اعزام و به منظور تقویت یگان های تیپ ۱ به گردان مهندس و به پشتیبانی لشکر دستور داده شد سریعاً تعداد ۱۰۰ نفر پرسنل خود را با تفنگ و تیربار به منطقه تیپ ۱ اعزام نمایند. با توجه به آتش سنگین دشمن در منطقه سرپل و باند اضطراری فرودگاه همه پرسنل با احساس مسئولیت سعی می کردند دستورات صادره را به منظور تقویت تیپ ۱ به مورد اجرا گذارند. پس از تک ناموفق مرحله یکم مجدداً دشمن در ساعت ۱۰۰۰ با پیاده کردن نیرو در منطقه سرخه صالح و سرخه فلیح در ساعت ۱۱۰۰ با اجرای آتش سنگین اقدام به تک نموده. ساعت ۱۱۲۱ دقیقه گردان ۲۴۲ تانک اعلام نمود نیروهای دشمن به ۵۰ متری ما رسیده اند و به منظور کمک به گردان ۲۴۲ تانک منطقه گردان به وسیله نفرات پیاده تیپ ۱ تقویت گردید. این عملیات با همکاری صمیمانه نیروی هوایی و هوانیروز به مرحله اجرا درآمد و حرکت واحدهای زرهی و مکانیزه دشمن از دور افتاد و در همین حال خبری



واصل شد که دشمن قصد دارد راه مواصلاتی خرم آباد و اندیمشک را قطع نماید. قرارگاه مقدّم به لشکر ۱۶ زرهی دستور داد یک گروهان سوارزرهی را به منطقه راست تیپ ۱ لشکر ۲۱ اعزام نماید و تیپ ۲ لشکر ۹۲ نیز ارتفاعات کرانه جنوبی پل بالارود را در شمال دو کوهه اشغال نماید که بلافاصله دستور قرارگاه مقدّم اجرا و همه با احساس مسئولیت مسئله را پی گیری نمودند.

در ساعت ۱۴۰۰ تیپ اعلام نمود که حمله دشمن متوقّف شده و ۲ نفر پرسنل عراقی خود را به یگان های تیپ تسلیم نمودند و دشمن در حال فرار است. در ساعت ۱۵۰۰ مجدّداً تک متجاوز با پشتیبانی تعدادی تانک آغاز که در اثر مقاومت تیپ با اجرای آتش پشتیبانی در ساعت ۱۶۰۰ دشمن مجبور به عقب نشینی شد مجدّداً در ساعت ۱۷۱۵ متجاوز با یک گردان پیاده در خط با پشتیبانی آتش پی ام پی مبادرت به تک نمود این بار دشمن از سمت راست منطقه با پرسنل کماندو از پشت مواضع خمپاره انداز گردان ۱۳۱ تیپ ۱ نفوذ نمود که با جنگ تن به تن حمله دشمن دفع و اجساد پرسنل عراقی که با سرنیزه به هلاکت رسیدند در منطقه باقی ماند. در این حال نزاجا اعلام نمود احتمال دارد با توجّه به حمله پیاپی، دشمن به منطقه سرپل رخنه نماید. لذا لشکر به گردان مهندسی دستور داد پل کرخه را خرج گذاری نموده و به محض قصد عملی عبور دشمن از پل نسبت به تخریب آن اقدام نماید. قرارگاه مقدّم نزاجا به لشکر ۲۱ اعلام نمود تخریب پل فقط منوط به دستور این قرارگاه خواهد بود و به لشکر ۱۶ زرهی دستور داد که در ساحل شرقی سرپل مستقر و رخنه احتمالی دشمن را سد نماید. در این حال دشمن با ایجاد تهدید جدی در منطقه شوش به سمت کرانه غربی رودخانه کرخه پیشروی نمود پیشروی لشکر یک مکانیزه عراق با تردید و اجبار بود زیرا حمله دشمن مداومت نداشت. دشمن که از عملیات روزانه خود بهره ای نبرد سعی کرد حمله شبانه ای را به مرحله اجرا درآورد و لذا در ساعت ۱۸۰۰ همان روز مجدّداً پیاده نظام شروع به پیشروی نمودند و تانک ها پیاده نظام را پشتیبانی می کردند و با استفاده از گلوله منور و توپخانه و خمپاره انداز منطقه را روشن نمود و در این تک نیز دشمن متحمّل تلفات سنگینی شد و در ساعت ۲۰۰۰ با به جا گذاشتن ۸۰۰ نفر کشته مجبور به عقب نشینی شد و صحنه نبرد از ساعت ۲۲۰۰ آرام شد. «مدرک ۲۵۸، ۲۵۹»

**(پیوست ۶ جدول حوادث نهم آبان ماه سال ۵۹ تک ارتش عراق به سرپل کرخه)**

۴۸ ساعت پس از این عملیات از یک فروند هلی کوپتر دشمن که در منطقه تیپ ۱ سقوط کرده بود اسنادی از عملیات ۹ آبان به دست آمد و حاکی از آن بود که ارتش عراق در این عملیات ۹ نفر اسیر ۸۰۰ کشته داشته و بیش از ۱۲ دستگاه تانک نیز از دست داده و گردان ۳۰۱ کوهستانی که در این عملیات شرکت داشت تمامی افراد آن کشته شدند (اطلاعاتی که از دو نفر پناهنده عراقی در روز ۹ آبان دریافت شد). حاکی از آن است که ارتش عراق گردان ۳۰۱ تیپ ۳۱ لشکر ۲ کوهستانی را از منطقه غرب به دزفول اعزام داشت تا حمله ۹ آبان را به مرحله اجرا درآورند و برابر طرح می بایستی عناصر لشکر یک مکانیزه با عبور از میان مواضع لشکر ۱۰ زرهی در منطقه سرپل تک را آغاز و پس از موفقیت لشکر یک مکانیزه، لشکر ۱۰ ادامه کار را دنبال نماید که عملیات با شکست کامل رو به رو شد. در حقیقت برای دفع تجاوز دشمن پایداری مقاومت رزمندگان لشکر ۲۱ پیاده با تقدیم ۱۰ شهید و ۵۹ مجروح در این عملیات که اجرای فرمان رهبر کبیر انقلاب را یک تکلیف شرعی و میهنی دانسته و با ایستادگی و ایثار رؤیای تجزیه خوزستان و عبور ارتش عراق به شرق کرخه را در هم کوبیدند و آرزوی دستیابی دشمن به شهرهای اندیمشک و شوش و دزفول و پیش بینی خونین شهرهای دیگر را برای همیشه به گور سپردند و شجاعت و شهامت و ایثار همه پرسنل شرکت کننده و شهدای گمنامی که در شروع جنگ تحمیلی مانع تجزیه خوزستان شدند را باید سرآغازی بر تثبیت ارتش عراق در غرب کرخه دانست جا دارد از ایثار و فداکاری شهیدان ۹ آبان سال ۵۹ که با نثار خون خود روییدن لاله های سرخ را در سرزمین همیشه سبز خوزستان به ارمغان آوردند و همچنین شهیدان زنده ای که حماسه ای به یاد ماندنی را رقم زدند گرامی داشت و آن را به تصویر کشید.

پس از عملیات ۹ آبان برای رزمندگان اسلام این واقعیت به اثبات رسید که با ایمان راسخ و توکل به ذات باری تعالی می توان اراده خود را به دشمن تحمیل کرد. در واقع پس از شکست ۹ آبان سپاه سوم عراق به این نتیجه رسید که دیگر توان رویارویی با سلحشوران اسلام را نداشته و رسیدن به شرق کرخه به سادگی عبور از مرزها در ابتدای جنگ نخواهد بود. لذا با کلیه امکانات نسبت به تحکیم مناطق پدافندی خود اقدام و تا آغاز عملیات سرنوشت ساز فتح المبین در لاک دفاعی فرورفت و پرسنل لشکر ۲۱ حمزه با اجرای عملیات گشت زنی و تک های محدود و با وارد آوردن ضربات خورد کننده دشمن را در موضع انفعالی قرار دادند و با گسترش سرپل و نزدیک شدن به دشمن خود را برای عملیات سرنوشت ساز بعدی آماده نمودند. «مدرک ۲۶۰»

لشکر ۲۱ حمزه ۱۲ روز پس از عملیات ۹ آبان طی نامه شماره ۳/۳/۳۵ آمار تلفات پرسنلی را از شروع عملیات تا تاریخ ۵۹/۹/۲۰ به شرح زیر به معاونت عملیات و اطلاعات نذاجا اعلام نمود:

### بسمه تعالی

از: لشکر ۲۱ حمزه (۳- عملیات) شماره: ل ۳-۳/۳

به: ت. ف. نذاجا- معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات) تاریخ: ۵۹/۹/۲۳

پیرو شماره ۳/۳-۳-۰۸۳۰-۵۹/۹/۹۰

مقام عالی را آگاه می سازم

بدینوسیله یک نسخه در ۵ برگ آمار ضایعات و جایگزینی وسایل و تجهیزات و یک برگ آمار تلفات پرسنلی این لشکر به شرح زیر جهت هر گونه اقدام مقتضی به پیوست تقدیم می گردد. /ر

ف ۰ لشکر ۲۱ حمزه سرهنگ ستاد ورشوساز

۱- آمار ضایعات و جایگزینی وسایل و تجهیزات از تاریخ ۵۹/۹/۵ الی ۵۹/۹/۲۰ محاسبه گردیده است (تا تاریخ ۵۹/۹/۵ طی پیروی بالا تقدیم گردیده است).

۲- آمار تلفات پرسنلی از شروع عملیات تا تاریخ ۵۹/۹/۵ محاسبه گردیده ضمناً آمار تلفات پرسنلی گروه رزمی ۲۹۱ تانک مشهد بعّلت اینکه از تاریخ ۵۹/۹/۹ از زیر امر لشکر خارج گردیده است در این آمار منظور نشده است.

شهادت	زخمی	گمشده	اسیر	جمع کل
۲۴۹ نفر	۴۹۳ نفر	۶۰ نفر	۱۵ نفر	۸۱۷ نفر
«مدرک ۲۶۱»		ف ل ۲۱ پیاده: سرهنگ ورشوساز		

### بررسی عملیات ۹ آبان توسط استادان دانشگاه جنگ

الف- در بررسی امور اطلاعات و عملیات منطقه جنوب که توسط دانشکده فرماندهی و ستاد در تاریخ ۶۰/۵/۲ تا ۶۰/۳/۵ توسط استادان دانشگاه جنگ (سرهنگ توپخانه ستاد اقبال محمد زاده و سرهنگ توپخانه ستاد مسعود بختیاری) در رابطه با عملیات ۹ آبان از افسران ستاد و فرماندهان لشکر ۲۱ به عمل آمد در مورد روش سازمان آفندی دشمن با

توجه به سوابق حمله و ابعاد حمله و میزان اشتباهات عملیات متجاوز افسران رکن دوّم و رکن سوّم لشکر ۲۱ و تیپ ۱ چنین اظهار داشتند.

### اظهارات رکن ۲ لشکر ۲۱:

لشکر ۱ و ۱۰ (ابتدا نیروی مخصوص و بلافاصله تانک ها در پشت آنها حمله کردند) یکی از مواردی که ما آن را اشتباه تاکتیکی دشمن به حساب می آوریم این است که هر گاه واحدهای جلو با مقاومتی روبه رو شدند بلافاصله فرار می نمایند. در حالی که اگر زمین گیر شوند و سپس آن را تقویت نمایند بهتر می تواند نتیجه بگیرند فرماندهان دشمن نیز به ندرت در خط مقدّم حمله قرار می گیرند.

### اظهارات رکن ۳ لشکر ۲۱:

- ۱- در آفند روز ۵۹/۸/۹ از روی قرآینی مانند فعالیت های مخابراتی پست شنود ما برآورد کردیم که دشمن حمله خواهد کرد در روز ۵۹/۸/۹ دشمن در ساعت ۰۴۱۵ آتش تهیه خود را به مدّت ۱۰۵ دقیقه اجرا نمود. سپس پیاده و مکانیزه و بعد تانک ها و سپس کماندو و چتر باز وارد عمل شدند. پیشروی آنها تا حدّی بود که به مرحله جنگ سرنیزه هم رسید ۴ تا ۵ مرحله حمله کردند و امواج حمله آنها پی در پی در هم شکست.
- ۲- طرح حمله و ساعت حمله آنها دو روز قبل افشا شد. یکی از فرماندهان توپخانه متجاوز اسیر شده بود و دو روز قبل از عملیات طرح فوق را افشا نمود.
- ۳- عدم اجرای آتش ضد آتشبار موقعی که امواج نیروهای پیاده آنان زیر آتش سنگین نیروهای ما قرار داشتند.
- ۴- اتکای حمله آنها به جاده ها به خصوص جاده عین خوش به پای پل.

### ب- اظهارات تیپ ۱ لشکر ۲۱ در خصوص اقدامات دشمن

- ۱- اجرای آتش سنگین توپخانه قبل از هر گونه عملیات
- ۲- ترکیب یگان های مکانیزه و تانک
- ۳- استفاده از یگان های تانک به عنوان ضربت و استفاده کمتر از پیاده
- ۴- تلاش بی حد مهندسی در مورد ایجاد حفاظ در زمین های باز
- ۵- استفاده از آتش تانک به عنوان توپخانه یا تقویت آتش پشتیبانی در موقعی که نیاز به انبوه آتش بود.
- ۶- تجربه نشان داد که آتش تهیه روی مواضع مستحکم و آرایش یافته تأثیر چندانی ندارد زیرا

۱۰۵ دقیقه آتش تهیه دشمن که با کلیه سلاح‌ها روی مواضع ما اجرا کرد جمعاً ۱۸ نفر تلفات در برداشت و با توجه به حجم آتش سنگین تعداد شهید و زخمی خوشبختانه وسیع نبوده است. ۷- چنانچه بتوان هلی کوپترهای هوانیروز را توسط دیده بان‌های مقدم توپخانه یا ناظرین مقدمی که از هوانیروز اعزام می‌شوند به سوی هدف هدایت نمود نتیجه با ارزشی به دست خواهد آمد.

۸- عدم توانایی یگان‌های پیاده در استفاده از تانک‌ها و عدم همکاری مقابل بین آنان به وضوح دیده می‌شود.

### پ- نکات برجسته عملیات مورخه ۵۹/۸/۹ تیپ ۱ (پدافند در مقابل تک ارتش عراق):

۱- افسران ستاد تیپ ۱ لشکر ۲۱ هر کدام بدون توجه به درجه و شغل سازمانی به جای چند نفر کار کردند و کمبود پرسنل را تا حدی جبران کردند.

۲- آمادگانی به خصوص مهمات در کلیه رده‌ها به خوبی انجام گرفت.

۳- مدیریت و وحدت فرماندهی خوب بود.

۴- استقرار مناسب سلاح ضد تانک (در مواضع مناسب و سرکوب)

۵- حداکثر استفاده از آتش توپخانه و خمپاره انداز

۶- شجاعت - از خود گذشتگی کلیه پرسنل از سرباز گرفته تا افسر

۷- نفوذ اعزام تیم‌های شکار تانک گردان‌ها به جلو که مسلح به آرپی جی ۷ بودند.

۸- رعایت حفاظت و اطلاعات

### ت- نقاط ضعف ۸/۹ آبان تیپ ۱ لشکر (پدافند در مقابل تک ارتش عراق):

۱- کمبود افسران جزء به ویژه پیاده که موجب گردید افسران ستاد تیپ در نقش فرمانده دسته هم انجام وظیفه نمایند.

۲- استعداد تیپ برای پوشش منطقه واگذاری کافی نبود برای رفع این مشکل پیاپی پرسنل جابه‌جا می‌شدند که در زمان عملیات آسیب پذیر بودند و به آنها تلفاتی وارد شد.

پدافند لشکر ۲۱ پیاده در ۹ آبان ۵۹ به نقل از کتاب: پیشتازان غرب کرخه

### پیوست شماره ۶

### جدول حوادث تک روز ۹ آبان

### ارتش عراق به سرپل کرخه

### تک نهم آبان سال ۵۹ ارتش عراق به منطقه سرپل کرخه

### جدول حوادث روز ۹/۸/۵۹

- ۱- در ساعت ۰۴۱۵ مورخه ۵۹/۸/۹ یگان های در خط (تیپ ۱ و ۲ و ۳) اطلاع دادند که دشمن بر روی مواضع آنها آتش تهیه اجراء می نماید.
- ۲- در ساعت ۰۴۱۶ مورخه ۵۹/۸/۹ به توپخانه دستور داده شد سریعاً آتش ضد تهیه اجرا نماید و به یگان های در خط ابلاغ گردید شدیداً به آتش دشمن پاسخ داده هر حرکتی را متوقف و گزارش نمایند.
- ۳- در ساعت ۰۵۲۰ مورخه ۵۹/۸/۹ تیپ ۱ گزارش داد شدیداً زیر آتش دشمن قرار گرفته.
- ۴- در ساعت ۰۵۴۰ مورخه ۵۹/۸/۹ تیپ ۱ گزارش داد که در ۳ کیلومتری خود حرکتی از دشمن را مشاهده می نماید.
- ۵- به توپخانه و تیپ ۱ دستور داده شد شدیداً دشمن را زیر آتش بگیرند و حرکت آن را متوقف سازند.
- ۶- در ساعت ۰۵۴۱ مورخه ۵۹/۸/۹ گردان سوارزهی گزارش داد وضعیت منطقه ما عادی است.
- ۷- در ساعت ۰۵۴۲ مورخه ۵۹/۸/۹ توپخانه گزارش نمود که یک شیئی پرنده در روی ارتفاعات علی گره زد مشاهده شد.
- ۸- در ساعت ۰۵۴۴ مورخه ۵۹/۸/۹ مشاهده شیئی پرنده به نزا جا گزارش شده ابلاغ نمودند مربوط به نیروهای خودی نمی باشد.
- ۹- در ساعت ۰۵۴۶ مورخه ۵۹/۸/۹ به توپخانه اطلاع داده شد که شیئی پرنده مربوطه به یگان های خودی نیست.
- ۱۰- در ساعت ۰۵۵۵ مورخه ۵۹/۸/۹ تیپ ۱ گزارش داد نفرات دشمن در یک کیلومتری ما هستند و تقاضا نمود گردان ۲۴۲ تانک به منظور کمک به طرف آنها حرکت نماید.
- ۱۱- در ساعت ۰۵۵۶ مورخه ۵۹/۸/۹ به گردان ۲۴۲ تانک دستور آمادگی داده شد که بنابه

بخش دوم: نقل از کتاب پیشتازان غرب کرخه ♦ ۲۰۳

دستور حرکت نمایند و به تیپ ۱ دستور داده شد با آتش شدید پیشروی دشمن را متوقف نمایید.  
۱۲- در ساعت ۰۶۰۰ مورخه ۵۹/۸/۹ به تیپ ۳ اطلاع داد که یک نفر افسر عراقی را دستگیر نموده است.

۱۳- در ساعت ۰۶۰۱ مورخه ۵۹/۸/۹ به تیپ ۳ دستور داده شد افسر عراقی را به قرارگاه لشکر تخلیه نمایند.

۱۴- در ساعت ۰۶۰۴ مورخه ۵۹/۸/۹ به توپخانه دستور داده شد با ایجاد سد آتش و استفاده از گلوله های زمانی حرکت نیروهای دشمن را به طرف مواضع تیپ ۱ متوقف سازند.

۱۵- در ساعت ۰۶۰۵ مورخه ۵۹/۸/۹ تیپ ۱ گزارش نمود که زیر آتش شدید دشمن هستیم و دشمن در دو کیلومتری ما است.

۱۶- در ساعت ۰۶۰۷ مورخه ۵۹/۸/۹ به توپخانه دستور داده شد آتش خود را افزایش داده و از نزدیک دشمن به مواضع تیپ ۱ جلوگیری نمایید.

۱۷- در ساعت ۰۶۱۱ مورخه ۵۹/۸/۹ تیپ ۲ ابلاغ شد آمادگی داشته باشند بنا به دستور تانک های زیر امر آن تیپ در اختیار گد ۲۴۲ قرار گیرد.

۱۸- در ساعت ۰۶۱۴ مورخه ۵۹/۸/۹ تیپ ۱ گزارش داد درگیر رزم نزدیک با دشمن هستیم و ادوات زرهی دشمن نیز دیده شده است.

۱۹- در ساعت فوق به تیپ ۱ ابلاغ شد با استفاده از آتش تانک های خودی حرکت دشمن و ادوات زرهی او متوقف سازید.

۲۰- در ساعت ۰۶۱۵ مورخه ۵۹/۸/۹ تیپ ۱ گزارش نمود آتش توپخانه خودی کوتاه می خورد در همان ساعت به توپخانه ابلاغ شد آتش را بلند نماید.

۲۱- در ساعت ۰۶۱۵ مورخه ۵۹/۸/۹ به نزاجا اطلاع داده شد به علت اینکه افسر ناظر مقدم هوایی در پاسگاه فرماندهی نداریم نتیجتاً پرواز هواپیماهای خودی در منطقه قابل تشخیص نبوده دستور فرمایید به منظور جلوگیری از هرگونه حادثه در صورتی که هواپیماهای خودی بر فراز منطقه پرواز داشتند قبلاً به ما اطلاع دهید.

۲۲- مورخه ۵۹/۸/۹ به توپخانه دستور داده شد هر نوع حرکت هوایی را که مشاهده نمودند به آن تیراندازی نمایند مگر اینکه قبلاً از طریق لشکر به آنها اطلاع داده شود که پرواز خودی است.

۲۳- در ساعت ۰۶۱۸ مورخه ۵۹/۸/۹ به گد ۲۴۲ تانک دستور داده شد فوراً حرکت و در مواضع پشت باند که قبلاً به آنها ابلاغ شده متوقف شوند.

- ۲۴- در ساعت ۰۶۱۹ مورخه ۵۹/۸/۹ به توپخانه دستور داده شد که چون تیپ ۱ درگیر رزم نزدیک است با آتش شدید دشمن را کوبیده و تیپ ۱ را از درگیری خلاص نماید.
- ۲۵- در ساعت ۰۶۲۰ مورخه ۵۹/۸/۹ گردان ۲۴۲ تانک اطلاع داد که به طرف مواضع پشت باند حرکت نمود در همان ساعت به او اطلاع داده شد که تعدادی از تانک های تیپ ۲ در مواضع پشت باند زیر امر او قرار خواهند گرفت.
- ۲۶- در ساعت ۰۶۲۱ مورخه ۵۹/۸/۹ به تیپ ۲ دستور داده شد که تانک ها را از امر خارج تا در مواضع پشت باند زیر امر گردان ۲۴۲ تانک قرار گیرند.
- ۲۷- در ساعت ۰۶۲۳ مورخه ۵۹/۸/۹ تیپ ۱ اطلاع داد نفرات پیاده دشمن در منطقه دیده می شوند در همان ساعت به تیپ ۱ ابلاغ شد با رزم نزدیک جلوی حرکت دشمن گرفته شود.
- ۲۸- در ساعت ۰۶۲۴ مورخه ۵۹/۸/۹ لشکر از نزاجا تقاضای آتش پشتیبانی هوایی نمود.
- ۲۹- در ساعت ۰۶۲۵ به توپخانه تأکید شد آتش جلوی تیپ ۱ با شدت هر بیشتر اجرا شود.
- ۳۰- در ساعت ۰۶۳۰ تیپ ۱ اطلاع داد جنگ تن به تن نزدیک است.  
در همان ساعت به تیپ ۱ ابلاغ شد با شجاعت مقاومت کنید.
- ۳۱- در ساعت ۰۶۳۲ تیپ ۱ اطلاع داد دشمن در ۳۰۰ الی ۴۰۰ متری ما است.
- ۳۲- در ساعت ۰۶۳۵ مورخه ۵۹/۸/۹ لشکر از نزاجا در خواست نمود آتش پشتیبانی هوایی سریعاً اجرا شود.
- ۳۳- در ساعت ۰۶۳۶ تیپ ۱ اطلاع داد آتش توپخانه است. در همین ساعت به او ابلاغ شد از طریق دیده بانان فوراً تقاضای آتش شود و به توپخانه نیز دستور داده شد بر شدت آتش خود به افزایش.
- ۳۴- در ساعت ۰۶۳۹ مورخه ۵۹/۸/۹ به توپخانه ابلاغ شد که آتش خود را شدید و کوتاه نماید.
- ۳۵- در ساعت ۰۶۴۲ به گردان ۲۴۲ تانک ابلاغ شد که سریعاً ارتفاعات راست و چپ شرق رودخانه را اشغال نماید.
- ۳۶- در ساعت ۰۶۴۵ مورخه ۵۹/۸/۹ به تیپ ۱ ابلاغ شد که گد ۲۴۲ به کمک شما می آید، پرسنل خونسردی خود را حفظ نمایند و از سلاح های ضد تانک نهایت استفاده به شود در ضمن لشکر ۱۶ آماده پشتیبانی این لشکر است.
- ۳۷- در ساعت ۰۶۴۶ به تیپ ۲ ابلاغ که سریعاً تانک های زیر امر را رها که به طرف پل حرکت نمایند.
- ۳۸- در ساعت ۰۶۵۱ گد ۲۴۲ اطلاع داد که نزدیک پل می باشیم و آماده اشغال مواضع.



۳۹- در ساعت ۰۶۵۲ مورخه ۵۹/۸/۹ نزاجا اطلاع داد که تعداد ۲ هواپیما جهت پشتیبانی هوایی پرواز نمود.

۴۰- در ساعت ۰۶۳۵ مورخه ۵۹/۸/۹ به توپخانه ابلاغ شد که هواپیماهای خودی به منظور پشتیبانی هوایی پرواز نمود تأمین هوایی آنها را برقرار نمایید.

۴۱- در ساعت ۰۶۵۵ تیپ ۱ اطلاع داد که تانک و نفربرهای دشمن بسیار زیادند، در همین ساعت به تیپ ابلاغ شد که با استفاده از سلاح ضد تانک آنها را از بین ببرید و به نزاجا نیز اطلاع داده شد.

۴۲- در ساعت ۰۶۵۶ مورخه ۵۹/۸/۹ از نزاجا تقاضا شد که لشکر ۱۶ آماده حرکت باشد.

۴۳- در ساعت ۰۶۵۷ تیپ ۱ تقاضای آمبولانس نمود که در همین ساعت به رکن چهارم ابلاغ که سریعاً اعزام نماید.

۴۴- ۰۶۵۸ مورخه ۵۹/۸/۹ گد ۲۴۲ تانک اطلاع داد که مواضع سمت چپ تیپ ۱ دشمن را در فاصله ۲ کیلومتری زیر آتش بگیرد.

۴۵- ۰۶۵۹ مورخه ۵۹/۸/۹ از نزاجا خواسته شد که هواپیماها از سه راهی قهوه خانه به غرب را بکوبند زیرا تراکم دشمن در آنجا مشاهده شده است.

۴۶- ۰۷۰۰ مورخه ۵۹/۸/۹ گد ۲۴۲ تانک اطلاع داد که مواضع خود را اشغال نموده است.

۴۷- ۰۷۰۲ به تیپ ۲ ابلاغ شد که تانک ها را از زیر امر رها تا در ارتفاعات شرقی رودخانه کرخه مواضع را اشغال نمایند.

۴۸- در ساعت ۰۷۰۵ به نزاجا اعلام شد که افسر رابط هوایی ارتباط ندارد و چون نیروهای دشمن از ارتفاعات به طرف سرپل در حال پیشروی می باشند دستور فرمایید از سه راهی قهوه خانه به غرب را توسط هواپیماها بکوبند.

۴۹- ۰۷۰۸ تیپ اطلاع داد که پرده دود ایجاد شده توسط دشمن ، یگان را کاملاً محدود نموده و تیپ قادر به دیده بانی بر روی دشمن نیست.

۵۰- ۰۷۱۰ مورخه ۵۹/۸/۹ به نزاجا اطلاع داده شد که دشمن با ایجاد پرده دود مواضع لشکر را پوشانیده است تنها هواپیماهای خودی می توانند اقدام مؤثر نمایند.

۵۱- ۰۷۱۲ به تیپ ۱ ابلاغ شد که به نزاجا اطلاع داده شده است جهت ارتباط با افسر رابط هوایی وسیله ارتباطی بیاورند.

۵۲- ۰۷۱۳ تیپ ۱ اطلاع داد که پشتیبانی توپخانه اصلاً وجود ندارد و دشمن به ما نزدیک می شود در همین ساعت به توپخانه ابلاغ شد.

۵۳-۰۷۱۵-۰۹/۸/۵۹ که تانک ها در شرق پل مواضع خود را اشغال نمودند و همچنین هلی کوپتر جهت از بین بردن دشمن اعزام گردید.

۵۴-۰۷۱۵-۰۹/۸/۵۹ تیپ ۱ تقاضا نمود که جهت کمک نمودن به او یگان پیاده اعزام شود.

۵۵-۰۷۱۸-۰۵ به نزاجا اطلاع داده شد که تیپ ۱ در سرپل تقاضای یگان پیاده نموده است.

۵۶-۰۷۲۰-۰۵ به تیپ ۱ اطلاع داده شد که گد ۲۴۲ در اختیار شما است آن را در اختیار بگیرید.

۵۷-۰۷۲۲-۰۵ از تیپ ۱ خواسته شد که مؤثر بودن آتش توپخانه کاتیوشا را دیده بانان

اطلاع دهند.

۵۸-۰۷۲۳-۰۵ تیپ ۱ تقاضا نمود آتش کاتیوشا در فاصله ۲ کیلومتری سمت راست جاژه اجرا

گردد.

۵۹-۰۷۲۴-۰۵ به توپخانه ابلاغ شد که جاژه را در فاصله دو کیلومتری از سرپل به طرف

قهوه خانه زیر آتش بگیرند.

۶۰-۰۷۲۸-۰۵ تیپ ۱ اطلاع داد که فشار دشمن زیاد شده و دشمن سعی دارد تیپ را

محاصره نماید.

۶۱-۰۷۳۰-۰۵ از تیپ ۳ سؤال شد که قادر به کمک کردن تیپ ۱ در سرپل می باشد و

حداقل یک گروهان پیاده بفرستد.

۶۲-۰۷۳۱-۰۵ به نزاجا اطلاع داده شد که تیپ ۱ در حال محاصره شدن است هواپیماها و

هلی کوپترها اقدامی ننموده اند سریعاً در این مورد اقدام شود.

۶۳-۰۷۳۲-۰۵ مورخه ۰۹/۸/۵۹ تیپ ۳ گزارش نمود که قادر به حرکت دادن یک گروهان

جهت کمک به تیپ ۱ نمی باشد از او خواسته شد حداقل یک دسته با سلاح های ضد

تانک به سرپل اعزام دارد.

۶۴-۰۷۳۳-۰۵ به تیپ ۱ ابلاغ شد که راسا با گد ۲۴۲ تماس برقرار کند و همچنین

یادآوری شد که گد ۲۴۲ کاملاً در اختیار شماست.

۶۵-۰۷۳۵-۰۵ تیپ ۱ اطلاع داد که حرکت دشمن کند شده و ما تا آخرین نفس خواهیم جنگید.

۶۶-۰۷۳۶-۰۵ تماس بین تیپ ۱ و گد ۲۴۲ برقرار شد و به گد ۲۴۲ ابلاغ شد از پل عبور کنند.

۶۷-۰۷۳۷-۰۵ نزاجا اطلاع داد که هلی کوپترها به منظور پشتیبانی نیروهای خودی وارد

عمل شدند در همین ساعت به تی ۱ ابلاغ شد.

۶۸-۰۷۴۰-۰۵ به تیپ ۱ ابلاغ شد که یک نفر را جهت هدایت گد ۲۴۲ بفرستند.

۶۹-۰۷۴۱-۰۵ گردان ۱۳۱ تقاضای مهمات خمپاره انداز نمود.

۰۷۴۲-۷۰ به رکن ۴ دستور داده شد که سریعاً مهمات مورد احتیاج تیپ ۱ را به منطقه جلو بفرستند.

۰۷۴۹-۷۲ تیپ ۱ گزارش داد گد ۲۴۲ از پل عبور نمود.

۰۷۵۰-۷۳ به تیپ ۱ اطلاع داده شد اگر امکان دارد رزم نزدیک انجام شود گد ۲۴۲ را به آن طرف رودخانه هدایت نکنند.

۰۷۵۸-۷۴ گد ۲۴۲ اطلاع داد که طرفین پل را پوشانیده است.

۰۸۰۱-۷۵ گد ۲۴۲ اطلاع داد که از پل رد شده است.

۰۸۰۴-۷۶ از توپخانه خواسته شد که در مختصات ۱۵۸-۷۹۱ اجرای آتش انبوه نماید.

۰۸۰۸-۷۷ تیپ ۱ گزارش داد که تک دشمن متوقف شده و در حال تار و مار کردن دشمن هستیم.

۰۸۱۰-۷۸ توپخانه گزارش داد که در مختصات ۱۵۸-۷۹۱ اجرای آتش شد تلفات زیادی به دشمن وارد دشمن در حال عقب نشینی است.

۰۸۱۱-۷۹ به توپخانه ابلاغ شد که مختصات فوق را مجدداً بکوبد و با ماسوره زمانی به روی دشمن اجرای آتش نماید.

۰۸۱۶-۸۰ تیپ ۱ گزارش داد تک زرهی دشمن به طور کلی متوقف ولی یک ستون پیاده زرهی از ارتفاعات به طرف جلو می آید.

۰۸۱۷-۸۱ به نذاجا اطلاع داده شد که تک تانک های دشمن متوقف شده و یک ستون پیاده زرهی از ارتفاعات در حال پیشروی است و تقاضا شد توسط هلی کوپترها ارتفاعات مذکور کوبیده شود.

۰۸۱۹-۸۲ به توپخانه ابلاغ شد که ارتفاعات سپتون را زیر آتش بگیرید.

۰۸۲۰-۸۳ به توپخانه دستور داده شد که سریعاً سه راهی را زیر آتش بگیرند تا تانک های در حال عقب نشینی دشمن از بین برود.

۰۸۲۱-۸۴ تیپ ۱ گزارش داد که با دشمن درگیر است.

۰۸۲۲-۸۵ به تیپ ۳ ابلاغ شد که حتماً یک دسته با سلاح ضد تانک به کمک تیپ ۱ فرستاده و نتیجه را گزارش نمایند. تیپ ۳ نیز اعلام کرد که دسته مزبور اعزام شده است.

۰۸۲۵-۸۶ به تیپ ۱ ابلاغ شد که دسته پیاده کمکی اعزام شده یک نفر راهنما جهت هدایت آن در سرپل بگمارد.

۸۷-۰۸۲۷ گد ۲۴۲ تقاضا نمود که سریعاً مهمّات بار مبنا من را از سبزاب حرکت داده و به من برسانید.

۸۸-۰۸۲۹ مورخه ۵۹/۸/۹ گردان ۲۴۲ اطلاع داد که مهمّات گردان از محل بنه در حال حرکت است احتیاج نیست که کسی برود.

۸۹-۰۸۳۱ مورخه ۵۹/۸/۹ از تیپ ۱ خواسته شد که آخرین وضعیت خود را گزارش کند. ۹۰-۰۸۳۲ تیپ ۱ گزارش داد که پیاده زرهی دشمن در حال پیشروی است و احتیاج به کمک یگان پیاده دارد.

۹۱-۰۸۳۴ از نزاجا خواسته شد که سعی شود یک گروهان پیاده از لشکر ۱۶ به سرپل اعزام شود.

۹۲-۰۸۳۶ تیپ ۱ ابلاغ شد که گردان سمت راست بالا را وارد عمل کنند.

۹۳-۰۸۳۶ تیپ ۱ گزارش داد که احتیاج به مهمّات دارد.

۹۴-۰۸۳۸ به گردان سوارزرهی ابلاغ شد که تمام یگان را به صورت گشت زنی در منطقه به کار ببرد و هر گونه اطلاع را سریعاً گزارش نماید.

۹۵-۰۸۴۰ نزاجا اطلاع داد که هلی کوپترها ارتفاعات خرولی را می کوبند.

۹۶-۰۸۴۲ تیپ ۱ گزارش داد که احتیاج به مهمّات خمپاره انداز ۱۲۰ م م دارم در همین ساعت به رکن ۴ ابلاغ شد که سریعاً اقدام شود.

۹۷-۰۸۴۳ تیپ ۱ مجدداً تقاضای نفرات پیاده کمکی نمود.

۹۸-۰۸۴۳ به توپخانه دستور داده شد که آتش خود را قطع ننموده و همچنان مداومت داشته باشد.

۹۹-۰۸۴۴ از نزاجا تقاضا شد که سریعاً نسبت به اعزام نفرات پیاده کمکی اقدام نماید.

۱۰۰-۰۸۴۵ از تیپ ۱ سؤال شد که آیا احتیاج به نفربر چرخدار دارد، جواب مثبت.

۱۰۱-۰۸۴۶ به سروان کیهان زاده ابلاغ شد که سریعاً ده دستگاه نفربر چرخدار به سرپل اعزام دارد.

۱۰۲-۰۸۴۷ به تیپ ۲ ابلاغ شد که نفربر چرخدار اعزام گردید راهنما بگذارید که در منطقه به کار برده شوند.

۱۰۳-۰۸۵۴ برابر اطلاع نزاجا (سرهنگ حسینی) طبق دستور فرمانده نزاجا از پیاده لشکر ۱۶ نمی توان استفاده نمود خود لشکر بایستی کمک نماید.

۱۰۴-۸۵۶ به پشتیبانی و مهندس دستور داده شد که سریعاً تعدادی در حدود ۱۰۰ نفر با تفنگ و تیربار به سرپل اعزام دارند.

۱۰۵-۹۰۱ تیپ ۱ گزارش نمود که پیاده دشمن فعلاً زمین گیر شده و نیروهای تانک دشمن در حال فرار می باشند.

۱۰۶-۹۰۹ به تیپ ۱ دستور داده شد به گردان ۲۴۲ ابلاغ کند که با تیربار سمت راست خود را به پوشانند در صورت مشاهده نفرات دشمن آنها را مورد حمله قرار دهید.

۱۰۷-۹۱۳ برابر اطلاع افسر اسیر شده عراقی ۲ لشکر عراق در منطقه وجود دارد که لشکر ۱ در جلو مأموریت داشت از رودخانه عبور نماید سپس لشکر ۱۰ زرهی از آن عبور از خط نموده و تک را ادامه دهد.

۱۰۹-۹۱۶ به تیپ ۱ ابلاغ شد که پیاده کمکی فرستاده شده آنها را راهنمایی کنید که در محل دقیق بکار روند.

۱۱۰-۹۱۸ به سروان کیهان زاده ابلاغ شد که سریعاً از پل بگذرد و ارتفاعات غرب رودخانه را اشغال نماید.

۱۱۱-۹۱۹ تیپ ۱ گزارش داد که یک خودرو مهمات ما آتش گرفت.

۱۱۲-۹۲۰ به تیپ ۱ ابلاغ شد که کیهان زاده با نفربرها حرکت کرده راهنمایی کنید که در ارتفاعات شرقی رودخانه مستقر شود.

۱۱۳-۹۲۱ تیپ ۱ گزارش کرد که دشمن تمام تمرکز آتش خود را روی پل روانه نموده است.

۱۱۴-۹۲۳ به نزاجا گزارش شد با توجه با استعداد دشمن دستورات لازم نسبت به آمادگی لشکر قزوین داده شود.

۱۱۵-۹۲۴ به تیپ ۱ ابلاغ شد که نفربرهای کیهان زاده را به همان ارتفاعات شرقی رودخانه هدایت نمایند.

۱۱۶-۹۲۹ به سرگرد میرکازمی ابلاغ شد که نفربرها را سریعاً به سرپل ببرد.

۱۱۷-۹۳۰ مراتب ۲ لشکر استعداد متجاوز با نزاجا در میان گذاشته شد و تقاضا گردید حداقل یک گروهان پیاده از تیپ ۲ دزفول واگذار گردد ضمناً با هلی کوپتر ارتفاعات سپتون زیر آتش گرفته شود.

۱۱۸-۹۳۵ تیپ ۱ گزارش داد که تاکنون مهمات به ما نرسیده و مهمات ما تمام شده.

۱۱۹-۹۴۰ تیپ ۱ مجدداً تقاضای یگان پیاده کمکی نمود.

۱۲۰-۹۴۳ به تیپ ۱ مجدداً تقاضای یگان پیاده کمکی نمود.

- ۱۲۱-۰۹۴۴ تیپ ۱ گزارش داد که درگیری شدیداً ادامه دارد.
- ۱۲۲-۰۹۴۶ تیپ ۱ ابلاغ شد که سریعاً وضعیت دشمن را چه در حال توقف و چه در حال پیشروی گزارش تا پشتیبانی هوایی خواسته شود.
- ۱۲۳-۰۹۴۶ تیپ ۱ اطلاع داد که تانک های دشمن در کانال متوقف ولی پیاده دشمن در حال حرکت است و با موشک تیراندازی می نماید.
- ۱۲۴-۰۹۴۹ به تیپ ۱ دستور داده شد که شکاری را که تانک های دشمن در آن متوقف اند زیر آتش بگیرد.
- ۱۲۵-۰۹۵۰ تیپ ۱ ابلاغ شد که نفر برهای سروان کیهان زاده را به موضع شرقی رودخانه هدایت که جناح راست گردان ۲۴۲ را به پوشاند.
- ۱۲۶-۰۹۵۴ گردان مهندس گزارش کرد که تمام گروهان های مهندس به سرپل اعزام شده و تیپ با گردان ارتباط برقرار نماید.
- ۱۲۷-۰۹۵۵ تیپ ۱ اطلاع داد که تا کنون نیروی کمکی نرسیده است دستور داده شده مقاوم باشید در حال آمدن هستند به شما ملحق خواهند شد.
- ۱۲۸-۰۹۵۷ توپخانه اطلاع داد که افسر اسیر شده همان سرگرد توپخانه است که تخلیه شد نه سرهنگ.
- ۱۲۹-۰۹۵۸ به نزاچا گزارش شد که افسر اسیر شده همان سرگرد بوده.
- ۱۳۰-۱۰۰۰ تیپ ۱ گزارش داد که نیروهای پیاده متجاوز شیار خرولی در حال پیشروی هستند و دستور داده شد تعدادی از تانک ها جهت متوقف کردن پیشروی آنها به شیار اعزام شد.
- ۱۳۱-۱۰۰۵ به تیپ ۲ و ۳ ابلاغ شد که شیارهای رودخانه کرخه را حفاظت که نفرات پیاده متجاوز امکان دارد عبور نمایند.
- ۱۳۲-۱۰۱۳ به نزاچا گزارش شد که پرسنل پیاده دشمن از شیارهای خرولی در حال پیشروی است.
- ۱۳۳-۱۰۱۷ تیپ ۱ اطلاع داد که نیروهای کمکی متجاوز وارد عمل شده و فشار متجاوز زیاد است.
- ۱۳۴-۱۰۱۸ تیپ ۳ گزارش داد که متجاوز از طرف سرخه صالح در حال پیشروی به طرف تیپ ۳ می باشد.
- ۱۳۵-۱۰۲۲ تیپ ۱ اطلاع گزارش کرد که نیروهای تقویتی رسید.

۱۳۶-۱۰۲۳ تیپ ۱ گزارش کرد که نیروهای کمکی قادر به عبور از پل نیستند در همین ساعت به تیپ ابلاغ شد یک نفر راهنما بفرستند و آنها را به جلو هدایت کند.  
۱۳۷-۱۰۳۰ نزاجا ابلاغ کرد که تعداد ۱۰۰ نفر از پرسنل خودی (چریک) در قسمت های ارتفاعات شمالی مستقر است.

۱۳۸-۱۰۳۱ گزارش نزاجا به تیپ ۱ ابلاغ شد تیپ اظهار داشت که اطلاع دارم.  
۱۳۹-۱۰۳۲ به نزاجا اعلام شد که تیپ ۱ با نیروهای خودی هماهنگی دارد.  
۱۴۰-۱۰۳۳ به گردان ۲۴۲ ابلاغ شد که سریعاً به گردان ۲۴۳ مهمات برساند.  
۱۴۱-۱۰۳۷ تیپ ۱ گزارش نمود که فشار دشمن زیاد است و تقاضای نیروی تازه نفس از لشکر قزوین نمایید.

۱۴۲-۱۰۳۸ گزارش تیپ ۱ به نزاجا اعلام که فشار زیاد است لشکر قزوین را آماده باش بدهید.  
۱۴۳-۱۰۴۸ تیپ ۳ اطلاع داد تعدادی تانک و نفربر متجاوز از پیر کافران به طرف شوش در حال حرکت است.

۱۴۴-۱۰۵۰ گزارش تیپ ۳ به نزاجا اعلام گردید.  
۱۴۵-۱۰۵۲ تعداد ۱۰۸ نفر از پشتیبانی لشکر به سرپل اعزام شد.  
۱۴۶-۱۰۵۴ به تیپ ۱ ابلاغ شد که سروان کیهان زاده را از پل عبور ندهند همان کنار رودخانه اشغال موضع نماید.

۱۴۷-۱۰۵۵ تیپ ۱ گزارش داد که پرسنل متجاوز در حال پیشروی می باشد به ۳۰۰ متری سرپل رسیدند.

۱۴۸-۱۰۵۶ به توپخانه ابلاغ شد تا ۳۰۰ متر سرپل را یا آتش تمرکزی به پوشاند.  
۱۴۹-۱۰۵۹ به نزاجا گزارش شد که لشکر به گردان مهندس دستور داده است پل را خرج گذاری نماید و به محض اینکه عبور متجاوز محرز شد پل تخریب خواهد شد.  
۱۵۰-۱۱۱۰ به نزاجا گزارش شد دشمن در حدود منطقه کانال های سرخه صالح با هلی کوپتر نیرو پیاده می کند.

۱۵۱-۱۱۱۶ تیپ ۱ در سمت چپ سرپل در داخل شیارها تقاضا پشتیبانی هوایی نمود.  
۱۵۲-۱۱۱۷ تیپ ۱ گزارش نمود که متجاوز از موشک استفاده می نماید و فشار دشمن زیاد است احتیاج به کمک دارد.

۱۵۳-۱۱۲۱ گردان ۲۴۲ گزارش داد که پرسنل پیاده متجاوز در زیر تپه در فاصله ۵۰ متری می باشد دستور داده شد که تیپ ۱ نفرات پیاده به آن محل بفرستند.

- ۱۵۴-۱۱۳۲ به تیپ ۱ ابلاغ شد که با تمام توان پدافند نموده زیرا دشمن توان خود را از دست داده و نیروی هوایی و هلی کوپترها جهت پشتیبانی پرواز نمودند.
- ۱۵۵-۱۱۳۵ تیپ ۱ تقاضای کمک نمود که در جلو سرخه فیله زیر فشار است.
- ۱۵۶-۱۱۳۷ به توپخانه دستور داده شد سرخه فیله را زیر آتش بگیرند.
- ۱۵۷-۱۱۳۸ به تیپ ۱ ابلاغ شد هلی کوپترها هم اکنون از بالای سرما گذشته و کمک شما می آیند.
- ۱۵۸-۱۱۴۵ از تیپ ۱ خواسته شد وضعیت دشمن را از گردان ۲۴۲ گرفته و مخابره نماید.
- ۱۵۹-۱۱۴۶ جهت گردان ۲۴۲ مهمات فرستاده شد.
- ۱۶۰-۱۱۴۸ افسر دیده بان توپخانه ستوان حاج حیدری اعزام شد.
- ۱۶۱-۱۱۴۸ به رکن چهارم دستور داده شد هر قدر نارنجک دستی و تفنگی است برای تیپ ۱ ارسال شود.
- ۱۶۲-۱۱۴۹ به گردان ۲۴۲ تانک ابلاغ شد که تانک های تیپ ۱ را هر کجا که صلاح می دانید هدایت کنید.
- ۱۶۳-۱۱۵۰ تیپ ۳ گزارش داد فشار از سمت چپ خیلی زیاد است و تانک های ۲۴۲ کمک نمی کند.
- ۱۶۴-۱۱۵۱ گردان ۲۴۲ تانک دستور داده شد که تیپ ۳ را کمک نماید.
- ۱۶۵-۱۱۵۲ گردان ۲۴۲ اطلاع داد که تانک ها پیش شما هستند و ۳ دستگاه از آنها به سمت چپ رفتند.
- ۱۶۶-۱۱۵۵ به گردان ۲۴۲ دستور داده شد که تانک ها هر چه زودتر حرکت کرده و بروند احتمال سستی یک تانک ممکن است که سرنوشت را عوض کند.
- ۱۶۷-۱۱۵۶ گردان ۲۴۲ تانک جواب داد اطاعت می شود.
- ۱۶۸-۱۱۵۸ به تیپ ۱ اطلاع داده شده که هم اکنون هواپیما سرخه صالح و سرخه فیله را دارند بمباران می کنند.
- ۱۶۹-۱۱۵۹ به تیپ ۳ ابلاغ گردید که ۵۰ سورتی هواپیما از بالای آسمان شما را دارند تقویت می کنند.
- ۱۷۰-۱۲۰۰ به توپخانه لشکری ابلاغ شد که به یگان های پدافند هوایی اطلاع داده شود تیراندازی نکنند هواپیماهای خودی روی آسمان هستند.
- ۱۷۱-۱۲۰۶ به تیپ ۱ ابلاغ گردید وضعیت کلی منطقه را توجیه کنید.



- ۱۷۲-۱۲۰۷ تیپ ۱ درخواست مقداری نیروی ضد تانک یا تانک می نماید.
- ۱۷۳-۱۲۰۸ به گردان ۲۴۲ تانک تعدادی تانک از سمت راست بروند به سمت چپ پل.
- ۱۷۴-۱۲۱۰ گردان ۲۴۲ تانک اعلام نمود که ۵ تانک به سمت چپ فرستاده است.
- ۱۷۵-۱۲۱۵ تیپ ۱ درخواست مهمات برای تانک های ام ۴۷ می کند.
- ۱۷۶-۱۲۱۶ به رکن ۴ لشکر ابلاغ شد که مهمات مورد نیاز برای تانک های ام ۴۷ بفرستند.
- ۱۷۷-۱۲۲۲ به تیپ ۱ ابلاغ شد آخرین وضعیت را گزارش نماید.
- ۱۷۸-۱۲۲۴ تیپ ۱ اعلام می کند که وضعیت تغییری نکرده.
- ۱۷۹-۱۲۲۵ به تیپ ۱ ابلاغ شد که فشار دشمن کجای زیادتر است. جواب داده شد روی سرخه فیله.
- ۱۸۰-۱۲۲۶ به تیپ ۳ ابلاغ شد که به تیپ ۱ کمک نماید. جواب داده شد که ما در حال کمک هستیم که روی سرخه فیله آتش داریم.
- ۱۸۱-۱۲۲۷ لشکر با تیپ ۲ تماس برقرار می نماید و ابلاغ می نماید که وضعیت خود را گزارش نمایید تیپ ۲ جواب داد به عرض می رساند.
- ۱۸۲-۱۲۳۰ به تیپ ۳ ابلاغ شد که وضعیت خود را اعلام می نماید جواب داد خبری نیست.
- ۱۸۳-۱۲۳۱ تیپ ۲ اظهار می دارد در منطقه ما خبری نیست.
- ۱۸۴-۱۲۳۷ به تیپ ۱ ابلاغ شد به گردان ۲۴۲ تانک بگویید که برای تمام تانک های مهمات فرستاده شد بگیرند و تقسیم نمایند.
- ۱۸۵-۱۲۳۸ به تیپ ۱ ابلاغ شد که با تمام پرسنل اعلام کنید دشمن از توان افتاده بکوشند و دفاع کنند و متجاوز قادر به پیشروی نیست آنها را معدوم نمایند.
- ۱۸۶-۱۲۴۴ به تیپ ۱ ابلاغ شد که آخرین وضعیت خود را گزارش کنند. جواب همان وضعیت قبلی است روی سرخه فیله و سرخه صالح آتش مداوم می باشد.
- ۱۸۷-۱۲۴۶ به توپخانه لشکری ابلاغ شد که حداکثر آتش روی سرخه فیله و سرخه صالح و روی کانال اجرا شود.
- ۱۸۹-۱۲۵۸ تیپ ۱ درخواست ۲ عدد موشک تا و می نماید.
- ۱۹۰-۱۲۵۹ به تیپ ۳ ابلاغ شد که برای تیپ ۱ موشک تاو بفرستند.
- ۱۹۱-۱۳۰۰ به تیپ ۱ ابلاغ شد از گردان ۱۳۸ موشک تاو بگیرد جواب می دهد که گردان ۱۳۸ ارتباط قطع شده تیپ ۳ اعلام نمود که من می فرستم.

۱۹۲-۱۳۰۱ به تیپ ۲ ابلاغ می گردد هم اکنون یک گروهان تانک و ۱۰ دستگاه پی ام پی ۱ در حال حرکت به منطقه تیپ است راهنما در حال داشته باشید و آنها را به موضع مربوط هدایت و به کار برید.

۱۹۳-۱۳۲۰ به تیپ ۱ دستور داده شد از یگان ها آخرین و ضعیف را گزارش کنید.

۱۹۴-۱۳۲۱ به تیپ ۱ ابلاغ شد که تانک های آن تیپ همکاری نمی کنند دستور دهید سریعاً به گردان ۲۴۲ اعلام اعزام و تذکر شدید به فرمانده تانک ها داده شود در مورد اعزام آنها به منطقه.

۱۹۵-۱۳۲۲ گردان ۲۴۲ تانک اعلام نمود که شنی یکی از تانک ها پاره شد.

۱۹۶-۱۳۲۶ تیپ ۱ ابلاغ گردید از خمپاره های ۱۲۰ م م هر چه کم دارید گزارش تا تأمین شود.

۱۹۷-۱۳۲۸ به تیپ ۱ ابلاغ گردید از خمپاره های ۱۲۰ م م هر چه کم دارید گزارش تا تأمین شود.

۱۹۸-۱۳۳۰ تیپ ۱ اعلام کرد بررسی و اطلاع خواهد داد.

۱۹۹-۱۳۳۲ به تیپ ۱ ابلاغ شد که پیاده دشمن از طرف کانال خیز به خیز جلومی آید دستور دهید خمپاره اندازهها با گلوله زمانی اجرای آتش کنند ضمناً توپخانه نیز اجرای آتش می کند.

۲۰۰-۱۳۴۰ تیپ ۳ اطلاع داد اگر آتش توپخانه در منطقه سرخه فیله و سرخه صالح مؤثر است آتش مرتباً انجام شود و ضمناً ۲ قبضه موشک تاو برای تیپ ۱ فرستاده شده است. ۲۰۱-۱۳۴۲ به تیپ ۱ ابلاغ گردید اگر آتش توپخانه تیپ ۳ مؤثر است شدیدتر شود ضمناً برای ۲ قبضه موشک تاو راهنما بفرستند تا به موضع هدایت شود.

۲۰۲-۱۳۴۳ تیپ ۱ در مورد مؤثر بودن آتش توپخانه هنوز جوابی نداده است.

۲۰۳-۱۳۴۵ به تیپ ۱ ابلاغ گردید که همین حالا یک واحد پیاده کمکی برایتان فرستاده شد توجه داشته باشید که ترجیحاً از آنها در سرپل استفاده شود برای اینکه آتش مؤثرتر داشته باشید.

۲۰۴-۱۳۵۰ گردان ۲۴۲ تانک صدا زده می شود: جواب نمی دهد، تیپ ۱ ابلاغ شما فوراً به گردان ۲۴۲ بگویید که آن تانک را به کشد به خط الرأس نظامی که بتواند به جلو هم آتش داشته باشد.

۲۰۵-۱۳۵۲ به تیپ ۱ ابلاغ شد که آخرین وضعیت دشمن را گزارش نماید.

۲۰۶-۱۳۵۵ تیپ ۱ گزارش می دهد دشمن فعلاً متوقف شده و ۲ نفر هم تسلیم شده اند و هم اکنون آنها را به لشکر فرستادیم.

۲۰۷-۱۴۰۰ مورخه ۵۹/۸/۹ به تیپ ۱ ابلاغ شد که هم اکنون دیده بان های توپخانه اطلاع دادند که دشمن در حال فرار است.

۲۰۸-۱۴۰۴ تیپ ۱ گزارش داد دشمن در حال فرار و عقب نشینی است.

۲۰۹-۱۴۰۵ به توپخانه دستور داده شد که سریعاً برد توپخانه را بلند که متجاوز در حال عقب نشینی را متلاشی نماید.

۲۱۰-۱۴۰۶ مراتب عقب نشینی متجاوز به نزاجا گزارش و تقاضا شد با به کار بردن نیروی هوایی به دشمن ضربه بزند.

۲۱۱-۱۴۰۷ دیده بان توپخانه اطلاع داد که دو نفر عراقی پناهنده و دوازده نفر نیز اسیر شدند.

۲۱۲-۱۴۱۰ مراتب اسیر شدن و پناهنده شدن عراقی ها به نزاجا گزارش شد.

۲۱۳-۱۴۱۵ به تیپ ۱ ابلاغ شد که تجدید سازمان و تحکیم هدف نموده اما به جلو نروند و دشمن در حال فرار به توپخانه و نیروی هوایی سپرده شد.

۲۱۴-۱۴۱۶ تیپ ۱ اطلاع داد که مقاومت کمی در چپ و راست وجود ندارد.

۲۱۵-۱۴۱۷ به تیپ ۱ ابلاغ شد که با آتش سعی کند جناح چپ و راست را به پوشاند.

۲۱۶-۱۴۱۹ تیپ ۲ گزارش داد تعدادی از خودروهای دشمن به طرف ما آمده و زیر آتش خودی قرار دارد و تلفات متعاقباً اعلام خواهد شد.

۲۱۷-۱۴۲۰ به توپخانه ابلاغ شد که سریعاً یک نفر را به شهرک آزادی بفرستند.

۲۱۸-۱۴۲۹ از تیپ ۱ خواسته شد که آخرین وضعیت خود را گزارش نماید.

۲۱۹-۱۴۳۰ تیپ ۱ گزارش داد که هنوز موشک های تاو نرسیده.

۲۲۰-۱۴۳۳ به تیپ ۳ دستور داده شد که موشک های تاو را بفرستند جواب داد که یکی فرستاده شده و دیگری در حال اعزام است.

۲۲۱-۱۴۳۶ نزاجا ابلاغ کرد هواپیماهای خودی در حال برگشت هستند به آنها تیراندازی نکنید.

۲۲۲-۱۴۳۶ نزاجا ابلاغ کرد هواپیماهای خودی در حال برگشت هستند به آنها تیراندازی نکنید.

۲۲۳-۱۴۳۷ به تیپ ۱ دستور داده شد که هواپیماهای موجود در منطقه خودی است تیراندازی نکنید.

۲۲۴-۱۴۴۰ نزاجا از لشکر خواست که هدف های مورد لزوم از نظر پشتیبانی هوایی را تعیین تا هواپیما و هلی کوپتر اعزام شود.

۲۲۵-۱۴۴۴ به تیپ ۱ ابلاغ شد در صورت نیاز پشتیبانی هوایی فوراً اطلاع دهد.

۲۲۶-۱۴۴۵ تیپ ۱ به گردان ۲۴۲ دستور داد که سریعاً تانک های خود را به مواضع هدایت کند.

۲۲۷-۱۴۴۷ مجدداً به تیپ ۱ ابلاغ شد که هر گونه پشتیبانی هوایی نیاز دارد اعلام کند.

۲۲۸-۱۴۵۱ به تیپ ۳ ابلاغ شد در صورت نیاز به پشتیبانی هوایی گزارش کند.

۲۲۹-۱۴۵۳ به تیپ ۱ دستور داده شد که هر یک از فرماندهان تانک اجرای دستور نکردند دستگیر و به عقب فرستاده شود.

۲۳۰-۱۴۵۶ تیپ ۱ گزارش کرد که مقاومت دشمن سرکوب و هم اکنون تجدید سازمان و تحکیم مواضع است.

۲۳۱-۱۴۵۷ به تیپ ۱ دستور داده شد که هر کس اجرای دستور نکرد تیرباران شود.

۲۳۲-۱۴۵۹ به تیپ ۱ ابلاغ شد که در صورت نیاز یک گروهان پیاده موجود اعزام شود. جواب مثبت.

۲۳۳-۱۵۰۲ به رکن یکم دستور داده شد که سریعاً پرسنل پشتیبانی را با هم آهنگی رکن ۴ تجهیز و به تیپ ۱ اعزام نماید.

۲۳۴-۱۵۰۵ از نزاجا خواستار موشک تاو و خودرو مربوطه جهت تی ۱ شد.

۲۳۵-۱۵۰۶ به رکن ۴ ابلاغ شد که سریعاً در اجرای دستور نزاجا به تی ۲ دزفول مراجعه و موشک تاو دریافت دارد.

۲۳۶-۱۵۱۲ تی ۱ گزارش کرد با یک مقاومت کوچک برخورد داریم.

۲۳۷-۱۵۱۵ به تی ۱ ابلاغ شد که ۱۳۰ نفر با تجهیزات کامل اعزام شدند.

۲۳۸-۱۵۱۶ به تی ۱ ابلاغ شد که از رکن ۴ یک نفر به محل اعزام تا نیازمندی ها را یادداشت نماید.

۲۳۹-۱۵۱۷ از تی ۱ خواسته شد که تلفات دشمن را گزارش نماید.

۲۴۰-۱۵۱۸ تی ۳ گزارش کرد که در حدود ۲۰۰ دستگاه تانک از سرخه صالح به طرف سایت در حال حرکت است.

۲۴۱-۱۵۱۹ مراتب به نزاجا گزارش که هواپیما جهت انهدام تانک ها اعزام گردد اعلام نمودند که ۵ فروند هواپیما آماده پرواز است.

۲۴۲-۱۵۲۲ به تی ۱ ابلاغ که یک خودرو به تی ۳ به فرستند و به او اطلاع دهد که گیرنده اش خراب است سریعاً بی سیم خود را عوض نماید.

۲۴۳-۲۵۲۳ تی ۱ اعلام نمود که تلفات دشمن زیاد بوده و قابل تخمین نیست ضمناً یک ستون زرهی از سه راهی رادار در فاصله سه کیلومتری در حال پیشروی است. ۲۴۴-۱۵۳۱ از نزاجا درخواست پشتیبانی هوایی جهت انهدام یک ستون زرهی که از سه راهی در حال پیشروی بودند شد.

۲۴۵-۱۵۳۶ به توپخانه ابلاغ که به آتش شدید ستون زرهی را دشمن را که از سه راهی در حال پیشروی است منهدم نماید.

۲۴۶-۱۵۳۷ تی ۱ گزارش داد که تانک ها در حال حاضر مشاهده نمی گردد و در فاصله ۵ کیلومتری ما می باشد.

۲۴۷-۱۵۴۰ تی ۱ گزارش داد که احتیاج به آمبولانس و دیده بان دارد.

۲۴۸-۱۵۴۳ تی ۱ گزارش نمود که تانک های دشمن متوقف شدند.

۲۴۹-۱۵۴۵ گردان تانک اطلاع داد که ۲ تانک دشمن را منهدم نموده است.

۲۵۰-۱۵۴۹ نزاجا اعلام نمود که هواپیماهای خودی جهت منهدم نمودن دشمن پرواز نمودند.

۲۵۱-۱۵۵۰ به تی ۱ ابلاغ شد که هواپیماهای خودی در حال پرواز است به آنها تیراندازی نکنید.

۲۵۲-۱۵۵۲ گد ۲۴۲ تانک تقاضای ۲ توپ ضد هوایی نمود.

۲۵۳-۱۵۵۳ تی ۱ گزارش کرد که نیروهای زرهی دشمن به طرف ما نزدیک می شوند و ما سعی می کنیم با تانک آنها را منهدم کنیم.

۲۵۴-۱۵۵۴ مراتب به نزاجا گزارش ، اعلام داشتند که به هوانیروز ابلاغ شد.

۲۵۵-۱۵۵۸ گد تانک اعلام کرد که یک تانک و دو خودرو مهمات دشمن را منهدم نموده است.

۲۵۶-۱۵۵۹ نزاجا اعلام کرد که هواپیماها جهت از بین بردن تانک های دشمن پرواز نمود. به تی ۱ ابلاغ شد هواپیماها خودی است.

۲۵۷-۱۶۰۰ نزاجا اعلام نمود ۴ دستگاه جیب ۱۰۶ به لشکر واگذار شده به قرارگاه اعزام گردید.

۲۵۸-۱۶۰۳ گد ۲۴۲ تانک گزارش کرد دشمن در حال فرار است سعی می شود که آنها را منهدم کنیم.

- ۲۵۹-۱۶۰۵ دیده بانان گروه ۵۵ گزارش کردند که متجاوز در حال فرار است.  
 ۲۶۰-۱۶۰۶ از تی ۱ خواسته شد آخرین وضعیت را گزارش نماید.  
 ۲۶۱-۱۶۰۷ تی ۱ گزارش کرد دشمن در حال فرار و ما با توپخانه و تانک آنها را زیر آتش  
 فرار دادیم.  
 ۲۶۲-۱۶۰۹ به تی ۳ ابلاغ شد که مواظب دشمن باشید.  
 ۲۶۳-۱۶۱۱ به تی ۳ ابلاغ که به تی ۲ اطلاع دهد مواضع خود را آماده پدافند نمایید  
 چون امکان تک دشمن می رود.  
 ۲۶۴-۱۶۱۴ گد تانک به تی ۱ اعلام که در ۲ کیلومتری ما ۴ دستگاه تانک متجاوز وجود  
 دارد سعی کنید با توپخانه از بین ببرید.  
 ۲۶۵-۱۶۱۵ به گد تانک ابلاغ که سعی شود تانک های متجاوز جلو بیایند سپس به  
 سوی آنها تیراندازی کنید.  
 ۲۶۶-۱۶۲۰ از گد تانک خواسته شد آخرین وضعیت تانک های متجاوز را گزارش نمایید.  
 ۲۶۷-۱۶۲۵ تی ۱ در مختصات (۷۹۲-۱۵۷/۵) تقاضای آتش توپخانه نمود.  
 ۲۶۸-۱۶۲۶ تی ۱ اعلام نمود ۴ دستگاه از تانک های دشمن در حال فرار یک دستگاه  
 پیش می آید.  
 ۲۶۹-۱۶۲۷ تی ۱ گزارش نمود تلفات دشمن زیاد که قابل تخمین نیست. ضمناً در  
 مختصات (۷۹۴-۱۵۸) نیاز به آتش توپخانه دارد.  
 ۲۷۰-۱۶۲۸ گد ۲۴۲ تانک گزارش کرد که سه دستگاه تانک و ۱ خودرو مهمات دشمن  
 را منهدم نموده است.  
 ۲۷۱-۱۶۲۹ به توپخانه دستور داده شد در مختصات (۷۹۴-۱۵۸) آتش شدید تمرکزی  
 اجرا نماید.  
 ۲۷۲-۱۶۳۰ گد تانک گزارش کرد که تانک آخر دشمن زده شد.  
 ۲۷۳-۱۶۳۱ تی ۱ گزارش کرد که در حدود ۳۰۰ نفر متجاوز کشته و ۵۰ الی ۶۰ تانک  
 منهدم گردیده است.  
 ۲۷۴-۱۶۳۵ گد تانک گزارش کرد که یک دستگاه تانک دیگر دشمن را منهدم نموده است.  
 ۲۷۵-۱۶۳۵ گد تانک گزارش کرد که یک دستگاه تانک در حال تعرض دشمن مورد  
 اصابت قرار گرفت.  
 ۲۷۶-۱۶۳۶ گد تانک تقاضای مهمات تانک نمود برکن ۴ ابلاغ گردید.

۲۷۷-۱۶۳۷ تی ۱ به گد تانک اعلام کرد هر نوع مهمات لازم دارید موجود است بفرستند که ببرند.

۲۷۸-۱۶۳۸ به تی ۱ دستور داده شد که شب تمام منطقه را با گلوله روشن کننده روشن و اجازه ندهند که متجاوز جلو آماده و وسایل خود را ببرد.  
۲۷۹-۱۶۴۰ تی ۱ گزارش نمود در مختصات (۸۴-۸۳) علی گره زد دشمن در حال پیشروی است و تقاضای کمک نمود.

۲۸۰-۱۶۴۱ به توپخانه دستور داده شد مختصات (۸۴-۸۳) علی گره زد را زیر آتش بگیرند.

۲۸۱-۱۶۴۶ چون برد توپخانه نمی رسید از نزاجا خواسته شد که مختصات فوق را زیر آتش بگیرند.

۲۸۲-۱۶۵۱ به تی ۱ ابلاغ که به توپخانه دستور داده شد آتش ضد آتشبار اجرا کند.

۲۸۳-۱۶۵۳ به توپخانه ابلاغ که در مختصات (۷۸۸۴) اجرای آتش نماید.

۲۸۴-۱۶۵۵ تی ۱ گزارش که در سمت راست جاّه درگیر شده است.

۲۸۵-۱۶۵۶ تی ۱ گزارش که در قسمت چپ مواضع خبری نیست فقط از سمت راست تهدید می شویم.

۲۸۷-۱۷۰۷ به پشتیبانی ابلاغ که مهمات کالیبر بزرگ و کوچک هر چه سریعتر به جلو بفرستند.

۲۸۸-۱۷۰۸ تی ۱ اعلام که از سمت راست با دشمن درگیری است.

۲۸۹-۱۷۱۰ نزاجا ابلاغ که ممکن است دشمن به تک روز جاری ادامه دهد و در خط سرپل ل ۲۱ رخنه نماید. یگان های لشکر ۱۶ که در ساحل سرپل مستقر می باشند آماده باشند که به منطقه سرپل حرکت و رخنه دشمن را خنثی نمایند یک یگان در نزدیکی سرپل می بایستی گسترده شود جهت حرکت اولیه به سرپل.

۲۹۰-۱۷۱۳ به توپخانه دستور داده شد در مختصات (۱۶۳-۷۹۲) سریعاً آتش تی ۱ را تقویت نماید.

۲۹۱-۱۷۱۶ تی ۱ گزارش کرد که احتیاج به پشتیبانی دارم.

۲۹۲-۱۷۱۷ به تی ۱ ابلاغ که یک احتیاط مناسب تهیه و شما را پشتیبانی کند.

۲۹۳-۱۷۱۸ تی ۱ گزارش نمود که مهمات به صورت جدا جدا در ماشین های کوچک نیاز دارم.

- ۲۹۴-۱۷۱۹ برکن ۴ ابلاغ که سرگرد صارم پور جهت بردن مهمات به سرپل برود.
- ۲۹۵-۱۷۲۵ تی ۱ تقاضای کمک نمود و اعلام کرد متجاوز مجدداً حمله خود را آغاز نمود.
- ۲۹۶-۷۲۶ به تی ۱ ابلاغ که دیده بان توسط سرگرد عشقی به سرپل اعزام شد.
- ۲۹۷-۱۷۲۷ فرمانده لشکر ۱۶ قزوین در ساعت ۱۷۲۷ به پاسگاه فرماندهی مراجعه که یگان اعزامی به شوش در سه راهی دهلران متوقف، یک نفر جهت هم آهنگی به سه راهی فرستاده شود که این عمل انجام شد.
- ۲۹۸-۱۷۲۸ به تی ۱ ابلاغ که نیروی کمکی فرستاده شد.
- ۲۹۹-۱۷۲۹ به تی ۱ دستور داده شد که سریعاً جهت گردان تانک نارنجک بفرستند.
- ۳۰۰-۱۷۳۲ به تی ۱ ابلاغ که نارنجک پای پل هست یک نفر بفرستند که به آنها تحویل بدهند.
- ۳۰۱-۱۷۳۵ گد تانک اعلام کرد که هنوز دشمن در سمت راست من می باشد و نفرات پیاده باید با آنها مقابله کند.
- ۳۰۲-۱۷۳۶ به گد ۲۴۳ تانک ابلاغ سریع تر ۵ دستگاه تانک باقی مانده را به مواضع بفرستد.
- ۳۰۳-۱۷۴۰ به تی ۲ دستور داده شد که سریعاً یگان ابلاغی به سرپل اعزام نماید.
- ۳۰۴-۱۷۴۱ تی ۱ گزارش نمود که دشمن به ما فرصت تجدید سازمان نداده است در فشار شدید می باشیم کمک کنید.
- ۳۰۵-۱۷۴۲ تی ۲ گزارش کرد که یگان اعزامی همین الان اعزام شد.
- ۳۰۶-۱۷۴۳
- ۳۰۷-۱۷۴۴ به تی ۱ ابلاغ که همین الان هلی کوپترها به کمک شما می آیند.
- ۳۰۸-۱۷۴۵ به تی ۱ ابلاغ شد که به توپخانه دستور داده شده سرپل را زیر آتش بگیرد.
- ۳۰۹-۱۷۵۱ گد تانک اطلاع داد که دشمن نزدیکی ما است.
- ۳۱۰-۱۷۵۲ به توپخانه دستور داده شد که قسمت شمالی مواضع سرپل را بکوبند.
- ۳۱۱-۱۷۵۳ به تی ۱ ابلاغ شد که مهمات کالیبر کوچک فرستاده شده یک نفر راهنما بفرستید که آنها را راهنمایی بکند.
- ۳۱۲-۱۷۴۵ تی ۱ در مختصات (۱۷۵/۵ - ۷۹۱) تقاضای آتش نمود.
- ۳۱۳-۱۸۰۱ تی ۱ اعلام نمود که مهمات رسید.
- ۳۱۴-۱۸۰۲ تی ۱ گزارش کرد که تاکنون دیده بانان نرسیدند و ضمناً دود زیاد است و نمی توانیم تشخیص بدهیم.



۳۱۵-۱۸۰۳ به نزاجا اطلاع داده شد که فشار دشمن سرپل زیاد است.  
۳۱۶-۱۸۰۴ به نزاجا اعلام شد سرهنگ لطفی اینجا آمدند و اظهار داشتند یگان من در شوش است و دو مرتبه اظهار داشتند در سه راهی است به ایشان بگویید این کار شوخی بردار نیست، ضمناً تیپ ۱ در حال فشار بوده و متجاوز با دودانگیز دید آنها را محدود نموده است.  
۳۱۷-۱۸۱۵ به تی ۱ ابلاغ که با گلوله روشن کننده جلو مواضع را روشن که پرسنل دید داشته باشند.

۳۱۸-۱۸۲۰ از تیپ ۱ سوال شد که آیا نفرات اعزامی تی ۳ را پیاده کردید.  
۳۱۹-۱۸۲۲ به تی ۳ ابلاغ نفرات را ببرند و به تیپ ۱ تحویل بدهند.  
۳۲۰-۱۸۲۳ از نزاجا خواسته شد که یک نفر از توپخانه لشکر قزوین بیاید که با ما هماهنگی نماید. گفتند فردا صبح.  
۳۲۱-۱۸۲۵ به تی ۱ ابلاغ که نفرات پیاده ای را که در زیر پاسگاه فرماندهی هستند در خط ببرند.

۳۲۲-۱۸۲۶ تی ۱ گزارش نمود پرسنل را که برای من فرستاده اید به مواضع نمی روند ابلاغ شد یکی از افسران آنها صحبت کند.  
۳۲۳-۱۸۲۷ به تی ۲ ابلاغ که یگان را اعزام کند.  
۳۲۴-گد ۲۴۳ تانک اظهار داشت که تا آخرین گلوله خواهیم جنگید و اجازه به رخنه دشمن نمی دهیم.

۳۲۵-۱۸۳۶ به تی ۱ دستور داده شد که روی کانال آتش خمپاره اجرا نماید و همچنین به آتش تانک کانال را بیوشاند.

۳۲۶-۱۸۴۰ به گد ۲۴۳ ابلاغ که خدمه به ۲۴۲ بفرستند اظهار داشت که فرستادیم.  
۳۲۷-۱۸۵۲ به تی ۱ ابلاغ شد که برد خمپاره های منور را زیاد کنید زیرا مواضع خودی روشن می شود.

۳۲۸-۱۸۵۴ به تی ۱ ابلاغ که دشمن امکان دارد با تانک تک کند پرسنل آمادگی لازم را داشته باشند.

۳۲۹-گد ۲۴۳ تانک گزارش کرد ما درگیر هستیم و دشمن در فاصله ۴ کیلومتری دیده می شود.  
۳۳۰-۱۹۱۵ به نزاجا اعلام گردید که وضعیت تقریباً آرام ولی از ۴ کیلومتری تی ۱ در آتش است.  
۳۳۱-۱۹۱۸ گد تانک به فرمانده تی ۱ اطلاع داد که وضعیت منطقه من آرام است.  
۳۳۲-۱۹۳۰ تی ۱ گزارش داد عناصر ۳۲۳ به او ملحق نشده اند (سرگرد زندی).

۳۳۳-۱۹۳۱ به توپخانه لشکر در مورد مداومت آتش تأکید شد.

۳۳۴-۱۹۳۲ به تی ۱ ابلاغ شد دیده بان های ۳۲۳ در جلو هستند به آنها اطلاع داده شده که با تی ۱ تماس بگیرند.

۳۳۵-۱۹۳۵ تی ۱ اطلاع داد یک هواپیما در منطقه است دستور داده شد با تمام سلاح ها به آن تیراندازی کنند.

۳۳۶-۱۹۵۰ توسط فرماندهی به توپخانه در مورد مداومت آتش تأکید شد.

۳۳۷-۱۹۵۵ تی ۱ اطلاع داد منطقه آرام است.

۳۳۸-۲۰۰۵ تی ۱ اطلاع داده شد در سراسر منطقه گشت زنی کنند و هرگونه اخبار را گزارش بکنند.

۳۳۹-۲۰۲۰ تی ۱ اطلاع داد منطقه آرام است و ما آمادگی کامل داریم.

۳۴۰-۲۰۳۳ ف گروهان تانک اعزامی از لشکر ۱۶ زرهی قزوین به قرارگاه لشکر آمد و با فرماندهی هماهنگی نمود.

۳۴۱-۲۰۵۱ تی ۱ اطلاع داد ۵۹ نفر زخمی و ۱۰ نفر کشته داشتند.

۳۴۲-۲۰۵۲ از نزاجا خواسته شد توپخانه تیپ دزفول در سرپل بماند نزاجا موافقت کرد.

۳۴۳-۲۰۵۳ موافقت نزاجا به تیپ ۱ ابلاغ شد.

۳۴۴-۲۱۰۰ نزاجا اعلام کرد که علاوه بر تانک های اعزامی مجدداً به لشکر ۱۶ ابلاغ شد تعداد ۱۰ دستگاه تانک دیگر در اختیار لشکر ۲۱ بگذارد.

۳۴۵-۲۱۰۵ با لشکر ۱۶ هماهنگی شد یک نفر افسر رابط به منظور هماهنگی توپخانه آن لشکر با توپخانه لشکر ۲۱ اعزام دارد.

۳۴۶-۲۱۱۶ لشکر از نزاجا تقاضا نمود که توپخانه لشکر ۱۶ آتش توپخانه لشکر ۲۱ را تقویت کند که موافقت شد.

۳۴۷-۲۱۳۱ تیپ ۱ گزارش داد که متجاوز با چراغ روشن به طرف جنوب می رود. (مسیر کوت کاپون)

۳۴۸-۲۱۳۲ به توپخانه ابلاغ شد که متجاوز با چراغ روشن در مسیر کوت کاپون در حال حرکت است.

۳۴۹-۲۱۴۴ حرکات دشمن به نزاجا و تیپ ۲ و ۳ ابلاغ که هماهنگی داشته باشند.

۳۵۰-۲۱۵۲ تیپ ۳ اعلام نمود که اجازه بدهید من برنامه خود را روی این ستون متجاوز اجرا نمایم.

- ۳۵۱-۲۱۵۴ تیپ ۳ اعلام نمود که متجاوز به طرف سرخه صالح می رود.
- ۳۵۲-۲۱۵۵ تیپ ۱ اجازه خواست که خود حساب دشمن را برسد.
- ۳۵۳-۲۱۵۸ برابر گزارش رییس رکن ۴ موشک تاو فقط ۱۰ عدد بوده که تحویل شد و دیگر ندارند.
- ۳۵۴-۲۲۰۰ به نذاجا گزارش شد که مهمات موشک تاو لازم است، ابلاغ کردند که محدودیت داریم و نمی توانیم بدهیم.
- ۳۵۵-۲۲۰۵ نذاجا ابلاغ نمود که مسئول مهمات به دو کوهه مراجعه و ۳۰ عدد تحویل بگیرد.
- ۳۵۶-۲۲۰۷ به پشتیبانی دستور داده شد که فردا صبح به دو کوهه مراجعه و ۳۰ عدد موشک تاو تحویل و ۱۰ عدد هم از سرهنگ جعفری تحویل گیرند.
- ۳۵۷-۲۲۱۳ گروهان دژبان گزارش نمود که ۶ ناشناس در حال رفتن به باغ پهلوی تلمبه خانه هستند.
- ۳۵۸-۲۲۱۵ دستورات لازم به کلیه یگان ها ابلاغ ضمناً به دژبان و قرارگاه ابلاغ شد که گشتی شناسایی جهت دستگیری آنها اعزام دارند.
- ۳۵۹-۲۲۱۸ با تهران تماس و از معاون اداری لشکر خواسته شد بررسی در صورت موجود بودن مهمات تاو با هواپیمای ۳۳۰ بفرستند.
- ۳۶۰-۲۲۳۰ تیپ ۱ و ۲ اعلام نمودند که فعلاً خبری نیست و احتمالاً ستون متجاوز در ۴ کیلومتری جلو می باشد.
- ۳۶۱-۲۲۵۰ تیپ ۱ خواست که روی سرخه مشط و کوت کاپون اجرای آتش نماید.
- ۳۶۲-۲۲۵۴ به توپخانه ابلاغ شد که روی سرخه مشط و کوت کاپن اجرای آتش نماید.
- ۳۶۳-۲۲۵۸ تیپ ۳ گزارش کرد روی نفرات دشمن در پایین سایت تیراندازی نموده است و از تیپ ۱ خواست نتیجه آتش را گزارش کند.
- ۳۶۴-۲۳۰۰ گردان تانک گزارش کرد از نزدیک موضع او صدای تانک شنیده می شود.
- ۳۶۵-۲۳۰۱ تیپ ۱ دستور داده شد منطقه جلوی گردان تانک را روشن که پرسنل حرکات تانک دشمن را دیده و آنها را زیر آتش بگیرند.
- ۳۶۶-۲۳۱۳ تیپ ۱ گزارش کرد نیروی زرهی دشمن سعی دارد که تپه ما را دور بزند و با تیپ ۳ هماهنگی شد.
- ۳۶۷-۲۳۵۰ به فرمانده پدافند هوایی منطقه قرارگاه لشکر ابلاغ شد که صد در صد هوشیار باشند چون ممکن است دشمن اقدام به حمله هوایی بنماید.

۳۶۸-۲۴۰۰ توپخانه گزارش نمود در شمال خبری نیست، از فاصله دور صدایی به گوش می رسد که تمام شد. در مرکز خبری نیست و صدایی شنیده نشد، تعدادی در منطقه کوت کاپن بودند که روی آنها اجرای آتش شد و تغییر موضع دادند از طرف قهوه خانه به طرف عین خوش حرکت کردند. تا آنجا که برای توپخانه مقدر بوده اجرای آتش شده است، ولی دیگر در برد ما نیست، در ضمناً قسمت کوت کاپن در منطقه تیپ ۳ است و آنجا شکاری است که اگر روی آن آتش بشود دشمن مجبور به خروج است.

تک لشکر ۲۱ در ۲۳ مهرماه ۵۹ به نقل از کتاب : سلیمانجابه، به روایت سرتیپ ستاد بهروز سلیمانجابه، گردآورنده و تدوین از هیئت معارف جنگ «شهید سپهد علی صیاد شیرازی» انتشارات ایران سبز، ۱۳۹۳

تک ۲۳ مهر ۱۳۵۹

نیازمندی‌ها و کمبودهای یگانهای مستقر در شوش را تهیه کردیم و تحویل دادیم و یک روز هم با آنها کار کردیم که مواضع مناسبی را اشغال کردند و روحیه گرفتند و تقریباً برای ادامه مأموریت آمادگی پیدا کردند. و واحدی هم که با خودمان آورده بودیم گردان ۱۳۱ بود، به این واحد هم مأموریت داده شد که در ساحل شرقی کرخه، در اطراف جسر نادری مستقر بشود و اگر دشمن شبانه خواست از رودخانه عبور کند، جلویش را بگیرند و کمکی باشد برای تیپ ۲ دزفول و گروه رزمی ۳۷.

منتظر رسیدن بقیه واحدها از تهران بودیم که نیروی زمینی یا ستاد هدایت کننده عملیات دستور تک لشکر را به غرب کرخه صادر کرد. زمانی این دستور صادر شد که تیپ ۲ لشکر، توپخانه، پشتیبانی، گردان مخابرات هنوز به منطقه نیامده بودند. واحدهای پای کار بسیار محدود و ناقص بودند. یک گردان آموزش ندیده از تیپ ۱، سه گردان منها از تیپ ۳، گردان ۲۴۲ تانک جمعاً پنج گردان پای کار بود.

دو گردان ۱۴۱ و ۱۳۸ هم که از دوسلک عقب نشینی کرده بودند و تلفات سنگینی دیده بودند. در شرق رودخانه در حال بازسازی و تجدید سازمان بودند. آنها هم آنجا خط پدافندی داشتند.

جمعاً چهار گردان پیاده و یک گردان تانک موجودی لشکر بود که باید حمله می کرد. بعداً یک گردان تانک ۲۹۱ هم به فرماندهی سروان توکلی از لشکر ۷۷ با یک گردان ۲۴۷ سوار زهی لشکر ۲۱ به این ۵ گردان اضافه شدند.

قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش در کارخانه لاستیک سازی دزفول شروع به کار کرده بود. روز هفدهم مهر ماه فرمانده لشکر سرهنگ ورشوساز را به قرارگاه احضار و مأموریت حمله برای روز ۲۱ مهر ماه توسط فرمانده نیروی زمینی سرتیپ ظهیرنژاد ابلاغ گردید. فرمانده لشکر با بیان مشکلات تقاضا کرد که زمان حمله عقب بیفتد، تا فرصت داشته باشد. نهایتاً مسئولان ۴۸ ساعت برنامه حمله را عقب انداختند.

زمان تک از بیست و یکم به بیست و سوم تغییر یافت. یعنی فرمانده لشکر دیگر توانش بیش از این نبود. همان طوری در رده بالا نیز به همین اندازه که به لشکر فشار

بود، زودباش، تندباش، توسط مسئولان سیاسی به مسئولان نیروی زمینی و ستاد مشترک که ظهیرنژاد و فلاحی بودند فشار وارد کردند. شاید سیاسیون مسائلی را می دانستند که ما نمی دانستیم. در هر صورت قرار شد این عملیات روز بیست و سوم انجام بگیرد و مأموریتی که دادند این گونه بود:

لشکر ۲۱ مأموریت دارد در ساعت «س» روز «ر» تک نموده، ارتفاعات علی گره زد و ابو صلیبی خات را تصرف، تأمین نموده و آماده باشد. بنا به دستور تک را به منظور تصرف و تأمین ارتفاعات عین خوش و تپه دوسلک ادامه دهد.

ساعت «س» همان ساعت ۶ صبح، روز «ر» هم روز ۲۳ مهر بود. این لشکر که الان می گوئیم لشکر، تیپ ۳ آن، سه گردان و تیپ ۱، یک گردان به اضافه گردان ۲۴۲ تانک. گردان ۱۴۰ تیپ ۱ در بانه بود. یک گردان هم قبلاً در دوسلک بود، که بعد از شش روز دفاع جانانه و تلاش و دادن تعدادی شهید و مجروح عقب نشینی اجباری کرد آمد به شرق رودخانه. پس تیپ ۱ فقط یک گردان ۱۳۱ تازه تشکیل که آموزش ندیده بود داشت. یک آموزش انفرادی و یک آموزش یگانی داریم. بعد می رسد به آزمایشات و مانورها، این گردان آموزش انفرادی را نیز ناقص دیده بود. به آموزش یگانی که شامل آموزش گروه، دسته، گروهان و گردان بود نرسیده بود. از نظر نفرات با سربازهای احتیاط ۵۶ تکمیل شد.

یگانی که وارد عملیات می شود باید آموزش یگانی را طی کرده باشد. گردان ۲۴۲ تانک با گردان ۱۳۱ پیاده بایستی یک گروه رزمی تانک سنگین و یک گروه رزمی پیاده سنگین تشکیل می داد. یعنی یک گروهان می داد به گردان ۱۳۱، این می شد پیاده سنگین و گردان پیاده؛ یک گروهان می داد به گردان ۲۴۲ تانک، آن هم می شد گروه رزمی تانک سنگین. حتی فرصت نشد دو تا فرمانده گردان بنشینند با هم یک هماهنگی بکنند. بگویند این گروهان پیاده را کی به من می دهی؟ گروهان تانک را کی از من می گیری؟ که یک فرصتی باشد در عقب، در منطقه سبزآب اینها یک حرکتی با هم بکنند، یک آرایشی با هم بگیرند، بگویند آرایش این است، هماهنگی این طوری خواهد شد، زمین به این نحو است، شما کجا حرکت کن.

واحدها اصلاً فرصت شناسائی نداشتند. اصلاً وقت نداشتند. فرمانده لشکر فقط توانست، فرمانده تیپ ۳ و فرمانده تیپ ۱، و فرمانده گردان تانک، دو تا فرمانده گردان توپخانه. اینها را با خودش ببرد، سرپل، یعنی همان منطقه ای که تیپ ۲ دزفول و گروه رزمی ۳۷ در آنجا مستقر بودند. این عناصر را با خودش برد سرپل، دولادولا رفتیم قسمت

شمالی منطقه، روی ارتفاعات، از آنجا دوربین را برداشتیم منطقه را شناسایی کردیم، و توضیح دادند که این منطقه عملیات است، این جاده دزفول-دهلران است. این جاده آسفالت از اینجا می‌آید، فلان است، اینها هم که گسترش این واحدها است.

شناسایی به صورت دیده‌بانی بود. این شناسایی نیست. من باید بدانم از کجا می‌روم، کی می‌روم، چطوری می‌روم، دشمن کجا مستقر شده، چطوری مستقر شده، آرایشش چه نحوی است، من که از آن طرف می‌روم، اگر هم موفق بشوم، بروم خودم را عین خوش برسانم، جناح چپ من چه می‌شود؟ در حرکت می‌گوییم گردان سوارزهی، ۲۴۷ سوارزهی، خوب به فرض در موقع رفتن پوشاند، ولی من آنجا رسیدم تا ۳۰-۲۰ کیلومتر رفتم، این گردان سوارزهی چقدر می‌تواند حفظ جناح کند. طرح‌ریزی غلط بود. علتش شتاب بود. آمده بودند تیپ ۱ را گذاشته بودند تلاش اصلی:

لشکر ۲۱ در منطقه با تیپ ۳ در شمال راست، تیپ ۱ در مرکز تلاش اصلی، گروه رزمی ۲۹۱ تانک در جنوب تک نموده، به ترتیب هدف‌های شیر، پلنگ، ببر را تصرف و تأمین نموده، آماده می‌شود بنا به دستور تک را به منظور تصرف هدف‌های سگ و گربه ادامه دهد. در مورد نامگذاری هدف‌ها هم حرف و حدیث زیاد بود. اگر هدف در داخل خاک دشمن باشد، می‌توانم سگ و گربه نام‌گذاری کنم، ولی وقتی که عین خوش، و دوسلک جزء خاک کشورم است، چه طوری این اهداف را سگ و گربه نام گذاشتم؟ من اول باید خودم را درست کنم، رمز عملیات تعیین کنم، خدایی باشم، توکل به خدا بکنم. آیا این سگ و گربه در ذهن من عمل‌کننده چه نقشی می‌تواند ببندند؟ این هم از ضعف‌های روزهای اول بود که هنوز فرهنگ گذشته روی اذهان فرماندهان وجود داشت.

در هر صورت، لشکر هم که شناخت کافی به واحدش نداشت. تک اصلی را می‌دهد به تیپ ۱. تیپ ۱ چه دارد؟ حداقل بدهد به تیپ ۳ که سه گردان دارد. این سه گردان کجا رفت؟ شمال ارتفاعات شاوریه، رفت آنجا مستقر بشود، بعد از آنجا سرازیر بشود به پایین، شناسایی و اطلاعات از دشمن هم بسیار ضعیف.

به این واحد گفته بودند تو برو بالا، روی شاوریه، از آنجا که مسلط شدی به جاده، از آن قسمت تانک‌های دشمن که حرکت می‌کند، آنها را با سلاح ضدتانک بزن. این واحد یگانهای دشمن روی تپه چشمه را چه کار کند؟ بعد با واحدهایی که در شاوریه هستند چه کار کند؟ فرضاً پاک‌سازی کرد، تصرف کرد، بعد مجبور است، همان‌جا مستقر شود.

عملیات که تمام شد، تیپ ۳ فقط یک نفر گرمازده داشت، چه کار کند راه ندارد تانکر آب ببرد، همان آبی که در قمقمه سرباز است کفایت یک عملیات در ۴۸ ساعت را نمی‌کند. این را بایستی می‌نشستند، اشخاصی که در عملیات بودند تجزیه و تحلیل می‌کردند، نه برای محاکمه و زیر سوال بردن آن فرماندهان یا آن اشخاصی که عمل کردند. به خاطر اینکه برای آیندگان در مراکز فرهنگی چه آموزش بدهیم، اینجا چه بایست می‌کردیم که نکردیم. آن افسر جوان بداند، چنین وضعیتی ممکن است پیش بیاید، در چنین مواردی چه بکنیم. خوب، اگر فرصت می‌داشتیم، اگر زمان داشتیم، من شناسایی می‌کردم. این کانال هندلی شکلی که برای ما افسانه شده بود یک کانال آبی بود به شکل هندل، این طوری کشیده شده بود، آب از کرخه می‌کشیدند، پمپاژ می‌کردند، از آنجا می‌رفت به زمین‌های زراعی. خوب پاک کردن و تصرف کردنش مشکل نبود، ما باید شناسایی می‌کردیم ببینیم موانع دارد، مین دارد، ندارد. از پهلو، از عقب، از یک جایی. آن موقع هنوز موانع زیاد نبود، می‌توانستیم شب قبل به عنوان یک هدف واسطه ساعت ۱۲ شب حمله کنیم آنجا را بگیریم، بعد ساعت ۴-۳ صبح نه ۵ صبح یا ۶ صبح حمله را ادامه بدهیم، این مانع را از سمت چپمان برداریم، می‌توانستیم وقتی دشمن را شناختیم اول تانک را جلو نیندازیم، اول با پیاده‌ها به خط مقدم خط اول دشمن حمله کنیم، بعد تانک بیاید پیشروی کند.

اگر فرصت شناسایی بود، بایستی قبلاً پیش بینی همه کار را می‌کردیم. قبل از اینکه تانک وارد عمل بشود، سلاح‌های ضدتانک، مواضع ضدتانک را که در منطقه مستقرند بایست توسط واحدهای پیاده خنثی می‌شد، تا تانک بتواند مانور کند.

تانک سه تا خصوصیت بارز دارد: یکی تحرک، یکی ضربت، یکی ارتباط قوی. ما از هیچکدام از خصوصیات تانک استفاده نکردیم. تانک را بدون حمایت فرستادیم جلو و دشمن یکی بعد از دیگری مورد اصابت قرار داد. فرصت نشد، شتاب، شتاب، شتاب. عجله، عجله. حتی من این را بگویم، آن موقع ما انتقاد می‌کردیم. به ما گفتند که در جلسه یک نفر آقای شخصی به نام آقای...، گفت من خبر دارم، عراقی‌ها پشیمانند، بخصوص نظامی‌های عراقی ناراحتند، اگر شما از همان پاسگاه ژاندارمری به پایین سرازیر بشوید اینها عقب نشینی خواهند کرد. شما فقط تعاقب بکنید و سعی کنید اینها را بکشید، زنده نگذارید.

خب بایستی کانال هندلی شکل را قبلاً با پیاده نظام آن را تصرف می‌کردیم، جناح چپ را پاک می‌کردیم، خط مقدم را پاک می‌کردیم، بعد یگان زرهی وارد عمل می‌شد،



آن هم به صورت گروه رزمی، تانک و پیاده بایستی با هم همکاری می کردند، با هم مانور می کردند. تانک و پیاده با هم پناهنده فاجعه است، این پیاده چقدر بدود دنبال تانک؟! تانک می خواهد از سرعتش استفاده کند. پیاده زیر آتش دشمن چقدر می تواند راه برود؟ با چه سرعتی؟ اگر تانک سرعتش را کم کند هم پای پیاده باشد می زنند داغونش می کنند، پس یگان مکانیزه باید می آمد.

در هر صورت این کارها به علت شتاب و عجله هیچکدام انجام نشد. ما ۳ تا کار را بایست انجام می دادیم. مرحله یکم، عبور از پل بود و رفتن از شرق به غرب به داخل منطقه عمل. یعنی پای کار آوردن این نیروها. این نیروها کدام بود؟ سه گردان تیپ ۳، گردان ۲۴۲ تانک، گروه رزمی ۲۹۱، به اضافه گردان ۱۳۱ پیاده به فرماندهی سرگرد جعفر خوشدل. اینها پیش بینی شده بود که قبل از آغاز عملیات بروند غرب کرخه مستقر بشوند. حساب شده بود عبور از شرق به غرب هشت ساعت طول می کشد. سرپل دست ما بود. این سرپل کوچکی بود. به اندازه عقبه و گسترش همان تیپ ۲ زرهی و گروه رزمی ۳۷. به اندازه خود اینها بود. حالا این یگان ها هم باید قبلاً عبور کنند، در آنجا مستقر شوند.

مرحله دوم عبور از خط یگان هایی که در سرپل بودند از آنها عبور کنند. در اینجا ما آن روز که رفتیم شناسایی دیدیم همه در یک محور بیایند از جلوی جسر نادری، یعنی در امتداد جاده آسفالت دزفول - دهلران حرکت کنند، یک معبر بیشتر نیست. از همان لحظه سرازیر شدن زیر آتش قرار می گیرند ما بیاییم در ارتفاعات خرولی یک جای مناسبی را شبانه بشکافیم، یک محل عبور تانکی درست بکنیم. از ارتفاعات خرولی یعنی از قسمت شمالی نیز تانک ها از آنجا وارد شوند. آن منطقه را که شبانه آماده کردیم، گروه رزمی ۲۹۱ از آن استفاده کرد. و از آنجا شروع کرد و وارد منطقه عمل شد. از شمال به جنوب حرکت کرد که به منطقه برود. این معضل مرحله دو بود، عبور واحدها، ترافیک زیاد، این دو معبر اجباری، واحدهای تک کننده باید از این باریکه رد بشوند، بعد باز بشوند، آرایش بگیرند و جلو بروند، در تیررس سلاح ضدتانک دشمن.

مرحله سوم آرایش و زدن و حمله به دشمن بود. عدم شناسایی، عدم هماهنگی تک را یک ساعت عقب انداخت، به جای ساعت ۶، ساعت ۷ صبح روز ۲۳ مهر تک شروع شد. خب توپخانه آتش تهیه را به موقع اجرا خواهد کرد، الان این یک ساعت چه وضعیتی پیدا می کند؟ ساعت تک را ۶ می داند. اگر آتش تهیه نیم ساعت می خواهد اجرا بکند، ۵/۵

شروع کرده، ۶ آتش تمام شده، آتش تهیه کور کردن دشمن است که واحدهای تک ور، واحدهای خط مقدم، بتوانند در پناه این آتش خودشان را به دشمن نزدیک کنند. من به عنوان فرمانده واحد حمله ور، نمی دانستم یک ساعت عقب می افتم. در مقابل وضعیت ایجاد شده باید کارمان را انجام دهیم.

همان ابتدا یک دفعه دیدم که تانکی دیگری نمی آید. کجا رفتند تانکها، این ور، آن ور. خبر دادند که یک تعداد از تانک-ها، عوض اینکه بیچند طرف جاده اندیمشک - دهلران، از سه راه دهلران، نیچیدند بیابند طرف فرودگاه اضطراری، مستقیم رفتند طرف شوش. دوباره نفر فرستادند تا راهنمایی بکنند. فرمانده گردان تو سر خودش می زند.

از فرمانده گردان سوال می کنم چه طور اینها شناسایی نکردند؟ چطور نمی دانند کجا بایست بیابند؟ می گوید فرصت شناسایی دادی به من؟ من بایستی، راننده تانکم را می آوردم، مسیر را شناسایی می کرد، بعد از شناسایی فرمانده گروهانش می برد، می گفت: آقا توی گروه رزمی تانک، گروهان تیم یکم، تیم دوم، تیم سوم، تو در راست، تو در وسط، تو در چپ، آرایش این است، وضعیت این است، هدف هایت این است. همان هدفی که از رده بالا به ما دادند، به تیپ ها دادند، آن هدف ها نیز برای گردان ها یا گروه های رزمی، گروه رزمی به تیم های عمل کننده. تیم تانک، تیم پیاده باید به اینها می داد که تو بایستی اینجا بروی، تو آنجا بروی، هرکس باید می دانست تمرکز تلاشش را کجا بگذارد، حرکتش به کجا ختم می شود. برای این وضعیت، فرصت نبود و نمی توانست هم داشته باشد. حالا یک تعدادی نشستند، انتقاد می کنند، ۲۳ مهر! آقا نه؛ چیزهایی که در مراکز فرهنگی تو خواندی، آن افسرانی که عمل کردند آنها نیز آن را خواندند. حداقل به اندازه تو می دانستند، ولی خودش نرفت، با اراده خودش نرفت، هولش دادند. رفتیم جلو، تا آنجا رفتیم که به عراقی ها رسیدیم. اینها را یک قدم عقب نزدیک کردیم، کسی هم از اینها از مواضعش یک قدم عقب نرفت، چه آتش، چه گرما، چه سرما، هیچ کدام از اینها نبود.

وقتی که تانکی زده شد، عقبه تانک بعدی بسته شد، هرکس دنبال یک شیاری می گشت که موضع بگیرد، موشک بهش نخورد. ما تا آن موقع موشک مالیوتکا ندیده بودیم. بعداً متوجه شدیم، دیدیم یک موشک هایی می آید بالا، می رود پایین، از بیخ گوش ما رد می شود، آن قدر رفتم که دیگر با عراقی ها رودررو شدیم و مجبور شدیم زمین گیر بشویم، نه راه پس داشتیم، نه راه پیش، حتی عقب نشینی هم نمی توانستیم بکنیم. آن قدر ماندیم، هوا تاریک شد.

من خودم جلو بودم. در یک شیاری، در یک رودخانه ای بود که، رودخانه خشک می گفتند، آب هم نداشت، فقط یک جان پناهی داشت که توانستیم در آن زمین گیر بشویم، و به جلو تیراندازی بکنیم تا شب بشود. شب که شد حالا چطوری عقب برویم، زیر آتش تیر تراش دشمن هستیم.

ما فکر می کردیم به ما از عقب تیراندازی می کنند. فکر می کردیم محاصره شدیم. کانال هندلی شکل را بعداً شناختیم. فکر می کردیم در محاصره دشمنیم، از عقب و از پهلوها و از جلو ما را می زنند. بعداً دیدیم نه، ما به موازات کانال آمدیم، سرباز عراقی ما را می بیند و می زند، از جلو هم می زند، از پهلو هم می زند. شناخت نداشتیم، شناسایی نکرده بودیم، در هر صورت این هر سه مرحله برای ما مشکل بود، سخت بود، یعنی برایش حساب باز نکرده بودیم. این سه مرحله مهم را برای هرکدامشان باید طرح ریزی می کردیم. عبورمان چقدر، چطور، کی؟ عبور از خط مقدم یا عبور از یگان های در تماس چگونه، چطوری، از چه محل هایی؟ حمله به کجا؟ سرباز نمی دانست، راننده تانک نمی دانست، فرمانده تانک نمی دانست. فقط شناسایی، به صورت دیده بانی و کلی تارده گردان شده بود.

من فرمانده گردان را توجیه کردم، حتی آنها را شناسایی کردم، هدف را نشانشان دادم، منطقه را مابین آنها تقسیم - کردم، آنجا فرماندهان گردان گفتند که ما چقدر وقت داریم؟ گفتم وقت ندارید، تا صبح باید عمل کنید. گفتند ما کی فرمانده گروهان را ببریم شناسایی کنند؟ فرمانده گروهان کی فرمانده دسته اش را ببرد شناسایی کند؟ کی معابر را بازدید کنیم، ببینیم میدان مین هست یا نیست؟ برای اینها چقدر به ما وقت می دهی؟ گفتم برای هیچ کدام وقت نداریم.

آخر کار رسید به اینجا که دستور است، گفتند اطاعت می شود. فقط آخرین حرف این بود که اطاعت می شود، چشم. و این یک ارزش بزرگ بود با آن اوضاع اوایل انقلاب این اطاعت پذیری در چنین شرایطی فوق العاده ارزشمند و موثر بود. همه این عملیات را به عنوان یک حمله انتحاری و حتی شتابزده می دانستند، ولی این فهم در افسران و درجه داران و حتی سربازان بود که دشمن در خاک ماست، دشمن تجاوز کرده، باید به این دشمن زد، حتی شده با دست خالی.

روحیه رزمندگی، روحیه سلحشوری، روحیه بیرون کردن دشمن از خاک خودمان یک اصلی بود در همه رده ها، این را داشتند، ولی حرفشان را هم می زدند، آخر کار می رسید به اینجا که دستور است، می گفت اطاعت می شود، چشم.

روحیه سلحشوری عالی بود، روحیه انتقام جویی عالی بود، روحیه حفظ زمین و خارج کردن متجاوز از خاک میهن اصل بود. این روحیه را همه داشتند. و با این روحیه موجب می شد که علی رغم اعتراضی که داشتند می دانستم فرماندهان پا به رکاب از من جدا می شوند و با جان و دل می روند. حتماً تا صبح نمی خوابند، و حداکثر استفاده را از وقت می کنند، واحدها را توجیه می کنند تا آنجا که وقت اجازه بدهد حتی فرماندهان گروهان و دسته را می برند و خط مقدم را نشان می دهند. خوشبختانه در عمل همین طور شد. وضعیت جنگ به ویژه در روزهای اول که اکثراً فاقد تجربه بودند شکل خاصی داشت. کسی نمی دانست که تا چند لحظه بعد زنده است یا شهید می شود، ولی شهادت را می پذیرفت. شهادت را با آغوش باز و لب خندان می پذیرفت. این روحیه سلحشوری، روحیه میهن دوستی در پرسنل قابل لمس بود.

### علل شکست عملیات ۲۳ مهر

نیروی زمینی و ارتش هم استعداد دشمن را در این منطقه خوب نمی شناخت در منطقه ای که ما حمله کردیم لشکر ۱ مکانیزه و لشکر ۱۰ زرهی بود. هرکدامشان ۳ تیپ یا ۴ تیپ داشتند هرکدام از آن تیپ ها شامل ۷ گردان بود. جمعاً بیش از ۴۰ گردان می شود. حالا به آن ۲ تا لشکر قوی، سازمان یافته، آموزش دیده، ۵ تا گردان می خواهد حمله کند. در صورتی که می گوئیم واحدهای حمله ور حداقل ۲ برابر پدافندکننده باشد. حداقل باید با ۴ لشکر حمله می کردیم، نه با یک تیپ ناقص، در هر صورت این عملیات را علل شکستش را بایستی این طوری تعریف کنیم. عدم آگاهی ستاد لشکر به واحدهای عمل کننده خودش. دوم، ستاد نیروی زمینی هم با ستاد ارتش که ستاد مشترک باشد هماهنگ نبود، اختلاف نظر داشتند از نظر کاربرد یگان ها، از نظر محل های تهدید، خب فلاحی تهدید را برای اهواز می دانست. ظهیرنژاد تهدید را برای دزفول می دانست. می گفت: گلوگاه خوزستان اینجاست اگر دشمن خودش را به اندیمشک برساند، گلوگاه خوزستان را فشار می دهد طرح ریزی هایمان با ناهماهنگی هایی مواجه بود، اما دستور بود، باید اجرا می کردیم. نمی توانستیم لغو دستور کنیم.

سوم ضعف در برآورد اطلاعات و ناآگاهی از استعداد و آرایش دشمن در همان منطقه ای بود که من عمل کردم. آرایش دشمن تا منطقه غرب شوش ادامه داشت. واحد حمله ور از پهلوی چپ تهدید می شد کی باید تأمین می کرد؟ اصلاً معلوم بود کسی که طرح نوشته، منطقه و واحدها را نمی شناسد.

بعد هم شتاب برای انجام عملیات. اگر عجله نمی کردند، شاید نتایج بهتری می گرفتیم. اجباراً تحت تأثیر دستورات سیاسیون قرار گرفته بودند البته نمی توانستند قرار نگیرند. زود باش، تند باش، عجله کن، برو. اگر عجله نداشتند می-توانستند یگان های لشکر ۹۲ را با جایگزینی واحدهای دیگر، آزاد کنند، منسجم کنند، در یک منطقه جمع جمع کنند، شناسایی بکنند، آمادگی داشته باشند، بعد شروع کنند. باز لشکر ۹۲ هم کافی نبود. بنابراین بایستی استعداد تک ور را در نظر می گرفتند، توانش را در نظر می گرفتند، منطقه شمالی خوزستان پیوسته، یک هدف به حساب می آمد. لشکر ۲۱ هم نصفش نیامده بود. لشکر ناقص وارد عمل شده بود که توان این کار را نداشت.

به علت عدم آشنایی یگان ها به منطقه و به دشمن، تمام حرکاتمان در معرض دید دشمن بود. جابه جایی را می-فهمید بخصوص عناصر اطلاعات دشمن در منطقه فوق العاده قوی بود. حتی از جلساتی که در رده بالا تشکیل می شد آگاه بودند. تا برسد به من عمل کننده که حفاظت اطلاعاتی و ملاحظات امنیتی را توجه نداشتیم و تمام حرکاتمان، مؤید تک من بود و دشمن کاملاً آگاه بود و احتمالاً گلیه مند بود که چرا یک ساعت دیرتر آمده ای به تیررس من!

علت دیگر عدم آموزش. آموزش انفرادی و بخصوص آموزش یگانی فوق العاده ضعیف بود.

### تلفات عملیات ۲۲ مهر

تلفاتی که داشتیم، همه اش متوجه همان تلاش اصلی بود. دیگر یگان ها تلفاتی نداشتند. تیپ ۳ یک نفر تلفات نداشت. تلاش اصلی که می گفتند شامل گردان ۱۳۱، گردان ۲۴۳ و گردان سوار زرهی لشکر ۲۱، گردان ۲۹۱ تانک. افسر ۵ نفر شهید ۱۴ نفر مجروح، درجه دار شهید ۳۸ نفر، مجروح ۴۵ نفر، اسیر یا مفقود ۶ نفر. دشمن در خط مقدم بود اینها را اسیر کرد. آنهایی را که توانست کشت، آنهایی را که ماندند اسیر کرد. سرباز ۵۹ نفر شهید، ۱۰۲ نفر مجروح، ۲۵ نفر اسیر یا مفقود الاثر. یعنی با این همه اشکالات باز هم سربازان زدند به خط دشمن و داخل دشمن رفتند، اسیر شدند. جمعاً ۱۰۲ نفر شهید، ۱۶۱ نفر مجروح، ۳۱ نفر اسیر. جمعاً ۲۹۴ نفر تلفات این عملیات بود.

### شرح عملیات

عملیات در ساعت ۷ صبح شروع شد. وقتی یگان من جلو می رفت، باید تقاضای آتش پشتیبانی می کردم و این کار را کردم و اطلاع دادم که من دارم پیشروی می کنم. ولی نا هماهنگی زیاد بود. پیشروی شروع شد، همان ابتدای کار تلفات سنگینی دادیم. تعدادی

از تانک‌ها را عراقی‌ها زدند، خودروهایمان زده شد. من با جناح چپم که همان کانال هندلی شکل بود، درگیر بودم. باید آن را از قبل پاکسازی می‌کردم و آن جناح را می‌گرفتم تا بعد تانک بیرون بیاید. این کار نشده بود، تانک نمی‌توانست آزادانه عمل کند. یک هدف و یک سیبل بزرگ برای دشمن شده بود. من که فرمانده تلاش اصلی بودم و با پرسنل از خط عبور کرده و تا ۲۰ متری عراقی‌ها در بین شیارها آمده بودم تا آخر خواندم که دیگر یک قدم جلو نمی‌توانم بروم. حالا چه بکنم که این پرسنل را در این وضعیت حفظ کنم، تلفات را کم کنم، اسیر کم بدهم، و دست بسته به دست اینها نیفتیم.

ساعت ۱۰ من به یقین رسیدم که دیگر کاری نمی‌شود کرد، به فرمانده لشکر گزارش دادم، ایشان هم خوشبختانه در خط و از نزدیک ناظر حرکات ما بود. در عملیات، آن هم یک عملیات این چنینی یک وضعیتی پیش می‌آید که فرمانده شهادت را به آغوش می‌کشد، برای حفظ آبرویش که من چه بگویم، چه بکنم، فقط شهادت حفظ آبرو می‌کند. وقتی که فهمیدم هیچ کاری نمی‌توانم بکنم، حالا بایستی به فکر پرسنل ما باشم.

پیش‌روی ۱۰۰ درصد غیر ممکن بود، از زده بالا زیاد هراس نداشتیم، ولی این سربازها را عین بچه‌های خودم می‌دانستم. وقتی در عملیات جنگی شرکت می‌کنی، سرباز عین بچه خودت است، حاضری خودت گرسنه بمانی، او گرسنه نماند؟ حاضری تو گلوله بخوری، او گلوله نخورد؟ چون موفقیت من دست اوست، پیشروی من بستگی به پیشروی اوست. اینها مسائلی است که در جنگ به وجود می‌آید، آدم آنجا زیر فشار صحنه نبرد، می‌فهمد که جریان چیست و می‌خواهد آنجا شهید بشود، تا پیش آنها روسیاه نباشد، از آنجا که عقب‌نشینی هم به علت دید کامل عراقی‌ها امکان نداشت و آنجا هرکس عقب می‌آمد کشته می‌شد دست‌تور عقب‌نشینی هم صادر نشد.

من با بعضی فرماندهان تماس گرفتم، فرمانده گروهان‌ها و بعضی فرمانده گردان‌ها ارتباطشان قطع بود، یا بعضی‌ها شهید شده بودند، با تماسی که گرفتم تفهیم کردم هرکس هر کجاست، برود مواضع و جان پناهی را اشغال بکند، تکان نخورد. اگر جان پناه مناسب است همان جا پناه بگیرد و جواب آتش دشمن را هم ندهد. می‌ترسیدم مهماتی که همراهشان است تمام بشود و عراقی‌ها برای گرفتن اسیر بیایند، اینها گلوله نداشته باشند جواب آنها را بدهند.

فصل پاییز بود و وقت آمدن باران، باران منطقه جنوب خیلی شدید است. یک دفعه می‌بینی در عرض نیم ساعت می‌آید و همه جا را سیل می‌برد. باران شیار بزرگی را

سرتاسر در امتداد شمال به جنوب به طول حدوداً ۵ کیلومتر درست کرده بود. ما حمله مان از شرق به غرب بود، مناسب ترین وضعیت برای ما استقرار در شیارها و حاشیه این رودخانه های فصلی بود. همه را کشاندم آنجا، هرکس هم جلو رفته بود، کشیدم و عقب آوردم. سرتاسر آنجا یک خط پدافندی در مقابل دشمن درست کردیم. نزدیک به ۲۰۰ نفر در این شیار مستقر شدند. بقیه یا نتوانسته بودند وارد صحنه عملیات بشوند و یا در شیارهای دیگر پراکنده مانده بودند.

یکی یکی رفتم بالای سر بچه ها، گفتم: هیچ نگران نباشید، جایتان امن است، مسیر را من شناسایی می کنم. به محض اینکه تاریک شد، همه تان را از اینجا به عقب می برم، اصلاً ترس نداشته باشید. یک سربازی با حالت خاصی گفت: جناب سرهنگ. گفتم: چیه عزیزم؟ گفت یک قورت به من آب بده. آب قمقمه اش را تمام کرده بود، قمقمه ام را دست زدم دیدم نصفش مانده دادم دست سرباز گفت چقدرش را بخورم؟ گفتم پسرم هرچقدر می خواهی بخور مقدار کمی را خورد، یک مقدار از آن آب ماند. سرباز بغل دستی که صحبت های ما را شنید گفت جناب سرهنگ ما چی؟ گفتم پسرم این مانده. آن هم گرفت با بغل دستی اش نصف کرد، یعنی باقیمانده نصف قمقمه من را سه تایشان خوردند. تعداد ۶ نفر به شدت زخمی شده بودند. یک راهی از طرف کانال هندلی شکل می آمد که متصل به یک باغی بود، که در این چند روز با آتش توپخانه درخت هایش سوخته بود. و از آنجا می رفت به یک غار طبیعی که چوپان ها گوسفندهایشان را در موارد بارندگی در آن می بردند. دو تا سرباز داشتم، خیلی قوی و شجاع بودند، با دوش خودشان زخمی ها را، تخلیه کردند و به داخل غار بردند. از آنجا تیپ ۲ با سختی نفراتی را فرستاد تا زخمی ها را یک مداوای سرپائی کرده و در فرصت مناسب به عقب تخلیه کنند. یک تعدادی هم در اثر خونریزی زیاد همان جا شهید شدند.

تانک های سالم هم جان پناهی پیدا کرده، منتظر دستور و وضعیت جدید بودند.

تا ما تیراندازی نمی کردیم، دشمن هم تیراندازی نمی کرد. فکر می کرد ما عقب نشینی کردیم، این اثر همان دستوری بود که دادم و به سربازها گفتم تیراندازی نکنید. فاصله ما فوق العاده کم بود تا حدی که من صدای سربازهای عراقی را واضح می شنیدم حتی ظهر که شد بوی غذای دشمن ما را مست کرده بود. برای آنها غذای گرم آورده بودند، و بعضی وقتها از لای یونجه زاری که در اختیار عراقی ها بود حرکاتشان را به وضوح می دیدم، احتمال می دادم که دشمن در فکر حمله باشد چون موانع محکمی در جلوی خودش ایجاد نکرده بود.

یک اتفاقی هنگام عقب آمدن افتاد برای من جالب بود. من آن موقع که هوا دیگر گرگ و میش و تاریک شد، دنبال شناسایی بودم. قبلاً آن رودخانه خشک را ندیده بودم، تصادفی آنجا را دیدم. من بلند شدم بروم، باید به سمت شمال می‌رفتم، چون به سمت شمال ارتفاعات بود. می‌دانستم به ارتفاعات برسم آنجا دیگر امن است. راه افتادم رفتم برای شناسایی. از همان جا که نشسته بودم تکان خوردم، یک تعداد از سربازها دنبال من افتادند. گفتم: من می‌روم شناسایی بکنم که شما را از کجا ببرم، شما همین جا باشید. همراه بودن اینها با من یک نوع عاطفه یا یک نوع اطمینان برایشان ایجاد کرده بود، فکر می‌کردند اگر از من جدا بشوند یا اسیر یا کشته می‌شوند، از من جدا نمی‌شدند. دو نفر درجه دار مأمور کردم که نگذارند اینها دنبال من بیایند تا بتوانم با حوصله شناسایی بکنم و برگردم همه را با هم ببرم. بایست در عقب نشینی با نظم برویم و الاً یک نفر ما زنده نمی‌ماند. اینها را خواباندم که تکان نخورند و بلند نشوند. من بعضی جاها سینه خیز و بعضی جاها شتری رفتم تا به انتهای این شیار که ۳ کیلومتر بود رسیدم. یک ساعت و نیمی طول کشید تا راه پیدا کردم. تا آخرین نفر را آوردم عقب. دو نفر گذاشتم پای آن نقطه مبدأ. گفتم بچه‌ها اینجا را مواظب باشید، می‌روم بقیه واحدها را بیاورم از اینجا رد کنم، شما مواظب باشید قبل از ما گشتی‌های دشمن اینجا نیایند. اگر دیدید دشمن به اینجا نزدیک می‌شود، بزیند. هیچ کس را نگذارید به این منطقه نزدیک بشود.

بعد برگشتم سراغ بقیه بچه‌ها. ساعت ۱۰ شب (۲۲۰۰) بود، رسیدم بالای سر اینها، یکی یکی رفتم سراغ فرماندهان و سفارش کردم که عجله نکنید، شتری راه بروید، پا را بلند کنید، روی زمین نکشید. کف رودخانه سنگ است و با حرکت پا صدا می‌دهد. من جلو حرکت می‌کردم، و سربازها پشت سر من می‌آمدند گفتم مواظب باشید کسی جا نماند، ارتباطتان را با هم قطع نکنید، با همدیگر یک متر فاصله داشته باشید کافی است. همان طور اینها را کشاندم، آوردم.

از آنجا که رد شدم رودخانه کرخه را دیدم. تا چشم خورد به رودخانه کرخه دیگر فهمیدم مشکل را پشت سر گذاشتیم. بچه‌ها را رساندم، حاشیه کرخه، یعنی نزدیک کرخه، گفتم بنشینید. همه را آنجا نشاندم، آمار گرفتم تعداد افسران، درجه داران و سربازان را مشخص کردم متوجه شدم اینها فقط تشنه‌اند. گفتم امتداد کرخه را می‌گیریم و این دفعه برعکس حرکت می‌کنیم. بایست در امتداد کرخه به طرف جنوب حرکت کنیم، تیپ ۲ آنجاست، از تیپ ۲ آب می‌گیریم. یک کمی که حرکت کردیم، دیدم همه اینها بی



اختیار دویدند رفتند طرف رودخانه کرخه. هیچ کس حرف من را گوش نمی کرد! رفتند و با ولع تمام آب گل آلود را خوردند. یک مقداری که آب خوردند. دوباره برگشتند همان جا که من بودم.

مجدداً حرکت کردیم تا آمدیم و از پل فلزی عبور کردیم و به فرودگاه اضطراری رسیدیم. حاشیه فرودگاه اضطراری یک جای امنی پیدا کردم، و نفرات را آنجا پراکنده کردم بعد دو نفر را فرستادم دنبال سرهنگ مهدی عسگری که رئیس رکن ۴ تیپ بود. گفتم سریع پیدا کنید تا برای اینها آب و غذا بیاورند. بعد گفتم یک بی سیم هم بیاورید من با مهدی عسگری صحبت کنم. اکثر بچه‌ها برای نماز صبح تیمم کردند تعدادی دوباره می خواستند به رودخانه برگردند گفتم خطرناک است، توی آب نروید. می ترسیدم بیفتند توی آب.

ساعت ۹ صبح مهدی عسگری برایمان نان و آب و پنیر آورد و به بچه‌ها دادیم خیالم که از این بابت کمی راحت شد، افکارم به دل مشغولی بعد از عملیات کشید. و افسردگی عجیبی داشتم. از یک طرف در عملیات موفق نشده بودیم، از طرف دیگر تلفات قابل توجهی داده بودیم. فقط توانسته بودم تعداد زیادی را نجات بدهم و به عقب بیاورم. عسگری هم حال من را می فهمید. مرا که دید گفت: ناراحت نباش، جنگ است، از این اتفاقات می افتد. گفت: بعداً می فهمی خیری در این اتفاق بوده.

در شب‌های بعد از عقب‌نشینی به مرور تانک‌ها را کشیدیم و عقب آوردیم، حتی بعضی‌ها را شبانه در تاریکی تعمیر کردند و عقب آوردند.

تا روز بیست و سوم، نیروهای ما عملاً وارد جنگ نشده بودند. حتی خود ما، جنگ ندیده بودیم. درگیری با دشمن را فقط در کتاب‌ها خوانده بودیم، مثلاً جنگ جهانی دوم را، آلمان چه کار کرد، آن یکی چه کار کرد، آن یکی در صحرای فلان تا کجا پیش روی کرد. یک چیزهای تئوری. ولی اینجا که خودمان وارد عمل شدیم، ارزش شناسایی، ارزش اطلاعات و شناخت دشمن، ارزش هدف گذاری، تقسیم هدف، تقسیم مسیر و حتی ما فهمیدیم که وظایف یک سرباز نیز داخل گروهش بایستی تفهیم شده باشد، از بالاترین مسئول تا پایین‌ترین که یک سرباز تفنگ دار است، بایستی مسئولیت داد و ازش خواست؛ آتش را دیدند، با صدای گلوله آشنائی پیدا کردند، فهمیدند که هر گلوله بیاید آدم را نمی کشد، هر گلوله توپخانه و موشکی که می آید آدم نمی کشد. باید از زمین استفاده کرد، باید دشمن را دید و تیراندازی کرد. بی خود انگشت روی ماشه نگذاشت. تا دشمن را ندیدی ماشه را نکشی.

در ستاد جنگ، بنی صدر نیز یک عضو بود و در یک جلسه که من بودم، حتی رجایی نخست وزیر بود. در تمام جلسات استاندار - غرضی - شرکت می کرد. فرماندهان ارتش، فلاحی و ظهیرنژاد، فرمانده نیروی هوایی، فرمانده نیروی دریایی، بودند. شرکت کننده در جلسات زیاد بود، همه صاحب نظر بودند، در این عملیات همه به اتفاق هم تصمیم می گرفتند و فقط این را می توانم بگویم که در آن موقع بیشتر سیاسیون صاحب نظر بودند.

## پدافند لشکر ۲۱ پیاده در ۹ آبان ۱۳۵۹ به نقل از کتاب : سلیمانجانه

### مأموریت تعویض نیروهای سرپل کرخه به گردان ۱۳۱ و گردان ۲۹۱

تعدادی از پرسنل کادر شهید و مجروح شده بودند، کسی نبود جای اینها را پر کند تکمیل، بازسازی و تجهیز سازمان عملاً امکان نداشت. فقط روی آموزش تأکید کردیم. روز ششم آبان یک امریه به تیپ ۱ ابلاغ شد که شما با زیر امر گرفتن گردان ۲۹۱ تانک مسئول پدافند از غرب کرخه هستید، و باید روز هفتم تعویض را شروع کنید و تیپ ۲ لشکر ۹۲ و گروه رزمی ۳۷ را از خط آزاد کنید. به این گردان ناقص و ضعیف، تلفات و ضایعات وارد شده که عملیات ۲۳ مهر را ۱۴ روز پیش انجام داده بود، مأموریت تعویض نیروهای سرپل کرخه را دادند. همان روز ششم که ابلاغ شد، با فرمانده گردان ۱۳۱ و گردان ۲۹۱ تانک فرماندهان گروهان به غرب کرخه رفتیم. محل استقرار تیپ ۲ و گروه رزمی ۳۷ را دقیقاً بازدید و شناسایی کردیم. آنجا وادار کردم که نحوه استقرار را فرمانده گردان ۱۳۱، سرهنگ خوش دل و فرمانده گردان ۲۹۱ خودش تعریف کند، تا من بدانم. از راست به چپ، از چپ به راست، چطوری آرایش پیدا می کنند. دیدم که هر سه گروهان را گذاشت در خط. اول برای من این مسئله ایراد داشت که همه واحدهایش را در خط می گذارد، بعد دیدم ناگزیر است. استعداد گردان خیلی کم است. اگر بیاید یک گروهان هم احتیاط بگذارد دیگر دو گروهان نمی تواند خط به این طولانی را ببوشاند. ضمناً عمق منطقه کم است، از ارتفاعات خرولی تا رودخانه کرخه راهی نیست. اگر احتیاط قرار بدهد، چون عمق ندارد، برای استقرار احتیاط جا ندارد! نهایتاً پذیرفتم همان سه گروهانش در خط باشد. دیدم از راست به چپ گروهان ۱، ۲ و ۳ را گذاشت. گردان ۲۹۱ نیز همان طور، من سعی کردم دخالت نکنم. نظرم را پرسیدند، تعریف کردم، گفتم: خوب است. برو فرمانده دسته ۱۲۰ میلی متری که ستوان آرام بود، ببر محل استقرار خمپاره انداز ۱۲۰ میلی متری را نیز در جای مناسب تعیین کند که بتواند آتش دقیق و به موقع اجرا کند. به این ها تذکر دادم، فردا صبح که می آید، برای تعویض نفوذی بیایید. یک گروهان بیاید کارش

تمام شود، خودروهایش برگردد، بعد گروهان دوم برود. تراکم در سرپل نباشد. تأکید داشتم به فرماندهان که اختفاء، پراکندگی رعایت بشود تا دشمن تحریک نشود و آتش ایدائی اجرا نکند. اگر هنگام ورود تلفات ببینید روحیه خیلی بدی پیدا می کنید. تذکر دادم که فرماندهان تا پایین ترین رده منطقه را بشناسند.

خودم برگشتم، به تیپ تا دستور کتبی را به گردانها صادر کنم. در بازگشت سخت به فکر فرورفتم. باور نکردنی بود. حوادث آن چنان سریع اتفاق افتاده بود که فرصت بازسازی مناسبی را به ما نمی داد با آن وضعیت آمده بودیم جنگ. جنگی که تجربه قبلی از آن نداشتیم و دو هفته قبل به دشمن حمله کردیم، دشمنی که فکر می کرد ما به این زودی ها توانائی حمله را نداریم. ما موفق نشدیم دشمن را به عقب بزنیم ولی به خوبی تغییرات منطقه را می دیدیم که دشمن با یک حساب سر انگشتی فهمیده است که به جای سفتی برخورد، این از یک طرف و از طرف دیگر رفتار پرسنل واقعا معجزه بود. ایثارگرانه این همه تلفات داده بودیم و به ظاهر شکست خورده بودیم. یک نفر اعتراض نداشت، یک نفر درخواست برگشت نداشت. وقتی گفتم باید خط را تحویل بگیرید، کسی نگفت: چگونه و چرا ما؟ واقعا از یک طرف تعجب می کردم و از طرف دیگر خوشحال بودم که مأموریت واگذاری به خوبی انجام می شود. در این افکار بودم که به قرار گاه تیپ رسیدم. سریع با یگان های مستقر در غرب کرخه یعنی یگانهای تعویض شونده هماهنگ کردیم. ساعتی که اینها خیز به خیز می-آیند جلو و تعویض انجام می گیرد، از راست به چپ و نحوه مأموریت، تمام اینها را با واحدها بحث و بررسی کردیم.

فردا که کار را شروع کردند، دشمن یک آتش سنگینی ریخت که من فهمیدم که در رده بالا، تصمیمی گرفته می شود، همان دقیقه این خبر به گوش عراقی ها می رسد. عراقی ها فهمیده بودند چه یگانی تعویض می کند؟ کی تعویض می شود؟ چون آن روز، ۲۳ مهر از ما اسیر هم گرفته بود. گردان ۱۳۱ را می شناخت که چقدر تلفات داده است، حالا این یگان مسئولیت پدافند از غرب کرخه را می پذیرد. البته سرپل منطقه ای است که به طور موقت یک یگانی می آید آن را اشغال می کند، حداکثر ۲۴ تا ۴۸ ساعت می تواند آنجا را نگه دارد. باید یگان های تک ور بیانند از آن عبور کنند و بروند مأموریت آفندی را انجام بدهند. ما که مدت هاست آنجا داریم پدافند می کنیم، دیگر این را سرپل نمی گویند.

از آتش شدید اینها که هنگام تعویض ریخته شد، من متوجه شدم دشمن فهمیده تعویض انجام می شود. ولی با وجود آتش شدید، تعویض ها انجام شد، گزارش به رده

بالا دادیم که ساعت ۵-۴ بعد از ظهر تعویض تمام شد. مسئولیت از تیپ ۲ و گروه رزمی ۳۷ به تیپ ۱ لشکر ۲۱ محول شد. هم آنها گزارش کردند، هم ما گزارش کردیم. الحمد لله با رعایت اصول تأمینی هیچ گونه تلفات و ضایعات نداشتیم. هر چند از ابتدا تا انتها آتش شدید عراقی‌ها ادامه داشت و یک لحظه هم قطع نشد.

نهایتاً ما تلاشمان بازدید از خط و کنترل بچه‌ها بود، تا اطمینان حاصل کنیم که استقرار صحیح است، یگان‌های پیاده که در خط هستند باید به جلو، مواضع، دید و تیر و تیرتراش داشته باشند.

ستاد و فرماندهان گردان را وادار کردم بروند کاملاً بازدید کنند. چون اینها آموزش کامل ندیده بودند. ممکن بود معنی و مفهوم تیرتراش را ندانند. به تقسیم منطقه و تقاطع آتش در خط بایست توجه بکنند که آن سنگر با این سنگر، یا این سنگر با سنگرهای اطرافش بایست تقاطع آتش داشته باشد. مطمئن باشند منطقه را کاملاً بیوشانند.

### نهم آبان، روز حمله دشمن

روز هشتم آبان، یعنی فردای هفتم، جابه‌جایی از دشمن را ما می‌دیدیم که در منطقه فعالیت‌های اضافی هست. به لشکر هم گزارش کرده بودیم. ساعت دو بعد از نیمه شب بود، لشکر خبر داد که از دشمن اسیر گرفتیم. در بازجویی مشخص شد که دشمن روز نهم، صبح حمله خواهد کرد. تحقیق و بررسی بیشتر کردیم، دیدیم تیپ ۳ لشکر در منطقه شوش و ضلع شرقی کوت کاپن گشتی فرستاده. این گشتی که گشت شناسایی بود، می‌بیند از دور چند تا خودرو می‌آید، اینها کمین می‌کنند، وقتی که این چند تا خودرو می‌رسند نزدیک اینها، بلند می‌شوند، ایست می‌دهند، خودروها را نگه می‌دارند و نفرات آنها که متوجه می‌شوند، پراکنده می‌شوند، و فرار می‌کنند. دو نفر: یک سرگرد و یک سرباز بی‌سیم چی را که در خودروی اول بودند اسیر می‌کنند. اسرا به عقب تخلیه و در بازجویی مشخص می‌شود که سرگرد عراقی فرمانده گردان توپخانه است، این فرمانده خبر می‌دهد که یگان‌های پیاده عراقی تصمیم دارند روز نهم آبان حمله کنند. در صورت موفقیت و پیشرفت به داخل مواضع ما و احتمالاً عقب راندن ما از غرب کرخه به طرف فرودگاه اضطراری، لازم بود توپخانه دشمن نیز برای مداومت پشتیبانی جابه‌جا شود، حالا فرمانده توپخانه عراقی با اطمینان از پیروزی یگان‌های پیاده آمده بود تا مواضع جدید توپخانه را شناسایی کند که به دام سربازهایی که در حال گشت بودند افتادند. لشکر بر اساس این اخبار به ما ابلاغ کرد که آماده باشید، دشمن تک خواهد کرد.

ما به واحدها ابلاغ کردیم، فرماندهان همه آمادگی پیدا کردند، حاضر شدند که دشمن حمله خواهد کرد.

مرحله اول ساعت ۳۰:۴ دقیقه صبح روز نهم آبانماه ۱۳۵۹ در حالی که ما هنوز کمتر از ۴۸ ساعت بود که در خط مستقر شده بودیم آتش تهیه دشمن، خیلی انبوه و شدید روی منطقه پدافندی ما اجرا شد. وسعت منطقه پدافندی هم محدود بود. سه کیلومتر عرض منطقه بود و در عمق هم نهایتاً سه کیلومتر بود. این سرپل خیلی کوچک بود و روی قواره‌های نظامی قابلیت نگهداری و پدافند نداشت. پشت سر ما رودخانه و جلوی ما هم ارتفاعات خرولی بود. ارتباط ما با شرق رودخانه، یک پل فلزی و بسیار آسیب پذیر بود. عراقی‌ها با علم به این وضعیت، می خواستند از فرصت استفاده کنند. ضمن اینکه استعداد نیروها هم خیلی کم بود. از شدت آتش بی وقفه دشمن فهمیدم معنی و مفهوم این آتش چیست؟ ضمن تذکر به یگان‌ها، خودم هم سریع حرکت کردم، رفتم به دیدگاه که روز قبل درست کرده بودم. هوا کاملاً تاریک بود و منطقه زیر آتش شدید توپخانه دشمن می لرزید. در دیدگاه حاضر شدم و به مسئول مخابرات هم گفتم ارتباط بی سیم و باسیم با واحدها و با لشکر داشته باشیم.

تبادل آتش شدید تا ساعت ۶ صبح که هوا دیگر روشن شده بود ادامه داشت. از محل دیدگاه کاملاً سمت حرکت تانک‌های دشمن را می دیدیم. در نتیجه توانستیم آتش‌های پدافندی را دقیق اجرا کنیم، یگان‌های پیاده دشمن در جلو حرکت می کردند و در عقب یگان‌های تانک از دو طرف یگان‌های پیاده را حمایت می کردند و جلو می آمدند. ما یک گردان تانک هم داشتیم، گردان ۲۹۱ تانک لشکر ۷۷ خراسان، خدمه این گردان وقتی که این وضعیت را دیدند، تانک‌های دشمن را مورد اصابت قرار دادند و تلفات سنگینی به دشمن وارد کردند. تانک‌های عراقی در آتش می سوخت ولی حمله دشمن متوقف نشد. از لابه لای شیارها و تپه‌های بین خط پدافندی مثل مور و ملخ سرباز عراقی جلو می آمد. طبق آموزش‌های کلاسیک نظامی، منتظر شدم تا نیروهای دشمن به محل سد آتش رسیدند. در این سد آتش کلیه سلاح‌ها شرکت می کنند، جاهایی هم که با تیر کشیده، نمی شود زد، سلاح‌های منحنی آن مناطق را می پوشانند، سد آتش از اسمش معلوم است در نزدیکی خط خودی یک دیواره ای ایجاد می کند از آتش که دشمن قادر به عبور از آن نباشد. اگر هم بخواهد از آن عبور کند تلفات سنگینی می دهد.

توپخانه، خمپاره اندازه‌ها و سلاح‌های دیگر، همه و همه شروع کردند به اجرای آتش، جهنمی

از آتش و دود و انفجار، آرایش و گسترش دشمن را به هم ریخت. حالا ساعت نزدیک ۹ صبح بود. جنازه عراقی‌ها مثل برگ روی زمین می‌ریخت و تانک‌ها و نفربرها در آتش می‌سوخت. دشمن با دادن تلفات سنگین عقب نشینی خود را شروع کرد. عراقی‌ها با حالت فرار به عقب رفتند. پرسنل ما خوشحال شدند، شروع کردند به تکبیر گفتن. صدای الله اکبر خط پدافندی را پر کرده بود. احساس ویژه‌ای داشتیم، ولی می‌دانستم کار تمام نشده است. فوری به فرماندهان ابلاغ کردم سریع بروید سراغ سربازها، سنگر به سنگر بازدید کنید. منطقه ای را یا محلی را که شهید دادیم، مجروح دادیم، سنگرش خالی شده، جایگزین کنید، طوری آرایش را تجدید کنید که بین سنگرها در خط فاصله نیفتد. ممکن است دو تا سنگر کنار هم شهید داده باشند، یا نفرات سه تا سنگر پهلوی هم مجروح و شهید شده باشند. پرسنل را جابه جا کنید که منطقه خالی نداشته باشیم. سلاح‌ها را پاک کنند. سربازان شدیداً تیراندازی کرده بودند. لوله تانک‌ها و تیربارها کثیف نباشد، گیر نکنند. مهمات به بچه‌ها برسانید، آب و غذا برسانید، روحیه بدهید، شهدا تو خط نمانند، مجروحین نمانند، همه را تخلیه کنید.

ستاد را هم گفتم: سریع بروید نظارت بکنید، دشمن مجدداً حمله خواهد کرد. این پایان کار نیست حتماً مجدداً خواهد آمد. بازدیدها و کنترل انجام شد. بخصوص برای سلاح‌های پشتیبانی، سریع مهمات مورد نیاز تحویل شد.

### مرحله دوم حمله دشمن در ۹ آبان

ساعت ۱۰ صبح مجدداً برای بار دوم، آتش تهیه دشمن اجرا شد، بسیار شدیدتر از دفعه قبل. عین تگرگ که روی شیروانی بیارد، در منطقه آتش ریخت. ولی چون هوا روشن بود، دقیقاً می‌دیدیم. بچه‌ها که بار اول تلفات سنگینی به دشمن وارد کرده بودند روحیه داشتند، بار دوم نیز شروع کردند به آتش کردن، دفاع کردن دقیق و با رشادت. تیراندازی سربازها درجه دارها و افسران و فرماندهان قابل وصف نبود، از محل دیدگاه این مقابله غرورآمیز را می‌دیدم و مواظب بودم تا اگر رخنه‌ای انجام شد آن را بیوشانم. هر کسی کار خودش را می‌کرد در آن درگیری سخت آنهایی که وظیفه تدارک را داشتند با ایشار تمام، مهمات و لوازم مورد نیاز را به خط می‌رساندند.

حفظ این سرپل خیلی مهم بود. به خوبی درک می‌کردم که در صورت موفقیت دشمن آسیبی خواهیم دید که به زودی و سادگی قابل جبران نیست. فکر کردم اگر دشمن بتواند به پل برسد، همه ما در تله‌ای می‌افتیم که نتیجه اش یا شهادت است یا اسارت. با از بین

رفتن این واحد، راه برای نفوذ عراقی‌ها تا جاده اندیمشک اهواز باز است و احتمالاً کاری که در ۴۰ روز گذشته انجام نشده بود، حالا قابلیت انجام آن را داشته باشد، یعنی رسیدن به اندیمشک و تصرف ارتفاعات شمال اندیمشک تا تنگه فنی، از این اندیشه سخت بیمناک شدم. به هر قیمتی بود نباید عراقی‌ها موفق می‌شدند.

پل کرخه و جسر (پل) نادری و ارتفاعات غرب کرخه، مواضع با ارزشی بودند که باید برای حفظ آن هر بهایی را داد. حالا در دیدگاه با دقت همه منطقه را بررسی کردم دیدم از سمت راست جبهه ما دشمن رخنه کرده، در سمت ارتفاعات خرولی از پشت واحدها سربازان عراقی به صورت خمیده به جلو می‌آیند و واحدهای در خط را از پشت تهدید می‌کنند. در نزدیکی آن منطقه مواضع خمپاره انداز ۱۲۰ به فرماندهی ستوان آرام بود، با چشم غیر مسلح به خوبی و روشنی می‌دیدم. با آرام تماس گرفتم، گفتم: آقا می‌آیند سراغت، مواظب باش. آرام گفت: دیدم و بعد داد زد سمت راستتان را بپایید، دشمن می‌آید. آرام خمپاره اندازها را رها کرد، همه به تفنگ‌ها سرنیزه زده بودند و سربازهای ایرانی و عراقی به داخل هم فرورفتند. در گرد و غبار برخاسته از این نبرد تماشائی، سرنیزه‌های ایرانی را می‌دیدم که به درون شکم عراقی‌ها فرو می‌رفت. صدای رزم جنگ سرنیزه را که بارها در پادگان تمرین کرده بودم به گوشم می‌رسید. احساس می‌کردم دوست دارم در این رزم نزدیک شرکت کنم، ولی هدایت تیپ خیلی مهم تر از این احساس بود. بچه‌ها به عراقی‌ها حمله کردند.

به واحد سمت راستی هم که گروهان سوم گردان ۱۳۱ بود، گفتم که به آرام کمک کنید، دشمن به مواضع خمپاره-انداز ۱۲۰ میلی متری نزدیک شده. من رشادت و ایثار این رزمندگان را نمی‌توانم توصیف کنم. اصلاً باور کردنی نبود سربازان این قدر غیرتمند بجنگند، خود ستوان آرام زخمی شده بود، لنگان لنگان خودش هم حمله می‌کرد، تعدادی از عراقی‌ها کشته شدند، بقیه پا به فرار گذاشتند و عقب نشینی کردند.

جنگ مرحله دوم ۴ ساعت طول کشید تا این که در ساعت ۱۴ عراقی‌ها عقب نشینی کردند و فرار را بر قرار ترجیح دادند. تعداد زیادی اسیر گرفتیم، در بازجوئی از اسرا معلوم شد، یک تیپ از لشکر ۱۰ رزهی و دو گردان از تکاوران نیرو مخصوص دشمن در این عملیات شرکت داشتند. مجدداً من همان دستورات قبلی را به فرماندهان دادم. سریعاً به بچه‌ها مهمات برسانند، تفنگ‌ها تمیز بشود، شهدا تخلیه بشود، سنگرهای مجروحین را دوباره تجدید آرایش بکنند و حتی شده از ستاد، از قرارگاه و از ارکان سرباز بردارید بفرستید در



خط و سنگرهای خالی را پر کنید. چون من همان موقع به دستوراتی که به اینها دادم فرمانده قرارگاه تیپ را خواستم. گفتم پسر، من ارکان نمی خواهم، در رده عقب پرسنل نمی خواهم، کلیه سربازها و درجه دارها و افسرها، هرچه داری سازمان بده و به عنوان احتیاط تیپ داخل تونل باش، تا من دستور بدهم. بعد دیدم آمد گفتم: سازمان دادم. گفتم چند نفر شد؟ گفت: بجز خودم ۲۰ نفر، با خودم ۲۱ نفر. گفتم: پسر من احتیاط ندارم. آنجا باش اگر مسئله ای پیش آمد، دستور دادم مأموریت را اجرا کن. هرچه داری بردار. تفنگ، آر.پی. جی... گفت دو تا آر.پی. جی ۷ دارم. گفتم خوب است، کافی است. هر چند احتمال حمله عراق را برای بار سوم ضعیف می دانستم، ولی از عدم حمله هم اطمینان نداشتیم. در فرصت به دست آمده یک بازسازی کردم. بچه‌ها ظاهراً خسته بودند، ولی پیروزی، روحیه‌ای به آنها داده بود که خستگی را احساس نمی کردند. در این گرم‌گرم نبرد، غذای گرم به بچه‌ها رساندم چیزی کم نداشتند. ولی عراقی‌ها دست بردار نبودند.

**مرحله سوم حمله دشمن**

برای مرحله سوم ساعت ۱۶، یعنی ۴ بعد از ظهر مجدداً عراق حمله کرد. شدیدتر از دو مرحله قبل آتش تهیه اجرا کردند. از انبوه آتش و دود و خاک، اصلاً منطقه دیده نمی شد. اگر این آتش به اهداف عراقی‌ها می خورد برای از بین بردن همه ما در منطقه کافی بود. فرماندهان گروهان و گردان خیلی غیرتی شده بودند، دو تا حمله را پس زده بودند، همه افسران در خط و در سنگر آماده بودند، تا اینکه درگیری مجدد شروع شد، من متوجه شدم این دفعه کمانده‌های این‌ها آمدند از سمت چپ جبهه، چسبیده به رودخانه از پشت سر واحد می خواهند بیایند و خود را به پل برسانند. یک تونل غار مانند و طولانی بود، که از قدیم کنده بودند.

آنجا بارانش خیلی شدید است، باران شدید که می شد، سیل می آمد برای نگهداری گوسفندها از خطر سیل، گوسفندها را می بردند داخل تونل. حالا احتیاط من هم آنجا بود. به فرمانده احتیاط، گفتم: از سمت چپ عراقی‌ها چسبیده به آب از پشت سر کانال هندلی می آیند پشت واحدها. مواظب باشید، بروید جلو. ایشان واحد و بی سیمش را برداشت. من می شنیدم، تکبیرگویان حمله کردند به آن سمت. وقتی به آنها رسیدند که دیگر فاصله خیلی نزدیک بود. عراقی‌ها را بستند به رگبار، سربازان دشمن هم خیلی راه آمده بودند، نفس نفس می زدند ولی بچه‌های ما راهی نرفته بودند. تلفات سنگینی به اینها وارد کردند. چند نفر به جنگ تن به تن رسیدند. حتی یکی از سربازها، دو نفر را با

سرنیزه کشته بود، آن سرنیزه را هم بعداً آورد دیدم و به قرارگاه گفتم این سرنیزه را نگه دار، و تا این اواخر نگه داشته بود.

ساعت ۱۹ بود، یعنی ۷ بعد از ظهر عراقی‌ها با تلفات سنگین، عقب نشینی کردند و رفتند. بار دیگر فرماندهان را خواستم. گفتم: مطمئناً اینها دیگر شب حمله نمی‌کنند. بروید هر چه سربازها نیاز دارند بدهید. غذا بدهید، جیره عملیاتی بدهید، مهمات بدهید، روحیه بدهید، یک تعدادی را تشویق بکنید و سربازها را پاداش نقدی بدهید. من می‌خواهم یک زخمی هم در منطقه نماند. همه تخلیه شده باشند که اثر روحی بدی نگذارد. بعد به رکن ۱ تیپ گفتم: برو بیمارستان‌ها، اول از مجروحین بازدید کن، بعد برو ببین شهدا کجا تخلیه شدند؟ مشخصات شهدا را بنویس، برایم بیاور. آدرس آنها را آماده کن. مجروحین کدام‌هایشان به تهران اعزام شدند، کدام‌هایشان در دزفول ماندند. تمام اینها و آمار کلی را برای من بیاور. چون الآن است که از لشکر و نیروی زمینی و از جاهای دیگر از من آمار بخواهند.

فرماندهان بلافاصله آمار می‌خواهند، مثل اینکه کامپیوتر است، بلافاصله یک نفر شهید می‌شود در آن رایانه عمل می‌شود. بایستی گروهان به گردان بدهد، گردان به تیپ بدهد، تیپ جمع بندی کند، بعد اینها را بفرستد.

### مشکلات پدافند ۹ آبان

در این عملیات یک نکته این که جلب نظر کرد و همیشه هم در نظرم هست، این بود که این گردان ۲۹۱ تانک، هی به من فشار می‌آورد که اجازه بدهید یک خیز بیایم عقب. مادر خط پیاده‌ها هستیم و آسیب پذیریم. من هم خط و گسترش را دیده بودم، از نظر تاکتیکی ممکن است او درست بگوید، ولی خیز دوم می‌افتد توی رودخانه، جایی نیست دیگر. خط پدافندی عمقی نداشت که اگر از تانک‌ها می‌خواستند یک خیز بیایند عقب، یعنی داخل رودخانه یا شرق رودخانه. اثر بدی روی پیاده نظام می‌گذاشت. خیلی عصبانی شدم به آن فرمانده، گفتم: تکان نمی‌خوری، مأموریت اول شهادت است. گفت: یعنی پدافند نیست؟ گفتم: خیر شهادت است، الآن برای ما شهادت است، بمانید شهید بشوید و دیگر در رابطه با یک خیز عقب آمدن محلی نیست. اگر جلو محل مناسبی هست یک خیز برو جلو، ولی عقب نه. خیلی خطرناک بود. عمق نداشت، راست می‌گوید، تانک هم در خط پیاده بود. امکان نداشت دیگر عقب بیاید، تکان هم می‌خورد اثر بدی روی روحیه پیاده نظام می‌گذاشت. در هر صورت فشار آوردیم که عقب اصلاً نیا، تکان نخور.

## خرج گذاری پل برای انهدام

یک نکته هم اینکه یک دفعه متوجه شدم که تعدادی آدم در اطراف پل هست، یعنی شرق پل. بارکن ۳ تماس گرفتم، گفتم اونجا چه خبره؟ گفت: که والله خجالت می کشم بگویم. گفتم: بگو. گفت: از گردان مهندسی آمدند پل را خرج گذاری کردند، اگر دشمن رخنه کرد، پل را تخریب کنند. همان یک پل بود. اینها برای جلوگیری از نفوذ دشمن به شرق رودخانه حاضر بودند تمام نیروهای غرب کرخه اسیر یا کشته بشوند، ولی دشمن از این پل عبور نکند. در صورتی که این تفکر خیلی عامیانه بود. تنها محور، محور اندیمشک - دهلران نبود که متکی به آن رودخانه باشد. واحد تک ور می تواند در منطقه شوش یا در قسمت شمالی خط پدافندی مان بیاید پل بزند و رد بشود. مابین تیپ ۱ لشکر ۲۱ و تیپ خرم آباد منطقه زیادی باز بود، فاصله زیاد داشتیم. منطقه آن قدر نیرو نبود که به هم متصل باشند، گفتم ایراد ندارد. ما که به عقب نخواهیم رفت. یقین داشته باش ما اینجا یا همه شهید می شویم یا شرافتمندانه پدافند می کنیم؛ و همین هم شد. نیروهای شرافتمند و غیرتمند ما ماندند و پدافند کردند. واحدها را فرستادم آمار دقیق بگیرند، به من بدهند. ۸۹ نفر افسر و درجه-دار، سرباز شهید و مجروح فقط از گردان ۱۳۱ داشتیم. ولی این تلفات را پذیرفتیم، شرافتمندانه دفاع کردیم و می توانم بگویم که اولین پیروزی ما در مقابل تهاجمات عراقی ها بود، به علت تعویض گردان ۲۹۱ تانک لشکر ۷۷ نتوانستیم آمار آن گردان را بگیریم.

## شکست عظیم دشمن درسی برای طرفین شد

اطلاعاتی که دشمن داشت، تیپ ۱ را می شناخت. می گفت که این تیپ روز ۲۳ مهر یعنی ۱۵ روز قبل تلفات داده و از همین واحد اسیر گرفته بود. می دانست که این یگان تلفات داده. و حالا مجدداً به خط آمده و یک گردان پیاده و یک گردان تانک اینجا دارند دفاع می کنند. دشمن تقریباً با دو تیپ و دو گردان کماندو حمله اش را انجام داد. موفقیت را ۱۰۰٪ می دانست که بعد از تصرف سرپل، واحدهایی داشت که عبور کند و برود برای تصرف دزفول، شوش، اندیمشک و پایگاه هوایی و بستن گلوگاه خوزستان. ولی رشادت و شجاعت این بچه ها اصلاً در تاریخ نادر است که این همه تلفات توسط یک واحد کوچک به دشمن وارد شود. در سه نوبت حمله عظیم و بزرگ اینها را درهم بکوبد و درسی هم شد برای عراقی ها اینها که اول آمده بودند، به منطقه توجیه نبودند و ارتش ایران را نمی شناختند. نمی دانستند ایرانی ها شجاع هستند، ایرانی ها رهبر قوی دارند، پشتیبانی

می شوند، هدایت می شوند و هرچه زمان پیش برود اینها قوی تر خواهند شد. همین هم شد و شکست عظیم عراقی ها در آنجا درسی برای عراقی ها شد.

### نقاط ضعف و قوت عملیات ۹ آبان

این عملیات یک نقاط قوتی داشت و یک نقاط ضعف. نقاط ضعفش عدم آمادگی مواضع پدافندی از نظر استحکامات بود، نیروهای ما روز هفتم رسیده بودند به منطقه و تعویض انجام داده بودند، پایشان را گذاشته بودند. جای پای یگان های زرهی. پیاده نظام سنگر حفره روباه یک نفره یا دو نفره می خواهد. اینها بایستی سنگر می کنند، خطوط رابط می کنند، ارتباط برقرار می کردند. آرایش پیاده با آرایش زرهی فرق دارد. سنگرهایی که آنها تهیه کرده بودند به درد اینها نمی خورد.

عراق روز نهم که حمله کرد هنوز سنگرهای ما کامل نشده بود، خطوط رابط نداشتیم، از این سنگر به آن سنگر باید پوشیده باشد، از جلو دیده نشوند، آسیب نبینند. ترکش، تلفات وارد نکند. این کارها هنوز کامل نشده بود. دوم محدود بودن عرض و عمق مواضع، عمق خط حداکثر سه کیلومتر بود. بین این تیپ و تیپ خرم آباد، کیلومترها فاصله بود. از منطقه جنوب هم تا واحدهای بعدی که واحدهای طرف اهواز می شد، همه اش باز بود. یعنی واحد ما از جناح راست و جناح چپ قابل دور زدن بود. عراق هم استفاده کرد، هم از راست، هم از چپ ما را دور زد که موفق نشد.

عقبه و راه اصلی آمادی یا آمداره اصلی متکی بود به یک پل. همین پل فلزی که در محل به نام جسر نادری می-گفتند، متکی به آن بودیم. از آن پل، مهمات می آمد، آب می آمد، غذا می آمد، مجروح، شهید تخلیه می شد. اگر آن پل از بین می رفت، با مشکل عظیمی مواجه می شدیم. یک نقطه ضعف هم این بود. موضوع دیگر نبود احتیاط برای یگان های در خط. منطقه، هم عمق نداشت تا احتیاط بگذاریم، هم نیرو نداشتیم بگذاریم. این نقاط ضعف خط پدافندی بود.

ولی در مقابل نقاط قوتمان: ایمان، اعتقادات، توکل به خدا و درک مأموریت، دیگر پرسنل به این نتیجه رسیده بودند اینجا یا بایستی زمین را نگه دارند، یا همه شان شهید شوند. این درک شده بود، فهمیده شده بود. یعنی همه به این اعتقاد داشتند، ایمان داشتند و ماندند و دفاع کردند. باید به روحیه شهادت طلبی نمره ۱۰۰ بدهیم. عامل دیگر، پشتیبانی دقیق و مداوم و اجرای آتش مؤثر توسط آتش های پشتیبانی، توپخانه، خمپاره انداز و سایر سلاح های اجتماعی بود که دقیقاً پشتیبانی کردند، حمایت کردند.

سربازان ما کمتر از ۴۸ ساعت بود که به منطقه آمده بودند، و در مواضع شان دفاع می کردند. در دفاع مثل حمله جلونمی روند. راه های نفوذی دشمن، راه های پیش روی را می بندند، همکاری پیاده و تانک، اینها در حمله و آفند مطرح است، در پدافند سرباز داخل سنگر می رود. دشمن را می بیند و تیراندازی می کند.

### تلفات و ضایعات عراق در عملیات ۹ آبان

یک اتفاقی که در منطقه افتاد، بعد از ۹ آبان، ۴۸ ساعت بعد از عملیات، یک هلی کوپتری از عراق را در همان منطقه تیپ ۱ بچه ها سرنگون کردند. این هلی کوپتر نمی دانست که سریل کجاست؟ برای چی آمده بود؟ کجا می خواهد برود؟ مسیر دقیق را نمی دانست. در نتیجه در تیررس سربازها قرار گرفت سرنگون شد. در منطقه که افتاد اسنادی از عملیات ۹ آبان در هلی کوپتر بود که به دست بچه ها افتاد. مدارک را به لشکر تخلیه کردیم، یک سند خیلی قابل توجه بود که در آن سند ارتش عراق تلفات و ضایعاتش را به رده بالا، به سپاه، گزارش داده بود. ۸۰۰ نفر فقط کشته داشتند و بیش از ۱۲ دستگاه تانک از دستشان رفته بود. گردان ۳۰۱ کوهستانی که در سمت راست و در سمت چپ دوبار نفوذ کردند، آن قدر فشار به اینها بود، جلوی تانک ها حرکت می کردند، از سمت راست آمدند، از سمت چپ آمدند، سه بار این گردان اصلاً کلاً از بین رفته بود، با این اصطلاح نوشته بودند که گردان ۳۰۱ کوهستانی در این عملیات که شرکت کرده کلاً از بین رفته و منحل شده. و این گزارش کتبی آنها بود. مسئولان و فرماندهان از حمله عراق نگران بودند. آن قدر نگران بودند، که فرستاده بودند جسر نادری را خرج گذاری کنند. اگر این واحد نتواند پدافند کند، پل را تخریب کنند. ولی عنایت خدا بود، این واحد ایثار کرد. مفهوم مأموریت، ارزش مأموریت، درک مأموریت آن قدر بالا بود که رزمندگان ما شهادت را برای خودشان یک سعادت می دانستند و بر این اساس ماندند و مأموریت را به نحو احسن انجام دادند. همه تعجب کردند.

فردای همان روز، صبح زود، رئیس جمهور وقت، آقای بنی صدر، نخست وزیر، به اضافه رئیس ستاد تیمسار فلاحی، فرمانده نیرو تیمسار ظهیرنژاد و تعدادی از بزرگان و مسئولان وقت آمدند پیش من، من بردم داخل یک نفربر، نقشه وضعیت را آویزان کرده بودم. نفربر هم کوچک بود. اینها تا توانستند آمدند تو و من صدایم هم که آن قدر فریاد کشیده بودم و خیغ و هوار کرده بودم، گرفته بود. فرصت نکرده بودم نه صبحانه بخورم، نه ناهار، نه شام. ساعت ۱۲ شب بود که من یادم افتاد که من هیچی نخوردم، آب هم نخوردم. فرستادم یک لیوان آب آوردند، آب خوردم.

علاوه بر آن در زمان عملیات، بعضی فرماندهان به من فشار می آوردند که یک خیز بیایم عقب، با آنها هم صحبت کنم. لشکر مدام می گفت: وضعیت؟ کلافه کننده بود. بابا بگذار کار خودم را بکنم. این هم از آن نکات آموزشی است. من فرمانده اگر وظیفه ام فقط گزارش دادن به شما باشد، و هر لحظه بگویم دشمن دو متر جلو آمد، سه متر عقب رفت، چهار متر فلان شد، من هی گزارش کنم، جواب فرماندهان جلو را چه بدهم؟ البته ارکان تیپ می توانستند گزارش بدهند، ولی فرمانده لشکر دستور می داد خود من صحبت کنم. من بایستی عین شطرنج، مهره ها را جابه جا کنم. دستور بدهم که یگانهای زیردست خودسرانه کاری انجام ندهند. دو تا آر.پی. جی زن را فرستاده بودم پای پل، گفته بودم اگر هر وسیله ای بدون برگ مأموریت می خواهد برود عقب، با آر.پی. جی بزنید. دستور داده بودم که راه را ببندید نتوانند بروند. البته کسی عقب نرفت، واقعاً نرفت. غیرت نشان دادند. هیچ کس عقب نرفت. این قدر دقت داشتم، من می خواهم یگان را کنترل کنم هی از بالا می گویند: وضعیت! آنقدر داد زده بودم که صدایم کیپ گرفته بود. بنی صدر گفت: چرا صدایت گرفته؟ گفتم: از داد و فریاد صدایم گرفته. گفت: نیازی بود؟ گفتم: آره، نیاز بود. حساب کن از ساعت ۴/۵ صبح داد و هوار می زدم تا ساعت ۷ شب. می شود چند ساعت؟ ۱۵ ساعت. ۱۵ ساعت وقت نکردم یک جرعه آب بخورم، غذا بخورم، فقط داد زدم. با این حال و روز وضعیت را گزارش کردم به اینها و بنی صدر برگشت گفت که خب تشکر می کنم، زحمت کشیدید، ما سر پل را رفته می دانستیم و سربازها غیرت نشان دادند. گفتم اینها هم غیرت داشتند، هم شرف داشتند، هم معنی و مفهوم مأموریت را درک کرده بودند. درک مأموریت خیلی زیاد بود. گفت: آینده چه بایست بکنیم؟ گفتم: برای آینده بیا بید بینید ما را با عراق مقایسه کنید. آنها برتری پرسنل، برتری تجهیزات دارند. البته ما هم بچه هایمان شرافت دارند و ایمان دارند به کارشان، ولی تنها ایمان ما را به جایی نمی-رساند. اگر توأم با تجهیزات و تقویت ما باشد، ۱۰۰٪ موفقیم. هر چه تجهیزات بیشتر باشد زودتر مأموریت را انجام می دهیم. ولی اگر تجهیزات ما کافی نباشد یک مقدار طول خواهد کشید. گفت: یعنی نظر تو چیه؟ برویم بیفتیم به دام این ابرقدرت ها؟ گفتم نه. دامشان نیفتیم. همه جا تجهیزات می فروشند. دست یکم نباشد، دست دوم، دست سوم. بایستی تهیه کنیم، پای کار بیاوریم. ولی ما با ایشار کار خودمان را خواهیم کرد. ما اجازه نمی دهیم با این وضعیت یک قدم جلوتر بیایند. ولی ما می خواهیم از داخل خاک مقدسمان بیرونشان کنیم،

دماغشان را به خاک بمالیم. از خاک خودمان بیرون کنیم. ولی برای تنبیهشان نیاز به تجهیزات داریم، و زمان داریم، دیگر تصمیم با شما مسئولان است. ما این را می‌توانیم، این کار را کردیم ولی دیگر بقیه اش با شماست. خیلی تقدیر و تشکر کردند، فرماندهان هم همین طور. یک ساعت در سر پل بودند و من صحبت کردم و منطقه را ترک کردند و رفتند. و همان جا بود که تیمسار فلاحی دستور داد دو سال به من ارشدیت بدهند. البته شش ماهش عمل شد. علتش این بود که من سرهنگ ۲ بودم، و باید سرهنگ تمام می‌شدم. توقف در درجه سرهنگ ۲ دو سال بود، ایشان باید می‌گفت یک درجه بدهید، یا اگر ارشدیت زمانی می‌داد، بیش از یک سال نمی‌توانست بدهد، من هم بعداً پرسنل زحمت کش و تلاش گر و ایثارگر را که همه لیاقت داشتند، تشویقشان کردم. در ۹ آبان همه فعالیت کردند و تلاش کردند، ولی ستوان آرام با اینکه افسر جوانی بود، با اینکه زخمی شده بود، حتی زخمی شدنش را به من نگفت. مأموریت را ادامه داد و با همان وضعیت جنگ تن به تن هم کرد. از خصوصیات این عملیات هم یکی این بود که دشمن بعضی از وسایلش را گذاشت و فرار کرد. ما که بعد از این عملیات رفتیم، ببینیم وضعیت چی شده؟ چی مانده؟ در شیارها متوجه تانک‌های باقی مانده از ۲۳ مهر شدیم. از فردا یک تیمی درست کردیم، رفتند از این شیارها تانک‌های جامانده را در شب‌ها بیاورند. حداقل هر شب دو تا یا یکی از این تانک‌ها را به عقب آوردند. اول آتش می‌کردیم و در منطقه سروصدا ایجاد می‌کردیم. در پناه این آتش و سروصدا، تانک‌ها را روشن می‌کردند یا بکسل می‌کردند، می‌کشیدند از این شیارها می‌آوردند عقب. همه را کشیدیم آوردیم عقب و تعمیر و بازسازی شد و ملحق شد به گردانش و از برکات ۹ آبان بود که به دست آمد.





تک لشکر پیاده در ۲۳ مهر ۵۹ به نقل از کتاب : تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان در سال اول جنگ، به قلم سرتیپ ۲ ستاد نصرت الله معین وزیری، سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس آجا، ۱۳۸۴

### ۱- عملیات کرخه (تک لشکر ۲۱ در مورخ ۵۹/۷/۲۳)

الف = مقدمه :

تلاش نیروهای متجاوز برای رسیدن به شمال اندیمشک به منظور تصرف شهرهای اندیمشک و دزفول و شوش و قطع راه‌های مواصلاتی خوزستان به شمال کشور در ششمین روز تجاوز با ایشار و فداکاری نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران ناکام ماند و عراق بالاجبار در غرب رودخانه کرخه به اتخاذ وضعیت پدافندی قناعت نمود.

پس از سپری شدن یک هفته از تجاوز سراسری عراق، تعدادی از مقامات لشکری و کشوری به خوزستان رفتند تا جهت مقابله با دشمن، تدبیری بیندیشند. تشکیل قرارگاه مقدم نیروی زمینی در ۱۳ مهرماه ۱۳۵۹ در دزفول اولین نتیجه حضور مقامات در خوزستان بود. این ستاد از روز ۱۴ مهرماه شروع به کار نمود و مسئولیت سازماندهی صحنه عملیات را به عهده گرفت. ستاد مزبور با حضور فرمانده وقت نیروی زمینی<sup>۱</sup> به فعالیت پرداخت و نظارت آن فقط بر صحنه‌های نبرد غرب دزفول بود و اشرافی بر سائز نیروهای عمل‌کننده در خوزستان نداشت. منطقه غرب اهواز توسط لشکر ۹۲ کنترل می‌گردید و منطقه خرمشهر در حیطه مسئولیت قرارگاه ارونند، که توسط پایگاه دریایی خرمشهر اداره می‌شد، قرار داشت، چون ستاد مقدم نیروی زمینی در آن استان فقط بخشی از نیروها را در خوزستان اداره می‌کرد. هماهنگی کامل بین نیروهای دفاعی منطقه ایجاد نشده بود. در آن روزها که دشمن وارد خاک جمهوری اسلامی ایران شده بود. تمام توجهات مسئولان نظامی بر بیرون راندن دشمن معطوف بود و کمتر کسی به عدم آمادگی و اصولاً عدم وجود نیروی لازم برای عقب راندن دشمن از خاک کشور توجه داشت، و همگان تحت تاثیر دو عامل حاضر به قبول حقایق موجود نبودند و فقط اصرار به حمله متقابل داشتند. این دو عامل عبارت بودند از:

\* فشار بیش از حد مسئولین برای اجرای حمله و بیرون راندن دشمن

\* تصور اینکه عدم حرکت دشمن به سمت دزفول صرفاً به دلیل خستگی و درماندگی می‌باشد نه مسائل دیگر.

به هر حال مسئولان تصمیم گرفته بودند که با ورود تدریجی نیروهای کمکی از سایر مناطق، یک طرح آفندی برای پاک کردن دشمن از مناطق اشغالی به اجرا درآورند. ولی اجرای این گونه طرح‌های تعجیلی، جز آنکه به استعداد و روحیه نیروهای تازه وارد لطمه وارد می‌آورد، نتیجه مهمی نداشت. بدین ترتیب در حالی که کلیه یگان‌ها وضعیت پدافندی اتخاذ کرده بودند، از روز هفتم مهرماه ۱۳۵۹ «مرحله کسب آمادگی» آنها آغاز شد. در این مرحله لازم بود که نیروها علاوه بر آمادگی جسمی، لجستیکی و سایر امکانات مادی، آمادگی معنوی و روحی لازم را به‌منظور آغاز عملیات تعرض کسب می‌کردند. مسئولین کشوری به تدریج با واقعیت‌ها آشنا شده و «مرحله کسب آمادگی» را برای یک اقدام قطعی پذیرفتند و از این زمان بود که اولویت امور کشور، به جبهه‌ها داده شد. پشتیبانی‌های لجستیکی و تهیه ابزار و تجهیزات آغاز گردید و سازمان‌های دولتی نیز به یاری جبهه و جنگ شتافتند. هم‌زمان با این فعالیت‌ها در جبهه‌ها نیز اقدامات لازم برای بازسازی، سازماندهی و آموزش رزمندگان به عمل می‌آمد. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و استقرار حکومت جمهوری اسلامی، در تهران، دو یگان عمده رزمی به عنوان احتیاط عمومی نیروی زمینی وجود داشت. یگان اول لشکر پیاده گارد بود که در پادگان‌های مختلف تهران استقرار داشت و ضمن داشتن عنوان احتیاط عمومی ارتش در حقیقت ماموریت حفاظت پایتخت را نیز به عهده داشت. [لشکر ۲ پیاده مرکز]

یگان عمده دیگری که در تهران مستقر بود، تیپ مستقل پیاده گارد با استعداد ۳ گردان پیاده و یک گردان تانک چیفتن بود و ماموریت اصلی این تیپ حفاظت از دربار و وابستگان آن بود این تیپ پس از پیروزی انقلاب، علی‌رغم خسارتی که در جریان انقلاب به آن وارد آمد، با استعداد بالایی که داشت تغییر نام داد و به نام لشکر ۱ پیاده تهران خوانده شد. با آغاز تحرکات ضد انقلاب و شورشیان کرد در اوایل سال ۱۳۵۸، لشکر ۲۸ پیاده سنندج و لشکر ۶۴ پیاده ارومیه با عناصر لشکرهای ۱ و ۲ پیاده تهران تقویت گردیدند. جنگ در کردستان موجب آن گردید که یگان‌های رزمی دو لشکر پیاده تهران تا پایان سال ۱۳۵۸ به کردستان اعزام و درگیر نبرد در جبهه‌های داخلی شدند، این دو یگان عمده در جریان انقلاب دچار خسارات زیاد شد، پرسنل آن کاهش یافته و کادر فرماندهی آن از هم‌پاشیده بود. ولی بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب، هم‌زمان با حرکت

به‌سوی ماموریت‌های داخلی شروع به بازسازی و تجدید سازمان کردند. در دهه سوم شهریور ۱۳۵۹ زمانی که تجاوز عراق به ایران حتمی تلقی گردید، ضرورت تقویت جبهه‌ها به ویژه خوزستان، باعث گردید که عناصری از لشکرهای ۱ و ۲ از کردستان رهاشده و به‌سوی مناطق جنوب اعزام گردند.

با توسعه تجاوز عراق، دو لشکر یادشده به تدریج از مناطق کردستان و سایر مناطق داخلی رهاشده و با وسایل زمینی و قطار به‌سوی خوزستان حرکت داده شدند و پس از استقرار در اندیمشک در یکدیگر ادغام شده و به نام لشکر ۲۱ پیاده (حمزه) خوانده شدند. تا ۱۵ مهرماه ۱۳۵۹ استقرار لشکر ۲۱ پیاده حمزه با ۶ گردان پیاده، یک گردان تانک و ۴ گردان توپخانه در خوزستان به پایان رسید و ماموریت یافت در کرانه شرقی رودخانه کرخه حوالی پل نادری مستقر و ضمن پدافند از ساحل شرقی رودخانه، برای جلوگیری از عبور احتمالی دشمن از پل‌های ثابت و متحرک حفاظت نماید. در آن تاریخ لشکر هنوز دو گردان سازمانی خود را که قبلاً به منطقه اعزام کرده بود زیرا امر نگرفته و دو گردان مزبور (۱۳۱ پیاده و ۱۴۱ پیاده) کماکان زیر امر لشکر ۹۲ در حوالی شوش مستقر بودند و دستورات خود را از قرارگاه آن لشکر دریافت می‌نمودند.

قبلاً اشاره شد که در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۵۹ قرارگاه مقدم نیروی زمینی در دزفول مستقر و از روز بعد فعالیت خود را آغاز نمود. اولین اقدام مهمی که بعد از استقرار این قرارگاه به عمل آمد، نظم دادن به پشتیبانی‌های آتش توپخانه در منطقه بود. تا قبل از آن، هیچ‌گونه سازمان رزمی صحیحی بر کار یگان‌های توپخانه نظارت نمی‌کرد. با ورود گروه ۵۵ توپخانه، این یگان از تاریخ ۱۶/۷/۵۹ طراحی و هدایت آتش توپخانه صحرائی را در منطقه غرب دزفول به عهده گرفت و همچنین با استقرار دو گردان توپخانه پدافند هوایی در منطقه به وضع آتش توپخانه پدافند هوایی سروسامانی داد.

هم‌زمان با رسیدن یگان‌های لشکر ۲۱ پیاده حمزه، ورود یگان‌های لشکر ۱۶ زرهی به اندیمشک نیز آغاز شد و یک گردان مهندسی رزمی از عناصر گروه ۴۱۱ مهندسی رزمی بروجرد نیز وارد منطقه دزفول گردید.

با افزایش دو لشکر پیاده زرهی و عناصر توپخانه و مهندسی در منطقه، طرح‌ریزی برای به‌کارگیری نیروها آغاز شد.

همانطوری که قبلاً نیز اشاره شد مسئولان نظامی جملگی مصمم به انهدام دشمن و یا بیرون راندن آن از خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران بودند. فرمانده نیروی زمینی

تقدم عملیات را در جبهه دزفول تشخیص داد و باهدف جلوگیری از قطع راه‌های مواصلاتی خوزستان به شمال کشور، تصمیم به اجرای تک به نیروهای دشمن مستقر در غرب رودخانه کرخه گرفته شد. ناگفته نماند که استقرار دشمن در زمینی نامناسب، عدم تحرک او پس از فرورفتن در داخل زمین و همچنین عدم عکس‌العمل او در مقابل تک متقابل یگان کوچکی از عناصر تیپ ۲ دزفول در تاریخ ۵۹/۷/۱۳ که منجر به عقب‌نشینی بیشتر دشمن گردیده بود، این فکر را تقویت می‌نمود که این عمل امکان‌پذیر است. نیروی زمینی قصد داشت پس از استقرار کامل دو لشکر ۲۱ و ۱۶ با به‌کارگیری آنها حمله را با قدرت هرچه بیشتر اجرا نماید. ولی به علت نرسیدن وسایل و تجهیزات سنگین لشکر ۱۶ زرهی و برای جلوگیری از به هدر رفتن وقت و احتمالاً جلوگیری از تقویت و یا حمله دشمن، تصمیم گرفته شد که تک نیروهای خودی فقط با لشکر ۲۱ پیاده حمزه اجرا گردد.

از اقدامات دیگری که در مورد سازماندهی صحنه عملیات به عمل آمد، فعال نمودن عناصر اطلاعاتی با اعزام گشتی‌های شناسایی در طول جبهه‌ها و شروع به گردش کار اطلاعات بود. ضمناً لشکر ۲۱ ماموریت داده شد تا با اعزام نیروهایی به غرب رودخانه نسبت به شناسایی از منطقه و اعزام گشتی‌های شناسایی و رزمی اقدام نماید. نیروهای عراقی با توان هرچه بیشتر به آتشباری خود بر روی یگان‌ها و تاسیسات صنعتی و شهری منطقه دزفول ادامه می‌دادند و در همان حال نیروهای ایرانی به تدریج با سازماندهی جدید قرارگاه‌ها، در جهت نظم و شکل بهتر نظامی حرکت می‌کردند. درخواست‌های پشتیبانی آتش توپخانه و درخواست‌های آتش هوایی از روال نامنظم خارج شده و روش متداول و اصولی را یافته بود، کما اینکه در عملیات تک محدودی که توسط دشمن در شب ۱۷ مهرماه انجام شد به علت هوشیاری رزمندگان و درخواست به موقع و صحیح آتش از چانل پشتیبانی آتش و سلسله‌مراتب فرماندهی تک دشمن دفع و تلفات زیادی به او وارد آمد.

پیشنهاد فرمانده نیروی زمینی در مورد اجرای عملیات تهاجمی ارتش ایران در منطقه غرب دزفول مورد تصویب مقامات قرار گرفت و برای اجرای این تصمیم، لازم بود که لشکر ۲۱ پیاده حمزه ضمن پدافند در سرپل‌های موجود در ساحل غربی رودخانه کرخه، اقدام به تک می‌نمود و دشمن را مجبور به عقب‌نشینی می‌کرد و پس از تصرف ارتفاعات علی‌گره زد و ابوصلیبی خات در صورت امکان به سمت غرب تک را ادامه می‌داد و عین خوش و تنگه برقازه را تصرف می‌نمود، این ماموریت در روز ۵۹/۷/۱۹ به فرمانده لشکر ۲۱

بخش دوم: نقل از کتاب تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان در سال اول جنگ ♦ ۲۵۷

حمزه به صورت شفاهی ابلاغ گردید و به نامبرده ۴۸ ساعت فرصت داده شد تا دستور را اجرا نماید. فرمانده لشکر با عنوان نمودن عدم آمادگی لشکر جهت اجرای ماموریت، فقط توانست مهلت دو روزه خود را به سه روز افزایش دهد.

در همین ایام اخباری از فعالیت دشمن واصل گردید که نیروهای ایرانی آن را قرینه‌ای بر تک و عبور از رودخانه تلقی کردند ولی در واقع دشمن با مطلع شدن از ورود یگان‌های جدید به منطقه و جابه‌جایی‌های موجود احیاناً داشتن جاسوس در مناطق عملیاتی، از عملیات تهاجمی قریب‌الوقوع نیروهای ارتش جمهوری اسلامی با خبر شده بود و جابه‌جایی‌های لازم یگان‌هایش را برای مقابله با عملیات آفندی نیروهای خودی به مورد اجرا گذاشت.

### ب- آخرین وضعیت نیروها قبل از آغاز تک ۵۹/۷/۲۳ لشکر ۲۱

عمق سرپل واقع در غرب پل کرخه بیش از ۳ کیلومتر نبود. در این سرپل تا تاریخ ۵۹/۷/۲۰، باقیمانده یگان‌های تیپ ۲ زرهی دزفول شامل عناصری از گردان‌های ۲۰۷ و ۲۵۶ تانک و گردان ۱۰۵ مکانیزه و گردان ۲۸۳ سوار زرهی به اضافه یک دسته پیاده هوابرد مستقر شده و پدافند می‌نمودند در این منطقه عناصری از نیروهای مردمی دزفول که بعداً هسته مرکزی سپاه پاسداران منطقه را تشکیل دادند نیز با نیروهای ارتش همکاری می‌کردند. عناصر باقیمانده گروه رزمی تیپ ۳۷ نیز در قسمتی از منطقه سرپل مستقر بودند. در غرب رودخانه، از پل نادری تا جنوب شوش، دو لشکر عراقی شامل ۱۰ زرهی و یک مکانیزه هر کدام با یک تیپ در خط پدافند می‌نمودند. منطقه‌ای که در مقابل سرپل وجود داشت با تیپ ۲۴ مکانیزه دشمن پدافند می‌گردید و بقیه یگان‌های لشکرهای متجاوز در عمق منطقه به بازسازی و تعمیر و نگهداری مشغول بودند. لشکر ۲۱ پیاده حمزه می‌بایست به انهدام این تیپ اقدام می‌کرد و هدف‌های اولیه یعنی تپه علی گره زد و ابوصلیبی خات را تصرف می‌نمود.

در تاریخ ۵۹/۷/۲۱ دو گردان ۱۳۸ و ۱۴۱ لشکر ۲۱ که قبلاً وارد منطقه عملیات شده و زیر امر لشکر ۹۲ زرهی قرار داشتند، مجدداً به لشکر ۲۱ واگذار شدند و به‌منظور تقویت آن لشکر، گردان ۲۹۱ تانک لشکر ۷۷ پیاده، منهای یک گروهان تانک که جدیداً وارد منطقه شده بود، نیز زیر امر لشکر ۲۱ قرار داده شد تا در عملیات آفندی غرب کرخه از آن استفاده نماید<sup>۱</sup>. لشکر ۲۱ پیاده، یک روز بعد از دریافت دستور عملیاتی از قرارگاه رده مقدم نیروی زمینی، دستور عملیاتی خود را در تاریخ ۵۹/۷/۲۱ صادر کرد.

۱ این تقویت‌ها و تمرکزات درحالی انجام می‌گرفت که دشمن در شب ۱۸ به ۱۹ مهر در حوالی مارد از رودخانه کارون عبور کرده و جاده اهواز-آبادان را قطع نموده بود.

### پ - چکیده طرح عملیات لشکر ۲۱ پیاده حمزه

(۱) تیپ ۳ لشکر، ماموریت داشت تا گردان پیاده از سرپل موجود، در مسیر ارتفاعات شمال غربی پل نادری، تک نماید و با احاطه جناح چپ دشمن تپه های شاوریه و علی گره زد (هدف های شیر و پلنگ) را به تصرف خود درآورد.

(۲) تیپ ۱ لشکر، ماموریت داشت با یک گردان پیاده و یک گروه رزمی تانک در محور سرپل - سه راه قهوه خانه به تپه ابوصلیبی خات (هدف بپر) تک کرده و آن را تصرف کرده و تأمین نماید. هم زمان در این محور، گردان سوار زرهی لشکر ماموریت داشت در امتداد کرانه غربی رودخانه پیشروی و جناح چپ لشکر را تأمین کند.

\* لازم به ذکر می باشد که اطلاعات اشاره شده از استعداد دشمن، قبل از طرح ریزی لشکر ۲۱ پیاده در دست نبود و استعداد آن خیلی کمتر تخمین زده شد. بر آن اساس طرح مانور تهیه گردیده بود. در حالی که به لشکر ۲۱ ماموریت آفندی داده شده بود به تیپ ۸۴ پیاده که در ارتفاعات شمالی دشت عباس استقرار داشت دستور داده شد که آماده باشد از مواضع اشغالی به سمت عین خوش (هدف سگ) تک نماید. ولی این تیپ آمادگی لازم را برای انجام عملیات تهاجمی نداشت. از طرفی تیپ ۲ دزفول و گروه رزمی ۳۷ نیز توان رزمی لازم برای شرکت در عملیات تهاجمی را نداشتند و به همین دلیل در عملیات آفندی لشکر ۲۱ حمزه، نقشی به جز پدافند از سرپل به آنها داده نشد. از آنجایی که قرارگاه رده مقدم نیروی زمینی نگران تک دشمن قبل از تک لشکر ۲۱ بود، به لشکر ۱۶ زرهی دستور آماده باش داده شد تا در صورت تهاجم دشمن با پدافند در ساحل شرقی رودخانه از عبور نیروهای عراقی از رودخانه کرخه جلوگیری نماید.

### ت - تک مختل کننده عراق در ۲۲ مهر ماه ۱۳۵۹

قبلا اشاره شد که اطلاعات واصله حکایت از حمله مجدد دشمن می کرد. این موضوع موجبات نگرانی قرارگاه رده مقدم نیروی زمینی ارتش را فراهم آورده بود. سرانجام عراق در ساعت شانزده و سی دقیقه روز ۵۹/۷/۲۲ با به کارگیری تیپ های ۴۲ زرهی و ۲۴ مکانیزه در خط و تیپ ۱۷ زرهی در احتیاط تک خود از دو محور آغاز کرد این دو محور دقیقا همان محورهایی بودند که لشکر ۲۱ پیاده در تدبیر آفندی خود پیش بینی کرده بود، تنها تفاوت آن در سمت اجرای حمله از غرب به شرق و هدف آن بیرون راندن نیروهای ایران از سرپل اشغالی در غرب پل نادری بود. نیروهای مدافع ایران در منطقه سرپل عناصر تیپ

بخش دوم: نقل از کتاب تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان در سال اول جنگ ♦ ۲۵۹

۲ دزفول، گردان سوار زرهی و گروه رزمی تیپ ۳۷ بودند که دستور داشتند تا آخرین نفس مقاومت نمایند. گروه ۵۵ توپخانه و گردان‌های توپخانه لشکر ۲۱ که تماماً در غرب رودخانه مستقر بودند و بالغ بر ۱۰ گردان توپخانه می‌شدند به پشتیبانی از یگان‌های مستقر در سرپل پرداختند و نیروی هوایی علی‌رغم فاصله کم بین نیروهای دو طرف با درخواست نیروی زمینی، پشتیبانی لازم را به عمل آورد، در نتیجه نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران با عنایت خداوندی، عزم راسخ خود را در مقابله با دشمن متجاوز نشان دادند. ارتش عراق که نتوانسته بود تا پایان روز، از تهاجم خود نتیجه‌ای بگیرد با فرارسیدن شب، به تک خود با شدت بیشتری ادامه داد.

سازماندهی در صحنه نبرد و انجام امور به طریق اصولی و تبعیت از سلسله‌مراتب فرماندهی، اولین نتیجه مطلوب خود را آشکار ساخت و بالاخره با مقاومت و ایثار جان‌برکفان ارتش در ساعت بیست و یک مورخه ۵۹/۷/۲۲ نیروهای متجاوز با تحمل تلفات و خسارت بسیار به مواضع اولیه خود مراجعت نمودند و فرمانده لشکر ۱۰ زرهی عراق در ساعت بیست و دو دستور متوقف شدن تک را صادر کرد.

### ث- اجرای عملیات آفندی لشکر ۲۱ پیاده حمزه در ۲۳ مه‌ماه ۵۹

با شکست تک مختل‌کننده نیروهای عراقی، مسئولین به میزان درصد موفقیت آفند لشکر ۲۱ پیاده حمزه بیشتر امیدوار شدند و عملیات روز ۵۹/۷/۲۲ عراق باعث شد که تیپ ۳ لشکر ۲۱ قبل از برنامه پیش‌بینی شده در پشتیبانی از یگان‌های سرپل از رودخانه عبور نماید و در ارتفاعات شمالی علی‌گه‌زد مستقر شود. بنابراین سمت حرکت و تک تیپ ۳ تغییر کرد و می‌بایستی تقریباً از شمال به جنوب تک می‌کرد.

عملیات آفندی لشکر ۲۱ به علت تراکم در عبور از پل‌های ثابت و شناور با یک ساعت تاخیر در ساعت هفت مورخه ۵۹/۷/۲۳ آغاز شد.

تیپ یک پیاده لشکر عملاً با زیر امر گرفتن گردان ۲۵۰ زرهی متشکل از تانک‌های چیفتن و گردان ۲۹۱ تانک لشکر ۷۷ و گردان ۱۳۱ در واقع به یک تیپ زرهی با قرارگاه تیپ پیاده تبدیل شده بود.

برابر طرح، این تیپ می‌بایستی با یک گردان زرهی در محور دهلران پیشروی کرده و تپه علی‌گه‌زد را از سمت شرق مورد تهدید قرار دهد و با یک گردان تانک دیگر روی محور سه‌راه قهوه‌خانه به سمت تپه ابوصلیبی خات حرکت و آن را تصرف نماید. تیپ ۳ پیاده نیز ماموریت داشت با سه گردان پیاده از ارتفاعات شمالی تپه بلتا و علی‌گه‌زد به سمت

جنوب تک نماید و قسمت غربی تپه علی گره زدر را تصرف کند.<sup>۱</sup> تیپ ۳ پیاده به علت باز بودن هر دو جناح و عدم آشنایی با منطقه و سایر مشکلات نتوانست هیچ‌گونه حرکتی به سمت هدف‌های واگذاری انجام دهد و لذا عملیات لشکر ۲۱ پیاده حمزه صرفاً به تک تیپ ۱ محدود گردید.<sup>۲</sup>

یگان‌های تانک تیپ یک، در حول محور پل نادری سه‌راهی قهوه‌خانه با پشتیبانی آتش شدید توپخانه به حرکت درآمدند. در لحظات اولیه، دشمن هیچ‌گونه عکس‌العملی از خود نشان نداد. یگان‌های تانک به تصور آنکه دشمن پس از تک مختل‌کننده روز قبل، منهدم شده و هنوز نتوانسته است پدافند خود را سازمان دهد و یا احتمالاً از منطقه عقب‌نشینی نموده است، بر سرعت حرکت خود افزودند و شاید در آن لحظه به سبب شوق تصرف هدف‌های واگذاری، ملاحظات تاکتیکی لازم در اتخاذ آرایش را از یاد برده بودند. به هر حال دو ستون از یگان‌های تک‌ور شش کیلومتر از پل نادری یعنی خط سرپل دور شدند و در حدود دو کیلومتری خط پدافند دشمن قرار گرفتند که آتش ضدتانک دشمن در ساعت هشت صبح بر روی تانک‌های در حال حرکت باز شد، هرچه فاصله یگان‌ها با خط مقدم دشمن نزدیک‌تر می‌گردید، حجم آتش‌های ضدتانک دشمن افزایش می‌یافت، دشمن دز آن روز تمامی جنگ‌افزارهای ضد رزه خود را در امتداد جنوب جاده دهلران به سمت شمال مستقر کرده بود و تانک‌های در حال حرکت به سمت تپه علی گره زدر از پهلو هدف قرار می‌داد. در ساعت نه صبح با پیشروی یگان‌های تانک بر حجم آتش دشمن افزوده شد و یگان‌های تک‌ور که انتظار چنین عکس‌العمل شدیدی را نداشتند و از آنجایی که اطلاعات صحیحی نیز از دشمن به آنها داده نشده بود، احساس کردند که در دام افتاده‌اند، آنگاه سراسیمه برای خروج از دام گسترده شده توسط دشمن تلاش نمودند.

زمین منطقه عملیات، منطقه باز و مسطحی بود که شیب آن از طرف نیروهای خودی به سمت دشمن بود و اگرچه زمین از نظر پدافندی برای نیروهای خودی مزیت فراوانی داشت و آنان را در یک موضع سرکوب نسبت به دشمن قرارداد بود، ولی همین زمین برای حرکت یگان‌های تانک، به صورت سالن سینمایی بود که پرده آن نسبت به سطح سالن در ارتفاع بالاتری قرار داشت و هرگونه حرکتی روی پرده در معرض دید تمامی تماشاگران حاضر در سالن بود و حرکت تانک‌ها در زمین باز، پرده متحرکی را در مقابل دید دشمن به وجود آورده بود، به ویژه آنکه، تانک‌هایی که بایستی به سمت تپه علی گره زد حرکت

۱ - مشابه ماموریتی که نصر ۲ در عملیات فتح‌المبین به عهده داشت و صد درصد موفق شد.

۲ - بدترین شرایط در ایجاد وحدت تلاش در یک نبرد.



می‌کردند، پس از عبور از خط سرپل به سمت غرب ادامه حرکت داده و مسیر حرکتشان تقریباً موازی جاده آسفالته دهلران در حدفاصل سه‌راه قهوه‌خانه تا تپه علی‌گره زد قرار داشت، لذا این یگان تانک با پهلوئی باز، خود را در معرض دید دشمن قرارداد و به‌طور صددرصد در مقابل آتش‌های ضدتانک دشمن که از قبل پیش‌بینی شده بود قرار گرفته بود. این حرکت غیراصولی، با عکس‌العمل شدید دشمن مواجه شد و تلفات و خسارت فراوانی بر جای گذاشت. پرسنل یگان‌های تک‌ور علی‌رغم شوق و علاقه‌ای که برای رسیدن به هدف داشتند ناگزیر به پراکندگی تن دادند و این پراکندگی باعث از هم‌گسیختگی یگان‌ها گردید.

در ساعت ده صبح لشکر ۲۱ گزارش نمود که تیپ ۱ و گردان سوار زرهی در حال محاصره و انهدام می‌باشند و در پیامی دیگر اعلام شد که تیپ ۱ در شمال جاده در فاصله ۴ کیلومتری سه‌راهی قهوه‌خانه زمین‌گیر شده و سه‌چهارم تجهیزات و پرسنل خود را از دست داده است، و باقیمانده آن در حال محاصره شدن می‌باشند. گروه رزمی ۲۹۱ تانک در فاصله بین سه‌راه قهوه‌خانه و رودخانه کرخه در داخل شیار عمیقی که توسط دشمن حفر شده بود متوقف شده و اکثر وسایل خود را از دست داد و تعدادی از خدمه تانک‌ها زخمی شده و حدود ۷ دستگاه تانک نیز به علت مجروح شدن خدمه و یا نیاز تعمیراتی در منطقه رها گردیده است.

در ساعت دوازده، فرمانده لشکر وضعیت یگان‌های درگیر را و خیم اعلام نمود و خواستار تدبیر فرمانده نیروی زمینی شد.

دستور فرماندهی قرارگاه رده مقدم نزاچا به یگان‌های منطقه بدین ترتیب بود که لشکر ۲۱ پیاده حمزه سعی نماید در موقعیتی که هست باقی بماند و تلاش در نگهداری سه‌راهی قهوه‌خانه نماید، به تیپ ۲ زرهی دزفول دستور داده شد، به هر نحوی پرسنل را در مواضع حفظ کند. و به لشکر ۱۶ زرهی دستور استقرار در کرانه شرقی رودخانه کرخه داده شد، در حقیقت با این دستور پیش‌بینی سه‌رده پدافندی در عمق به عمل آمده بود تا در صورتی که دشمن بعد از شکست دادن نیروهای تک‌کننده قصد تک‌ور عبور از رودخانه را داشته باشد با مقاومت‌های متوالی سه‌رده مواجه گردد.

لشکر ۲۱ پیاده حمزه پس از دریافت این پیام، پاسخ داد که موقعیت موجود برای اتخاذ وضعیت پدافندی مناسب نمی‌باشد و هر دو یگان تک‌ور تابعه تیپ ۱ در شرف انهدام بوده و در صورتی که نتوان تحت حمایت آتش‌های پشتیبانی، یگان‌ها را به عقب آورد، نابودی آنها حتمی است.

**\* آخرین پیام فرمانده لشکر ۲۱ حمزه به شرح زیر مخابره شد:**

«قسمت عمده نیروهای ما از بین رفته‌اند وضع گردان سوار زرهی نسبتاً خوب است دستور داده شد تا آخرین نفس بجنگد حتی تا آخرین نفر شهید شوند. اگر دستور دیگری هست بگویید من خود در خط مقدم هستم».

سرانجام تصمیم گرفته شد که لشکر ۲۱ پیاده حمزه تلاش نماید، یگان‌های خود را از محاصره خارج و در ارتفاعات شمالی منطقه (ارتفاعات خرولی) پدافند نماید. گردان سوار زرهی را که در امتداد رودخانه در عمق بیشتری پیش رفته بود مجدداً به عقب آورده و از محاصره نجات دهد. گفتنی است که محاصره عناصر گردان ۲۹۱ و به ویژه گردان سوار زرهی در اثر پاتک دشمن انجام نگرفته بود، بلکه گردان سوار زرهی و عناصری از گردان ۲۹۱ تانک با استفاده از فضای خالی بین جاده آسفالته سه‌راه قهوه‌خانه به چنانچه ورودخانه کرخه توسط دشمن اشغال نشده بود، پیشروی نموده و بین رودخانه و دشمن مستقر شده بودند که در واقع به‌نوعی، در محاصره قرار گرفته بودند. با توجه به مشکلات و بی‌نظمی‌های پیش آمده در نهایت به لشکر ابلاغ گردید که به غیر از عناصر زرهی بقیه یگان‌ها را در شرق رودخانه جمع‌آوری و مجدداً شروع به سازماندهی نماید. بدین ترتیب با تمامی وسایل و تجهیزات زرهی باقیمانده از یگان‌ها یک گروهان سازمان داده شد و گردان ۲۹۱ تانک که از وضعیت بهتری برخوردار بود در اختیار تیپ ۲ دزفول برای تقویت خط سرپل قرار گرفت و بقیه عناصر لشکر را به شرق رودخانه تغییر مکان دادند. و عملیاتی که نتایج آن درخشان پیش‌بینی شده بود، نتیجه معکوس داد و علاوه بر وارد شدن صدمات و خسارات، در کاهش روحیه پرسنل تاثیر وافر به‌جای گذاشت.

## پدافند لشکر ۲۱ پیاده در ۹ آبان ۱۳۵۹ به نقل از کتاب «تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان در سال اول جنگ» :

در روز چهارم آبان ماه طی دستور جدیدی، مقرر گردید لشکر ۲۱ پیاده حمزه مسئولیت پدافند از خط سرپل واقع در غرب پل نادری را به عهده بگیرد و تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ و گروه رزمی ۳۷ زرهی شیراز را رها سازد. این دستور در ساعت ۶ صبح روز هفتم آبان ماه به مورد اجرا گذارده شد. در این هنگام لشکر ۱۶ زرهی کماکان به عنوان احتیاط نیروی زمینی در پادگان دوکوهه مستقر بود.

لشکر ۲۱ پیاده در پایان روز هشتم آبان ماه دقیقاً مطلع گردید، دشمن قصد تک به منظور تصرف سرپل غرب رودخانه را دارد. بنابراین به محض دیدن اولین حرکات دشمن در ساعات اولیه بامداد نهم آبان ماه چگونگی به سلسله مراتب اطلاع داده شد و تمامی رده‌ها و یگان‌های پشتیبانی آتش آماده دفع تک متجاوز شدند.

### تک نیروهای عراق در نهم آبان ماه به منطقه سرپل نادری.

سازماندهی صحیح میدان رزم، تلاش و فعالیت عناصر اطلاعاتی در جمع‌آوری اخبار، اعزام گشتی‌های شناسایی و بالاخره مراقبت مستمر از منطقه، نتیجه خود را ۴۸ ساعت بعد از استقرار کامل لشکر ۲۱ در منطقه سرپل نشان داد و در پایان روز هشتم آبان ماه ۱۳۵۹ دقیقاً مشخص شد که دشمن قصد دارد به منطقه سرپل تک و نیروهای ایران را از غرب رودخانه بیرون نماید و کنترل پل نادری را در دست بگیرد.

لشکر ۲۱ و به ویژه یگان‌های تیپ ۱ پیاده که از عملیات روز ۲۳ مهرماه نتیجه مطلوب نگرفته بودند، تصمیم به گرفتن انتقام داشتند و وظیفه خود می‌دانستند که هر چه زودتر ضربه کاری و محکمی به دشمن وارد آورند و نشان دهند توانایی دفاع از میهن خود را دارند. در چنین شرایط و روحیه‌ای بود که دشمن، روز نهم آبان ماه تصمیم گرفت برای جلوگیری از تحکیم سرپل رودخانه کرخه، به نیروهای ارتش جمهوری اسلامی در منطقه سرپل تک نموده و نیروهای موجود در سرپل را منهدم کند.

در اثر ضعف حفاظت، دشمن از تمامی جزئیات جابه‌جایی و تعویض یگان‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران باخبر بود و می‌دانست نیروهایی که در منطقه سرپل

مستقر شده‌اند، همان عده‌هایی می‌باشند که دوهفته قبل با ناکامی مواجه شده و به عقب رانده شده‌اند. از طرفی دشمن متوجه این موضوع شده بود که، در صورتی می‌تواند در غرب رودخانه، وضعیت پدافندی مطمئن داشته باشد که نیروهای ایرانی مستقر در سرپل را مجبور به ترک آن نماید. با این ضرورت تاکتیکی، پس از یک ماه، دشمن متوجه اشتباه و غلط بودن نحوه گسترش نیروهایش در منطقه شده و تصمیم گرفته بود تا فرصت باقی است و منطقه سرپل مستحکم نشده یا توسعه نیافته است بر آن هجوم برده و در امتداد رودخانه مستقر گردد. اگر دشمن در این امر توفیقی می‌یافت مشکلات زیادی برای عملیات آتی نیروهای جمهوری اسلامی ایران به وجود می‌آمد. ارتش عراق برای تصرف سرپل از حداکثر توانایی خود بهره گرفت. طرح تک دشمن شامل به‌کارگیری تیپ‌های ۲۴ مکانیزه، ۴۲ زرهی و ۳۱ نیروی مخصوص بود (تیپ ۳۱ نیروی مخصوص جهت این عملیات به لشکر ۱۰ زرهی مامور شده بود).

### این عملیات در دو مرحله به شرح زیر طرح‌ریزی شده بود:

در مرحله یکم تیپ ۲۴ مکانیزه با تقویت یک گروهان کماندو و یک گروهان نیروی مخصوص، ماموریت داشت در جناح راست (جنوب) در کنار رودخانه به سمت پل نادری حرکت و قسمت جنوبی آن را تصرف نماید. تیپ ۳۱ نیروی مخصوص با گردان ۹ مکانیزه و تعدادی از نفربرهایی یگان‌های تیپ ۴۲ زرهی تقویت شده بود، ماموریت داشت که در جناح چپ (شمال) به سمت شرق تک نماید و قسمت شمال شرقی سرپل را تصرف کند، در مرحله دوم پس از رسیدن نیروهای پیاده به پل نادری، تیپ ۴۲ زرهی ماموریت داشت در منطقه سرپل حضور یافته و هرگونه پاتک احتمالی از طرف نیروهای ایرانی را منتفی نماید. نکته جالب طرح این بود که در مرحله اول هیچ‌یک از ادوات زرهی دشمن به‌منظور خنثی نمودن ادوات ضد زره نیروهای مستقر در سرپل وارد عمل نمی‌شد، ولی در مرحله دوم پس از خنثی شدن آنها توسط پیاده‌نظام، نیروی زرهی برای تحکیم هدف و تجدید سازمان و جلوگیری از هرگونه سقوط مجدد وارد عمل می‌شد و سریعاً خود را به منطقه سرپل می‌رساند. تک نیروهای متجاوز از پشتیبانی شدید آتش توپخانه برخوردار بود و برای ساعت چهار روز نهم آبان ماه طرح‌ریزی شده بود و به‌منظور کسب حداکثر غافلگیری دستور داده شده بود که نیروها با استفاده از تاریکی به طور آهسته و خیز به خیز خود را به نزدیکی نیروهای پدافندی در سرپل (موضع هجوم) برسانند. قبلاً گفته شد که با فعال شدن اقدامات ستادی، اخبار دقیقی از نقل انتقالات دشمن می‌رسید و عناصر اطلاعاتی

بخش دوم: نقل از کتاب تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان در سال اول جنگ ♦ ۲۶۵

دقیقا از ساعت و روز تک دشمن مطلع شده بودند و لذا لشکر ۲۱ با اطلاع و آمادگی روحی کامل در انتظار دشمن بود، تا بتواند با عمل دقیق و حساب شده‌ای زنگ خطر را در گوش او به صدا درآورد.

در منطقه غرب دزفول یگان‌های توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران آماده اجرای آتش بودند و تیپ ۳ همدان از لشکر ۱۶ برای حفاظت پل نادری در شرق آن مستقر شده بود تا در صورت نیاز به کار گرفته شود.

در روز هشتم آبان ماه نیروهای دشمن در غرب شوش تظاهر به تک نمودند، تا به این وسیله توجه لشکر و قرارگاه جنوب را به سمت شوش معطوف دارند، ولی لشکر و همچنین سایر رده‌های پائین تر به این تحرک توجهی ننمودند و تنها با اعزام یک تیم گروهانی از لشکر ۱۶ مبادرت به تقویت نیروهای جبهه شوش شد.

از ساعت یک و پانزده دقیقه بامداد نهم آبان ماه ۵۹ حرکات دشمن برای عوامل گشتی و کمین استراق سمع عناصر تیپ یک مشخص شد و مراتب سریعاً به رده‌های بالا گزارش گردید، در این ساعت، یعنی سه ساعت قبل از آنکه دشمن تک خود را آغاز نماید تمامی رده‌ها و یگان‌ها و آتش‌های پشتیبانی آماده دفع تجاوز دشمن بودند.

از ساعت چهار و سی دقیقه تا پنج و ربع صبح به مدت ۴۵ دقیقه آتش شدید توپخانه دشمن (آتش تهیه) بر روی منطقه سرپل و تمامی منطقه شرق رودخانه اجرا شد، شدت تراکم آتش بیش از حد بود به نحوی که نیروهای مستقر در منطقه را بیش از اندازه آسیب پذیر کرده بود. نوع گلوله‌هایی که در منطقه سرپل و عمق منطقه نیروهای ایرانی بر زمین اصابت می‌کرد، حکایت از این داشت که دشمن توپخانه سبک و حتی بخشی از توپخانه سنگین خود را تا پشت خطوط مقدم پدافندی به جلو آورده است.

تمامی منطقه از آتش دشمن پوشیده شده و رفت و آمد کلیه خودروهای نظامی و غیرنظامی در جاده اندیمشک - شوش - اهواز قطع گردیده بود. اجرای چنین حجم آتشی در منطقه کم سابقه بود و به همین دلیل مردم غیرنظامی وحشت زده شده و خود را به شهرهای اندیمشک و دزفول رساندند تا از آسیب آتش دشمن در امان باشند.

در پاسخ به آتش دشمن، توپخانه نیروهای ایران نیز علیه مواضع توپخانه دشمن شروع به اجرای آتش کردند که اجرای این آتش در همان آغاز تک عراق تلفات زیادی به نیروهای دشمن وارد آورد.

حرکت نیروهای مقدم دشمن از ساعت شش و نیم روز نهم آبان ماه ۱۳۵۹ آغاز گردید

و نیروهای پیاده با استفاده از شیارها و آبراه‌های موجود خود را به منطقه سرپل نزدیک نمودند، اشغال مواضع سرکوب توسط نیروهای ایرانی باعث شده بود که جزئیات حرکات نیروهای دشمن در تمام منطقه در معرض دید قرار داشته باشد و در نتیجه دیده‌بان‌های توپخانه با درخواست آتش به استقبال نیروهای مهاجم شتافتند. در خط سرپل از تمامی جنگ‌افزارهای پشتیبانی سازمانی یگان‌ها، مانند خمپاره‌اندازها استفاده شده بود.

فرمانده لشکر برای پوشش جناح راست منطقه سرپل تنها به اجرای آتش اکتفا ننموده و شب قبل، تنها احتیاط لشکر را که یک تیم گروهانی بود در پوشش آن جناح به کار گرفته بود. در ساعت هشت نیروهای عراقی کاملاً خود را در تمامی طول جبهه به جلو کشیدند برابر طرح دشمن، فشار در جناحین خط سرپل افزایش بیشتری داشت، بدین ترتیب یگان‌های مستقر در خط سرپل در نبردی نزدیک با دشمن درگیر شدند. نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران به علت محدودیتی که در اجرای مأموریت در منطقه داشت، ابتدا فعال نبود ولی با تقاضای لشکر و قرارگاه جنوب، از طریق مسئولین به نیروی هوایی دستور داده شد، تمامی تقدم‌ها به منطقه غرب دزفول داده شود. از این لحظه پرسنل مومن و فداکار پایگاه دزفول با همکاری دیگر پایگاه‌ها با تمامی توان به پشتیبانی از لشکر ۲۱ در غرب رودخانه کرخه پرداختند. شدت پشتیبانی نیروی هوایی به حدی بود که دشمن را از پشتیبانی هوایی خود محروم نمود زیرا با کسب برتری هوای محلی، توسط خلبانان نیز پرواز ایرانی، نیروی هوایی دشمن از فعالیت چشمگیر بازماند. خلبانان شجاع جمهوری اسلامی ایران که خطر را جدی تشخیص داده بودند با جسارتی بی‌مانند به داخل فضای مملو از آتش نیروهای عراقی پرواز می‌کردند.

حماسه ایثارگرانه و تلاش‌های مستمر پرسنل نیروی هوایی در منطقه غرب کرخه در آن روز واقعا کم نظیر بود. پرسنل هوانیروز نیز هر چه در توان داشتند در پیشگاه خداوند بزرگ به معرض نمایش گذاشتند و با پروازهای سینه‌مال و در سطح پایین از چپ و راست، متجاوزان عراقی را وادار به قبول تلفات سنگین کردند. توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران شگفتی‌ها آفرید و براساس طرح تنظیمی و با یک ارتباط صحیح و سریع به درخواست‌ها پاسخ داده شد. تمامی منطقه جلوی خط سرپل با آتش توپخانه پوشیده شده بود و روز روشن را برای نیروهای متجاوز سیاه کرده بود. تلاش‌های دسته جمعی نیروها که از ایمان به خدا و حقانیت خویش سرچشمه می‌گرفت، ثمرات خود را نشان داد و از ساعت ۹ صبح به بعد آرایش هجومی دشمن شکسته شد و آثار درهم‌ریختگی در

یگان‌های مهاجم مشاهده گردید و آهنگ پیشروی متجاوزان به سستی گرائید و از نظر تاکتیکی تک دشمن از دورافتاد. با توجه به این امر یگان‌های لشکر ۲۱ پیاده حمزه با اعتماد به نفس بیشتر و روحیه‌ای بالا به نبرد ادامه دادند. این روحیه در پیام فرمانده لشکر که می‌گفت: «جای نگرانی نیست، این لشکر جبران عملیات ۲۳ مهرماه را خواهد کرد» به خوبی نمایان بود. بقیه پرسنل لشکر نیز تا آخرین لحظه‌ای که شکست دشمن قطعی شد، از سنگر شرف و حیثیت خود دفاع کردند. در آن روز تاریخی که عملیات بر اساس اصول صحیح نظامی هدایت می‌شد، کمبوندها و کاستی‌های منطقه نبرد خود را نشان داد که توانست برای عملیات بعدی به عنوان تجربه بسیار خوبی مورد استفاده قرار گیرد. دشمن مجدداً از ساعت یازده با وارد کردن نیروهای جدید شروع به پیشروی نمود و گویا تصمیم گرفته بود و به هر نحو که شده تا پایان روز منطقه سرپل را از دست نیروهای ایرانی خارج نماید، لذا برای تقویت تک اصلی خود در جبهه شوش نیز به طور هم‌زمان به سمت رودخانه، نیروی قابل ملاحظه‌ای را به حرکت درآورد. با این عمل می‌خواست تهدید خود را برای عبور از رودخانه از دو محور شوش و پل نادری نشان دهد تا ضمن تجزیه نیروهای ایران، توجه آنها را از تمرکز بر روی پل نادری کم نماید. فرمانده عملیات نیروهای جمهوری اسلامی در منطقه که می‌دانست دشمن توان عبور از رودخانه را حداقل در شرایط موجود ندارد، فقط با اعزام نیرویی به استعداد یک گردان تانک از لشکر ۱۶ زرهی به جبهه شوش، تهدید او را خنثی کرد. با درک حیاتی بودن منطقه سرپل، سپاه ۳ عراق برای تصرف آن یک لشکر را به کار گرفته بود و با وارد کردن نیروهای تقویتی سعی داشت که تک خود را استمرار ببخشد، ولی نیروهای پیشروی کننده عراقی به محض حرکت و قرار گرفتن در تیررس نیروهای لشکر ۲۱ با آتش انبوهی که به خوبی تقسیم‌بندی شده بود مواجه شده و نابود می‌گردیدند.

دشمن تا ساعت هیجده آن روز، پنج بار کوشید که با وارد کردن نیروهای تازه نفس، در اجرای ماموریت خود توفیق یابد، ولی هر پنج بار با همان شیوه‌ای که گفته شد، از پیشروی بازماند.

نیروهای عراقی در ساعت هیجده و سی دقیقه، آخرین تلاش خود را به عمل آوردند تا یکبار دیگر شانس خود را در تاریکی بیامایند، ولی تحت روشنایی گلوله‌های منور یگان‌های ارتش جمهوری اسلامی و با اجرای انبوه آتش بازدارنده، یگان‌های دشمن مجبور به فرار شدند. بدین ترتیب با الطاف پروردگار و هدایت صحیح عملیات و دلاوری‌های

پرسنل نیروی هوایی و هوانیروز و همچنین رشادتهای جان برکفان نیروی زمینی، تک دشمن پس از دادن تلفات سنگین از دور افتاد، تا جایی که در ساعت بیست و دو تمام حرکتهای دشمن متوقف شد. از آن ساعت به بعد تنها صدای شلیک گلوله‌های توپخانه طرفین، در منطقه شنیده می‌شد.

پدافند جانانه آن روز چنان دشمن را در لاک دفاعی فرو برد و زمین‌گیر کرد که تا عملیات فتح‌المبین نتوانست در سرتاسر منطقه غرب دزفول تحرکی از خود نشان دهد، و لشکر ۲۱ پیاده حمزه که در واقع جبران شکست روز ۲۳ مهرماه را نموده و روحیه خود را بازیافته بود، شروع به تکمیل سازمان و بازسازی خود به‌منظور اجرای ماموریت‌ها و عملیات آتی نمود.



## قسمتی از مصاحبه روانشاد مرحوم سرتیپ ۲ ستاد سید علی اکبر موسوی قوبدل معاون عملیاتی لشکر ۲۱ حمزه\*

... در روز ۹ آبان ماه در سپیده دم اسیری را آوردند که فرمانده یکی از گردان های کاتیوشای بود. الان هم قیافه اش آشناست. یک افسر سیه چهره، دستهایش را بسته بودند. می لرزید و لبخند میزد. گفتم، چرا لبخند میزنی. گفت که ناراحت نیستم. گفتم چرا ناراحت نیستی؟ گفت، فرمانده لشکر دیروز در نشست که داشتیم به فرماندهان آخرین دستورات را داد. گفت که ۶۰ درصد تلفات را می پذیریم. فردا نهار را در دزفول خواهیم خورد. من میدانم که لشکر ما امروز تا ظهر در دزفول هست و من مشکلی ندارم و آزاد خواهیم شد و همه شما منهدم خواهید شد. خب لبخندی زدم، زیرا خیلی مطمئن بودم که پوزه دشمن بعضی را به خاک می مالیم.

در آن روز، نبردی سهمگین داشتیم. برای من طولانی ترین روز بود. در تمام مراحل مختلف، شکستش دادیم. این رزمندگان بزرگ، این مردان ایثارگر، به کرات شکست دادند به کرات نبردهای تن به تن در داخل سنگرها تکرار شد و نهایتاً ۸۰۰ کشته عراقی در سنگرها ریخته شد و با ۱۰۰۰ زخمی صحنه را ترک کرد. لشکر دشمن مسافت ۵۰ تا ۶۰ کیلومتر را در ۵ روز آمده بود، نتوانست ۴-۳ کیلومتر از رودخانه عبور کند. در ۱۳ ساعت نتوانست یک متر بیاید جلو. همین لشکر ۲۱ این کار را کرد.

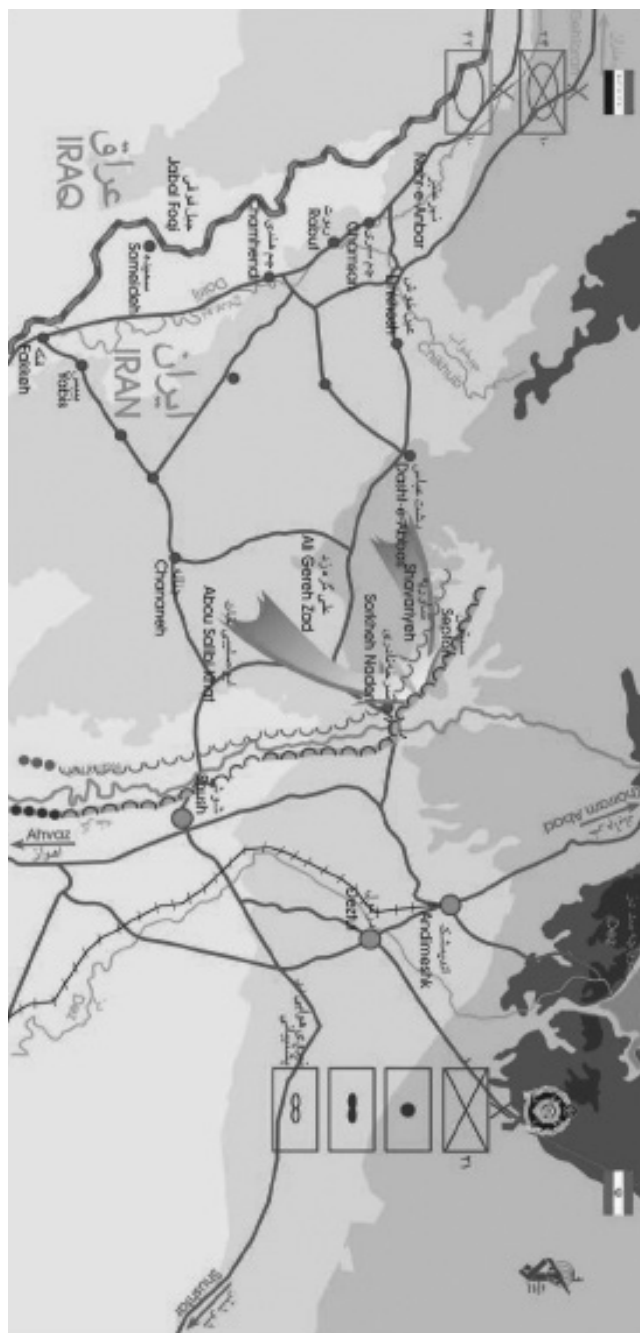
نتیجه درخواست من در آغاز جنگ که تمام لشکر را بفرستید به جبهه، چنین شد. ظهیرنژاد اعتقاد داشت گلوگاه منطقه خوزستان در دزفول هست. چون ۱۲ کیلومتر در شمال اندیمشک پلی است به نام پل حسینی که واقعا گلوگاه خوزستان هست و اگر دشمن آن را اشغال می کرد دیگر ارتباط دو استان خوزستان و لرستان به طور کلی قطع می شد.

---

\* این مصاحبه در تاریخ ۹۶/۱۰/۱۰ از شبکه سوم صدا و سیما در برنامه تاریخ شفاهی پخش مجدد شد و پخش اول در سال ۱۳۹۳ اجرا شده بود. برای دانستن بیشتر در باره اقدامات نیروهای خودی در آغاز متجاوز تا تثبیت دشمن از تثبیت دشمن تا اجرای عملیات فتح المبین به کتاب عملیات فتح المبین به قلم سرتیپ ۲ سید علی اکبر موسوی قوبدل که توسط انتشارات ایران سبز با حمایت هیئت معارف جنگ «شهید علی صیاد شیرازی»، در سال ۱۳۸۷ انتشار یافته، مراجعه شود.



تصویر ۱: عملیات آفندی پای پل کرخه ۵۹/۷/۲۳ برداشت از اطلس نبردهای ماندگار



تصویر ۲: عملیات پدافندی پای پل کرخه ۵۹/۸/۹  
برداشت از اطلس نبردهای ماندگار



## نمایه

ت	الف
تانک ام ۴۷ ۱۱۱، ۱۲۳، ۱۴۵، ۱۵۳، ۱۵۴	آبادان ۱۴، ۷۹، ۸۸، ۹۳، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۲۲، ۱۳۵، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۵، ۱۶۵
تانک چیفتن ۱۸، ۷۱، ۷۲، ۸۳، ۱۳۱، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۵۰	۲۵۷، ۱۷۵، ۱۷۴، ۱۷۳
۲۵۴، ۱۵۴	آبدانان ۸۴، ۹۰، ۱۱۵
تیپه چشمه ۲۱، ۹۷، ۱۴۷، ۱۶۷، ۲۲۷	آبشناسان، سرهنگ ۲ ستاد ۴۴، ۴۶
تیپه‌های اسکندرخان ۱۴۸	آذربایجان ۲، ۳
تنومه ۱۲۲	ارتفاعات ابوصلیبی خات ۲۲
تهران ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۱۰، ۲۸، ۳۹، ۷۱، ۸۰، ۸۳، ۹۶	ارتفاعات علی‌گروه‌زد ۱۹، ۲۰، ۴۲، ۴۶
۹۸، ۱۰۵، ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۳۶، ۱۵۸، ۱۶۲	اروندرو ۵
۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۵، ۲۲۳	اسدزاده، سرگرد زرهی ۷۲، ۱۱۶، ۱۸۸
۲۵۴، ۲۴۶، ۲۲۵	اسکندرخان، ارتفاعات ۱۴۸
توکلی، سرگرد ۸۳، ۲۲۵	امین، سرهنگ ستاد ۹۴، ۱۱۲، ۱۳۹
تیپ ۱ لشکر ۲۱ ۱۳۰	اندیشک ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۸، ۵۳، ۵۵، ۵۸، ۹۸، ۱۰۲
تیپ ۲ لشکر ۹۲ ۱۸، ۱۹، ۳۲، ۵۴، ۷۱، ۱۲۷، ۱۴۷	۱۱۴، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵
۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۴، ۱۶۵	۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۵۵
تیپ ۳ لشکر ۲۱ ۲۱، ۴۶، ۱۵۳، ۱۶۷، ۲۵۹	۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۷۹
تیپ ۵۵ هواپرد ۹۷	۱۸۵، ۱۹۲، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۴۴
تیپ ۸۴ پیاده ۱۱۵، ۲۵۸	۲۴۷، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۶۵، ۲۶۹
تیپ گرگان ۱۶۳	اهواز ۵، ۲۲، ۴۷، ۵۱، ۷۱، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۳، ۸۴
ج	۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۳، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۸
جابری پور، سرگرد ۸۳، ۱۸۸	۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۳۵، ۱۴۱
چ	۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۱، ۱۵۵، ۱۶۵، ۱۷۲
چمران، دکتر ۱۹۰	۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۹۱، ۲۳۲، ۲۴۴، ۲۴۸
ح	۲۵۳، ۲۵۷، ۲۶۵
حاج حیدری، ستوان ۲۱۲	ایستگاه رادار ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۳۵، ۴۲، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۳۸
حسینی، سید یعقوب، سرهنگ ۱۰، ۱، ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۰	ایلام ۹۴، ۱۰۹، ۱۷۷
۱۶، ۴۸، ۶۱، ۶۸، ۷۹، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶	ب
۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۲	بسیج عشایر ۱۱۰
۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳	بصره ۵، ۱۱۲، ۱۲۲
۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۵۲	بهمن شیر ۸۸، ۱۷۴، ۱۷۵
۱۵۵، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۸۴، ۲۰۸	پ
حشمت‌الله، زمانی، سرهنگ ۲ ۳۷	پای یل کرخه ۱۸، ۴۷، ۵۳، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۴۳، ۱۵۱
حقیقی، جواد، ستوانیکم ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۳۷، ۱۳۸	۱۷۸
حمرین، ارتفاعات ۲۳، ۱۲۲	پایگاه چهارم دزفول ۱۰۴
خ	پل فلزی ۲۱، ۴۵، ۴۶، ۵۳، ۷۲، ۱۲۲، ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۵۷
خرمشهر ۵، ۱۴، ۷۸، ۷۹، ۸۳، ۸۸، ۹۳، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲	۱۶۴، ۲۳۷، ۲۴۲، ۲۴۸
	پورموسی، سرهنگ ۹۵

۶۰، ۶۶، ۶۸، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۸، ۹۱، ۹۴، ۱۰۲،  
 ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴،  
 ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱،  
 ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۵،  
 ۱۵۶، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۲،  
 ۱۸۹، ۱۹۴، ۱۹۷، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۳۶، ۲۳۷،  
 ۲۳۹، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۲،  
 ۲۶۳، ۲۶۶

ز

زنجان ۱، ۲، ۳، ۱۲۴، ۱۳۱، ۱۴۱  
 زندی، سرگرد ۲۲۱

س

سپتون ۲۰، ۲۱، ۶۱، ۱۴۵، ۲۰۷، ۲۰۹،  
 سرخه صالح ۲۰، ۱۰۹، ۱۱۴، ۱۹۶، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲،  
 ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۲۳  
 سرخه فیله ۱۱۴، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴  
 سرخه فیلیه ۲۰، ۱۰۹  
 سرخه نادری ۲۰  
 سلیمانجاده، بهروز، سرهنگ ۱۹۶، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۹،  
 ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۳،  
 ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۱  
 سه راهی رادار ۲۰، ۲۲، ۸۶، ۸۸، ۹۱، ۱۸۴، ۲۱۷،  
 سه راهی قهوه خانه ۹۸، ۱۰۰، ۱۸۳، ۱۸۹، ۲۰۵،  
 سوسنگرد ۷۸، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۲۲، ۱۷۵، ۱۷۶

ش

شهپازی، امرالله، سرهنگ ۶۱، ۶۵، ۷۰، ۷۱، ۸۳، ۹۲،  
 ۱۱۷، ۱۲۴، ۱۵۳، ۱۸۸  
 شهرک بابک ۱۰۲، ۱۱۹، ۱۵۲  
 شوروی ۲، ۵  
 شوش ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۵، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۵، ۷۱،  
 ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۹۴، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۲۲، ۱۲۳،  
 ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۰،  
 ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۳،  
 ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۸۹،  
 ۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۱۱، ۲۲۰، ۲۲۱،  
 ۲۲۵، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۵۳، ۲۵۵،  
 ۲۵۷، ۲۶۵، ۲۶۷

ص

صارم پور، سرگرد ۲۲۰

۱۰۷، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۳۵، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۵۱،  
 ۱۵۵، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۹۱، ۲۵۳  
 خوزستان ۵، ۶، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۸، ۵۷، ۷۱، ۷۲،  
 ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۸، ۹۲، ۹۴، ۹۸، ۱۰۰،  
 ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶،  
 ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۵۷،  
 ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲،  
 ۱۹۸، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۷، ۲۵۳، ۲۵۶،  
 ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۶۹

خوشدل، جعفر، سرگرد ۲۲۹، ۲۳۹

د

دانشکده افسری ۴، ۱۷۵

دبیرستان نظام ۳، ۴

دزفول ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۹، ۴۰، ۴۱،  
 ۴۲، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۸،  
 ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱،  
 ۷۲، ۷۳، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۸۷، ۸۸،  
 ۹۰، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳،  
 ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱،  
 ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰،  
 ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸،  
 ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۸،  
 ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۹،  
 ۱۵۱، ۱۵۵، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۷۳،  
 ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲،  
 ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۸، ۲۰۹،  
 ۲۱۶، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۲،  
 ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷،  
 ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹

دشت میشان ۶

دهلران ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۳۲، ۴۶، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۷۱،  
 ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۹۴، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۳،  
 ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۷،  
 ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۹،  
 ۱۷۷، ۱۸۲، ۱۸۹، ۲۲۰، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۰،  
 ۲۴۷، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱  
 دوسلک ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۳، ۳۳، ۳۵، ۴۲، ۶۶، ۷۱، ۱۰۴،  
 ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۶۴،  
 ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۸۰، ۱۸۶، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷

ر

رودخانه کرخه ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۳۲،  
 ۳۳، ۳۷، ۴۳، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۵، ۵۶، ۵۸

ک

کانال هندلی ۱۶۷، ۱۸۳، ۱۸۷، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۳۵،  
۲۴۵  
کوت کابین ۱۹۴، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۴۱  
کیهان زاده، سروان ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱

گ

گردان ۱۰۵ مکانیزه ۱۸، ۲۸، ۲۵۷  
گردان ۱۳۱ پیاده ۲۷، ۳۴، ۴۹، ۱۵۳، ۲۲۶، ۲۲۹  
گردان ۱۳۵ پیاده هوابرد ۱۱۵  
گردان ۱۳۸ پیاده ۲۷، ۳۴، ۴۹  
گردان ۱۴۱ پیاده ۲۷، ۳۴، ۴۹  
گردان ۱۴۴ پیاده ۲۷، ۳۴، ۴۲، ۵۰، ۱۵۵  
گردان ۱۴۸ پیاده ۱۴۱  
گردان ۱۶۹ پیاده ۲۷، ۴۹، ۱۷۱  
گردان ۱۷۱ پیاده ۲۷، ۳۴، ۴۲، ۴۹  
گردان ۱۷۴ پیاده ۲۷، ۴۲، ۴۹  
گردان ۲۰۷ تانک ۲۸، ۶۹  
گردان ۲۴۲ تانک ۲۷، ۴۹، ۲۰۲، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۹  
گردان ۲۴۳ ۲۱۱، ۲۳۳  
گردان ۲۵۰ ۲۵۹  
گردان ۲۵۶ تانک ۲۸، ۶۹  
گردان ۲۸۳ سوار زرهی ۱۸، ۲۸، ۶۶، ۸۰، ۱۴۷، ۲۵۷  
گردان ۳۱۳ توپخانه ۲۷، ۳۶، ۴۹، ۵۱  
گردان ۳۲۳ توپخانه ۲۷، ۳۴، ۳۶  
گردان ۳۲۷ توپخانه ۲۷، ۳۴، ۳۶، ۴۲، ۴۳، ۴۹، ۵۱  
گردان ۳۴۷ توپخانه ۲۷، ۳۴، ۴۹، ۵۱  
گردان ۳۵۰ توپخانه ۲۷، ۳۴، ۴۹، ۵۱  
گردان ۳۵۳ ۲۷، ۳۴، ۴۹، ۵۱  
گردان ۳۹۷ توپخانه ۲۷، ۳۴، ۴۹، ۵۱  
گردان ۴۵۵ مهندس ۲۷، ۴۹، ۵۰، ۵۱  
گردان ۴۶۵ مخابرات ۲۷، ۳۴، ۵۰  
گردان آماد و ترابری ۲۷، ۳۴، ۵۰  
گردان بهداری ۲۷، ۳۴، ۴۰، ۵۰  
گردان نگهداری ۲۷، ۳۴، ۵۰  
گروه ۵۵ توپخانه ۱۸، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۵۴، ۶۱، ۸۰، ۹۸،  
۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۲۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ۲۵۵،  
۲۵۹

گروه رزمی ۳۷ زرهی ۲۸، ۹۷، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۴۲، ۱۴۷،  
۱۹۱، ۲۶۳  
گروه رزمی ۳۷ شیراز ۱۸  
گروه رزمی ۳۸ ۱۱۶، ۱۹۱

ط

طاهری، محمد، ستوان ۱ ۹۸، ۱۰۰  
طرح عملیاتی شهباز ۶

ظ

ظهیرنژاد، سرتیپ ۷، ۵۴، ۶۱، ۸۳، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱،  
۱۰۹، ۱۱۵، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۵۲، ۱۸۴، ۲۲۵،  
۲۲۶، ۲۳۲، ۲۳۸، ۲۴۹، ۲۵۳، ۲۶۹

ع

عراق ۴، ۵، ۶، ۷، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۵۵، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۸۸،  
۱۰۲، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۳،  
۱۲۴، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱،  
۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۸،  
۱۷۹، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۳،  
۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۹،  
۲۴۵، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۸،  
۲۵۹، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۷  
عشقی، سرگرد ۲۲۰  
عمار ۱۲۲، ۱۲۳

عین خوش ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۹، ۴۲،  
۴۵، ۴۶، ۴۷، ۵۵، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۸۴، ۱۰۹،  
۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۴۰،  
۱۴۴، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۸۰، ۱۸۶، ۲۰۰،  
۲۲۴، ۲۲۷، ۲۵۶، ۲۵۸

غ

غرب کرخه ۲۱، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۶۵، ۱۷۳،  
۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳،  
۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۵،  
۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳،  
۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۷،  
۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۳۹، ۲۴۰،  
۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۶۶

ف

فکه ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۶۳، ۱۶۴

ق

قاسمی، سرهنگ ۷۱، ۱۷۵، ۱۸۹  
قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر ۶  
قزوین ۱، ۲، ۳، ۱۲۴، ۱۳۱، ۱۴۱

۲۷۶ ♦ لشکر ۲۱ در آفند و پدافند ۱۳۵۹

۲۶۸, ۲۶۶, ۲۱۷, ۲۰۱

گروه رزمی ۲۹۱ تانک ۱۸, ۲۷, ۳۴, ۳۵, ۳۶, ۱۰۱,  
۱۲۸, ۱۳۰, ۱۴۵, ۱۴۸, ۱۴۹, ۱۵۰, ۱۵۱,  
۲۶۱, ۲۲۷

ل

لشکر ۱ پیاده ۱۹, ۱۶۲, ۲۵۴  
لشکر ۲ پیاده ۲۵۴, ۱۶۳  
لشکر ۱۶ زرهی ۱۹, ۲۸, ۴۷, ۵۰, ۵۳, ۵۴, ۶۰, ۶۸,  
۱۲۸, ۱۳۱, ۱۳۳, ۱۴۱, ۱۴۸, ۱۴۹, ۱۵۲,  
۱۵۴, ۱۵۹, ۱۶۵, ۲۵۵, ۲۵۶, ۲۶۱,  
۲۶۷, ۲۶۳  
لشکر ۶۴ پیاده ۲۵۴  
لشکر ۷۷ پیاده ۱۸, ۱۳۱, ۲۵۷  
لشکر ۹۲ زرهی ۱۸, ۱۹, ۲۸, ۳۲, ۵۴, ۶۴, ۷۱, ۷۲,  
۸۳, ۱۰۱, ۱۱۵, ۱۲۲, ۱۲۷, ۱۲۸, ۱۴۲, ۱۴۷,  
۱۵۰, ۱۵۱, ۱۵۲, ۱۵۳, ۱۵۴, ۱۶۴, ۱۶۵, ۲۵۷  
لشکر اصفهان ۴

م

ماهشهر ۱۵۵, ۱۷۵, ۱۹۰  
مرادیان، سرگرد ۸۹, ۹۱  
مراغه ۵, ۶  
معین وزیری، نصرت الله، سرتیپ ۲ ۲۵۳  
ملک نژاد، سرهنگ ۶۷, ۷۲, ۷۶, ۸۰, ۸۷, ۹۰, ۱۰۰,  
۱۱۱, ۱۲۴  
مورموری ۹۴, ۱۷۷  
موسیان ۱۴۰, ۱۶۴, ۱۷۷  
میرانی، سرهنگ ۱۱۰

ن

نیروی مخصوص ۱۰۲, ۱۱۰, ۱۱۴, ۱۷۸, ۲۰۰, ۲۶۴  
نیروی هوایی ارتش ۱۴, ۱۸

و

ورشو ساز، سرهنگ ستاد ۱۶۶

ه

هاشمی، سید علی اکبر، سرگرد ۲, ۱۱۰  
هفتگل ۶  
همدان ۱۳۱, ۱۴۱, ۲۶۵  
هوانیروز ۱۸, ۳۳, ۸۲, ۹۶, ۹۸, ۱۰۱, ۱۰۴, ۱۱۳, ۱۲۰,  
۱۴۳, ۱۵۵, ۱۵۶, ۱۶۵, ۱۶۷, ۱۷۶, ۱۹۶